بیاد محبوب

باکمال عجز وانکسار بعتبهٔ مقدسه سامیهٔ مولای محبوب و بهیتا
حضرت غصن ممتاز شوقی افندی ربانی روحی لارقائه الفداء تقدیم میشود

ذکرالله خادم

مؤسسه علمی مطبوعات امری
۱۳۱ بدیع

هو الله

حمداً لمن صان هیکل امره بدرع المیثاق عن سهام الشبهات
وحمی حمی شریعته السمحاء ووقی محجته البیضاء بجنود عهوده
من هجوم عصبة ناقضة وثلة هادمة للبنیان وحرس الحصن
الحصین ودینه المبین برجال لا تأخذهم لومة لائم ولا تلهیهم تجارة
ولا غرة ولا سلطة عن عهد الله وميثاقه الثابت بآیات
بینات من أثر القلم الاعلی فی لوح حفیظ والتحیة والثناء
والصلاة والبهاء علی اول غصن مبارک خضل نضیر ریان من السدرة
المقدسة الرحمانیة منشعب من کلتی الشجرتین الربانیتین وابدع
جوهرة فریدة عصماء تتلألأ من خلال البحرین المتلاطمین ...
وعلی الذین آمنوا واطمئنوا وثبتوا علی میثاق الله واتبعوا النور
الذی یلوح ویضیئ من فجر الهدی من بعدی الا وهو فرع مقدس
مبارک منشعب من الشجرتین المبارکتین طوبی لمن استظل فی ظله
الممدود علی العالمین .

---

۱ قسمتی از خطبه اولیه الواح مبارکه وصایا

بسم ربنا البهی الابهی

چونکه گل رفت وگلستان درگذشت
نشنوی دیگر ز بلبل سرگذشت

آیا هنوز پس از مضیّ[1] یك سنه از فراق مولای محبوب وبیهمتا حضرت ولی امرالله شوقی افندی ربانی روحی و ما اعطانی ربی لعظلومیته ولرمسه الاطهر فداکه بحکمت بالغه الهیه آهنگ ممالك اخری وملاء اعلی فرمود واین ذلیلان بینوارا دردمند ویتیم ونالان دراین محنتکدهٔ تراب باقی گذارد بخود آمده ایم و موقع آن فرارسیده است که بدانیم چه مصیبتی بر ما وارد گشته و بفرمودهٔ حضرت عبدالبهاء چهٔ ابدع جوهرة فریدة عصماء " ودّر یتیمی را ازدست داده ایم

غصن مبارك ربّانی و نور طالعی که از " فجر هدی " بعد از حضرت مولی الوری لائح ومضیئی گشت و بر حسب نصوص مبارکش آفاق جهان را الی معزّالدّهور والاعصار متلئلاء فرمود نوری که برممالك و بلاد وجزایر واقیانوسها وبحار و براری واتلال و سموات و ارض پرتو افکند و تلئلؤ وجه مبارکش تا جهان باقی است و جمال قدم برعرش عظمت و جلال مستوی درسراسر جهان لائح ومضیئی خواهد بود واز آنرو دراین کور اعظم که " فخر اعصار و قرون " است ودرجمیع کتب سماوی

۱ــ قسمتهائی ازاین اوراق یکسال پس ازصعود مبارك بصورت یك رشته مقالات درتحت عنوان " ساعتی بیاد محبوب " دراخبار امری انتشاریافت .

بذکری فوق اذکار مذکور بلسان نبیّین ومرسلین این یوم اعظم الهی را ظلمت شب دربی نباشد . نوری که منبع و مطلعش د و ظهور امنع اعز صمدانی ، " بهاء الارضین[1] والسموات " (جمال اقدس ابهی) و " نوره الذی[2] لا یفوت " (حضرت رب اعلی) بوده و بمصداق کریمهٔ مبارکه "[3]مرج البحرین یلتقیان " بفرمودهٔ حضرت عبدالبهاء این جوهر ابدع فرید عصماء و فرع مقدس از خلال بحرین متلاطمین و شجرتین ربانیتین متلئلاء و منشعب گشت .

آه آه عما قضی و امضی که این نور سموات علی و مصباح ملاء اعلی از مشکاة ناسوت صعود فرمود و در زجاجهٔ ملکوت پرتو افشان گشت از محن و آلام این جهان برهید و همچنانکه جمال اقدس ابهی تضرعات حوریهٔ بقا " الی م اودعتَ نفسك بین هولاء . . . اقصد ممالكك الاخری المقامات التی ماوقعت علیها عیون اهل الاسماء " را درلوح رؤیا اجابت فرمودند قصد ممالك اخری فرمود . نور بصر بالمرّه از دیده رخت بر بست و سرشك خونین و دم حمراء از عیون وقلوب اهل بهاو اصحاب سفینهٔ حمراء جاری گشت

---

١ ــ لوح مبارك ١٠٥

٢ــ توقیع حضرت رب اعلی خطاب به محمد شاه .

٣ ــ سوره الرّحمن قرآن مجید

بساط احزان گسترده شد و انجم وعلائم سرور از صفحهٔ روزگار محو گردید .

(این نور الهی همان نوری بود که بر حسب مشیّت مطلقه صمدانی در علم الهی مکنون و مقدّر بود که در این ظهور امنع اقدس اعز اعلی پس از غصن اعظم بهاء بر جهان وجهانیان طالع شود ودر کتب و صحف قیّمهٔ سماوی در بشارت این یوم عظیم اشاره به تلئلؤ این نور گردید تا بر خلق مدهوش ثابت شود که آن طلعت ربانی و ودیعهٔ الهی اگرچه بر حسب ظاهر بقلم معجز شیم سرّالله الاعظم حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا منصوص گردیده بود ولی درخزینهٔ علم الهی از هزاران هزار سال قبل بل از اول لا اول له در صدف سرّ مستور بود و مقدر ومحتوم که در میقات معلوم این لؤلؤ ۷۷ باقتضای حکمت الهی نورافشانی فرماید) :

از جمله این نبوات بشارتی است که فاضل ارجمند جناب اشراق خاوری از حضرت اشعیاء بانقل لوح مبارک حضرت عبدالبهاء که درجواب سئوال یکی ازاماء الرحمن غرب درسنه ۱۹۰۲ میلادی نازل شده و یکی دو جمله از بیانات شیخ محی الدین که صراحت بنام نامی مبارک دارد

در رسائل "ایام مبارک تسعه" نقل نموده اند :

"و نیز میس اف دری تون Miss F . Drayton از احبای غرب ازحضورمبارک حضـرت عبدالبهاء جل ثنائه مطلبی سئوال کرد و رجای جواب صریح نمود وآن سئوال این بود که در سفـر یازدهم کتاب اشعیای نبی در ضمن بشارت بظهور مبارک مسطور است " و نهالی از تنهٔ یسی بیرون آمده شاخه ئی از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند برآن قرار خواهد گرفت یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند" مـا میدانیم که مقصود از تنهٔ درخت و غصنی که از ریشه آن منشعب میشود حضرت فرع منشعب ازاصل قدیم و قویـم یعنی حضرت عبدالبهاهستند و تا آخرآیه پنجم بـاب مزبور اوصاف و نعوت باهرهٔ حضرت فرع منشعب اسـت بعداً درآیهٔ ششم ازهمان باب میفرماید : "گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابیـد و گوساله و شیر و پرواری باهم و طفل کوچك آنهارا خواهد رانـد" ما میدانیم که مقصود ازآشتی ومصالحـت درندگان و چرندگان اتحاد واتفاق وحصول محبت ودوستی بواسطه امرمبارك در بین طوائف مختلفه و افراد متباغضـه

است و این مطلب راهم واضحاً مشهوداً مشاهده میکنیم که در دورهٔ غصن منشعب افراد متخاصمه در ظل امرالله باهم دوست و موافقند و تا اینجاهم بشارتهای حضرت اشعیا را بالعیان می بینیم فقط میخواهیم یك مسئله را که درضمن آیه ششم مندرج است و نفهمیده ایم از محضرمبارك سئوال کنیم و آن مطلب این است که بر حسب فرمودهٔ حضرت اشعیای نبی در دورهٔ غصن برومند و فرع منشعب از اصل قدیم باید زمامدار آینده اهل ایمان و مرجع پیروان یزدان بسن طفولیت موجود باشد زیرا میفرماید " طفل صغیری زمامدار آنها است " اکنون سئوال ما این است که آیا آن طفل صغیر حال موجود است یا نه و آن بزرگواری که در دورهٔ غصن منشعب طفل صغیر است و بعداً زمامدار و مرجع اهل ایمان خواهد شد آیا در عرصهٔ شهود مشهود گردیده است ؟ زیرا بنابه نبوات حضرت اشعیای نبی باید آن وجود مبارك الآن موجود و طفل صغیری باشد . در جواب این سئوال لوحی از قلم مبارك حضرت عبدالبهاء جل ثنائه صادر گردید و میفرمایند آری آن طفل اینك موجود است و زمانی آید که آثارش ظاهر و انوارش ساطع گردد وموجب حیرت جهانیان شود وآن لوح مبارك این است :

قوله العزیز:

هـــوالله

یا امة اللّه انّ ذلك الطفل مولود و موجود سیکـــون له من امره عجب تسمعین به فی الاستقبال وتشاهدینه باکمل صورة و اعظم موهبة و اتم کمال و اعظم قوة و اشـّد قدرة یتلئلاء وجهه تلاءلوء یتنوّر به الآفـاق فلا تنسینی هذه الکیفیة مادمتِ حیّاً لانّ لها آثار علی مرّالدّهور والاعصار وعلیكِ التحیّة والثنّـــاء ع ع "

(این لوح مبارك بخط مرحوم علی اکبر میلانی علیه رضوان الله باوسائل فوتوغرافی منتشر شده واین کیفیت هم درحاشیه آن لوح منیع باین نحو درج گردیده است :

" درسنه هزارونهصد ودو میلادی که ۲۱ سال قبل باشـــد یکی ازاماء الرحمن امریکا ازحضور مبارك حضرت عبدالبهـــاء روحی لرمسه الاطهرفدا سئوال مینماید ازقراریکه ما ازکتب آسمانی استخراج کرده ایم بعد از حضرت عبدالبهاء ولـــّی امرالله نفسی خواهد بودکه الآن طفل است و موجود اســـت آیا این طوراست این لوح مبارك درجواب سئوال مشارالیها نازل شده است ")

درلوح دیگری که حضرت مولی الوری جلّ ثنائه مدتها قبل از صعود بافتخارسه نفرازاحبای ایران که درخصوص مرجع اهل بهاء

بعد ازصعود سئوال نموده بودند نازل فرموده اند باین معنی اشاره شده و مولای قدیر و بیهمتا حضرت ولی امرالله تعالی شأنه در رسالهٔ منیعه مبارکه (دور بهاءالله)

Dispensation of Baha'u' llah

آن قسمت از لوح منیع را اشاره بمقام مقدس خویش عیناً نقل فرموده اند قوله الاحلی :

" ان هذا السّر مصون فی صدف الامر مختوم کاللئولؤ المکنون و سیلوح انواره و یظهر اسراره "

چقدر دیده اهل عالم از زیارت طلعت مبارک در این سن روشن بود درحالیکه این طفل مبارک مولود و موجود تقریباً مقارن همان حال که حضرت مولی الوری در لوح تصریح فرموده بودند درعکسی که مورخ به نیمه دوم نوامبر ۱۹۰۱ است در میان برادران داج Dodge Brothers بأبدع جمال و کمال با چهرهٔ بشاش و درنهایت طراوت ظاهرند ونبوّات حضرت اشعیا راکه فرمود " طفل صغیری زمامدار آنها است " مجسم میفرمایند . درود فراوان به روان مقدس حضرت اشعیا ،اعظم انبیای اسرائیل بادکه چنین ساعت و حالی را نبوّت فرمود و بشارت داد .

تفصیل تشرف برادران داج در آن ایام در کتاب

This picture was taken in the household of Abdul Baha in Acca, in November, 1901.

March 23, 1950

Mrs. Rice:

Miles to you, the picture of Shoghi, my Rocker Musick and me, in a Room

William C. Dodge Shoghi Effendi [illegible] P. Dodge

November, 1901.

[illegible]

خاطرات نه ساله جناب دکتر یونس خان افروخته و اینکه بامر حضرت عبدالبهاء کلاه فینه بر سر گذارده اند منعکس است وانشاءالله در جای دیگر بآن اشاره خواهد شد .

وهم چنین " در بیانات شیخ محی الدین عربی و شیخ ابو سالم طلحه و غیره نیز در ضمن اخبار وقایع یوم ظهور پس از بیانی طولانی که راجع به ظهور مبارک حضرت اعلی و جمال مبارک و قیام حضرت عبدالبهاء و دوره سلطنت روحانیهٔ هریك از آن وجود های مقدسه مسطور گردیده راجع به دورهٔ حضرت ولی امرالله ارواحنافداه از آن بزرگوار به صبی تعبیرگردیده است قوله " یحکم الصبی صاحب الوجه البهی و یجلس علی السریر حرف الشین " یعنی بعد از حضرت عباس عبدالبهاء صبی و طفلی که صاحب رخسار روشن و بهی است بر سریر ولایت عظمی جالس میشود و آن وجود مبارک حرف اول نام مقدسش شین است یعنی حضرت شوقی ربانی جل سلطانه . برای تفصیل و اطلاع بیشتر باستدلالیه حضرت صدرالصدور همدانی و جلد سوم کتاب درج لئالی هدایت مراجعه شود " [1]

۱ــ ایام مبارک تسعه .

اگرچه عظمت مقام مولای بیهمتا اولین بار پس ازاعلان الواح مبارکه وصایا در موقعیکه بقرائن بیست و چهار سال واندی از سن مبارك میگذشت برجهان و جهانیان مکشوف گردید ولی مقام شامخ ولایت از اوان صباوت بنام نامی مبارك درآن رقّ منشور رقم شد یعنی موقعیکه ولیّ امر محبوب الهی ایام طفولیت راطی میفرمود و بیش از پنج شش بهار از سن مبارك نمیگذشت .

تاریخ تقریبی نزول الواح مبارکه وصایا در اظلم ایام حضرت مولی الوری و دوره هیئت تفتیشیه و قلعه بندی گواه صادق براین مقال است .

مولای محبوب و بیهمتا در لوح مبارك قرن تاریخ صدور الواح مقدسه وصایا را در آن ایام تصریح فرموده اند قوله عزّ بیانه "وهیئت تفتیشیه تعیین گردید و بمدینه عکا اعزام گشت. . . درکتاب وصایاکه در بحبوحهٔ آن بلایا نازل گشته " و حضرت عبدالبهاجل کبریائه نیز در الواح مبارکه وصایا اشاره بتاریخ نزول آن رق منشور میفرمایند قوله الاٴعلی :

" ای یاران عزیز الان من در خطری عظیم و امید ساعتی از حیات مفقود ناچار بتحریر این ورقه پرداختم حفظاً لا مرالله و صیانةً لدینه "

که اگر حضرت عبدالبهاء قصد عروج بملاء اعلی فرموده بود ولی امر نازنین الهی ظاهراً هم از همان اوان صباوت حامل امانت الهیه بودند . امانتی که بر وفق آیه مبارکه " انّا عرضنا الامانة علی السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها " [1] ثقل فادحش راسموات و ارض وجبال قبول ننمود .

اطلاق کلمهٔ "صبی" درنعوات حضرت اشعیاءمولای محبوب و بیهمتا اشارهٔ بسیار لطیفی بنزول الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء در ایام صباوت همایون غصن ممتاز بهاو تفویض مقام شامخ ولایت مطلقه الهیه بآن طلعت احدیه است .

در لوح امنع اقدس اعلائی که بخط مبارك جمال قدم جل جلاله بمناسبت زفاف حضرت عبدالبهاء عز نزول یافته و حاوی لطائف و اسرار در توصیف و تمجید مقام شامخ و قدرت و عظمت و جلال همایون غصن ممتاز روحهٔ پروردگار است این بیانات مبارکه مسطور قوله الاعلی :

" هوالحی شجرهٔ عما در حرکت است و سدرهٔ وفا دربهجت تا روحهٔ بقا در ارض احدیه مغروس شود و ورقهٔ

۱ــ سورهٔ احزاب آیه ۷۱

نوراء از فنون لقا بورقا مقرون گردد که شاید ازمواء نست این دو لطیفهٔ ربانی و دو دقیقهٔ صمدانی طلعت ثالثی پیدا شود تا نتیجهٔ فعززنا هما بثالث در عرصهٔ ظهور مشهود آید والسلام" [1]

باری در اوانی که حضرت مولی الوری ارواحنا لرمسه الاطهر فدا نظر به بیوفائی ناقضین و منتسبین فرداً به طهریا هجرت فرمودند و بیوفایان در نهایت اعتساف بزعم باطل خویش سراج میثاق رامنطفی میانگاشتند بارادهٔ غالبهٔ الٰهیه اقتران ورقه مبارکه والدهٔ ماجدهٔ حضرت ولّی امرالله و فرع رفیع بوقوع پیوست و یوم تحقق نبوات انبیای الٰهی و آثار مقدّسه عظیمه که برآن اقتران مبارك الی ممرالدهور و الاعصار مترتّب بود نزدیك و ظاهر و آشکار گردید " تعالی تعالی قدرته النافذة السارية في حقائق الكائنات " [2]

١ــ ادعیه محبوب صفحه ٢٩٨-٢٩٩

٢ــ توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله ١١١

حضرت رب اعلی ارواحنالرشحات دمه الاطهر فـــدا مخاطباً لنفسه العلّی الاعلی در یحبوحهٔ مظلومیت و ابتـلا صریحاً اشاره بعظمت و جلال و عزت خویش در این ایـــام مبارك میفرمایند : قوله الاحلی

" اصبر یا قرّة العین فانّ الله قد ضمن عزّك علـــی البلاد و مـــن علیها وهوالله کان علی کل شیئی قدیرا" [1]

حمد عتبهٔ مقدسه سامیهٔ طلعت علی اعلی راکه ایـــن بینوایان را موفق فرمود انجاز و اتمام وعود مبارکه رابدیدهٔ عنصری بنگریم و ملاحظه نمائیم چگونه آن وعود الهیـــــه و تعلیمات صادره از فم مطهر جمال اقدس ابهی جل کبریائه که درباره تشیید ضریح منور "حضرت اعلی ونقطه اولی در آغوش کوه خدا [2] " فرموده بودند و در ایام مبارك حضرت عبدالبهاء بدست مبارك غصن اعظم الهی انجاز و عرش مطهر

" پس از آنکه پنجاه سال مخفی ومتواری بود و از محلی بمحلی منتقل از ارض طا محفوظاً" سالماً" بساحل ارض اقدس واصل گشت و تسلیم مرکز عهد جمال ابهی شد ارض اعلی درجبل کرمل رغماً لاءنف الناقضین ابتیاع گشت و حجـــر

۱ــ احسن القصص.

۲ــ ازتوقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله

زاویه اش بدست حامل امانت الهیه ومرکزمیثاق رب البریه گذاشته شد بنای مقدس شروع گشت و صندوق مطهر بآن جبل مقدس انتقال یافت " [1]

پس از صعود مرکزمیثاق این مشروع مقدس که بانی آن حضرت من طاف حوله الاسماء بودند و مکرّراشاره فرمودند که " نشد مقام اعلی ساخته شود " بدست غصن ممتاز بهاء اتمام یافت ونوایای قلبیه حضرت عبدالبهاء باحسن وجه واجمل وابدع و اتقن طراز اکمال پذیرفت . صیت عظمت و جلال آن مظلوم عالم ومحیی رمم درآفاق منتشر شد وملکهٔ کرمل باشکوه وعظمت و جلالی بی نظیر" در قلب کوه خدا" "دربحبوحه" جنت علیا" "جالب انظار و جاذب افئده وقلوب جمهوراغیار و ابرار" [2] گشت بنحوی که خودآن مولای محبوب از بدایع صنع وآثارقدرت خویش در شگفت و حیرت شدند واین تحیّات و صلوات رانثارآن مقام بهی الانوار نمودند :

" یاملکة کرمل علیكِ من التحیات اطیبها وازکیها و من الصلوات اجلها وابهاها تبارك الذی شرّف مقرك بقدومه وعیّن مقامك وذکرك فی لوحه وکتابه نعم الاقتدار هذا الاقتدار

١ــ و ٢ ــ ازتوقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله .

الذى تحيّرت منه افئدة المقربين والمرسلين كأنّى اراكِ فى منامى مستويةً على عرشكِ العظيم مرتديةً روائك البيضاء متوجةً بتاجكِ الذهبى متلئلاء الانوار فيكِ و حولكِ منادية باعلى النداء ناطقةً بين الارض والسماء وكأنّى اشاهدُ ارواحَ القدسيين والكروبيين يسرعنّ اليك بكل شوقٍ و وله وانجذاب ويشيّرن بأصابعهم اليك و يطوّفن حولك ويستنشّقن روائح ازهارك واورادك ويستبركن بتراب مقامك و يحزّن بوجوههم على التراب تلقاء وجهك اجلالاً واعزازاً لسكينة الله فيك واللؤلؤ المكنون فى حضنك طوبى الف طوبى لمن يزورك و يطوفك ويخدمك ويسقى ازهارك و يجد روائح القدس من اورادك و يثنى عليك ويمجّد مقامك حباً للّه موجدك فى هذا العصر العشعشع المقدس الاعظم الأعز البديع " ١

سبحان الله چگونه مولای محبوب آثار و وقایع تاریخ حیات حضرت رب اعلی را منتشر و با

" وضع مشتی از تراب سقف حجره سجن مبارك آن مظلوم در جبل ماه کو در عقب قطعه ئی از قطعات مذهّب تاج آن مقام محمود وطواف آن قبّه شامخه " ٢

١ــ ٢ــ توقیع مبارك ١١١

در یوم تاسع عید اعظم رضوان سنهٔ مئوی مقدس تسع (۱۹۵۳) وهم چنین ارسال مشتی دیگر از همان تراب مقدس جهت وضع در حجرزاویهٔ معبد عظیم الشأن جزائر پاسیفیك در استرالیا که پس از صعود مبارك تحقق یافت مظلومیت طلعت علّی اعلی را در آن جبل وعظمت وعزت وجلال آن مظهر الهی را در ایام ولایت مطلقهٔ الهیه الی ممرالدهور والاعصار مجسم فرمودند .

" تبارك الذی بدّل النار بالنوّر والذّل بالعّز والاضطراب بالاطمینان والشّدة بالرخاء والحزن بالفرح الأکبر والسجن بالقصر الرفیع والمقام الشامخ السامی المتلئلاء الأعزالأطهر الأجمل الأتقن الأبدع المدیع " [1]

وهم چنین طلعت علّی اعلی در کتاب مستطاب بیان که در جبل باسط ماه کوازکلك در ر بارشان نازل گشته اشاره به نظم بدیع حضرت بهاء الله که بفرموده مبارك در لوح ۱۱۰

" مبشرش رب اعلی ونقطه اولی و واضع احکامش شارع قدیر جمال اقدس ابهی ومهندس ومبیّنش مرکزمیثاق بهاء " بودند .

ودر ایام مبارك همایون غصن ممتاز الهی در عصر تکوین تکوین

۱ــ توقیع مبارك ۱۱۱

گردید . میفرمایـــد :

قوله الاعلـــی " طوبی لمن ینظرالی نظم بهاءالله و یشکر ربه "

چگونه قلم ناتوان این عبد ناتوان قادر به توصیف و احصای هزاران هزار فتوحات وانتصارات باهره وآثاری‌که درطی قرون واعصار بیحد و شمار مترتب برتاسیس مدنیت الٰهی است خواهد بود مدنیتی‌که اصول و احکامش را شارع اعظم وضع فرمودند و حضرت رب اعلی بآن بشارت دادند وحضرت مولی الوری هندسه اش را ترسیم و تبیین فرمودند و مولای محبوب که اکنون این بینوایان را بحرمان وفراق مبتلا فرموده اعمده وارکانش را نصب نمودند مدنیتی‌که بالمآل سبب "بلوغ عالم برتبه کمال " "وتبدیل ارض بقطعه ئی ازفردوس اعظم" خواهد بود "اذاً تری جنّة الابهی " "فسبحان ربناالبهی الابهی و سبحان ربناالعلی الاعلی" [1]

مگر آنکه هریك بروفق استعداد و قابلیت خرد بشری‌خویش بآیات و آثار آن طلعات قدسیه والواح مقدسه مبارکه مولای محبوب و بشارات واخباری‌که بر قلم گهربارش درطی

۱ــ لوح مبارك ۱۱۱

سی وشش سال ولایت مطلقه الٰهیه نازل گشته مراجعه نمائیم وبتمعن وتفرس ومطالعه وتحصیل پردازیم وبرشحی از انتصارات و فتوحات که الیٰ حال نصیب امرمبارك گردیده و بشهادت مبارك درتاریخ عالم و ادیان وعهود ثلاثه عصر رسولی امربدیع بی سابقه است واقف شویم و مشاهدهٔ آثاری راکه درطی هزاران هزارسال در پرتو مساعی وآلام وآثار قدرت آن طلعات قدسیه در کور جمال اقدس ابهی حاصل خواهد شد موکول بوقتی نمائیم که اگر در نتیجهٔ تضرع وابتهال و شفاعت آن مولای محبوب که میفرمودند " احبا باید مرا شفیع خود درآستان مبارك قراردهند " توفیقات لا ریبیّه جمال قدم جلّ جلاله معین و ظهیرگردد و فوز لقا و توسل باذیال غصن ممتاز بهادرعالم بالا نصیب شود نتائج آن آثار مقدسه باهره رادرمحضر انسش درملکوت ابهی مشاهده کنیم .

ربّ " قدّرلنا الوفود علیك ورنّحنا بصهباء لقائك واخلدنا فی حدائق قدسك وارزقناکل خیر قدّرته فی ملکوتك یا مغیث العالمین " [۱]

افسوس که قدرندانستیم و بشرط بندگی قیام ننمودیم

۱ــ مناجاتهای مبارکه حضرت ولی امرالله.

ماعرفناه حق معرفته .

باری موقع آن فرارسید که آنچه را انبیاء و مرسلین در بشارت ایام مبارك ولیّ امر نازنین بیان فرموده بودند وطلعت علّی اعلی وجمال اقدس ابهی و مرکز میثاق بهاء ارواحنالسلطنتهم الفداء وصف ولایت مطلقه الٰهیه اخبارفرموده و عزّت و رفعت آئین الهی رابه کف کفایت مبارکش تفویض نموده بودند تحقق یابد . حق جل وعلا بوعد خویش وفا فرمود غصن ممتاز بهاء بولادت مسعود و قدوم مبارکش در بیت مبارك در سرایهٔ عبدالله پاشا که جنب قشله عکا و روبروی بحر مدیترانه است جهان را رشك جنان فرمود و یوم یکشنبه ٢٧ رمضان[1] المبارك سنه ١٣١٤ مطابق با اول مارس ١٨٩٧ متباهی به تحقق وعود الٰهیه گشت .

شاعر شیرین سخن راسخ عزیز در وصف چنان ایام مبارك چنین سروده است :

١ــ بر وفق یادداشت مدادی جناب افنان والد ماجد هیکل مبارك

دیری نمیگرفت دل قدسیان قرار
میسوخت جان دهر در این تاب انتظار
کان مه فروز گوهر یکتای آبدار
برتابد از خلال دو دریای موج دار
اینك منوّر است از او چشم روزگار
وین بانك خوش همی رسد از غیب و آشکار
کای برتر از هرآنچه بوصف آید و بیان
جان جهان فدای تو باد ای جهان جان

و قابل مقبول چنین شور و شهناز بر پا کرده است :

" مطربا وقت شور و شهناز است
زانکه مرقات روح آواز است
بسرائید کاین مبارك یوم
عید مولود غصن ممتاز است
متلئلاء ز مجمع البحرین
لؤلوئی با هزار اعزاز است
رمز مستور ملتقی النهرین
جلوه گر با کرشمه و ناز است
این ثمر کز دو سدره شد ظاهر
همنژاد عجم هم از تاز است

زین ولد سر بلند شد احمد
هم انوشیروان سرافراز است
سرّ تکوین غیب را امروز
وقت کشف و زمان ابراز است
آن مشارق که نص قرآن است
خاك طهران و ارض شیراز است
این درّ شاهوار رخشنده
لؤلؤ آن دو مخزن راز است[1] "

" فسبحان من خلق فسوی " افئدهٔ مخلصین بضیاء انوار جبین مقدسش روشن شد .

" فورب السماء نظرة " الیه " خیرمن ملك الآ خرةوالا ولی" از آن پس مشاهدهٔ غرّه غرّای همایون غصن ممتاز بهاء این مولود مبارك مسعود که ملاء اعلی در طلب وصلش بی تاب وتوان بودند ودربشارات واخباراین صبی الهی را "صاحب الوجه البهی" ستوده سبب انتعاش قلب حضرت عبد البهاء بود وآن مولای حنون واب شفوق درتسمیهٔ نام نامی قدمی والای مبارکش مناجاتی ازقلم معجز شیم نازل فرمودند که مطلع آن چنین است :

" یا الهی تری الابصار شاخصة الی ملکوت توحیدك

۱ـ آهنگ بدیع

لمشاهدة انوار تفريدك . . .

اى رب هذا فرع انبت من شجرة رحمانيتك انبته نباتاً حسناً برحمتك واحسانك . . . و قرّ اعين ابويه بـــه يا من يهب لمن يشاء ما يشاء و سمّه من ملكوتك شوقى ليشتاق الى ملكوتك ويطوق الى عوالم غيبك انك انت الكريم الوهـــاب ع ع "

افسوس كه چشم بى فروغ ما و عالم مدهوش قـــدر مقام مقدس ومتعاليش را نشناخت .

اين مولود مبارك در گهواره بود كه عندليب گلشن بهـا در قصيده ئى ازقصائد خويش در نعت و ثناى آن — " نوگل باغ ملاحت " به نغمه ملكوتى " لاى لاى " مترنم گرديـــد . از جملـــــه :

ماه تابـان لای لای　　روح روان لای لای
آرام جـان لای لای　　شیرین‌زبان لای لای
هستی بـه گاهـواره　　مانـند ماه پـاره
طفلی و شیـر خواره　　شکـر دهان‌لای لای
ای کودك ملـك خو　　سیمین بر و سمن بـو
کی میشـوی سخن گو　　چون بلبـلان‌لای‌لای
از عنصر بهـائی　　زاب و گل خـدائی
زافنـان کبریائی　　شو شاد مـان لای‌لای
چشم از رخ تو پـرنور　　چشم بد از رخت دور
سوی تو میدود حور　　دامن کشان لای لای
آب و گلـت سرشته　　از عنصـر فرشتـه
در جبهه ات نوشتـه　　خـط ایمان‌لای لای
ای مـاه گلعذارم　　ای‌شاه بـا وقـارم
هستی تـو غمگسارم　　روز و شبـان لای لای
از شوق انجذابـت　　ناید بدیده خوابـت
رفته قرار و تابـت　　آرام جان لای لای
ای نوگـل شگفته　　درمهد و ناز خفتـه
خود عندلیـب گفته　　در گلستان لای لای[1]

۱ــ دیوان عندلیب صفحـه ۷۵۴ــ۷۵۶

دوستان عزیز مولای محبوبی راکه‌ما ازدست داده ایم وقلوب محترقهٔ مجروح ماجز در پرتو عنایات والطاف جمال قدم و قیام برخدمت و عبودیت و تحصیل رضای ولی امر عزیزش التیام نخواهد یافت شوقی عبدالبهاء و نور بصر عبدالبهاء بود و درخاندان مبارك سبب فرح و سرور و انتعاش حضرت عبدالبهاء ، درالواح مقدسه منیعه آن مولای محبوب را به « ای شوقی شوقیا ای شوقی حق ای شوقی من شوقی افندی روحانی ای شوقی عزیز خطاب میفرمودند . شوقی عبدالبهاء ارواح العشتاقین للقائه الفدا از بدو طفولیت درعالم دیگر بود و درجهان دیگرسیرمیفرمود . دراولین لوحی که از براعهٔ میثاق بافتخار مبارك صادر این بیانات مبارکه نازل : هوالله ای شوقی من فرصت تکلم ندارم دست از سر ما بردار گفتی بنویس نوشتم دیگر چه باید کرد حال وقت خواندن و نوشتن تونیست هنگام برجستن و یا الٰهی مناجات کردن است . مناجات جمال مبارك را حفظ کن و از برای من بخوان تا استماع نمایم دیگر فرصت چیز دیگر نه . ع" ودرمقام دیگر" ای شوقی از خدا بخواه که در انجمن روحانیان سراج نورانی گردی ونفس رحمانی یابی "

ودرمقامی دیگر " شوقیا آنچه‌نگاشتی و راز درون داشتی معلوم ومشهود گردید مضمون مشحون توجه بملکوت رب الآیات بود و معانی تضرع بدرگاه الهی از جمال‌قدیم امید چنین‌است که توراآیات تبتل وابتهال فرماید و چنان منقطع و منجذب و ملتهب نماید که درآستان مقدس موفق‌به عبودیت گردی" وهم چنین " ای شوقی حق از قرار تحریرات ارض مقصود در پناه حق مصون ومحفوظید و این سبب سرور است از الطاف جمال مبارك امیدوارم که از نسیم گلشن عنایت همواره در اهتزاز باشی . . . " ایضاً " ای شوقی من نامه شما رسید الحمد لله خط شما ترقی نموده و املاء و انشاء نیز مربوط و مقبول بسیار سبب سرور گردید احوال من الحمد لله بسیار خوب است تو بدرس ومشق مشغول باش اگر توقف در اینجا قدری طول بکشد البته تورا خواهم خواست " ودر لوح دیگر :

" ای شوقی‌عزیز نامهٔ شما درنهایت سرور قرائت گردید . . . مطمئن باش تورا خواهم خواست "

باری این طفل مبارك در حضن رعایت و حمایت حضرت عبد البهاء نشو و نما میفرمود . بقرار تقریر بعضی از قدما هیکل اطهر درایام خردسالگی خوابهای عجیب

میدیدند که سبب مسرت یا تاءثر خاطر مبارکشان میگردید بطوریکه در یك مورد از شدت تاءثر های های صدای گریه و بیقراری از نهاد طفل عزیز الٰهی در نیمه شب برخاست مرکز میثاق بهاء حضرت عبدالبهاء همینکه صدای گریه وناله نور دیدهٔ خویش را که بهیچوجه خاطر مقدسشان رضا نمیداد آزرده شود و محتملاً درهمان اوان بود که در الواح مبارکه وصایا وصیت فرمودند " ای یاران باوفای عبدالبهاء باید فرع دو شجرهٔ مبارکه و ثمرهٔ دو سدرهٔ رحمانیه شوقی افندی را نهایت مواظبت نمائید که غبار کدر و حزنی برخاطر نورانیش ننشیند " استماع فرمودند شوقی عزیز خویش را طلبیده در دامان مبارك مورد نوازش و تلطف قرار دادند .

ازجمله خوابهای مذکور رؤیای مهمی است که ملاحظه نمودند درمدینهٔ عکا در بیت مبارك که محل ولادتشان بود تشریف داشته اند وحضرت رب اعلی ارواحنالرشحات دمه الاطهر فدا مورد حمله اعدا قرارگرفته و بمظلومیت کبری شهید شدند ومولای محبوب را نیز از آن جام لبریز بلا نصیبی مقدّر بوده (چنانچه تاپایان حیات هم از این کاءس لبریز بلا آنحضرت را بنحوی دیگر سهم وافر از بلایای

طلعت علّی اعلی و مظلومیت بی شبه آنحضرت در کام بود)

بمناسبت آن رؤیا این لوح امنع اعلی بخط مبارك حضرت عبد البهاء عز نزول یافت :

" هوالله شوقی من این خواب بسیار خوب است مطمئن باش تشرف بحضور حضرت اعلی روحی له الفدا دلیل تفیّض از حضرت کبریا و حصول موهبت کبری و عنایت عظمی است و همچنین باقی رؤیا امید وارم که مظهر الطاف جمال ابهی گردی و روز بروز بر ایمان و ایقان و عرفان بیفزائی شب تبتل و تضرع و مناجات کنی و روز آنچه لا زم است مجری داری ع ع "

که صورتی فوتوغرافی از لوح مبارك را شاه خوبان جناب شاه خلیل الله فارانی در مراجعت از ارض اقدس اواخر ژانویه ۱۹۴۲ بعراق و ایران بارمغان آوردند و نقل نمودند که هیکل اطهر برحسب بیان مبارکشان تا کنون نسخه ئی از آن لوح مبارك باحدی عنایت نفرموده بودند

از آن پس از آنجاکه آن مولای بی همتا در جمیع شئون ممتاز بودند حضرت مولی الوری آنحضرت را در بین اطفال عائله به لقب " ربانی " سمّی طلعت علی اعلی ملقب فرمودند . وبعداً بر وفق یادداشتهای جناب بدیع

بشروئی علیه بهاءالله در موقع ورود هیکل مبارک بمدرسه متوسطه حیفا برای اولین بار نام فامیلی مبارک در دفتر سجلات مدرسه " ربانی " و یا توام با نام نامی مبارک " شوقی ربانی " تسجیل شد و اشتهار یافت یعنی لقبی که حضرت عبدالبهاء به نورد یده خویش عنایت فرموده بودند

چنانچه ملاحظه مینمائیم حضرت مولی الوری تعلقی بی نظیر بنور بصر خویش (مولای محبوب) داشتند که درک آن از حیطه فهم وادراك این بینوایان خارج است گوئی یاد شوقی عبدالبهاء در سفر و حضر همه جا سبب سرور وانتعاش خاطر مبارك بود . در الواح مقدسه که باعزاز حضرت ورقهٔ مبارکه علیا و عائله مقدسه در اثنای سفر غرب عز نزول یافته و بعضی از آن مرقمات زینت بخش دارالآثار مرکزی جهانی است تعلق شدید حضرت عبدالبهاء به نوردیده خویش با اشارات لطیف و ملیح و دلربا بیان گردیده

ازجمله : قوله الاحلی " ورقه مقدسه ضیاء خانم را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید وهم چنین جناب آقا میرزا هادی را نوگل باغ ملاحت شوقی افندی را ببوسید "

افنان سدرهٔ مبارکه فرع رفیع والد هیکل مبارك در مقام اشاره بعظمت مقام آن " نوگل باغ ملاحت " و تاء سیس

دارالآثار که آخرین یادگارآن مولای فرید است و از بـرای تأثیث و تهیه لوازم آن بکشور بریطانیا عزیمت فرمودند و درهمانجا صعود مبارك واقع شد اثر نفیسی در دارالآثـار باقی گذارده اند وآن ورقه ئی است بخط ایشان که جـوف آن انگشتر نفیس نقرهٔ جناب قدوس قرار دارد محتوی این عبـارت :

" این انگشتر فیروزه را حضرت عبدالبهاء روحـــی لجماله الفدا روزی باین عبد عنایت فرمودند در ماه رمضان ۱۳۲۶ (اکتبر ۱۹۰۷) متعلق بجناب قدوس است محفوظ نگاهدار و بنوردیدهٔ خویش شوقی افندی بسپار رمضان المبارك ۱۳۵۰ میرزاهادی" ژانویـه ۱۹۳۲)

تاریخ مذکور در ورقه تقریباً با اندك تفاوتی مقارن با تاریخ احتمالی صدورالواح مقدسه وصایا است (صدورالواح مبارکه وصایا در سه قسمت محتملاً در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ (۱۹۰۷-۱۹۰۶) بوده. موقعیکه این عبد مستمند آن تحفهٔ ثمین را در محفظهٔ آثارکه در آن اوقات در حجـرات خلف مقام مقدس اعلی قرار داشت زیارت نمود وهیکل اطهر عصرهمانروز از نحوهٔ زیارت این عبد از آثار مقدســـه

استفسار فرمودند واین عبد فخر ومباهات خویش را در ازاء زیارت آثار مبارکه ویادگار نفیس جناب قدوس و بیان مبارک حضرت مولی الوری معروض داشت باوجه بسیم و کمال لطف و عنایت فرمودند " خیلی نفیس است این عنایتی مبارک است "

خاطرات ایادی امرالله جناب سمندری :

از ایام طفولیت مبارک ایادی عزیز امرالله جناب سمندری علیه بهاءالله چنین یادکرده اند : " کرّه اولی هیکل اطهر انور مبارک را در کروّسه های دستی در عکا درسن ۱۸ ماهگی زیارت کردم قصیده ئی متصاعد الی الله عندلیب علیه غفران الله انشاء نموده بودند بعنوان " لای لای " بنده آنرا بامرکب ژلاتین نوشته منتشر کردم ممکن است در ایران بدست بیاورید آن بزرگوار بالهامات الٰهی مراتب و مقامات عالیه مبارکه را در آن قصیده ذکر فرموده اند . کرّه ثانی در نُه سالگی درمکتب خانه در بیت عکا همان خانه که متولد شده اند مرحوم آقا سید اسدالله قمی علیه رحمة الله درخدمتشان بود فارسی و عربی و خط تحصیل میفرمودند یك ورق یادگاری برای فرزند من میرزا محمد سمندری علیه غفران الله عنایت

فرمودند "ای گلرخ ابهای من. . . " پشت ورق ازگلستان سعدی مرقوم امضاء شوقی بهائی الآن آن مرقع الواح پسر من موجود است . سفر ثالث در ۱۴ سالگی نیز درهمان بیت زیارت کردم دیگر مشرف نشدم تا در بیست سال قبل پنجاه روز مشرف بودم [۱] "

خاطرات جناب دکتر یونس خان افروخته

جناب دکتر یونس خان افروخته که درآن ایام درمحضر مبارك حضرت ولی الوری بخدمت قائم وماء مورکتابت باا حبای عزیز غرب بوده اند درخاطرات ۹ ساله خویش چنین مینگارد : صفحه ۷۷ تحت عنوان "طفل شیرخوار"

" چون برخود حتم نمود که جمیع مشهودات و شمه‌ئی ازاحساسات باطنی خود راازاین سفر آنچه بخاطر دارم بنگارم لهذا ازذکرطفل شیرخوارصرف نظر نمیکنم وتفصیل آن ازینقراراست :

پیرمردان آن ایام چه مسافرین وچه مجاورین که با ازمنهٔ ماضیه امرآشنابودند وازاول طلوع شمس حقیقت با خبر وحوادث ایام رامشاهده نموده بودند واعمال مرکز نقض رابا کردار یحیی ازل مقایسه میکردند گاهگاهی گذشته را

۱ــ آهنگ بدیع شماره ۱۶۵ــ۱۶۶ــ۱۶۷

درنظرآورده ازبرای آینده صحبت‌میکردند انفصال قطعی آنان ازسدرهٔ مبارکه مسلّم بود پس تکلیف آینده چه خواهد شد . امامن این افکار را نمی پسندیدم وصحبت آینده را نمیخواستم بشنوم ودراین مذاکرات ابداً مداخله نمیکردم زیرا این‌بد بختی رانمیتوانستم درمخیّله‌خود راه دهم‌که یك روزی به‌بینم که مرکزمیثاق ازدیدهٔ اهل بهاغایب گردد کم کسم شنیدم‌که ازسلالهٔ طاهره نفس مبارکی بوجود آمده نامش شوقی‌افندی‌است هرچندازاستماع این خبر شوق و ذوقی دروجودم پیداشد . امانخواستم طلوع این کوکب درخشان‌را باغروب نجم بازغ پیمان الهی مربوط سازم‌بمبادا خدای نکرده‌از آیهٔ مبارکه توجّهوا الی من اراده الله بقدرسرسوزنی یا اقلّ ازآنی منصرف و منحرف گردم وباخود میگفتم دلسوزی برای آینده چه فایده دارد امروزتثبیت نفوس لازم وبرای فرد ا صاحب امرقادرومختاروممهیمن است چندی‌بود اهالی مسافرخانه طالب دیدارحضرت شوقی‌افندی‌بودند وبخدمت حضرت افنان التماس میکردند یکروزاتفاقاً این طفل‌چهارماهه رادربیرونی مبارك حاضرکردند احباب باشوق وشعف تمام استقبال‌نمودند بنده هم بزیارت ایشان شتافتم[1] اما

۱ــ این داستان‌بروفق‌مندرجات کتاب خاطرات وساله‌تقریباً مقارن سال پنجم‌صعود جمال اقدس ابهی جل‌کبریائه‌بوده

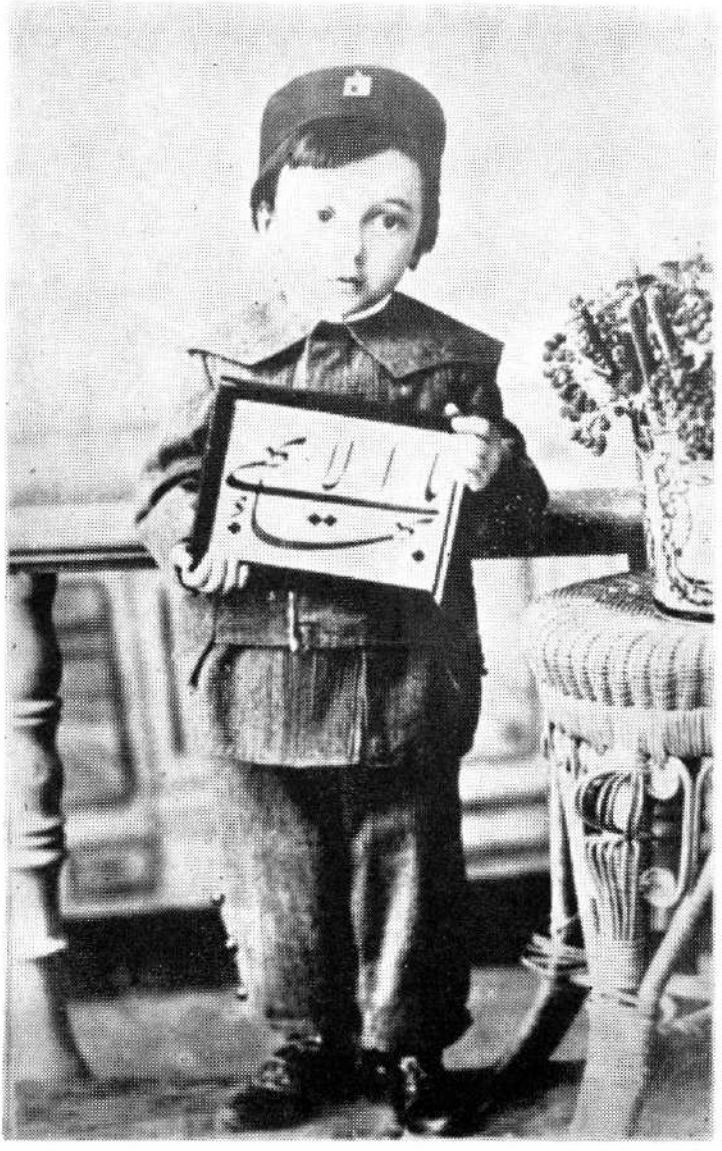

سعی میکردم جز بنظر یك طفل بهائی بانظر دیگر نگاه نکنم ولکن بی اختیار یك قوّه درونی مرابرآن داشت که تعظیم وتکریم نمایم وبقدر یك دقیقه مجذوب جمال این طفل شیرخوارگردیدم موهای نرم سر مبارکش را بوسیدم وکیفیتی دراین طفل احساس نمودم که بهیچ زبانی عنوان آن ممکن نیست مگرآنکه صورةً آن وجود عزیز را به طفل مریم که درتصاویر دربغل مادر نشان میدهند تشبیه نمودم تا چند روز دیگر قیافهٔ نورانی این طفل درنظرم مجسم بود کم کم فراموش کردم این احساسات را دو دفعه دیگر دروجود خود مشاهده نمودم یکی وقتیکه ایشان نه ساله بودند یکی هم یازده ساله چون بامرحوم حاج میرزا حیدرعلی گاهی صحبتهای محرمانه میکردیم واسرارمگو میگفتیم تفصیل رابرای ایشان نقل کردم دیدم ایشان هم همدرد وهم خیال هستند باهم عهد کردیم مطلب رامستور و مکتوم داریم الحمدلله کتاب وصایا خوانده شد واین سرّ درونی از پرده بیرون آمد "

راجع به شمایل دلربای هیکل مبارك که درماه نوامبر ۱۹۰۱ در بیت حضرت عبدالبهاء درعکاگرفته شده ومولای محبوب درمیان بازوان دوبرادرامریکائی اخوان داج قرار دارند ودرصفحات قبل وعده داده شده بود از تشرف

این دو برا در نقل شود جناب دکتر یونس خان در صفحه ١٨٦ خاطرات خود چنین یاد مینمایند :

" اول کسیکه بعد از مستر برك ول Mr . Breakwell بزیارت فائز شد دو نفر پسرهای مستر داج از اهل نیویورك بود این دو جوان برحسب دستورمبارك مانند احبای مبارك باکلاه فینه عثمانی آمدند چند روزی در یکی از اطاقهای بالا پذیرائی شدند تعالیم امری بقدر کفایت از والد ماجدشان که دو سال قبل درزمان آزادی درحیفا مشرف شده بودند داشتند . این دو جوان که تقریباً هیجده ساله وبیست ساله بودند تعالیم امری ودروس اخلاقی ازلسان مبارك هم میشنیدند اوقات تشرف ایشان همواره در سر سفره بود و سئوالات بسیاری هم نداشتند . . . بعد ازنه روزباکمال خضوع و خشوع مرخص شده بوطن خود مراجعت کردند "

درجای دیگر کتاب ازصفحه ٣٣٨ تا ٣٤١ جناب دکتر یونس خان درتحت عنوان " ارتفاع امر در دست اوست " چنین مینگارد :

" اولین واقعه مذکوره دراین قسمت حاوی بشارت ظهوراعظم موهبت الٰهی است که دربحبوحه بلایا ومحن در

آن ساحت از لسان مبارك بسمع این عبد رسید یعنی در موقعی که غیوم غلیظه انقلاب وفساد آسمان امر را تیره وتار نموده بود ناگاه مکتوبی از امریکا بعنوان این عبد واصل که نویسنده تمنا دارد مطلبی از حضور مبارك استفسار نموده جواب بنگارم هرچند این مطلب بر حسب ظاهر ساده وآسان بود اما تصور آن در محفظه محقّره مخیّله یکنفر بهائی ایرانی مثل بنده گنجایش نداشت و چنین سئوالی خالی از اشکال نبود چراکه نمیتوان روز روشن را شب انگاشت و یاآنکه روز پسین را روشن تر از روز پیش پنداشت و ازاینها گذشته پدر مهربانی که روزی امروز را بخوشی وفیروزی بفرزندان گرامی بفراوانی ارزانی میداشت چگونه میتوان از او پرسید که درهنگام درگذشتن شما از این جهان ناپایدار روزگار ما چسان خواهد بود وروزی ما بدست که خواهد افتاد باری از آنجاکه هر پرسشی را پاسخی باید وچنین سفارشی را نگارشی شاید ناچاردل بدریا زدم وسختی رابرخود هموار کردم هنگامیکه در جلو خان بیرونی خوش خوش میخرامیدند آهسته آهسته نزدیك شدم باآهنگ شکسته وگسسته عرض کردم قربانت گردم فلان کس از امریکا مینویسد که دراینجا شنیده ام سرکار آقا

فرموده اند ظهور بعد ازمن بتازگی متولد شده در این عالم موجود است اگرچنین است مقصود حاصل واگر غیر از این است پس . . . جواب این سئوال را پس از توقف و تأمل چند ثانیه بایك نگاه مستانه وجانانه بیك کلمه فرمودند بلی صحیح است ازاستماع این بشارت پرمسرت جان و روانم باهتزاز آمد یقین دانستم که بساط نقض برچیده شد امر الٰهی عالم گیر وعالم ترابی مرآت جنت الٰهی گردید اما مفهوم کلمه ظهور چنانکه در اذهان اهل بهامنظور و مذکوراست دراین مقام مرموز ومستورماند دوباره بنحو استفهام عرض کردم یعنی ظهوراست ؟ والبته اگر جواب مثبت یا منفی هریك عنایت میشد یحتمل اشکال دیگری ایجاد وسئوال دیگر ایجاب مینمود اما خوشبختانه جواب قاطع که هرکس و هر سائل متبصر ومتفکری را قانع نماید ازلسان مبارك نازل وباز بیك کلمه واضح تر فرمودند :

" ارتفاع امر در دست اوست " .

خلاصه جواب امریکارا باین طریق نوشتم و مطلب را در عکا تا مدتی باحدی اظهار ننمودم حتی این دغدغه را درخاطره راه ندادم که این طفل در عکا است یادرجای دیگر دنیا است تا مگربعد ازپنجسال که بعضی معجزات اخلاقی وکرامات ظاهری

وباطنی در ایام طفولیت و اول صباوت حضرت ولیّ امرالله مشاهده میشد روزی محرمانه بمرحوم حاجی میرزا حیدرعلی سربسته ابراز مطلب نمودم اما جهد کردم که توجه خاطر خود را جز بساحت مقدس من طاف حوله الاسماء بجای دیگر معطوف ننمایم وپس از چند سال درمحفل روحانی طهران بمناسبت لوحی که ازساحت اقدس رسیده بود شمه ئی ازاین حکایت از زبانم جست خوشبختانه طرف توجه واقع نشد تا اینکه میعاد مولود موعود فرارسید وهمینکه صعود مبارك واقع شد و کتاب وصایا درمحفل روحانی تلاوت گردید درخاتمه مرحوم باقراف درمقابل اقبال و اقرار و اعتراف بی اختیار گفت الحمدلله امر جوان شد و بنده هم بیاد آن شاعر افتادم که درمقابل ارتحال یك پادشاهی وانتقال سریرسلطنت بپادشاه دیگر مراتب عزاداری وسوگواری خود را ازطرفی و عوالم وجد وسرورقلبی خود را ازطرف دیگر بیك فرد شعر تمام کرد وبالبداهه این مضمون را بسرود :

چرا خون نگریم چرا خوش نخندم

که دریا فرورفت و گوهر بر آمد

بالجمله مصادیق مواعید ظاهر شد وبیان مبارك که فرمودند ارتفاع امر در دست اوست کاملاً هویدا گشت و رسمیت امر

تحقق یافت محافل ملی روحانی تشکیل گردید وهمه اینها صورت گرفت اما یك مسئله برای این عبد لا ینحل بود و همواره در تحقیق وتجسس بودم که آن مکتوب امریکا مشعر بر اینکه حضرت عبد البهاء فرموده اند ظهور بعد از من متولد شده و حیّ و حاضر است بر روی چه اساس مبتنی و چه مدارکی در دست است همواره در این فکر بودم تا وقتیکه هنگام مسافرت به اروپا در اسکندریه باجناب حاجی محمد یزدی ملاقات وبرسبیل حکایت ازگذشته‌ها روایت مینمودم فرمودند بلی این موضوع در اینجا مطرح مذاکره بود و لوح مبارکی که بافتخار یکنفر امریکائی نازل شده بود رسید سوادش موجود است فوراً یك نسخه ازایشان گرفته بایران فرستادم واینك به نیت لیکون ختامه مسك ذیلا مینگارم :

" نیویورك میس اف دری تون "

هوالله یا امة الله ان ذلك الطفل مولود و موجود سیکون له من امره عجب تسمعین به فی الاستقبال و تشاهدینه باکمل صورة واعظم موهبة واتم کمال واعظم قوة و اشد قدرة یتلئلؤ وجهه تلئلؤ یتنور به الافاق فلا تنسینی هذه الکیفیة مادمت حیاً لأنّ لها آثار علی ممرالدهور والاعصار وعلیك التحیة والثناء ع ع "

خاطرات جناب دکتر ضیاء بغدادی

جناب دکترضیاء بغدادی علیه رضوان الله از ایام صباوت مبارك خاطرات شیرینی دارند که ذیلاً قسمتی اقتباس میشود .

آغاز مرقومه مزیّن است به نقل لوح مبارك حضرت عبدالبهاء (هوالله ای شوقی من فرصت تکلم ندارم الی آخر بیانه الاحلی) که زیب صفحات قبل گردید و بیان اینکه

" این لوح مبارك اولین لوحی است که بافتخار حضرت شوقی افندی در سن ٥ سالگی درجواب بعضی عرائضشان که از اطاق این عبد مرقوم داشته بودند نازل شده عرائض حضرت شوقی افندی بحضورمبارك حضرت عبدالبهاء را این عبد دیده بودم وحتی یکی ازآن‌عرائض محتوی دوبیت اشعاری‌بود که‌این عبد به عربی در مدح حضرت مولی‌الوری سروده بودم.

هیکل‌مبارك درحالیکه فقط پنج سال از عمرمبارکشان میگذشت مایل‌بودند مسبوق شوند چرادرآن سن نباید تحصیلات عالیه در رشته های علوم وهنر وغیره بنمایند .

پس‌از وصول این لوح مبارك واستحضار بر مفاد آن

حضرت شوقی افندی فوراً چند مناجات از مناجاتهای جمال مبارك حفظ نمودند وشروع بخواندن آن بلحن بلند فرمودند لحن مبارك بقدری بلند بود که تمام همسایگان لحن مبارك را میشنیدند والدین هیکل مبارك و سایر اعضای عائله مبارکه از حضرت شوقی افندی تمنا کردند آهسته تر تلاوت نمایند حضرت شوقی افندی فرمودند : " سرکار آقا بمن مرقوم فرموده اند مناجات جمال مبارك را حفظ کن و از برای من بخوان تا استماع نمایم و من نهایت سعی را در سبیل اطاعت فرمان مبارك مینمایم " و باین منوال هرروز چند ساعت بتلاوت مناجات با لحن بلند مشغول بودند بالاخره والدین مبارك از حضرت عبدالبهاء استدعا کردند حضرت شوقی افندی را از ادامه تلاوت مناجات بالحن بلند منع فرمایند حضرت مولی الوری فرمودند " حضرت شوقی افندی را بحال خود واگذارید .

اینکه ازمن خواسته بودید لوح مبارك ضمیمه را که اولین لوح حضرت مولی الوری بافتخار حضرت شوقی افندی است از روی صورت فوتوغرافی اصل لوح ترجمه نمایم وخاطرات خویش را نسبت بآن ایام وهمچنین درباره این لوح مبارك بنگارم مختصراً معروض میدارد که حضرت غصن ممتاز از بدو طفولیت

درجمیع شئون ممتاز بود ند وآثار بزرگواری وصفات ممتازه از هیکل مبارك ظاهر میشدکه محال است در سایر اطفال یافت شود .

مثلاً در یکی ازسفرهای مبارك که منزل‌مارادر ارض بـــاء (بیروت) بقدوم خود مشرف فرمود ند درمعیت والدین و حضرت ورقه‌مبارکه علیا و اکثری ازعائله مبارکه در حالی کـه سن مبارك پنج یا شش‌سال بود غالباً ملاحظه میشدکه در اطاق این عبد تشریف برده مشغول مطالعهٔ عکسهـا ی کتب طبی بود ند و در اطراف آن ازاین عبد سئوا لا ت میفرمود ند یکروز امر فرمود ند از علم تشریح و وظائـــف اعضای بدن با تشریح اعضاء وجوارح و نشان دادن آن صحبت نمایم و نظر مبارك آن بودکه معاینهٔ تشریح اعضاء را بهبینند و روابط آنهارا نسبت بیکدیگرملاحظه نماینـــد زیرابملاحظهٔ عکسها وتصاویرقناعت نمی فرمود ند .

اشتیاق شدید هیکل مبارك در طلب علم و دانـــش اصرار و ابرام مبارك درملاحظه تشریح اعضاء بالعیـــا ن (نه ازروی عکس و تصویر) والحاح مبارك برای استحضا ر کامل از آن کیفیات وبالا ترازهمه صفای روح و عظمت وحسن وملاحت هیکل‌مبارك که تاب مقاومت را ازکف میربود درقلب

این عبد بشدت تاءثیرکرد قول دادم آنچه را اراده فرموده اند انجام دهم .

صبح روز بعد قبل ازاینکه ازمنزل جهت رفتن بدانشکده طب عزیمت نمایم ازخسرو که یکی ازخدام عائله مبارکه بود طلبیدم تفنگ مرابرداشته یك حیوان غیر اهلی برای این منظور صید نماید همانروزد رمراجعت بمنزل ملاحظه شد صید که عبارت از یك گربه بزرگ صحرائی ویاباصطلاح طبی" موضوع تشریح" بود مهیا است .

کارد وانبرك تشریح راحاضر کردم حضرت شوقی افندی ود رحضورشان منورخانم و خسرو باکمال شهامت و سکوت محض ناظرتشریح بودند وبتوضیحات این عبد گوش میدادند وقتیکه تشریح تمام شد ومطالب و توضیحات این عبد بپایان رسید درحالیکه از خود سئوال میکردم آیا حقیقةً پس ازاین زحمات آن طفل کوچك مطالب و توضیحات مرا درك فرمود بانهایت تعجب و حیرت مشاهده کردم که آن طفل بزرگوار جمیع توضیحات این عبد را راجع به تشریح و وظائف اعضاء وارکان بدن کلمه بکلمه تکرار میفرمایند . باخود گفتم (سبحان الله) این طفل طفل عادی نیست فرشته است وبسیار عزیز و ممتاز .

دیگر آنکه حضرت شوقی افندی علاوه براستعداد عظیمی که درکسب علوم وفنون داشتند صفات ممتازه رحمانی از حضرتشان بروز میکرد مثلاً قلب مبارك بدرجه ئی حساس و خلق و خوی مبارك بدرجه ئی لطیف و شیرین بود که هرگاه یکی ازهمبازیهای هیکل مبارك ازهیکل اطهر آزرده میشد واین امرهرگزاتفاق نمیافتاد مگرآنکه طرف دسیسه و نیرنگ بکار برده باشد هیکل مبارك آن شب رابخواب نمیرفتند مگر آنکه رفیق محزون خویش را درآغوش گرفته از حزن نجات دهند و دلشاد سازند . واین امرمنحصر به رویهٔ شخصی مبارك نبود بلکه داٴب مبارك همیشه آن بود که رفقای کوچك خود راترغیب میفرمودند قبل ازآنکه بخواب روند غبار کدر و حزن را از خاطر یکدیگر بزدایند .

یك صفت ممتاز دیگر مبارك وقت شناسی و سر موقع حاضر شدن بود . درآن ایام جمیع اطفال بیت بنا بود هربامداد همینکه سر از فراش برمیداشتند دور یکدیگر جمع شوند و اولین ساعت روز را در اطاق حضرت عبدالبهاٴ بگذرانند درآن اطاق زینت [1] و همشیره اش بدواً تلاوت آیات مینمودند وبعد چای حاضرمیکردند وازسماوربرنجی ساخت روسیه

١ــ زینت اسم خانم دکتر ضیاٴ بغدادی است

بهمه چای میدادند وجمیع درآن محضر مقدس صبحانه صرف مینمودند . صبحانه عبارت بود از یك گرده نان گندم خالص ویك تیکه پنیر وچائی که دراستکانهای چای خوری بلور صرف میشد .

حضرت شوقی افندی همیشه اولین کسی بودند که صبح زود از خواب برمیخاستند وسرموقع حاضر بودند .

حسن وملاحت هیکل مبارك شیوهٔ خارق العاده بیان وسرعت تقریر و تحریر و همچنین عزم راسخ و صبروشکیبائی وتحمل وبردباری ومحبت شدید مبارك نسبت بابناء بشر خاطرهٔ حضرت عبدالبهاء وحضرت رب اعلی ومحققاً جمال اقدس ابهی آن اصل قدیمی راکه چنین غصن ممتازی منشعب فرمود درخاطرهٔ این عبد زنده و قربیت آن طلعات مقدسهٔ الهیه راتجدید مینماید . "

خاطرات جناب تورونتون چیز Thoronton Chase

اول من آمن احبای عزیز غرب جناب تورونتون چیز علیه رضوان الله در شرح تشرف خویش بحضورمبارك حضرت عبدالبهاء درسنه ۱۹۰۷ درکتاب "در اتلال جلیل" دریکی دروقع نام نامی مبارك راذکرمینماید . یکی موقعی که هیکل مبارك درآن ایام صباوت در سر میز نهار جزء دوازده

نفر حاضرین از جمله جناب میرزا محمد قلی برادر جمال مبارك درمحضر حضرت مولی الوری حضورداشته اند ودیگردرموقعی که درباغچه ها مشغول تفرج بوده و صفحه ٥٠ کتاب خویش را بعنوان اطفال بیت مبارك مزین به تمثال بیمثال آن " نوگل باغ ملاحت " که حسنش باتفاق ملاحت جهان گرفت نموده حقیقةً زیارت شمایل مبارك درآن سنین جان و روان را نشئه تازه میبخشد و روح راباهتزاز میآورد .

بوی محبوب که بر خاك احباگذرد

نه عجب باشد اگر زنده شود عظم رمیم

تصاویردیگری نیز درآن کتاب درصفحات ٤٥ و٤٨ ازمدخل و پله های بیشمار بیت مبارك طبع گردیده وعکس جالبی در صفحه ٤٧ از سایر اطفال باحضور معلم خویش جناب آقا سید اسدالله قمی وکذلك عکسهای دیگری که خاطرات ایام مبارك رادربقعهٔ مبارکه‌بیضا مجسم مینماید .

وهم چنین درصفحه ١٣ و١٦ عکسهائی ازوضعیت اولیه‌مقام اعلی است که تفاوت آن ایام راباآنچه هیکل مبارك باایجاد ملکه کرمل و فردوس اعلی بیادگارگذاشته اند مصداق بیان جمال اقدس ابهی جل جلاله راکه میفرمایند "

" ولکن ازفرقدان تاارض فرق دان بلکه‌فرق‌بی‌منتهادرمیان تجسم‌میدهد .

خاطرات جناب بدیع بشروئی

جناب بدیع بشروئی علیه بهاءالله که تقریباً اکثر دوران زندگی خود را در ارض اقدس گذرانده و بشرف لقا حضور مبارك حضرت عبدالبهاء وحضرت ولی امرمحبوب الهی غالباً مفتخر وفائز بوده اند ویادداشتهایشان بطوری مورد اعتماد است که هیکل اطهر درمقامی درمورد ساختمان مقام اعلی ازتحریرات ایشان نقل میفرمودند پس از صعود مبارك خاطرات خویش را در دونوبت ۱۸ نوامبر بفارسی و هشتم دسامبر ۱۹۵۸ بانگلیسی بعنوان " خاطرات فراموش نشدنی هیکل مبارك " مرقوم داشته اند که اینك تلفیق و نبذه ئی ازآن دراینجا اقتباس و استخراج میشود :

" پنج سال پس از صعود جمال مبارك در سرایهٔ عبدالله پاشا قرب قشلهٔ عسگریه درمدینهٔ محصّنه عکا طفلی قدم بعرصهٔ وجود گذارد که میمنت قدوم مبارکش بر احدی جز حضرت سرّالله الاعظم عبدالبهاء وشقیقه عزیزه شان حضرت ورقه علیا کما ینبغی ویلیق معلوم نبود . این مولود مبارك که پس ازمصیبت جانگداز صعود حضرت بهاءالله اولین مولود ذکور درعائلهٔ مقدسه بود وحقیقةً رابط بین دو طلعت ربانی یعنی جمال اقدس ابهی وحضرت عبدالبهاء

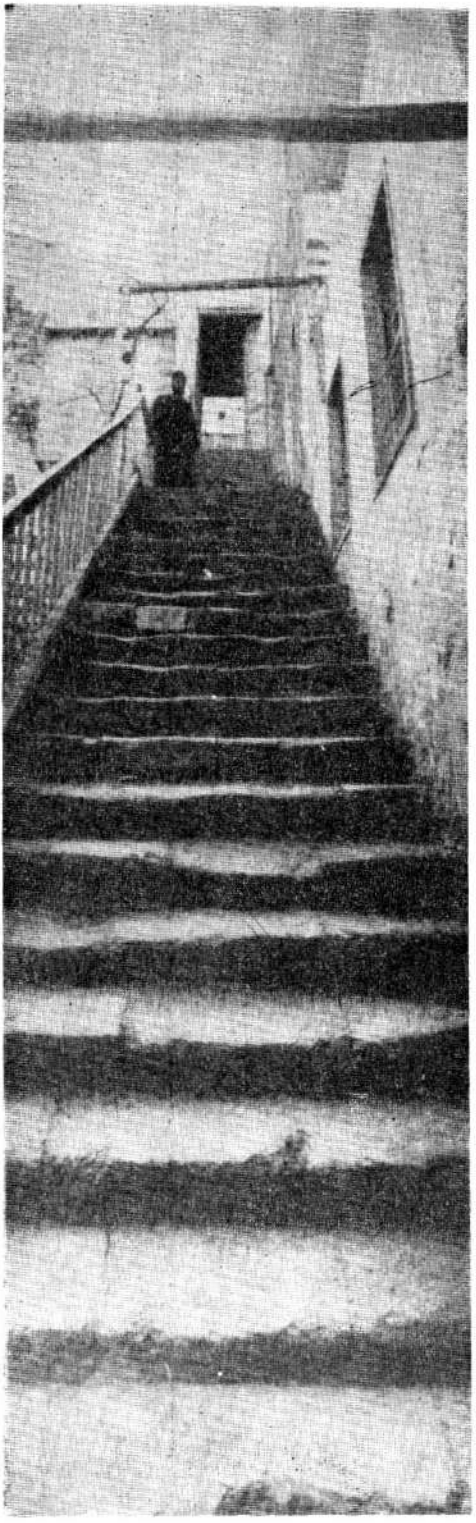

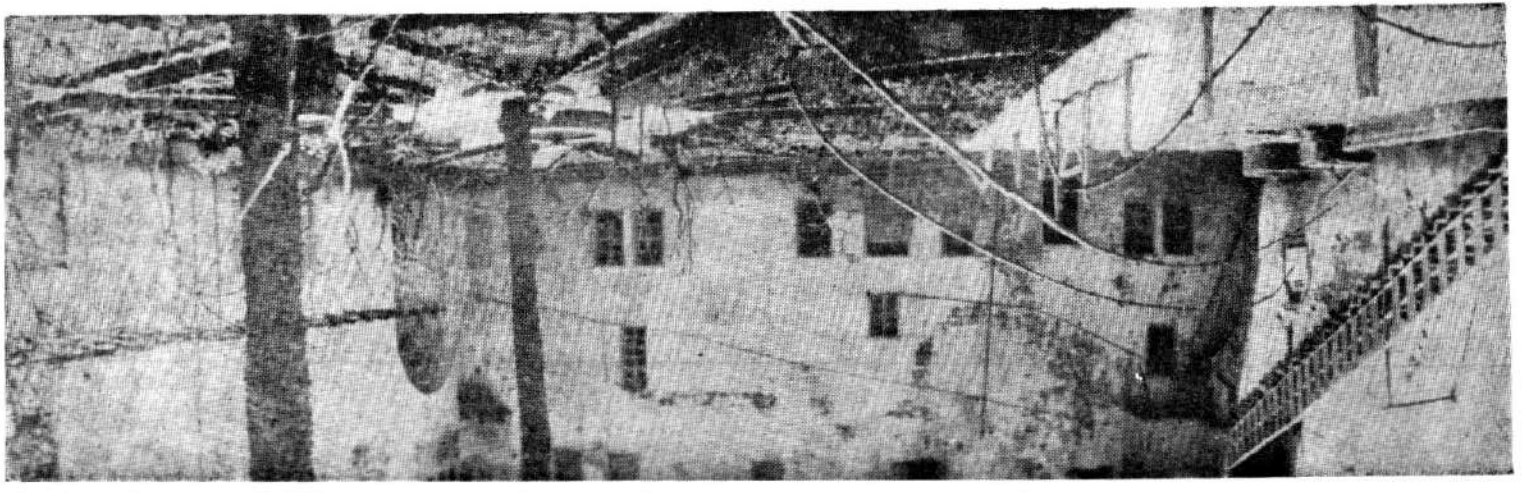

بودند درصون حمایت حق جل جلاله وحفظ جنود ملکوت ابهی رشد و نما میفرمود .

هنوز در ریعان صباوت بودند وسن مبارك در حدود چهارسال که ازین طفل عزیز عشق فوق العاده بخواندن ونوشتن ظاهر شد چنانکه یکروز در اطاق کتابت حضرت من اراده الله داخل شدند وقلم مبارك رابدست گرفته وبخیال نوشتن قلم رابرصفحه کاغذ جولان میدادند حضرت عبدالبهاء درنهایت ملاطفت متبسمانه ایشان را در آغوش گرفته فرمودند " شوقی حال وقت نوشتن تو نیست حال وقت بازی است درآینده خواهی نوشت " دراین مرحله حیات وجود مبارك بینهایت پرشورونشاط و شادی و خوش خوئی وفرزانگی ازجمیع حرکات و سکناتشان نمودار بود وچون برق خاطف وباد پران درنهایت سرعت ازپله‌های بیت مبارك که قریب شصت پله بود بالا و پائین میرفتند بدرجه ئی که مسافرین کوی مقصود که درساحت بیت مبارك منتظرتشرف بلقای من طاف حوله الاسماء بودند بسی نگران وهراسان که مبادا ازاین سرعت حرکت آسیبی بوجود مبارك وارد آید .

باری شدت میل مبارك بکتابت و قرائت سبب شد که جمیع اطفال بیت مبارك در غرفه ئی ازغرفات بیت به دروس اطفال

مشغول شدند لذا خانمی درس خوانده واز اهل غرب معین شد که هم درس بدهد وهم همیشه مرافق باشد و در بیت مبارك مقیم گردید وآن قسم دروس فارسی والـواح و مناجات نیز تحت اشراف مرحوم آقا سید اسد الله قمـــی گذارده شد .

درایامی که خانم میس کلیفورد بارنی

Miss Clifford Barney

مشغول جمع آوری مواد برای کتاب مستطاب مفاوضـــات بودند روزی صبح زود در حجرهٔ مبارکه حضرت ورقه علیا که صرف چای میشد میس بارنی از حضور مبارك حضرت عبد البهاء استدعا کرد مناجات کوچکی برای استفادهٔ اطفال نازل فرمایند فوراً این مسئول اجابت شد و بقلم مبارك مناجاتی بفارسی عـز نزول یافت . حضرت شوقی افنـدی اولین طفلی بودند که آن مناجات را حفظ فرموده و غالبـاً درمجالس احبا تلاوت مینمودند .

درموقعیکه حجرزاویهٔ مشرق الاذکارعشق آباد بدست افنان سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد تقی وعمـــوم احبای الهی درماه اکتبر ۱۹۰۳ میلادی درمحضر حاکـــم ترکستان وماوراء بحر خزرگذارده شد ومتعاقب آن که بعضی

ازحضرات افنان واحبای عشق آباد ماءذون به تشـــرف حضورحضرت مولی الوری عبدالبهاء بودند وباین فوز کبـری فائزگشتند پنج سال ازسنین عمر مبارك میگذشت . درآن وقت اگرچه مسجونی مبارك بواسطه سعایت ناقضین درقلعه عکا تجدید شده بود ولی شور و وله و فرح وسرور درانجمن یاران درهرآن ظاهر وعیان بود .

حضرت شوقی افندی معمولاً بیشتری ازروزها قبل ازغروب بمصاحبت معلمه واطفال دیگر بگردش تشریف میبردنـــد وچون بسبب قلعه بندی حدود دائره گردش محصور بـود ناچار درزمین های قلعهٔ عسکریه که درجواربیت مبـــارك معروف به قصرعبدالله پاشابود تفرج میفرمودند هنگام عبور ومرورمنظرهٔ سجن مبارك حضرت بهاءالله دربدو ورود به مدینه عکا وهمچنین مشهد قربانی حضرت غصن اطهر از نظر مبارك میگذشت که ازمشاهدهٔ آن بینهایت متاءثرمیشدنـد هنوز کودك بغلی بودند بهرطرف که ازپنجره های بیـت نگاه میکردند بجزتحصینات عسکریه وتوپهای مسنـــده و دیوارهای ضخیم کنگره دارومستحفظین وقراولان که در جمیع مواقع خروج ودخول قلعه موضع گرفته بودند وهمچنین دوخندق عمیق متوازی که برای جلوگیری ازدخول اشخاص از

خارج حفرشده بود چیزی نمید یدند واین واضح ومبرهـــن بود که جمیع این احتیاطات ازبرای سلب حریت و آزاد ی بعضی ازساکنین این مد ینه محصنه بوده و چون سن مبارك بالا میرفت ملاحظه میفرمود ند که حضرت عبد البهاء د رمسیر وحرکت خارج ازقلعه آزاد نیستند حتی ازتشرف بزیارت روضه مبارکه د رسه کیلومتری عکاکه یگانه وسیله تسلی قلـــب مرکز میثاق بعد ازصعود نیر آفاق بود هم محروم اند . تما م این مناظرمختلفه تاءثیرات عمیقه برتار و پود هیکل مبـــارك میگذاشت . یکروزموقعیکه هیکل اطهرتنهاد ریکی ازحجرات بیت جالس بود ند با نهایت تضرع وابتهال مناجات منظومـــی راکه حضرت عبد البهاء پس ازصعود جمال اقدس ابهی سروده بود ند تلاوت میفرمود ند که (ای گلرخ ابهای من [1]) معلوم است خاطرنورانی مبارك چقد رمتاءثر شد و سیل اشك ازچشمان مبارك برگونه های گلگون سرازیر بود .

ازطرف د یگرد ربیت مبارك د رسرایهٔ عبد الله پاشـــــا اسمعیل آقای باوفا ودلدادهٔ حضرت عبد البهاچون د ر حد یقهٔ بیت به طراحی گلها مشغول بود ود رتنسیق وتاءنیق آن گلزارکه چشم انداز حضرت من اراده الله بود جهد بلیغ مبذ ول میداشت نظرمبارك حضرت شوقی افند یکه بگلهای

۱ــ صورت مناجات مبارك باینقرار است :

ای گلرخ ابهای من — ای ربی الاعلای من
ای سدرهٔ سینای من — جانم فدای روی تو
ای دلبر طنّاز من — ای همدم و همراز من
این ناله و آواز من — از حسرت این کوی تو
این درگهت قبله من است — برخاك ره قبله من است
در طور حق شعله من است — روی دلم زان سوی تو
دلها زغم پژمرده است — جانها ز درد افسرده است
از فرقتت آزرده است — روح مسیحا بوی تو
آفاق عنبر باز شد — مشك خطا ایثار شد
چون نکهت گلزار شد — یك شمه ئی از بوی تو
ما را زغم دلریش بین — بیگانه از هر خویش بین
بنگر اسیر خویش بین — در حلقهٔ گیسوی تو
گرچه پریشان خاطرم — در جمع یاران حاضرم
ایجان بسویت ناظرم — کو آن رخ دلجوی تو
این چشم گریانم ببین — این قلب بریانم ببین،
این آه سوزانم ببین — درحسرت یك هوی تو
این خاك درگاهت بها — این تشنهٔ آبت بها
اندر تب و تابت بها — یك قطره ئی از جوی تو

لطیف رنگارنگ میافتاد ازگلها وتنقل پروانه های زیبا ازگلی به گلی بینهایت لذت میبردند وچون بخانهٔ مرحوم آقا حسین آقاکه ازمخلصین وفدائیان حضرت من اراده الله بود تشریف میبردند ازترنم قناریها وبلبلان دست پرورده بسیارمتلذذ میشدند وازغزلخوانی ونغمات دلنشین آن طیورمحظوظ میگشتنـــد .

در روضه مبارکه حضرت بهاءالله مطاف ملاء اعلـی حضرت عبدالبهاء درنهایت تبتل وابتهال و خضوع و خشوع خاك وآب بردوش مبارك گذارده نقل به باغچه متصل بروضهٔ مبارکه میفرمودند وحضرات مجاورین ومسافرین کلاً و طراً در این عمل مبرور سهیم وشریك حضرت من طاف حوله الاسماء بودند .

درباغ رضوان مرحوم عبدالعظیم باغبان سالخورده شب وروزبرای حفظ وصیانت آنچه بلحاظ مبارك جمال قدم فائـز گردیده ویاموطئ اقدام مبارك بوده جهد بلیغ مبذول میداشت ازطاوسهائی که درایام مبارك مورد نظرجمال اقدس ابهـی بوده وبال وپرشان راتحسین فرموده بودند بکمال دقـت پرستاری ومواظبت میشد وهمچنین ازدرختان پرتقال ونارنگی وانارو گلکاریهای رنگارنگ منظرهٔ چرخ آب که ازچاه میکشید

وجویهای جاری از زیرد ودرخت توت سبز خیمه دارکه در سایه آن جمال قدم استراحت میفرمودند درنهایت لطافت وانتظام روح راباهتزاز میآورد .

درمقام اعلی که هیکل مبارك میایستادند مخصوصاً در محل حلقه سروهاکه بقدوم جمال مبارك فائز شده وازآن مکان مقدس موقع استقرارعرش حضرت رب اعلی را برای حضرت غصن اعظم تعیین فرموده بودند وکذلك مناظرجمیله وکوههای سفید شمال درحدود لبنان وصحراهای ابن عامر وروضهٔ مبارکه وقصربهجی وسلسله جبال ممتدازشمال بشرق وجنوب که فاصل بین بحر جلیل وبحرابیض است و شکل هلال وارد ومدینه مبارکه عکا وحیفاکه ازمقام اعلی نمایان بود جمیع این مناظرجمیلهٔ دلگشا وتاریخی درمخیلهٔ حضرت شوقی افندی نظیرهمان احساسات روحانی غریب که درحضرت عبدالبهاء ایجاد مینمود تولید میکرد .

تا اینکه گردش روزگار صفحهٔ جدیدی درجهان باز نمود واوضاع دگرگون گردید انقلاب عظیمی درمملکت عثمانیان بروز کرد جوانان ترکیه رژیم تازه برقرارکردند ثمرهٔ حریت واخوت بعنان آسمان رسید وحکومت مشروطه اعلان گردید . زندانیان مدینهٔ عکا ازقیود حبس و قلعه‌بندی خلاص شده قدم بعرصهٔ

آزادی گذاردند حضرت عبدالبهاء نیزپس ازاین آزادی نقل مکان فرموده در شهر حیفا در دامنهٔ کوه کرمل سکونت اختیارفرمودند و حضرت شوقی افندی درمدرسهٔ متوسطه فرانسوی حیفا وارد شده باسم شوقی ربانی لقبی که حضرت عبدالبهاء بایشان عنایت فرموده بودند در دفاترمدرسه تسجیل گشتند .

در اواسط ماه سپتامبر ۱۹۱۰ روزی قبل از غروب حضرت مولی الوری باکشتی اطریشی بمدینهٔ پرتسعید رهسپار گشتند درآن روز اندکی بعد ازغروب حضرت شوقی افندی بر پله‌های بیت مبارك جالس بودند ونهایت حزن واندوه ازچهرهٔ نورا نمودار . فرمودند که حضرت سرکارآقا درکشتی در اسکله حیفا هستند وکشتی درنصف شب حرکت به پرتسعید خواهد کرد ومرا از مرافقت محروم فرمودند . شکی نیست که در این حکمتهای بالغه مستوراست . بمرور ایام دورهٔ تحصیلی در مدارس حیفا بانتها رسید وقصد التحاق بدانشگاه بیروت فرمودند .

درسنه ۱۹۱۱ میلادی دربیروت خانه ئی گرفته مشغول تحصیل شدند درآن ایام جناب ابوالفضائل نیزمنزل در این شهر بودند ودرهمان خانه که هیکل مبارك منزل داشتند

سکنی نمودند این بیت نورانی مرکز اجتماع احبا از تلامذه وسایر وستان بود ومسافرین کوی کعبهٔ مقصود هنگام رفت و آمد در این بیت روحانی بینهایت مسرورو خشنود میشدند ونشاط و انجذاب جدید می یافتند . ضمناً در این فترت بود که رساله معروف به " برهان لامع " را جناب میرزا در جواب رد کشیش پرتستانت مرقوم نمودند .

در سنهٔ ١٩١٣ که حضرت عبدالبهاء قصد مسافرت بامریك فرمودند حضرت شوقی افندی بحکمت الٰهی از مرافقت مرکزمیثاق بآن بلاد محروم گشتند واین برحسب ظاهر بسی محنت انگیز و ناگوار بود ولی آن وجود مبارك تفویض بقضای الٰهی شدند .

در سنه ١٩١٣ موکب مبارك حضرت مولی الوری ازممالك امریك عودت فرمود وهیکل مبارك در رملهٔ اسکندریه مدتی مکث فرموده و عائله مبارکه به پیشوائی حضرت ورقه علیا ساکن رمله شدند . باب رحمت و تشرف بر روی جمیع احبا و ثابتین مفتوح گردید مسافرین ازشرق و غرب عالم بسرچشمه آب حیات گردآمدند ودسته دسته مشرف شده بوطن مألوف باروحی جدید مراجعت مینمودند از جمله واردین نیز جناب ابوالفضائل و تلامذهٔ مدرسه امریکائی

د ربیروت بود ند که شوری د یگرد رسرد اشتند و مجالـــس و محافل والهان روی دلجوی مرکزمیثاق الٰهی را بترنم اشعار وقصائد وتلاوت آیات و ترتیل مناجات احیا مینمود نـــــد حضرت شوقی افندی [1] سرکردهٔ این جمع بود ند ود رجمیع این مجهودات روحانیه شرکت میفرمود ند چه قد ر واضـح و نمایان بود که هیکل مبارك د رآن سنین صباوت بینهایت مسرور ود لشاد وخشنود هستند . تا اینکه د ردسامبر ١٩١٣ حضـرت من اراده الله از رمله حرکت فرمود ند وارض اقدس بقد وم مبارك زینت یافت مرةً اخری احبا به سرچشمه حیات روحانی گـــرد آمد ند ومسافرین کعبه مقصود ازشرق و غرب بزیارت مقامـــات مقد سه شتافتند کوه کرمل ازنفثات قد سی حضرت عبد البهاء د رجوش و خروش آمد .

کشمکش اوضاع روزگاربعداً باجنگ جهانگیرسنه ١٩١٤ ملل عالم رابمیدان رزم خونین کشید راههامسد ود ومخابره باارض اقدس مقطوع گرد ید ولی بفضل و عنایت حضـــرت عبد البهاء تلامذهٔ بهائی که د رمد رسه بیروت مشغول تحصیل بود ند بفیض تشرف د رسه ماه ایام تعطیل تابستان فائز ود ر

١ــ حضرت ولی امرالله د رمعیت حضرت ورقه مبارکه علیا ووالد ه مبارك ١ اوت ١٩١٣ به رمله ورود فرمود ند ود رمدت اقامت د رمصر شب وروزد رمحضر مبارك بخد مات باهره قائم و مفتخر بود ند .

جوار مقام مبارك اعلی درکوه کرمل مستجیرود رمسافرخانه جوار آنمقام مقدس مجالس تلاوت الواح وترنم اشعار والقاء خطابات درمیادی وتعالیم این امر بدیع مستمر بود . بیشتر اوقات هم حضرت مولی الوری درآن محافل تشریف میآوردند وجناب حاجی میرزا حیدرعلی که من حیث الروح جوان ترازهمه تلامذه بودند علی الدوام حاضروتلامذه راتشجیع وتشویق میفرمودند وبعضی اوقات که تلامذه درحضورانورصحبت میداشتند حضرت عبد البهابمناسبت نطق مبارکی القاء میفرمودند وروح جدیدی درکالبد حاضرین میدمیدند . دراین مجالس چنانچه ذکرشد تلامذه ازمثنوی و غزلیات واشعارجمال مبارك وحضرت عبد البهاء ومؤلف تاریخ نبیل وخانم شهناز ویت و سایرشعرای بهائی بطوردسته جمعی باشوری بدیع تلاوت مینمودند وحضرت شوقی افندی همیشه رهنمائی جمع راعهده داشتند ومحورجمیع مجهودات بودند .

عظمت مقام مبارك درآن ایام بل ازبدو طفولیت بطوری ظاهر وعیان بود که بسیاری ازنفوس بفراست و یا باشارهٔ حضرت عبد البهاء بی بعظمت مقام مبارك برده واین سرّ راکم و بیش بانزدیکان درمیان نهادند .

خاطـــرهٔ خانمی آلمانی

حضرت عبدالبهاء در ٦ اوت ١٩١٠ خانم دکتـــری آلمانی مسماة به فالشر Frau Dokter Fallscheer را که دکتر بیت مبارك بود برای معالجه انگشت یکی ازخدمه طلبیدند والد هیکل مبارك درآنروز بمحضر مبارك آمدنـد ودرمعیتشان حضرت شوقی افندی که طفلی ١١ ساله بود باخضوع و خشوع بی نظیر وارد شدند ودرحین خروج ازغرفه آرام وبکمال تعظیم ووقاردرحالیکه روی خودرا ازچشمان جذّاب مبارك برنمیداشتند از پس روان گردیدند . دکتر بینهایت مجذوب وقار وآداب بی مثیل طفل شد حضرت عبدالبهاء باوفرمودند " حالا دخترمن از شوقی افندی ایلیای آتیه من خوشت آمد " سپس بیاناتی مفصل نسبـــت باینکه ارادهٔ مبارکشان آنست کهایلیای خودرا بانگلترابرای ادامهٔ تحصیل روان فرمایند بیان نمودند و چون آن خانم عرض نمود آیا وجود مبارك مطمئن هستند محیط غرب اثری در روحیهٔ آنودیعهٔ الهی نخواهد داشت فرمودنـــد من ایلیای خودرابانگلیسها نمیسپارم که اوراتربیت کننـــد من اورابآستان الهی میسپارم این طفل درهرحال حتی در اکسفورد درصون حمایت و حفظ الهی است .

این خانم سالهای بعد به آلمان مراجعت کرد وچندی قبل ازفوت خویش درعداد مؤمنات بهائی وارد گردید وخاطـــرهٔ خویش را بتفصیل درمجلهٔ بهائی شمس حقیقت منطبعه آلمان سال ۳۱–۱۹۳۰ نگاشت .

German Baha'i Magazine , Sonne der Wahrheit

بروفق مرقومه‌ئی خصوصی بعدها که ایادی امرالله دکتـــر هرمن گروسمن Dr. Hermann Grossmann و خانمشان بشرف لقای مبارك فائزشدند این موضوع را از محضر مبـــارك استفسار نمودند هیکل اطهر فرمودند حضرت مولی الوری قطعاً اعتماد زیادی به دکتر فالشر داشته اند که قبل ازآنکه حضرت شوقی افندی بانگلستان عزیمت نمایند برای اولین وهله همینکه ارادهٔ حضرت عبدالبهاء باعزام هیکل اطهر بانگلستان تعلـــق گرفته مطلب را باو اظهار داشته ودرهمانوقت هم فرموده اند که حضرت شوقی افندی وزیر و جانشین مبارك اند .

داستان جناب جرّاح سبزواری

وکذلك بقرار مسموع جرّاح سبزواری در اولین نظاره و زیارت وجه صبیح مبارك ولی امرالهی در آن سنین تحصیلی همینکه مشی و خرام مبارك را مشاهده نمود احترامات فائقه و تعظیم وتجلیل وافی بمحضر مبارك مرعی داشت بطوری که همراهان بر آشفتند وآن گونه احترام را منحصر و مخصوص حضرت مولی الوری دانستند جرّاح عزیز اظهار داشت آری من خود مطلعم که این گونه احترام مخصوص حضرت من طاف حوله الاسماء است و این طفل عزیزالهی هم جانشین حضرت عبدالبهاء و تالی همان بزرگوار است رفقا وهمراهان ازاین طرزبیان متغیر شدند ومواءنست و مصاحبت اوراترك کردند لاجرم درایام تشرف بحضور حضرت عبدالبهاء جز آه دل مونس و ندیمی نداشت روزی به تنهائی در اطراف محل اقامت مبارك مشی مینمود و در رفتار رفقا متفکر ومهموم حضرت مولی الوری آن روح پاك را طلبیده مورد تفقد وعنایت قرار دادند وتاءکید فرمودند بسیار باید قدر خود را بداند که برشحی ازبحرعلم لدنی فائز گردیده جراح عرض کرد مولای مهربانم این عبد ازحلیهٔ علم ودانش بی نصیبم این چه فخر و مباهاتی است که نصیب

این بی مقدار میفرمائید فرمودند قدر خود را بدان درست فهمیده ای شوقی افندی جانشین من است ولی باحدی ابراز منما . درهمان اوقات و بعد ازآن همسفران آن برادر روحانی عزیز از جمله اردشیر کیامنش[1] ماوقع راهمه جا نقل نمودند . خودآن بندهٔ مقرب درگاه الهی نیز پس ازصعود حضرت عبدالبهاء کتباً مراتب رابتفصیل بخاکپای مبارك بوسیله محفل ملی روحانی بهائیان ایران معروض داشت ومحفل نیز بر این سّر آگاه گردید .

شمایل صبیح مبارك درآن اوان که جراح بحضورمبارك در رمله اسکندریه مشرف شده درعکس دسته جمعی که درمصرگرفته شده است و امین الهی درسمت یمین ولّی امر محبوب بانهایت خضوع وانکسارنشسته ظاهراست وبعنوان ابهی تحفه زینت این کتاب میگردد . بنظراین عبد شرمسار این شمایل شبیه ترین شمایلی است بهیکل اطهر که تا خاتمه حیات شباهت مولای محبوب بآن بتمامه برقراربوده . جرّاح سبزواری و رفقایش نیز دراین عکس حضور دارند .

۱ــ این عبد شخصاً تفصیل راازاردشیرکیامنش استماع نمود

داستان جناب شاه خلیل الله

در یکی از سفرهای تشرف شاه خوبان شاه خلیل الله فارانی ویکی از نجالش حضرت مولی الوری الواح مبارکه بایران مرقوم فرموده وبسیارعلاقه مند بودند بسلامت برسد درحین تودیع بابیان مؤثری فرمودند به شوقی افندی اطلاع دهید بیایند وقتی نوربصر عبد البهاء بحضور رسید فرمودند مکاتیبی به شرق نگاشته ام وچون راهها امن وامان نیست بسیارعلاقه مندم این مکاتیب بسلامت برسد شمارا طلبیدم بدست خود درجیب زائرین قرار دهید تا مطمئن شوم بسلامت میرسد ازاین بیان قلب شاه خلیل الله بشدت طپیدن گرفت برمقام مبارك همایون غصن ممتاز بها باراده حضرت عبد البهاء وقوف یافت وپس ازصعود مبارك تا خاتمه حیات بندهٔ حلقه بگوش گردید . داستانهای بسیارمؤثرو مهیجی ازتلطفات وعنایات مولای محبوب واشاراتی که بتشرف آن برادرعزیزبحضورجمال اقدس ابهی وحضرت عبد البهافرموده اند دردست است که اگرقلم ناتوان یارائی کند درآتیه بعرض برادران وخواهران عزیز خواهد رسید .

داستان جناب محمد تبریزی

حضرت عبد البهاء روزی جناب محمد تبریزی علیه رضوان الله راکه مورد اعتماد وعنایات مخصوص مبارك بود در اثنای آنکه ازمقابل بیت مبارك عبورمینمود وحضرت مولی الوری در اطاق کوچك اسماعیل آقا درقسمت فوقانی مشرف برخیابان تشریف داشتند بمحضرمبارك طلبیده مورد الطاف وعنایات لا تحصی قرار دادند ودرحالیکه دوگونه اش رابوسیده به بیان لطف ورضا امید وارفرمودند ازپیوفائی منتسبین سخن آغاز نموده قسم یاد فرمودند که آنچه بعد ازصعود مبارك بر سر من آوردند طابق النعل بالنعل بعد ازمن برسرجانشین من وارد خواهد آمد . آن جان پاك مکرّراین داستان رااز برای یاران عزیز نقل مینمود . این عبد شرمسار در ۵ مارس ۱۹۵۲ که یکی ازایام اخیرتشرف بود این مطلب رابحضورمبارك معروض داشت فرمودند حضرت عبد البهاء باواعتماد تام داشتند عدهٔ معدودی ازجمله اسماعیل آقا وعبد الصمد .

داستان جناب دکتر حبیب مؤید وجناب حاجی میرزا حیدرعلی

در ایام تحصیل مبارک در بیروت افتخار ملازمت ومواظبت مولای بیهمتا با مر حضرت مولی الوری نصیب برادر روحانی عزیز جناب دکتر حبیب مؤید [1] که اکنون در فراق محبوب بیمثال خود شب و روز در احتراق اند گردید والد عزیزشان جناب خدابخش روزی دکتر را طلبیده توصیه ونصیحت نمود که بسیار دقت نماید و در روش ورفتار خود دقیق ومواظب باشد و قدر این عنایت را بداند زیرا که آن بزرگوار جانشین اب شفوق ومولای حنون حضرت عبدالبهاست . دکتر عزیز این معنی را در خاطرات خویش چنین مرقوم داشته اند :

" در ایام طفولیت و دورهٔ تحصیلی آنحضرت بعضی از احبا معتقد بودند که حضرت شوقی ربانی جانشین وقائم مقام حضرت عبدالبها خواهند بود منجمله جناب حاجی میرزا حیدرعلی اصفهانی (وقتیکه بیروت میرفتیم جناب حاجی میفرمودند عرض عبودیت و فدویت این فانی پیر غلام را بحضور مبارک حضرت غصن ممتاز شوقی افندی تقدیم نمائید

آن پیر روشن ضمیر روحانی گاهی تلویحاً بتلامذه اظهار مینمودند که آنچه بجناب شوقی افندی عرض میشود که آقا بمدرسه کلیه بیروت تشریف نبرید مدرسه سرکار آقا کافی است

۱ــ جناب دکتر مؤید در ۱۹۷۱ بملکوت ابهی صعود نمود .

جواب میفرمودند اطاعت امرمبارك رابا ید بکنم این هم لازم است ") وهم چنین والد نگارنده مرحوم حاجی خدابخش مؤید هم این عقیده راداشتند وهمیشه توصیه مینمودند که " مواظب رفتارومعاملات خود درمدرسه باشید زیراگیرندگی چشمان وطرزرفتارجناب شوقی افندی شبیه سرکارآقااست البته ایشان جانشین خواهند بود "

این استعین جملاتی که بین دکتر و والد بزرگوارشان بزبان ساده مبادله شده است و مکرر ازجناب دکتراستماع گردیده که " چون درك مطلب برای من مشکل بود از والد توضیح طلبیدم بازبان ساده وعامیانه فرمودند " چشماش مثل حضرت عبدالبهاچرخ میخورِ " وهم چنین وقتیکه پدرم به کلیه آمدند ومن به حضرت شوقی افندی مثل سایرین خطاب میکردم مثلاً میگفتم بیابنشین و غیره پدرم فرمود " مواظب باش دررفتارت نسبت به شوقی افندی " و این مطلب رانه یکدفعه نه دودفعه نه سه دفعه بلکه مرتب تکرارمینمود که مطمئن باش جانشین حضرت عبدالبهاءاست اول اهمیت ندادم دردفعه دوموسوم که تاءکیدکرد ومن نمیتوانستم قبول کنم صبرم تمام شد گفتم چرا میگوئید فرمود آیا نمی بینی وآخرین روزی که پدرم میخواست از شهر برود گفت :

" حبیب من بتو گفتم ولی مواظب باش شوقی افندی جانشین حضرت عبد البهاء خواهد بود . "

باری ایام مبارك بدینمنوال در دورهٔ تحصیلی گذشت ارض باء بقدوم مبارك مشرف بود و ذرّات ممکنات از پرتو انوار شمس جمال آن " نوگل باغ ملاحت " مستفیض ومستبشر " حمداً لمن تشرف ارض الباء" در دانشگاه سنت ژوزف و یونیورسیته امریکائی در بیروت موطئ اقدام مبارك بود نـد.

عریضهٔ هیکل مبارك بحضرت عبد البهـاء

مولای محبوب در آن اوقات که سرگرم تحصیل بود نـد عریضه ئی از بیروت بحضور مبارك حضرت عبد البهاء عرض نموده اند که شدّت تعلق و خضوع مبارك را بآن اب شفوق وحنون وهم چنین منظور مقدسشان را از تحصیل واضح و مجسم مینماید تاریخ ١٥ کانون الثانی (ژانویه ١٩١٨)

قوله الاحلی : " ایها المولی الکریم

بعد اداء فرائض الشکر والثناء وتقدیم واجبات العبودیة والفناء لمحضرك المبارك وبث مافی الجنان من الولـه والأمتنان من توجهاتك القدیمة والطافك الخفیة اعرض لمولطئ قدمیك یا مولای بانّنا وصلنا الکلیه بکل سرور وسلامة محفوظین ونحن فی الطریق من البرد والمطر آمنین سالمین فی کنـف

رعایته وحمایته وقد باشرت بالدروس مکبّاً علیها مهتمّاً فیها باذلاً الجهد الجهید فی اکتساب ما ینفعنی ویؤهلنـــی و یساعدنی لخدمة الامر فی مستقبل الأیّام . . . والتلامذه بأجمعهم سالمون مجتهدون فی العلوم والفنون ملتمســون التائیدات الالٰهیة فی جمیع الشئون . . . رقیقك الفقیـر و عبدك الحقیـر شوقی ١٥ ك٢ ١٩١٨ "

خاتمه جنگ اول جهانی

بالأخره دورهٔ چهارسال جنگ اول جهانی سپری شد ابواب مفتوح گشت و عاشقان جمال مرکزمیثاق مجدداً از شرق وغرب بارض اقدس شتافتنـــد .

شب و روز اوقات مبارك حضرت عبد البهاء بافاضـــه فیوضات و نزول الواح وابراز عنایات به وضیع و شریف و زائرین ورسیدگی بامورمهمه وسائره میگذشت و حضرت شوقی افندی درمحضرمبارك به ترجمه الواح ومکاتبه ورسیدگـــی باموری که ازطرف حضرت مولی الوری بحضرتشان ارجاع میشد مشغول بودند قریب دو سال باین خدمات مهمه قائـــم بودند وبفرموده مبارك درمحضرحضرت عبد البهاء کتابـــت میفرمودند .

در بعضی از دستخط ها و یادداشتهای یومیه مبارك منعکس است که تا چه اندازه حضرت مولی الوری وهیکل مبارك در آن ایام مشغول بوده اند در توقیع مبارك مورخه ۷ ژانویه ۱۹۱۸ باعزاز جناب دکتر لطف الله حکیم چنین میفرمایند: (ترجمه) " این ایام غالباً ازصبح تاشب اوقات مبارك حضرت عبدالبهاء بنزول الواح میگذرد الواح مهمه ئی بافتخار احبای امریکا و ایران وانگلستان وهندوستان و روسیه و ژاپان و مصر نازل گردیده . این الواح مبارکه منبع الهام از برای احبای عزیز است و بسیارمؤثر . ازبرای احبای انگلستان الواح ذیل عز نزول یافته : لوح مبارکی بافتخار دکتر اسلمونت در بورن موث و دولوح دیگرباعزاز یوحنا داود در لندن ولوحی بافتخارمیس روزنبرگ . درلوح اخیرذکری هم از شما فرموده اند وبیان تقدیروتحسین ومسرت از خدمات خستگی ناپذیرتان وباین جمله بیان مبارك راختم فرمودندکه " ای هزار آفرین بر او "

یقین دارم دراین چند روزه الواح دیگری نیزبافتخار احبای انگلستان نازل میشود "

بعضی از یادداشتهای یومیه مبارک

وهم چنین دریادداشتهای یومیه مبارک :

ازجمله یادداشتهای مورخه۳ و٤ تا ۹ و۱۰ اوت ۱۹۱۹ است که برسبیل مثال وازبرای آنکه بمنه والطافه خاطرات آن ایام ونمونه ئی ازمشاغل یومیهٔ مرکزمیثاق وغصن ممتاز بها در ذهن این بینوایان تجدید شود نبذه ئی از آن ترجمه واقتباس و زیب این اوراق میگردد . حقیقةً چه افتخاری اعظم ازآن‌که رشحی ازخاطرات مصاحبت وموانست دو مبیّن آیات الله که چشم روزگاردرآن ایام دیده و دیگربار ابرو باد و مه و خورشید و فلك شبهش رامشاهده نخواهد نمود ازبرای این خسته دلان منبع فیض والهام ومعرفت و امید و اطمینان باشد .

(ترجمه) ازیادداشتهای یومیه ۳ اوت ۱۹۱۹ :

" مادام استانارد عرض نمود چقدر مسروروومستبشراست ازاینکه دراین اوقات حضرت مولی الوری برحسب ظاهر قرین آسایش ورفاه اند . این اظهاربمنزلهٔ مقدمه‌ئی بود که حضرت عبدالبهاء رابرآن داشت نطق مفصلی القافرمایند . نظر باهمیت موضوع ذیلاً ترجمه نطق مبارك درج میگردد .

حضرت عبدالبهاء فرمودند :

" در دوره حکومت ترکیه ما مسجون بودیم ولی در عین حال آزادی عمل داشتیم هریك ازمستخدمین حکومت راکه رفتارشان شایسته نبود میتوانستیم مجبورکنیم از کار بر کنار شود یکمرتبه تمام اعضای اداری حکومت در عکا معزول شدند ازحاکم گرفته تا کاپیتان جمیع درهول و هراس بودند عزل دستگاه اداری بعلت آن بود که حاکم عکا همان بیتی راکه محل سکونت جمال مبارك بود مصادره کرد وچون ما ازقبول آن امتناع نمودیم مقاوله نامه ئی باصاحب ملك بست و بیت را اجاره کرد وقتی من ملاحظه نمودم که جسارت او باین مقام رسیده به والی بیروت مراجعه کردم و او لجنه ئی برای تحقیق فرستاد آنچه من باعضای لجنه میگفتم باکمال میل می پذیرفتند واحدی نمیتوانست مانع شود برای مدتی بیت راتخلیه نکردم نه ازآن جهت که کسی میتوانست مرا مجبور کند "

راجع به برج و باروی عکا و خود شهر عکا حضرت مولی الوری چنین ادامه دادند :

". . . این استحکامات بعنوان آثارعتیقه حفظ خواهد شد عکا ممکن است تبدیل به بهشت شود وچنین خواهد شد . ازجمله اموری که واقع خواهد شد آنست که عکا و حیفا

یك شهر خواهد شد وبسیارتوسعه خواهد یافت
محیی الدین درکتاب خویش مرج عکارا ماءدبهٔ الٓهیه نامیده
نوشته است که قیمت هر وجب از اراضی عکا یك دینارخواهد
شد بعلاوه میگوید جنگ خونینی (ترجمه تحت اللفظی مذبحه
کبری) دردشت عکا برپا خواهد شد بعبارةٍ اخری منازعه‌ئی
هولناك و شدید بین لشکر حق و باطل درخواهد گرفت
این کتاب /۸۰۰ سال قبل نوشته شده نبّوات بسیاراست
ولی ما اهمیتی بآن نمیدهیم زیرا حقیقت بخودی خود واضح
است و احتیاج بدلیل و برهان دیگر ندارد آفتاب بخودی
خود روشنائی واثرات خودراظاهرمینماید ومستغنی از
شواهد دیگراست لذا اثبات حقانیت جمال مبارك احتیاج
باین ادلّهٔ نقلی ندارد زیراتمام حیات و روش و سلوك
مبارك بخودی خود دلیل بر عظمت مبارك بود . یکی از
دلائل قاطعه آنکه جمال مبارك امرش رادرزندان مرتفع
فرمود آیانظیری ازبرای این میتوان یافت جمال مبارك
امرش رادرسجن اعلان فرمود وعلمش رادرزیرشمشیر مرتفع
کرد . جمال مبارك بنفسه درمقابل دوسلطان مقتدرکه بر
قلع وقمع مبارك کمربسته بودند ایستادند . این دوسلطان
فرمان دادند جمال مبارك رادریك اطاق محبوس نمایند و

ارتباط مبارك را با دنیای خارج قطع کنند مرا از تشرف بحضور مبارك منع میکردند باوجود این منع شدید خیمهٔ مبارك در اینجا در این محل مرتفع در کرمل افراشته شد. در حالی که در بیت ساکن بودند ابواب بیت را مفتوح فرمودند بدرجه‌ئی که حتی در یك روز پنجاه نفر زائرین حضور مبارك مشرف میشدند وتمام مأمورین حکومت در محضر مبارك خاضع وخاشع بودند. یك روز جشن نامزدی در بیت مبارك منعقد بود تمام مأمورین کشوری وافسران ازسرهنگ و سرلشکر و سرگرد وهمچنین بزرگان عکا حتی والی و شیخی که ۲۰ نفر اتباع داشت مدعو بودند ولی جمال مبارك باآنها ملاقات نفرمودند وحتی احوال آنها راهم نپرسیدند باین درجه جمال مبارك بآنها بی‌اعتنا بودند بعلاوه چهارسال ضیاء پاشاکه متصرف بود دائماً از من استدعا میکرد بحضور مبارك شرفیاب شود ولی جمال مبارك قبول نمی‌فرمودند بعداً یك حاکم دیگر بسا فرمانده قشون که درعکا بود پیش من آمدند و گفتند از اسلامبول فرمان رسیده که باید جمال مبارك را ملاقات کنیم واگرملاقات نکنیم معزول خواهیم شد بالأخره جمال مبارك قبول فرمودند فرمانده قشون ووالی باتفاق در اطاق مبارك وارد شدند ودم در نشستند جمال مبارك ازمحل خود حرکت نفرمودند

بعداً فرمودند غلیان بیاورند والی اظهار داشت شرب دخان درمحضرمبارك جایز نیست واستدعاکرد معذورفرمایند معذلك جمال مبارك امر فرمودند غلیان بیاورند و وقتیکه غلیان جلووالی گذارده شد ازبرای اطاعت فرمان مبارك فقط لب غلیـــان را به لب خویش نزدیك کرد و زمین گذاشت چند دقیقه درمحضر مبارك دو زانو با کمال ادب نشستند وبعد مرخص شدنـــد . جمیع حرکات وسکنات جمال مبارك دلیل بر عظمت مبارك بـود از ابتدای عالم تا بحال چنین امری مشاهده نشده است کـه شخصی در حبس دو سلطان مقتدر باشد و چنین عظمـــت و اقتداری از خود ظاهر فرماید جمال مبارك با چنین حشمت وجلال در مقابل دو سلطان مقتدر که اعدا عدو مبارك بودند امرش رادر شرق وغرب بلند فرمود با وجود آنکه پنجاه ســال شاه ایران با وزرای خود وسلطان ترکیه و وزرایش وعلمای ایران و ترکیه جمیع متفقاً بر علیه جمال مبارك قیام نمودند معذلـك جمال مبارك محفوظ و مصون بودند . این واقعه درتاریـــخ نظیرندارد بعلاوه آنچه درکتاب اقدس وسورهٔ هیکل / ٠ سال قبل نازل شده در این حرب وقوع یافت در موقعیکه آلمـــان فرانسه را فتح کرد و تصور مینمود آن کشور را قلع و قمع کرده است وامپراطور آلمان در اوج عظمت بود جمال مبارك درسجن این بیانات شدیده را خطاب به قیصر آلمان نازل فرمودند .

* ایاك ان یمنعك الغرور اذ کرمن کان اعظم منك شاناً و اکبر

منك مقاماً (یعنی ناپلئون) این هوو ماعنده "
وهمچنین بخاطربیاورید خطاب صریح مبارك را به برلین .
خلاصه آثار بزرگواری مبارك هرقدر نقل شود تمام شدنی نیست .

دربحبوحهٔ ایام غلبهٔ آلمان جمال مبارك چنین فرمودند
" یا شواطی نهرالرین قد راءیناك مغّطاة بالدّما بماسّل علیك سیوف الجزاء ولك مرّةً اخری ونسمع حنین برلین ولوانّها الیوم فی عزٍّ مبین "

(ترجمه) ازیادداشتهای یومیه مبارك مورخه ٤ـ ۹ اوت ۱۹۱۹ :

" نظربتراکم امورووظائفی که این عبد ازبرای حضرت عبدالبهاء انجام میدهم ورسیدگی بامورمتنوعه که ازقبل هیکل مبارك ارجاع میشود خصوصاً تحریروترجمه وارسال الواح مبارك ومطالعهٔ عرائض بیشمارکه ازقارات اروپ وامریك بحضورمبارك میرسد ناچارشده ام برای چندی ازادامهٔ یادداشتهای یومیه که مربوط به نطقهای مبارك وتفصیل کارهای یومیه و ایاب وذهاب حضرت عبدالبهاء است صرف نظرنمایم .
عرایض لاتحصی که بمحضرمبارك رسیده وهرچه زودتربایـد بشرف لحاظ مبارك فائزگردد برروی هم انباشته شده . سایر

مکاتبات مبارک که بصورت جزوه ها ورسائل است باید سریعاً مورد تمعن وترجمه وتحریرقرارگیرد . ازطرف دیگرسیـــــل تلغرافات ازاقطارمختلفه کره ارض همه روزه متواصل است و جرائد وراپورتها وقطعات روزنامه جات و کتب و رسائل لا ینقطع به حجم پست میافزاید .

دربحبوحهٔ این مشاغل ماژورمور Major Moore بحضورمبارک رسید . . .

مذاکرات مفصل وجالب این شخص باحضرت مولی الوری در مباحث مختلفه دورمیزد که اکثراً راجع باهمیت صلح در آتیه ولزوم استقرارنظمی پایدار درجهان بود ونظربآنکه این شخص از هواخواهان جدّی مجمع اتفاق ملل بود وبنظرتحسین بآن مجمع ناظر حضرت عبدالبهاء باوفرمودند امیدوارند روزی مجمع اتفاق ملل تمام ملل عالم راازبزرگ وکوچك در بر گیرد وجمیع ملل به نسبت معین درآن مجمع نماینده داشته باشند وکاملاً ازحقوق ومزایای عضویت خویش استفاده کنند وبعـــد حضرت عبدالبهاء طریقه واصلی که باید برای اداره تشکیلات چنین محکمهٔ بین المللی تعقیب شود بیان فرمودند بدیـــن نحو که جمیع ملل باید درآن مجمع شرکت نموده بوسیله مجلس عوام واعیان خویش یك یا چند نفرنماینده که تعداد نمایندگان

متناسب با وضع آن کشور باشد انتخاب کنند و این منتخبین که ازطرف پارلمان انتخاب شده اند مورد تائید کابینه و هیئت وزراء آن مملکت قرارگیرند وبتصدیق وصحهٔ رئیس ملت که عبارت ازشخص پادشاه یارئیس جمهورباشد برسد سپس این نمایندگان ملل مجمع شوری ترتیب دهند ومسائل بین المللی راحل وتصفیه نمایند واگرملتی ازقرارصادره تخلف وتمرد نمود یك قوه نظامی مشترك آن ملت رامجازات کند .

حضرت عبدالبهاء امید وارند که ازمجمع اتفاق ملل کنونی چنین هیئت شورائی مبعوث شود و آتش نارضایتی ونگرانی راکه هنوز درقلوب آلمانها وبلغارها و مجرها وترکها و روسها مشتعل است خاموش نماید . پس ازآنکه صلح وسلام نه فقط برروی کاغذ بلکه درقلوب برقرارشد صلح عمومی که حضرت بهاءالله بآن بشارت داده اند تحقق خواهد یافت و اثر خویش رابمنزلهٔ بزرگترین عامل درسبیل روابط بین المللی ظاهرخواهد نمود . معذلك همین مجمع اتفاق ملل هم در مقام خود فوائدی دربرداشت اولین ومهمترین فائده آن بود که دول مقتدرهٔ عالم ازجمله امپراطوری آلمان راکه رزم جو بود ونظرات خود راتحمیل مینمود برآن داشت تشخیص دهد که جنگ دیگروسیلهٔ کسب قدرت و افتخار نیست بلکه

هادم بنیان بشراست و همچنین جمیع ملل اعتراف کردند که جنگ برخلاف آنچه بعضی تصورمیکردند حافظ قدرت یك ملت ومانع ضعف آن است غلط ومبادرت بآن جنایت است .

نتیجهٔ دیگرآن بود ملل متفق وملل وابسته بآنها متوجه شدند که بوسیلهٔ وحدت وهمکاری میتوان به نتایج غیرمنتظره ومهمه رسید . روابط اقتصادی ملل رابهم نزدیکترکرده ومحتاج بیکدیگر نموده است وباین طریق باهم نزدیك شده اند .

نتیجهٔ سوم اکتشافات باهره ایست که درعالم علم در اثنای حرب واحتیاجات فوری آن حاصل شده .

سپس حضرت عبدالبهاء اشاره به ترقیات شگرفی که درفن هوا پیمائی حاصل شده است فرمودند واینکه این عوامل فعّاله وطیارات عظیمه باید برای آسایش عالم نه دمار آن استعمال شود . . .

یك اثرمهم دیگری که متعاقب جنگ ظاهرشد ملاحظهٔ این نکته بود که بطورکلی استعدادات بشروقوای عقلانی انسان توسعه یافته واین نکته بخودی خود دلیل برترقی سریع عالم و مهیا شدن عقول واحساسات برای قبول یك صلح پایدار است یعنی صلح اعظمی که حضرت بهاءالله درکتب و رسائل خویش بآن اخبار فرموده اند . این مقدمات حضرت عبدالبهاء رابر آن

داشت که تعالیم اساسی امر مخصوصاً ترك تعصبات نژادی ودینی رابرای اوبیان فرمایند حضرت مولی الوری بر سبیل مثال بابیانی سهل و ممتنع عبث بودن خصومات نژادی و مذهبی راخاطرنشان فرمودند وسفاهت بشر را گوشزد کردند

. . . .

وفرمودند بهائم وطیور که بسیار پست تر از انسان اند وفاقد فهم وشعور مخصوصاً گوسفند وکبوتر از هر منطقه ئی که آمده باشند ولوهرقدر مناطق غیرمتجانس باشد وقتی بهم برسند باکمال الفت ویگانگی بایکدیگرماءنوس میشوند و آمیزش میکنند چرا انسان که اشرف مخلوقات است دراین مورد باید پست تر ازحیوان باشد . انسان چشم خودرا در مقابل بسیاری ازشئون که باهمنوع خود مشترکاً دارااست ما نند عقل و هیئت بدن واعضاء وطبیعت انسانی می بندد و فقط یك اختلاف رادرنظرمیگیرد که عبارت ازاختلاف زبان است آیاسزاوار است دیده ازجمیع آن مواهب که وجه ارتباط واشتراك اوباهم نوع خویش است به بندد وفقط آن یك اختلاف رابه بیند . این مسائل ونکات دیگربتفصیل ازطرف

هیکل مبارك بیان شد وچنین مینمود که در روحیه مهمان ما بینهایت تاءثیرکرده وسبب تنویروهدایت افکارا وگردیده است درخاتمه دست مبارك رابگرمی فشرد ومراتب تقدیروامتنان خویش راتقدیم نمود وآرزوکرد روزی رامشاهده نماید که این افکارعالیه درجهان جامهٔ عمل پوشیده .

مجالس شب درمحضرمبارك طولانی وبسیارموءثروجالب است مخصوصاً آنکه حضرت عبدالبهاء دراین لیالی یك سلسله نطقهائی راجع به سه بارسجن متوالی جمال مبارك درایران القامیفرمایند . امیدوارم فرصت کافی دست دهد تاآن خطابات مبارکه راباا حبای اطراف درمیان نهم "

(ترجمه) از یادداشتهای یومیه مبارك مورخه ۱ اوت ۱۹۱۹

" ماژور مور Major Moore که ازسرچشمهٔ معارف الٰهی جرعه های لبریزنوشیده هنوزدرحال عطش است وبه تشرف سابق خودکفایت ننموده برای آنکه سیراب شود مجدداً امروزصبح بحضورمبارك رسید و دو مسئله معروض داشت یکی راجع به تاءثیرونفوذی که دعاو توجه درشخص دعاکننده وهمچنین درنفوسی که دربارهٔ آنها دعامیکند دارد ودیگری راجع به کیفیت نبوّات حضرت

بهاءالله ونصوص نازله دراین باب که بر وفق استنباط وی بنحو اعجاب آمیزی تحقق یافته است .

ازآنجاکه امروزه بشر برنج والم شدید مبتلا است وتلفات جانی بیشماربنوع انسان وارد میشود طبعاً توجه و مناجات ازقِبَل تمام مردم روی زمین مؤثر و ضروری است. سئوال ماژور مور این بود که آیا توجه و تفکر شخصی که انزوا اختیارنموده وعاری ازفعالیت است و درصمت و سکون بسر میبرد دربارهٔ نفوسی که دربارهٔ آنها توجه مینماید مؤثرهست و اوضاع ایشان را بهبودی میبخشد یانه زیرادسته ئی ازمتفکّرین معتقدند که این حالت توجّه اگرچه بصورت صمت و سکوت است ولی بهمان اندازه که شخص بالفعل بکمك و خدمت ابناء نوع خویش برخیزد مؤثراست زیراتوجه آن شخص معتکف افکارسایرین رابیدارمیکند و محرّك نفوس در سبیل قیام بخدمت و اصلاح عالم میگردد .

حضرت مولی الوری فرمودند هرقدرتوجه چنین شخصی ازتمام قلب و ازروی خلوص باشد اگربحال سکون و سکوت باقیماند وفاقد فعالیت باشد سبب بیداری افکاروتشجیع نفوس نخواهد شد مگرآنکه استغاثه ودعای اوبحول و قوهٔ الٰهی تغییری درحیات نفوسی که برای آنها دعانموده بدهد ولی

همینکه همین شخص فکرخود راتبیین کند ویابحیّز عمل در آورد این عمل در روحیهٔ سامعینی که باافکار او آشنا شده اند ویاناظرینی که عمل اورامشاهده نموده اند مؤثر خواهد افتاد وایشانرابجنبش وحرکت خواهد آورد .

سپس حضرت مولی الوری برسبیل مقایسه مثال شخصی را زدند که تمام همّ خود راصرف تحصیل ثروت نماید چنین شخصی اگرافکارخود راتنظیم ننماید وبصورت طرحی تقدیم نکند ویابالفعل آن افکار رامجسم نسازد کمکی برای ثروتمند کردن دیگران ننموده . پس ازتبیین مراتب تفکروتمعن که ماژور مور نظر خویش را فقط معطوف به دعاومناجات نموده بود سئوالهای دیگرپیش آمد ازجمله یکی راجع بموقع دعا ومناجات واهمیت آن ودیگرآنکه چگونه شخص باید حالت دعا وتوجه رادرخود ایجاد نماید حضرت عبدالبهاء فرمودند اگر چه نفس کاراعم ازآنکه آن کار شغل ویااعمال بریه یا امور خیریه باشد بمنزلهٔ عبادت محسوب است معذلك بهترین وقت ازبرای دعا هماناسحرو غروب آفتاب است که افکارانسان ومحیط خارج کاملاً ازبرای این امرمساعد ومناسب است .

واماراجع باینکه چگونه حالت دعاومناجات راباید تحصیل نمود درحالیکه انسان خودرادرآن حال مشاهده ننماید و

غرق در امورد نیوی باشد حضرت عبدالبهاء فرمودند که قوهٔ اراده بالاخره انسانرا بآن حال میکشاند یعنی حال جذبه وشور. بقوهٔ اراده وسعی واندیشه انسان توجه خود را بخداوند ،بعلم وخلقت حیرت انگیز او ، به حکمت الٰهی و قدرت مطلقهٔ ربانی معطوف مینماید وبعد باتفکر عمیق وتکرار درتفکروتوجه به عشق الٰهی واصل میشود وشوق و رغبت به مناجات و انجذاب واشتعال فوق‌العاده درخود احساس مینماید . معذلك بعضی اوقات هم ملاحظه میکند که فقط قدرت الهی نه سعی بشری ممکن است انسان را به آن‌مرحله وحال برساند درآنصورت چه مبارك حالی‌است آن حال و چه شدیداست آن عشق .

ملاحظه نمائید عشق چه تاثیردارد حال اگرعشق عشق الٰهی باشد چه قدرنفوذ وتاثیرش درقلوب قوی ترو شدیدتر است وتاچه اندازه نفوس راتقلیب خواهد نمود .

قسمت ثانی مذاکرات امروزصبح راجع به وعود وانذارات محیّرالعقول جمال مبارك بود . حضرت عبدالبهاء فرمودند این وعود وانذارات درکتبی‌که سی سال قبل درهندوستان وایران و مصر جمع شده وطبع ونشرگردیده است موجوداست سپس امرفرمودند دومجلّدازاین کتب را بحضورمبارك بیاورند

وهمینکه کتابها آورده شد در حضور مهمان باز فرمودند وصفحات آنرا ورق به ورق گشوده بالحن بلند ومسهیمن بعضی از آیات کتاب اقدس را تلاوت فرمودند که راجع به عزل عبدالحمید و مظالم سران حکومت اسلامبول وارتفاع صوت بوم از معشر روم وسقوط آلمان وهبوط بفتی ملك برلین واستماع مجدّد حنین برلین وهم چنین بشارات روح بخش راجع به آتیهٔ درخشان ایران و خصوصاً طهران بود . این کیفیات در ماژور مسور بسیار تأثیر نمود و از استماع آیات و بیّنات بینهایت محظوظ گشت و وقتیکه ازمحضر مبارك مرخّص میشد بنظرمیرسید بسیار ازجوابهای مقنع و شافی که حضرت عبدالبهاء بتفصیل برای او بیان فرمودند قانع و راضی است .

بقیهٔ روز در جوارمقام اعلی گذشت احباجمیعاً آنروزتا بعد ازظهر جمع بودند ودرضیافت نهاری که ازطرف یکی از زائرین طهران آقاغلامعلی دوافروش برپاشده بود شرکت کردند جلسهٔ بعد ازظهر وزیارت مقام بیاد متصاعد الی الله حاجی داود حییم که منتسب بیکی از زائرین رشت بود منعقد گردید . رویهمرفته مجلس بسیارمجلل وباشکوه وروحانی بود مجلسی که حضرت مولی الوری درمیان ما حضور داشتند قرب مقام اعلی ومزیّن به عکس دسته جمعی که درمحضر مبارك گرفته

شد وباضیافت مجلّل نهار و صرف عصرانه کامل تکمیل گردید"

حمد آستان مقدس حضرت مولی الوری و غصن ممتاز بهارا که بازیارت بعضی ازیادداشتهای یومیه مبارك برشحی از احوال آن ایام مستحضرگشته قربیت آن د وطلعت ربانی را ازاعماق قلب و فؤاد متمنی و تحصیل رضا و توفیق برخدمت وبندگی عتبهٔ طاهره مقدسه شان رابکمال تضرع و ابتهال آرزومندیم .

دستخطهای مبارك به دکتر اسلمونت — Dr .J. E Esslemont

مولای محبوب و بیهمتادرآن ایام باب مکاتبه را با متصاعد الی الله جناب دکتراسلمونت علیه بهاءالله باین ترتیب افتتاح فرمودند :

(ترجمه) (ازدستخط مبارك مورخه ۱۹ نوامبر ۱۹۱۸)

" برادر روحانی عزیز حمد پروردگارعالمیان راکه شمشیرها به غلاف راجع شد و پرچمها و رایات جنگ برچیده گردید . . . شکر وسپاس دارای جهان راکه اگرچه جنگ مصاعب و مشکلات غیرقابل وصف ازبرای حضرت مولی الوری در بر داشت ولی بالمآل نتیجه موجب شکرانه است . . . .

کاپیتان تیود ورپول Captain Tudor Pole

که بسیار مورد محبت و عنایت حضرت عبد البهاء است بغتةً امروز به عکا وارد شد ورود شان غیرمنتظر و سبب مسرت بسیار بود اسم شما و خدمات خستگی ناپذیرتان را در محضر مبارك ذکر کردند هیکل مبارك بینهایت مسرور ومشعوف شدند و در بارهٔ شما دعا فرمودند و ازجمال مبارك اب بزرگوار خویش طلبیدند عون و عنایت خود را دربارهٔ شما مبذول فرماید .

من آدرس شما را ازکاپیتان تیود ورپول بدست آوردم و حال اگرچه مقدار زیادی ازشب گذشته ودیروقت است معذلك مصمم شدم باب مکاتبه را باشما مفتوح نمایم و این مکاتبه مرتباً ادامه خواهد یافت و سبب انتعاش قلب و سرور من خواهد بود . . . دوست شما درسبیل خدمت باسم اعظم

امضای مبارك شوقی "

و در دستخط مبارك مورخه ۱۷ دسامبر ۱۹۱۸ این بیانات مبارکه مسطور است :

(ترجمه) " فردا ازحضرت عبد البهاء دعوت نموده اند در احتفال عظیم عمومی که بمناسبت پایان جنگ منعقد میشود مناجات خاتمه ازلسان مبارك نازل گردد (وبعد صورت مناجات را مرقوم فرموده اند)

وهمچنین در دستخط مبارك مولای محبوب مورخه ۱۲ ژوئن ۱۹۱۹ باعزاز جناب دکتر اسلمونت این بیانات مبارکه زیارت میشود :

" صحت مبارك حضرت مولی الوری خوب است چند روز درجوار روضهٔ مبارکه حضرت بهاءالله گذرانده اند جمیعاً بیاد شما هستیم و امید واریم بزودی به حیفا ورود نمائید .

عرائض مانند سیل لا ینقطع بحضور مبارك میرسد والواح مهیمنه بسیار همه روزه نازل میشود غالب اوقات من در پشت میز تحریر تا بعد از نصف شب به ترجمه الواح مشغولم معذلك مسرور و مشعوف امید وارم بزودی مکاتیب شما برسد . برادر حقیقی شما شوقی "

چنانچه در یادداشتهای یومیه مبارك مورخه ۱۰ اوت ۱۹۱۹ زیارت شد درآن ایام که باب لقا مفتوح بوده غالباً زائرین ومجاورین مفتخر به حضور در عکسهای دسته جمعی درمحضر مبارك طلعت میثاق و ولی امر عزیز الهی میشدند وچون جناب دکتر اسلمونت از محضر مبارك شمایلی طلبیده بود درتاریخ ۱۱ اوت ۱۹۱۹ مسئول ایشان را با عنایت نمودن عکس دسته جمعی مزّین باین جمله " یادگار محبت آمیز " ازطرف شوقی به برادر عزیزش دکتر اسلمونت اجابت فرمودند .

قوله الاعلی (ترجمه) " نظر باینکه عکس فردی خوبی از خود ندارم یك نسخه عکس دسته جمعی که اخیراً درجوار مقام حضرت اعلی گرفته شده وعکس خودرا باعلامت چلیپا در روی آستین مشخص نموده ام برای شما ارسال میدارم . . . "

و درهمان دستخط ازاحوال مبارك و جریان حال چنین مرقوم فرموده اند :

(ترجمه) " حال من خوب است و ازاینکه لطف الله راملاقات نمودم مسرورم همه روزه ایشان راملاقات مینمایم و دیروز باهم پیاده گردش مطبوعی درمهتاب درجبل کرمل نمودیم امیدوارم شمارا درهمانجا درماه اکتبر ملاقات کنم ومدت مدیدی باهم درنهایت روح وریحان بگذرانیم دوست دائمی شما شوقی "

باری مشاغل مبارك بهمین نحو ادامه داشت و صحّت وجود مبارك روز بروز مختل میگردید چندانکه ضعف و نقاهت بروجود مبارك طاری گشت لذا بامر مبارك حضرت عبدالبهاء برای اعادهٔ صحت و هم بقصد " تحصیل لوازم وتهیه اسباب خدمت این امر درمستقبل ایام عزم بلاد اروپا فرمودند .

خاطرات دکتر لطف الله درمورد سفرمبارك باروپا

دکتر لطف الله عزیز که بشرف التزام حضور مبارك مفتخر شد چنین مرقوم داشته اند :

" پس از جنگ درسنه ۱۹۱۸ این عبد از لندن بارض اقدس احضارگردید درآن موقع حضرت شوقی افندی حضور حضرت عبدالبهاء مشغول نوشتن الواح منزله و جواب عرائض اشخاص برحسب دستورمبارك و خلاصه کردن مکاتیب بودند حضرت شوقی افندی یك تاریخ یومیه ای هم به انگلیسی باسم احمد مرقوم فرموده اند . درآن ایام جمعیت زیادی ازاحباء ازاطراف واکناف دنیاآمده و مشرف میشدند هیکل مبارك حضرت شوقی افندی هم کاملاً مشغول کارهای مبارك بودند شبانه روز کارمیکردند بطوریکه پس از چندی بکلی ازشدت کار خسته شدند بحدّی که سرکار آقا امر فرمودند که برای ایشان ویزا بگیرم تاباتفاق یکی ازدامادهای مبارك چندی دراروپا استراحت کنند بعدازچندی بنده را احضارکردند وفرمودند میخواهم شما درخدمت شوقی افندی بروید .

درآن ایام کلیه کارهای مربوط بمسافرین دردست این عبد بود . برای تهیه ویزا بنابراهنمائی اداره ویزا بقاهره

رفتم تا ازقاهره به لندن مخابره کنند این بهترین‌وسریعترین راه بود درغیراین صورت میبایستی درحیفا قریب یکماه منتظر بمانم وقتیکه بقاهره رسیدم احباهمه تعجب کردند که باوجود آنهمه کارکه درحیفاداشتم چطورهمه رارهاکرده بقاهره آمدم بخصوص‌که آنهاهم‌تصورمیکردند که باید مدتی درقاهره برای تهیه ویزابمانم. فردای آن روزباتفاق یکی ازاحبا باداره گذرنامه رفتم جمعیت باندازهٔ بود که برای گرفتن نمره هم نمیشد جلوی‌گیشه رفت بطرف اطاق رئیس اداره رفتم کارتم رابه پیشخدمت اطاق دادم گفتم میخواهم ایشان را ببینم بعدازچند دقیقه خارج شد ومرابا طاق رئیس راهنمائی کرد وقتی دانست که برای ویزاآمده ام گفت اقلاً بایستی دوهفته صبرکنید تاازلندن جواب برسد گفتم خیلی خوب ولی اگر اتفاقی برای مریض من پیش‌آمد شما مسئول خواهید بود تعجب کرد وگفت مریض شماکیست گفتم من ازطرف سِر عبدالبهاعباس آمده ام و مریض هم نوهٔ ایشان است اظهارنمود چرازودترنگفتید تذکره رافوراً ویزا کرد و داد خواست خداحافظی کند گفتم من برای مراجعت هم ویزا میخواهم ویزای مراجعت راهم گرفتم وقتی خارج شدم مشایعتم کرد همه تعجب کردند که این شخص که بود که

رئیس این طور با و احترام گذارد فوراً حضور مبارك تلگراف کردم تلغراف فرمودند بلیط کشتی بگیرم پس از تهیه بلیط تلگراف عرض کردم وحضرت شوقی افندی به اسکندریه تشریف آوردند درخدمت ایشان و جمعی از احباء عکسی برداشته شد سپس در خدمت حضرت شوقی باکشتی هلون عازم برندیزی شدیم واز آنجا باراه آهن بپاریس رفتیم هیکل مبارك برای رفع خستگی در مزون دوسانته دو نوئی (نام مرکز بهداشتی) Maison De Santé De Neuilly Neuilly - sur - Seine ماندند واین عبد برای انجام کارهائی که داشتم به لندن رفتم درمراجعت نیز حضرت شوقی افندی را مجدداً ملاقات کردم سپس بحیفا رفتم . "

هیکل مبارك در پاریس

دوستان عزیز : مولای محبوب و بیهمتای ما چنانچه از مطالعهٔ بعضی از این اوراق ملاحظه شد بفرمودهٔ مبارکشان درتمام دوران حیات غرق دریای مشاغل وغوائل بودند و شدت کار وخستگی ومصاعب اخری هیکل مبارك را رنجور و غالباً اسیر فراش مینمود . هنوز در ریعان جوانی بودند که قبل از صعود حضرت عبد البهاء برای استراحت و تجدید قوا در آسایشگاه پاریس (نویی سورسن ٦ بولوارد وشاتو) اسیر

بستر گشتند دیگرمعلوم است این حال تا چه اندازه سبب تاءثروحزن شدید حضرت مولی الوری وافراد عائله مبارکه بود رشحی ازاحوال آن ایام بازیارت توقیعات مبارکه مولای محبوب از نویی بافتخارجناب آقای علیقلی خان نبیل الدوله که درآن اوقات شارژدافر ایران درپاریس بودند وهمچنین زیارت تلغراف مبارك حضرت مولی الوری ولوح منیعشان مع دستخط حرم مبارك حضرت منیره خانم مشهود میگردد .

(آدرس مبارك سر پاکت)

Shoghi Rabbani , 6 Bd . Du Chateau ,
Neuilly - Sur - Seine

توقیع مبارك مورخه ۲۵ آوریل ۱۹۲۰ " از نویی الی پاریس

۲۵ آوریل

" هوالله

حبیب روحانی ومحبوب رحمانی راازاین بقعهٔ دور و مهجور باشواق وتحیات ابدع ابهائی ذاکر و مکبرّم رقیمه عنبرشمیمهٔ آنحضرت که حاکی ازمهر ووفاومهربانی وصفا بود سبب سرورو علت امتنان و حبورگردید الحمدلله از عنایت حضرت مولائی وحسن توجهات آنجناب بهبودی محسوس حاصل وانشاءالله بعون وعنایت حق درانداك زمانی عافیت

وصحت تام حاصل گردد انشاءالله یکد وهفته دیگربخصوص بمنزل آن محبوب آمده اوقاتی درنهایت روح وریحان خواهیم گذراند عجالتاً حسب الامر مبارك ودستورالعمل حکیم روز را از صبح الی ظهر در اوطاق خود جالس گهی دربستر و گهی مشغول بنوشتن واستنساخ الواح وبعد ازظهر در خیابان بواد وبولن سیر وتمشی مینمایم درخصوص محل مناسبی که حکیم امریکائی صلاح دیده خود بنده این دوروزه شخصاً رفته استفسا رخواهم کرد . قرینه محترمه آنحضرت را بابدع اذکار ذاکر و مکبرم واطفال عزیز راترقیات مادی ومعنوی سائل وآملم باقی شوقی

درهمین دستخط مبارك اضافه فرموده اند که" امر مبارك است که کلاه ایرانی بر سر گذارم . . . شوقی"

حضرت مولی الوری که ازصحت نوربصرخویش نگران بودند در تاریخ ۹ ژوئن ۱۹۲۰ از علیقلی خان تلفرافیاً استفسار میفرمایند " حال شما و شوقی افندی وسایراحبا چطور است عباس "

وایشان جواباً معروض میدارد که حضرت شوقی افندی سالماً ورود فرموده درآسایشگاه نویی Neuilly اقامت گزیده اند حالشان خوب است احبانیزبینهایت مشعوفند .

و هیکل مبارك در ٢٦ ژوئن ١٩٢٠ این توقیع مبارك را بایشان مرقوم فرموده اند :

« هوالله

حبیب روحانی را بجان ودل مشتاقم و از عتبهٔ مقدسه وعنایات حضرت خفی الالطاف طالب و امیدوارم که در جمیع مراتب و شئون محفوظ و مؤید وناجح و مهتدی بنور هدی باشید وزحمات و خدماتتان عاقبة الامر بأکلیل فلاح مکلل و بطراز رضا مزین گردد . اگر از احوال وگزارشات اینفانی استفسار نمائید بحمد الله والمنة صحت جسمانی رو به بهبودی است و اعصاب قدری تقویت یافته ولی هنوز باستحمام و معالجه بقوه الکتریك می پردازم وامیدوارم که بزودی بکلی رفع گردد مدتی است که از ارض مقصود خبری نرسیده لذا کسالت وملال حاصل تلغراف آنجناب شبهه ئی نیست که علت سرور واطمینان قلب مبارك خواهد گشت اگر تازهٔ از آنشطر داشته باشید مستحضرم فرمائید چه که این اخبار مدار تشفی وانتعاش قلب افسردهٔ این مهجوراست . . . شوقی »

حضرت مولی الوری در لوح مبارك باعزاز جناب علیقلی خان مرقوم فرموده اند :

" ای بندهٔ آستان مقدس نامه ئیکه بتاریخ ٤ جولای ۹۲۰ بود رسید ولی دیر رسید لهذا جواب دیر ارسال میشود فرصت ندارم مختصر مرقوم میگردد از تفاصیل اطلاع حاصل شد امیدم چنانست که آنچه خیر شماست بساحت ظهور جلوه نماید تلغراف درخصوص شوقی افندی رسید ... "

متعاقب آن دستخط ذیل ازحرم مبارك حضرت عبد البهاء منیره خانم بعنوان قرینهٔ امریکانیه جناب علیقلی خان مرقوم گردیده که نگرانی شدید افراد عائله مبارکه را درارض اقدس نسبت به صحت مزاج مولای محبوب و بیمهتای اهل بهاء منعکس مینماید :

" دختر روحانی عزیز من

ازوصول مرقومهٔ شیرین و مفصل شما جمیع مسرور و مستبشر شدیم وازاینکه چنین اخبار جامع راجع به شوقی افندی مرقوم داشته اید ممنون و سپاسگذاریم زبان ما ازعهده شکرانه و تقدیر قاصراست مدتی بود ازشوقی افندی اطلاعی نرسیده بود اگرچه ما غالباً باایشان مکاتبه نموده ایم ازاین جهت

نسبت به صحت مزاجشان بینهایت نگران بودیم حال معلوم است وصول مرقومه شما چه سروروشعفی ببار آورده وچگونه قلوب ما را طافح ازشادی وسرور نموده است .

وهم چنین ما بسیار مرهون محبت شما و میرزا خان (علیقلی خان) نسبت به دقت و مواظبتی که ازشوقی افندی نمودید هستیم وبینهایت مشعوف وسپاسگذار خواهیم بود اگرگاهگاهی شوقی افندی را ملاقات نمائید ومادام که مریض اند سعی نمائید کمتر احساس دوری ازخانواده وعطف توجهی که طبعاً درموقع کسالت ازقبل فامیل ابراز میشود بفرمایند .

ضیاء خانم مخصوصاً تحیت موفوربشما میرسانند وازمحبت و مواظبتی که نسبت به نجلشان نموده اید بینهایت ممنون و سپاسگذارند .

درمرقومهٔ خود ذکرنموده بودید که شوقی افندی بعد از اندك تقلائی که نموده اند ضعیف شده اند واین میرساند که صحتشان هنوز خوب نیست ازاین لحاظ ما بسیارنگرانیم خصوصاً آنکه مدتی است مرقومه ئی ازایشان نرسیده واز صحت خود ما را مسبوق ننموده اند .

خواهش میکنم به شوقی افندی تاءکید نمائید هرهفته مرتب ازحالات خود مرقوم فرمایند زیرا حقیقةً برای ما صعب است

ایشان درآن مسافت بعید مریض باشند و ما ندانیم آیا صحتشان رو به بهبودی است یا خیر طبعاً وقتی دستخطشان نرسد ما تصورمیکنیم مریض اند .

ازینکه سعی فرموده اید مسرت خاطرشوقی افندی رافراهم نمائید بسیارمسرورو خرسندیم جمیع درکمال صحت اند مگر خانم (حضرت ورقه مبارکه علیا) که بنیه شان ضعیف است ولی ما مسروریم که صحتشان حال روبه بهبودی است .

جمیع درتقدیم تحیات و اشواق قلبیه بشما واطفال بامن سهیم اند امیدواریم بزودی بدیدارتان نائل گردیم مادر روحانی شما . امضاء منیره "

ازجمله نفوسیکه درایام نقاهت هیکل اطهر در پاریس بشرف مثول وفود یافت جناب نورالدین ممتازی علیه بهاءالله بود که براهنمائی جناب دکتر حکیم بحضورمبارك تشرف حاصل نمود درحالیکه مولای محبوب دربسترتشریف داشتند وفرموده بودند درایام اخیراقامت مبارك در ارض اقدس ازفشار کارو زحمت مریض شدند وحضرت مولی الوری امرفرمودند به پاریس برای معالجه عزیمت نمایند وبه اطبای حاذق مراجعه کنند و چندی دراطراف بوآ دو بولون استراحت فرمایند و بعد ذکر فرموده بودند اتفاقاً طبیب هم بهمین نحو تجویز نمود و هوای

بوا د وبولون رابسیارمساعد مزاج هیکل مبارك دانسته است وتوصیه نموده روزها دربوآ د وبولون سیر و تمشی فرمایند و بعد برحسب استدعای جناب ممتازی دست به سینه‌د ربستر مناجاتی بالحن بدیع آسمانی تلاوت میفرمایند .

دوستان نازنین مولای محبوب و بیهمتای ما که قامت مبارکشان بسبب حمل این ثقل اعظم امانت الهیه خم شده بود وبسا لیالی و ایام که ازشدت مشاغل و غوائل نیارمیدند وهمچنان ملازم بسترمیشدند بینهایت از ملاحظهٔ مناظرزیبا واستفادهٔ ازمواهب و نعمای طبیعی محظوظ میشدند ولذّت میبردند دستخط مبارك ذیل مورخه ۵ ژویه ۱۹۲۰ بافتخارقرینه جناب علیقلی خان ازنویی گواه این حال است .

(ترجمه) « خواهر روحانی بهائی عزیز و مهربان

ازدعوتی که ازمن به ورسای نمودید هزاربار متشکرم . این دعوت نتائج واثرات مفید دربرداشت چنانچه نظیر این دعوت متضمن چنین نتائج روح افزاباشد وچنین صبح مسرت بخش و پر روح وریحان وسکون واطمینانی را نوید دهد بلاشبهه باید من همه روزه طالب دریافت این قبیل دعوتها ازطرف شماباشم زیرا واقعاً نمیدانید سفرد یروز ورسای

با چه بشارات روح بخش آغاز شد وبا چه وقایع دلنشین انجام یافت تمام روزفیروز و مشحون از یمن و سرور بود من ورفیقم مکرّربرمکرّر مسرت قلبی خویش را به آقای شیبانی که کمال جهد را نمودند بما خوش بگذرد اظهارداشتیم حقیقتاً چه قدر منظرهٔ دلربای فواره های گراند زو Grandes eaux و جهش آب و فوران آن در استخر نپتون (باسن اف نپتون) Bassin of Neptune درمن تاءثیرنمود چه قدر آپارتمان های تاریخی کهبتماشای آن نائل شدیم مجلّل و باشکوه بود نهارمافوق انتظار بینهایت لذیذ ومطبوع بود بطوریکه تصورنمیکنم در بین جماعات عظیمی که درآنروز اطراف ما در ورسای بودند هیچیك چنان طعام لذیذی داشتند باوجودآنکه صبح آنروز تیروتار بود معذلك تمام روز کامل و فیروز بود دربحبوحهٔ تاری و تیرگی صبح همینکه برای ملاقات شیبانی قدم بیرون گذاردم مادام دریفوس باتلفون اطلاع دادکه بالاخره پیامی از ارض اقدس رسیده مشعربراینکه حال جمیع خوب وخوش است عجب روز مبارکی که طلوعش باوصول چنان مژدهٔ روح بخش آغاز شد و در رجوع ملاحظه شد عنایتی دیگر در انتظارمن بودکه روح راباهتزاز آورد واکلیل جلیل آن یوم عظیم گردید

وآن عبارت از ورود مکاتیب از حیفا بود که فقط ده روز در بین راه بوده است با نضمام یادداشتی از اداره پست مشعر بر آنکه دستخطی سفارشی باسم من رسیده آیا ممکن است این پاکت محتوی لوح مبارکی از سرکار آقا برای من باشد واقعاً چه عنایتی که مسرت قلبی مرا بحد کمال خواهد رساند و روح را طافح از شعف و سرور خواهد نمود . این مطالب را صرفاً از این لحاظ برای شما ذکر کردم که در مرور ایام وسنین در مستقبل معلوم باشد که این اولین سفرمن به ورسای مشحون چه وقایع روح بخش وخاطرات جان افزا بوده است .

بقیه مطالب راکه میخواهم برای شما نقل کنم موکول بروز سه شنبه نهار مینمایم که باتفاق رفیق خویش شمارا ملاقات خواهیم نمود . باتحیات بسیار به صبایای عزیز و تشکرو امتنان به آقای شیبانی شوقی »

مولای محبوب در این دستخط مبارك برای تاءکید زیر دو کلمه یکی جمیع در جمله (مشعربرآنکه جمیع خوب اند) و دیگری اولین درجمله (این اولین سفر به ورسای) را خط کشیده اند .

هیکل اطهر در دوران نقاهت خویش در آسایشگاه نویی اراده فرمودند برای تکمیل زبان انگلیسی به دانشگاه اکسفورد نزول اجلال فرمایند .

مقدمات ورود مبارك به دانشگاه

اولین دستخط مبارك مورخه ۱۱ ژوئن ۱۹۲۰ بعنوان اولیای دانشگاه حاوی این مضامین است :

(ترجمه) آقای عزیز

دوست محترم من سرهربرت سموئیل توصیه کرده است برای دخول به دانشکده بالیول یادانشکده دیگری در دانشگاه اکسفورد باشما مکاتبه کنم.

تنها منظورمن ازورود بدانشگاه تکمیل زبان انگلیسی است تاادبیات این زبان رافراگرفته درتحریر و تقریر تبحر حاصل نمایم وترجمه ازفارسی وعربی بانگلیسی راصحیح و فصیح انجام دهم قصد من آنست که دوسال همّ خویش رادراین امر مصروف نمایم و باکمك استاد ومرتبط شدن بمراکزعلمی و ادبی مهذب و تمرین تلفظ زبان بمنظورخویش نائل گردم.

بسیار ممنون خواهم شد اگرشما مرادراین منظورکمك نمائید .

دوستدار شما

شوقی ربانی

متعاقب آن خاك انگلیس موطئ اقدام مبارك مولای محبوب گشت وبالمآل بادربرگرفتن عرش مطهرمعنبر" ابدع جوهرة

فریدهٔ عصماء " درحضن خود بشرف وافتخاروامتیازی فائزشد که اقلام ازوصفش عاجز و اثرات لا ریبیّه بهیّه آن الی الابد در آفاق وانفس کالشمس فی رابعة النهار ظاهروآشکارخواهد شد " ربّنا و ملاذ نا ازل کروبنا ببزوغ شمس وعدك الکریم و خفّف همومنا بنزول ملائکةنصرك المبین و انر ابصارنا بمشاهدة آیات امرك العظیم " [1]

دردستخط مبارك مورخه ۲۸ ژوییه ۱۹۲۰ از راندولف هتل اکسفورد Randolph Hotel , Oxford باعزاز قرینهٔ محترمه جناب علیقلی خان این بیانات مبارکه مسطور است:

(ترجمه) عزیزترین خواهر بهائی.

من ازموقعیکه قدم درخاك انگلیس گذاردم تاحال بینهایت مشغول بوده ام وپیشرفت منظور و هدف من تا کنون بسیار خوب بود. باداشتن الواح مبارکه ئی از سرکار آقا بافتخار لیدی بلامفیلد Lady Blomfield و لرد لامینگتن Lord Lamington وماژورتیود ورپول Major Tudor Pole بااستادان مشهورومستشرقین دانشگاه اکسفورد ودانشگاه لندن بوسیله ایشان آشنا شدم. پس ازآنکه معرفی نامه

۱ - ازمناجاتهای حضرت ولی امرالله

و توصیه هائی از سر دنی سن روس Sir Denison Ross
و پرفسور کر Professor Ker برای سر والتر
رالی Sir Walter Raleigh
(که پرفسور واستاد کرسی ادبیات انگلیسی در دانشگاه
اکسفورد است) و پرفسور مارگولی یونث
Professor Margolionth
(محقق معروف در زبان عربی و مستشرق همان دانشگاه)
تحصیل نمودم بعد از یکهفته اقامت در لندن که تمام هفته
را بسیار مشغول بودم به اکسفورد عزیمت نمودم . قبل از
حرکت به اکسفورد نامه ئی از مارگولی یونث رسید مشعر بر
آنکه آنچه در قدرتشان باشد نسبت به یکی از منسوبان
عبد البهاکمك خواهند نمود . با این شخص واستاد دانشگاه
بالیول Balliol College دانشگاهی که رجال
بزرگ مانند لرد گری Lord Grey و ارل کرزن
Earl Curzon و لرد میلنر Lord Milner
و مستر اسکوث Mr. Asquith و سوئین برن
Swin Burne و سر هربرت سموئیل
Sir Herbert Samuel
از آن فارغ التحصیل شده اند فرصت یافتم راجع با مر مبارك

صحبت کنم وبعضی نکات که ازبرای این نفوس دانشمند ومستغرق درکار مبهم ونامعلوم بود روشن نمایم.

همانطورکه ازشما درشب عزیمت تقاضا نمودم دعاکنید در این مرکزبزرگ علمی بهدف خویش برسم ومنظورخود راانجام دهم باتحیات محبت آمیزبه خان عزیز. . . درخدمت محبوب . شوقی تلواً دستخطی که ازحیفابرای شمارسیده ارسال میگردد . شوقی

لیندزی Lindsay استاد معروف دانشگاه بالیول اکسفورد در ۷ اکتبر ۱۹۲۰ راجع به هیکل اطهر توصیه ئی به مضمون ذیل به بیکر Baker نوشته است :

بیکر عزیز

این نامه برای معرفی آقای شوقی ربانی است جوان ایرانی که میخواهد به دانشگاه وارد شود شخصیات مختلف در انگلستان ازجمله پرفسور رالِی Raleigh ایشان رابمن و سایراستادان معرفی نموده اند . درتابستان من ایشان را ملاقات نمودم و خوب باایشان آشناشدم. . . ایشان سوابق تحصیلی خود رابشمااراءه خواهند داد . من نظربسیاربسیار خوب وعالی نسبت به اخلاق واستعداد ایشان دارم . آقای شوقی ربانی باین دانشگاه وارد شده اند تاخود راد رشته مخصوصی که درنظرگرفته اند متبحرسازند ولوآنکه آن رشته چندان

با برنامه مطابق نباشد .

جدّ این جوان رئیس دیانت بهائی است و ایشان کاتب ومترجم پدربزرگ خویش برای غرب هستند . باین دیار برای تحصیل رشته‌های اجتماعی واقتصادی آمده اند .

من بایشان اظهارنمودم اگربرای شمااشکال داشته باشد بایشان درس بدهید من خود این وظیفه رابعهده میگیرم... آقای شوقی ربانی کاملاً جوانی ممتاز و خارق العاده‌هستند

مخلص شما لیندزی

درهمان اوقات هیکل مبارك در ۱۸ اکتوبر ۱۹۲۰ ازاکسفورد دستخط مبارکی بعنوان آقای یوحنا داود درلندن مرقوم فرموده اند که اصل آن درموزه لندن British Museum

است زیارت این دستخط مبارك باردیگر منظور مبارك مولای محبوب راازتشریف فرمائی به دانشگاه اکسفورد مبرهن مینماید

قوله الاحلی " . . . الحمدلله درنهایت صحت وامیدواری وسعی واعتدال مشغول تحصیل لوازم وتهیه اسباب خدمت این امردرمستقبل ایام هستم. . .

. . . امیدم چنان است که آنچه جوهرمحاسن این بلاد و این‌جامعه است بزودی‌کسب نموده بسرمنزل‌خود مراجعت

نمایم وحقائق امریه را در قالبی جدید نهاده خدمتی بآستان مبارک نمایم. باقی . . . امضای مبارک

باری دانشگاه بالیول اکسفورد در ۲۳ اکتوبر ۱۹۲۰ بقدوم مبارک مزیّن و آن بلاد مو طئ اقدام همایون غصن ممتاز الهی گشت

خاطرات همدوره ایهای هیکل اطهر .

همدوره ایهای هیکل اطهر از ملل و اقوام مختلفه که اکنون اکثراً از رجال نامی عصرند اگرچه بعرفان این امر مبارک فائز نشده ولی همگی مفتون حرکات وسکنات آن دلبر آسمانی بوده واکثراً بمقام مبارک پی برده اند چنانچه از مطالعهٔ بعضی از خاطرات آن نفوس که برسبیل ایجاز یا اطناب در جواب مکاتیب دکتر ریاض خادم [1] نگاشته اند وشمه ئی در این کتاب نقل میشود معلوم میگردد که تا چه اندازه آثار عظمت وجلال در ناصیهٔ مبارک ظاهر بوده ودر آن مرکز علمی بزرگ جهان چگونه مولای محبوب وبیهمتا نفوس را مفتون بزرگواری خویش فرموده بودند .

دل ز اغیار جدا برده واز یار جدا

۱ــ دکتر ریاض خادم در اثنای تحصیل در دانشگاه بالیول با همدوره ایهای هیکل اطهر از روی سجلات دانشگاه مکاتبه نموده و هم چنین اطلاعات نفیسه از ایام اقامت مبارک در انگلستان تحصیل کرده است .

لرد استاهیل ازلندن چنین مینگارد :

Lord Stow Hill; I9 Church Row Hampstead , London N. W . 3

البتّه من آقای ربانی رابخاطردارم ونسبتاً هم خوب ایشان رامیشناسم آقای ربانی مدت کمی دردانشگاه بالیول تشریف داشتند وحال سالهای متمادی ازآن تاریخ گذشته است . . . خوب بخاطردارم ایشان در روی چمنهای دانشگاه دروسط محوطهٔ مربع شکلی سراسرمحوطه رامشی میفرمودند درحالیکه یك جلدکتاب گیبون Gibbon دردستشان بود ودرحال مشی کتاب راقرائت میکردند هرچند مطمئن نیستم ولی بنظرم میرسد گاهی کتاب راباصدای بلند قرائت میفرمودند ودرموقعی که کتاب رامطالعه مینمودند سریع قدم برمیداشتند و من نگران بودم مبادا آن حرکت سریع برای ایشان خطرناك باشد ودرحالیکه سرگرم مطالعه اند پاهایشان بچیزی تصادم کند . این کیفیت هنوز بخوبی درذهن من باقی است واین عمل رانه فقط یکمرتبه انجام دادند بلکه عادتشان بود . اماراجع به حجره ای که اقامت داشتند تصور میکنم در طبقه اول بود ومن گاهی خدمتشان درآن حجره میرسیدم ولی نمیدانم درکدام قسمت از پله‌کان ها بود بلی بطوریقین بخاطر دارم که ایشان بسیارمهربان و خوش برخورد بودند

وازخنده وصحبت لذت میبردند ابداً ابداً ازملاقات و معاشرت بااشخاص دوری نمیکردند ودوست داشتند رفیق داشته باشند هرچند مدت زیادی دردانشگاه بالیول توقف نفرمودند که عدهٔ زیادی رفیق داشته باشند ولی با این وصف دوستان بسیاری داشتند .

اثر دیگری که درذهن من باقی مانده آنست که آقای شوقی ربانی تقریباً آرام نداشتند وبنظرمیرسید نگران بعضی امورهستند وهم چنین دیده نشد مدت طولانی در یکجا به نشینند کاش میتوانستم بیشتر حالاتشان رابخاطربیاورم ولی پس ازاینکه من ازدانشگاه بیرون آمدم دیگر رابطهٔ ما قطع شد .

ام. ا . سی . گورهام ازدوبلین ایرلند چنین مینویسد
M . A . C . Gorham , 33 Sydney Parade Ave, Dublin , Eire

من بخاطردارم باایشان (هیکل مبارك) تنیس بازی کردم وخوب درنظرم هست محلی که ایشان بازی میکردند میدان تنیس ماستر بود .

. . . بطورکلی دردانشگاه بالیول معروف بود که آقای ربانی مقدّراست جانشین مؤسس دیانت تازه‌ئی بشوند به

تعبیرمادیانت تازه چه که درآن ایام قدیم کسی رانمیشناختم اطلاعات بیشتری ازدیانت بهائی داشته باشد .

کاپیتان بی . ایچ . بوان پت من

Captain B . H . Bevan Petman , Sind Club , Karachi, Pakistan

ازکراچی پاکستان

آقای ربانی بنظرمیآید مافوق تصوربانشاط و بشاش اند همیشه درحال خنده بودند . . . هرجابودند روحیه آن جمع قوی بود همه ما میدانستیم مقدراست به ریاست روحانی برسند . . .

تفصیل مذاکرات باایشان ازخاطر رفته ولی نکات دقیقه که بقلم میآید محو شدنی نیست .

آنچه مهم است آنست که من بتوانم کمکی دراین باب بشمابنمایم لذا این سطوررامینگارم بامیدانکه شاید مورد استفاده نفوسی باشد که بخواهند ازتاءثیری که آقای ربانی درنفوس خارج ازدائره دیانت خویش ایجاد نموده اند مسبوق گردند .

بهترین توفیق راازبرای شمادرتهیه این ترجمه احوال آرزومندم .

جی . اس کالیس از سوری انگلستان J . S . Collis,
خیابان غربی ایول شماره ٥٤ 54, West Street, Ewell, Surrey

من بینهایت متأسفم که راجع به اقامت ایشـــــان (هیکل مبارك) در دانشگاه بالیول نکات خاصی در نظر ندارم جز خاطرهٔ اینکه درمحاوره بسیارعمیق بودند وبلوغ کامل وغیرعادی دربیاناتشان نمودار بود و هم چنیـــــن حرکات وسکناتشان بینهایت نفوس راجذب مینمود .

جی . سی . اُدویر از شیپتون مالت سامرست انگلستـــان
J.C.O ' Dwyer O .B.E. ' The Hawthornes , Evercreech, Shepton Mallet , Somerset

. . . من مانند همه هم دوره ای‌های ایشان (هیکل‌مبارك) دردانشگاه بالیول خوب آقای شوقی ربانی رابخاطر دارم حقیقةً محال بود کسی مفتون ایشان نشود ودرتحت تأثیـر شخصیت ممتاز و جاذبهٔ مغناطیسی ایشان قرارنگیرد . . .

. . . یك نمونه از روحیه قوی ومتهورانه ایشان آن بود که شنیدم به هاپکنز Hopkens که یکی ازدانشمندان بزرگ امریکائی رودس American Rhodes Scholar بود باین‌نحو خطاب فرمودند " هاپکنز شنیده ام شما یك تنیس بازماهری‌هستید بیائید وقتی باهم تنیس بازی‌کنیم"

کلنل سی . جی . ام . گریر ، Colonel C. G . M Grier,

تورونتو کانادا 64 Burnaby Blvd.,

Toronto I2, Canada , Office of Statistics and Records , University of Toronto

بطورکلی خاطرهٔ من ازایشان (هیکل مبارك) آنست که ایشان رابعنوان اینکه مقدّراست رئیس دیانت بهائی شوند میشناختم واین کیفیت شخصیت ایشانرادردانشگاه ممتاز و غیرمعمولی نموده بود . . . بسیارخوش معاشرت وبشاش و درنزد جمیع محبوب بودند .

پال لروی بولیو Paul Leroy - Beaulieu ,

بولوارد بوز تور شماره ۲۱ ، 2I Boulevard Beause Tour

پاریس ۱۶ Paris I6

صحیح است که ایشان (هیکل مبارك) یکی از هم دوره ای های من دردانشگاه بالیول درسنه ۱۹۲۰-۲۱ بودند من ایشانراخوب بخاطردارم اگرچه فقط چند ماه قبل ازانکه ازدانشگاه عزیمت کنند باایشان آشنا شدم ایشان جوانی قصیرالقامه و خوش بنیه بودند فرانسه و انگلیسی رابالهجهٔ خاورمیانه وسلیس حرف میزدند و دوست داشتند راجع به دیانت بهائی صحبت کنند

چند مرتبه ازمن در اطاقم که در طبقه اول دانشگاه سمت چپ سالن واقع بود دیدن نمودند ولی متاءسفانه بخاطر ندارم اطاق ایشان درکدام قسمت دانشگاه بوده است . . .

تاآنجا که بخاطردارم بمن ذکر نمودند قبل ازدخول به دانشگاه امریکائی بیروت در مدرسه‌ژزوئیت تحصیل میکردند جوانی بسیارمذهبی وبینهایت مهربان بودند و تعجب مینمودند از اینکه صیت دیانتشان دراروپا بیشترمشتهر نشده احترام فائقی نیز نسبت به پدربزرگ خود سِر عبدالبهاء داشتند .

سر جُفری مید ، Sir Geoffrey Meade ,
K.B.E. , C. M. G. C. B. O. ,
Baker's Close, Lower Radley , Abingdon , Berks

آرزوداشتم بیشترمیتوانستم راجع به تاریخ حیات شوقی افندی بشماکمك کنم .

من البته ایشان را (هیکل مبارك را) خیلی خوب بخاطر دارم اگرچه نمیتوانم ادعاکنم دوست خیلی نزدیك ایشان بودم متاءسفانه بخاطر ندارم کدام اطاق تشریف داشتند اما اگر برای شما مفید باشدکه قسمتی ازعمارت رامستثنی نمایم باید بگویم محل اقامتشان در ردیف پله های ۱۴ نبود .

بطور کلی دو خاطرهٔ ممتاز در ذهن من باقیمانده اگرچه ممکن است آن دو خاطره مورد توجه مخصوص شما نباشد یکی آنکه ما البته در دانشگاه بالیول از مقام بلند و ارجمند شان در دیانت بهائی مسبوق بودیم . . .

خاطرهٔ دیگر راجع به تنیس بازی کردن ایشان است زیرا من چند مرتبه در تیمی که ایشان بازی میکردند یا در تیم مقابل با ایشان بازی کردم خیلی دقیق بودند ومحکم به توپ میزدند که توپ یا خارج میشد ویا به تور میافتاد و یا آنکه ضربه خیلی ماهرانه بود . در موقع بازی تا آنجا که ممکن بود دور میرفتند وچابك رو بجلو میدویدند اگر توپی که میزدند بیرون میرفت و یا داخل تور میافتاد قبل از آنکه به توپ دیگری بزنند وتا موقعیکه کاملاً داخل خط بازی نشده بودند ببازی و دویدن ادامه میدادند . همینکه اعلان فالت (اشتباه) میشد آنرا بمنزلهٔ تفریح ومزاح تلقی میکردند وخود این مطلب مؤید محبوبیت ایشان بود وطرف مقابل هم از آن کیفیت محظوظ میشد .

من باردیگر تأسف خود را ابراز میدارم که خاطرات بیشتری نداشتم تقدیم کنم. در خاتمه باید بگویم که نه فقط من بلکه جمیع دردانشگاه بالیول ایشان را خیلی خیلی

دوست داشتیم وبسیار در نزد ما محترم بودند واز اینکه پس از اقامت چنان کوتاه ازبین ما عزیمت فرمودند بینهایت متاءسف شدیم.

---

۱ دبلیو دیویس A. W. Davis , Rowanduz Mendip Edge, Bleadon Hill, Weston - Super - Mare, Somerset

من متاءسفم از اینکه خاطرهٔ شخصی کمی ازشوقی ربانی دارم بطوروضوح ملاقات و مذاکره طولانی باایشان در مواضیع دینی وفلسفی در ذهنم باقی است ولی بخاطر ندارم اطاقشان رفته باشم وهمچنین محققاً نمیدانم حجره ایشان درکدام قسمت واقع بوده مدتهای مدیدی از آن ایام گذشته است .

آشنائی ما اگرچه زیاد نبود معذلك همان کافی بود که من بخوبی وبطورمشخص بعد ازپنجاه سال که حتی تقریباً اسامی همه همدوره ایهای خود را در دانشگاه بالیول فراموش کرده ام آقای ربانی را بخاطر بیاورم. همیشه یك نکتهٔ دقیق درمورد ایشان وجود داشت وآن اینکه درجمیع احوال ممتاز بودند .

A. Patrick Ryan , C.B.E. , Times ا پاتریك ریان ،
Mewspapers Limited, Printing House Square, London , E. C. 4

متاءسفانه من نمیتوانم آنطورکه مایلم راجع به خاطـرهٔ شوقی ربانی بشماکمك کنم آنچه میتوانم بخاطر بیاورم آنست که ایشان تبسم شیرین وملیحی بر لب داشتند .

William Y . Elliott, Harvard ویلیام. وای الیوت
Univarsity, Faculty of Arts and Sciences ,
Department of Government, Cambridge , Massachusetts

من باکمال مسرت این نامه رابرای شما مینویسم و درقبال وظیفه ئی که درجمع آوری تاریخ حیات دوست قدیمی مـن شوقی ربانی بعـهده گرفته اید بشما تبریك و تهنیت میگویـم ایشان بامن درسنه ۱۹۲۰ ویا دقیق ترقسمتی هم از سـال ۱۹۲۱ دردانشگاه بالیول همدوره بودند .

من شوقی افندی راتقریباً خوب میشناسم ایشان جوانی با حجب بودند وحضورشان درجمع طوری نبود که تحمیل بنظر آید . شیرینی رفتاروخلـق وخوی ممتازشان حتی ازهمان ایام ظاهر بود . بطورکلی تماس من باایشان در بازی تنیس کـه متفقاً شرکت میکردیم واقع شد . درخلال آن احوال ملاحظـه نمودم که ایشان رفیقی بسیارممتاز درمسابقات هستنـد

وشخصی شریف . کاش در آن ایام بیشتر از دیانتشان مسبوق بودم. همینقدر میدانستم که ایشان پس از جد شان سِر عبدالبهاء شخصیتی بزرگ در دیانت بهائی هستند وبروفق آنچه در محیط دانشگاه در افواه شایع بود ممکن است جانشین سِر عبدالبهاء بشوند . ماورای آن متاءسفانه مطالب مهمی که مورد توجه شما باشد بخاطر ندارم زیرا شوقی ربانی بسیار متواضع بودند ومیل نداشتند خود را در معرض انظار عموم قرار دهند . شوقی ربانی و یا باختصار ربانی چنانچه غالباً باین نام نامیده میشدند بطوری جانب سکوت را رعایت مینمودند که در بحث های مختلف زیاد وارد مباحثه طولانی نمیشدند اگرچه افکارشان یقیناً بسیار عمیق و صائب بود واین معنی از فحوای نظراتی که در بعضی مواقع در کلوبها اظهار مینمودند ظاهر و عیان بود .

کلوب لوتاس Lotus Club

اصولاً ازلحاظ بحثهای علمی ومحاوره‌ئی بنظرمن کلوبی ممتاز بود . . . این کلوب مزایا وفضائل شوقی افندی را تقدیر میکرد من تصورمیکنم برای ربانی کاملا طبیعی بود که زیاد داخل مباحثات نشوند زیرا واضحاً احساس مینمودند که مقام موروثی خود شان که ایشان را بسمت مرکز امر دیانت بهائی منصوب خواهد نمود از بعضی جهات بصیرت برتر و بالاتری بایشان عطا نموده .

ازلحاظ احترام و موقعیت برای شوقی ربانی دشوار بود بنحو عادی ازدیانت خویش دفاع نمایند ویادرمقام بحث ومقایسه بااادیانی که بعضی از تابعین آن درکلوب لوتاس در اطراف عقاید خویش بحث مینمودند برآیند مانند ژزوئیت ها که همسایهٔ متصل به دودانشگاه سنت جان وپالیول دراکسفورد بودند وشخصیات دینی وفلسفی دیگرکه درآن اوقات با شدت وحرارت درمباحثات شرکت مینمودند . . .

لذا بعقیدهٔ من بینهایت برای شوقی ربانی معقول بود که مناعت ذاتی خویش راتاآن درجه که رعایت مینمودند و خود راازورود به بحث های طولانی برکنارمیداشتند حفظ نمایند بدون آنکه درآن شائبه ئی ازخودپسندی وغرور دربین باشد من ایشان رابینهایت آراسته ومتین و مهربان دیدم شخصیتی بسیارمحبوب داشتند وصفا وصمیمیت فوق العاده شان بدرجه‌ئی بود که احدی دربارهٔ آن تردید نمینمود .

بعد ها برای من جالب توجه بود که دردانشگاه ها وارد کمبریج درایالت ماساچوست Harvard University

in cambridge (Massachusetts)

که بدواً بسمت استادی جوان وارد شد وبعد وظیفهٔ مهمتری که

عبارت از کرسی استادی تاریخ وعلوم سیاسی بود بمن محول گردید ملاحظه نمایم که دیانت بهائی در دانشگاه بینهایت خوب معرفی شده. در اوایل ورود من باین دانشگاه یکی ازهمسایگان من عضو دیانت بهائی بود و والدین مخصوصاً مادرش ازشخصیتهای فعال این امر بودند.

اسم این شخص پرفسوراسمایث Professor Smythe بود که بنظرمن یکی ازبستگان وشاید پسرعموی اسمایث معروف است که بعدها درپرگرام انرژی اتم امریکا داخل شد اگرچنین باشد این موضوع حائز اهمیت است که اسمایث بهائی بوده ویاآشنائی کامل باافکاربهائی داشته است و مرتبط با اسمایث مشهور میشود که یکی ازبزرگترین ومشهورترین شخصیات پرگرام اتمی امریکا است . . .

مندرجات فوق راجع به شوقی ربانی البتّه مطالبی است که سالهای سال بعدازدوران حیات دانشگاهی شوقی ربانی درذهن من باقیمانده . وهم چنین من خوشبخت بودم که دردانشگاه بالیول تحت تعلیم اِ. دی. لیندزی A.D Lindsay کاستاد من وهم چنین استاد ربانی وعدهٔ دیگری ازجوانان بااستعداد ازاهالی نیوزیلند وکانادا وسایرنقاط بودند قرارگرفتم . . . شخصیتی که بعداً

رئیس (ماستر) دانشگاه بالیول ومتعاقب آن نایب چینسلر اکسفورد Vice - Chancellor of Oxford شد وبالاخره به مقام لردی باسم لرد لیندزی لرد برکر Lord Lindsay of Birker رسید . . .

امیدوارم این ترجمه احوال برای شما مفید باشد درهرحال این سطور بمنزله تجلیلی است که من نسبت بدوست قدیمی خود مینمایم وامیدوارم بنحوی مورد استفاده قرارگیرد .

سجل دانشگاه :

دانشگاه بالیول در سجل رسمی خود مربوط بسال ۲۱-۱۹۲۰ درصفحه ۲۲۲ که بترتیب حروف الف با تنظیم شده راجع به هیکل مبارك چنین مینگارد :

ربانی ، شوقی هادی (شوقی افندی) تولد ۱۸۹۷ ولد ارشد میرزا هادی مقیم حیفا فلسطین تحصیلات : دانشگاه امریکائی بیروت سوریه ، دانشگاه بالیول .

الواح وصایای سر عبدالبهاء که در ۲۸ نوامبر ۱۹۲۱ صعود نمودند ایشانرا به حیفا فراخواند تا مهام امر بهائی رابعنوان اولین ولی امر بهائی و رئیس دائمی بیت العدل اعظم عالم بهائی در دست گیرند . تالیفات : نظم اداری بهائی منطبعه ۱۹۲۸ - مطالع الانوار (ترجمه تاریخ نبیل)

منطبعه ۱۹۳۲ ، ظهور عدل الهی (منطبعه مؤسسه نشریات نیویورک سال ۱۹۳۹) کتاب قرن بدیع منطبعه ۱۹٤٤ ، پیامهای امریکا منطبعه ۱۹٤۷ اقتران با مری ساثورلند (روحیه خانم Mary Sutherland (Ruhiyyih Khanum)

صبیه مسترماکسوئل . Mr. Maxwell مهندس معمار مونترآل .

چنانچه از مطالعه ترجمه احوال ایهای هائی که همدوره هیکل مبارك نگاشته اند وبعضی ازآنها بطورنمونه زیب این اوراق گردید ملاحظه شد مولای محبوب و بیهمتا که بتصدیق همه آن بزرگان ودانشمندان خودرا درمعرض انظار نفوس قرارنمیدادند شخصیت ممتاز و فضائل ملکوتی شان دراعماق قلوب چنان تاثیرنمود که ازهمان اوقات در محیط دانشگاه شهرت یافت و نفوس بفراست دریافتند که حضرت شوقی افندی مرکزامرالهی وجانشین حضرت عبدالبهاء خواهند بود .

حال اگراین نفوس دانشمند که بهائی نبودند و یا اطلاع کامل از امرالهی نداشتند استنباطات قلبیه شان چنین بوده معلوم است که دیگر الهامات غیبیه الهیه در

قلوب صافیهٔ بعضی ازپرگزیدگان امرالهی که قبل ازصعود حضرت عبدالبهاء بشرف لقای مولای محبوب فائز شدند ومقام مبارک راشناختند چه آتشی افروخته است .

اکنون مناسب است به بعضی ازمشاغل مبارک دردوران تحصیل واقامت در دانشگاه بالیول بانقل قسمتهائی از بعضی ازدستخطهای مبارک اشاره شود .

درتوقیع مبارک مورخه ۱۷ فوریه ۱۹۲۱ ازدانشگاه بالیول باعزاز دکتر اسلمونت عزیز :

« . . . یك نسخه از رسالهٔ خود رابرای سرکارآقا فرستاده‌ام و منتظرم قبل ازآنکه اقدامی برای طبع آن بشود ازارادهٔ مبارك مستحضر گردم . . . مجمع آسیائی دانشگاه آکسفرد که نمایندهٔ دوازده ملیت مختلف است و من درآن عضو هستم ازمن تقاضانموده اند لائحه ئی راجع بامربهائی در آن مجمع قرائت نمایم. من این تقاضارا پذیرفته ام و مقالهٔ مفصل وجامعی تهیه نموده که امیدوارم دوشنبه آتیه قرائت کنم. معمولاً عادت مجمع آنست که درهرجلسه از یکنفراز شخصیتهای دانشگاه ویاازخارج که کاملاً بموضوع کنفرانس وارد وآشناباشد دعوت مینمایند وآن شخص بعد یا قبل از بحثی که دربارهٔ لایحه میشود ایراد نطق مینماید .

بقرار معلوم از دکتراستین کار پنتر
Dr. Esttin Carpenter

خواهش شده است نماینده ٔ عالی رتبه مجمع در آن جلسه باشد وازقرائن دکترکارپنتر نخواهد توانست این دعوت را اجابت نماید . حال برای پرفسوربرون نوشته اند و بنظر من موضوع خطابه و اسم ناطق راهم ذکر کرده اند . تصوّر میکنم پرفسور برون در آن جلسه حضوربهم رساند . من تصمیم گرفته ام باوجود رویّه ایکه محتملاً پرفسور برون در ضمن مذاکرات اتخاذ خواهد کرد لحن خطابه خویش را تغییر ندهم ودر مقاله ٔ خود نیز شرح تشرف اورا بحضور حضرت بهاء الله در عکا نقل نموده ام معلوم نیست نتیجه چه خواهد بود . طبعاً خیلی غیر منتظره است ولی امیدوارم آنچه صلاح است مجرا شود .

امیدوارم کتاب شمازودتر ازنظر سرکارآقابگذرد . خیال میکنم شما اشکالی درتوزیع آن پس ازطبع نداشته باشید زیرا طالبین چنین کتاب مهم و ممتازی درحال حاضرو آتیه بسیارخواهند بود . . .

آیابارساله ئی که ارسال شد قسمتهائی ازکلمات مکنونه راکه ترجمه نموده ام ارسال داشته ام یاخیر اگر ارسال نشده

اطلاع دهید تا برای شما بفرستم "

در توقیع ۱ نوامبر ۱۹۲۱ از بالیول اکسفرد

" دکتر اسلمونت بسیار عزیزم.

. . . تلواً ترجمه خود را از اشراقات و لوح ملکه ویکتوریا برای شما ارسال میدارم که برای خود نگاهدارید . امیدوارم شما از اسلوب ترجمه بطورکلی و میان مطالب مسرور شوید .

چقدر وظیفهٔ ترجمه مشکل است هرچه بیشتر بر سر آن کار شود مشکل تر بنظر میرسد . بطورساده این کار آخر ندارد . شخص میتواند برای تحسین ترجمه الی غیرالنهایه وقت صرف کند . یگانه آرزویم آنست که در وقت حاضر موفقیت نسبی برای تحسین ترجمه هائی که سابق شده کسب نمایم واگربا ین مقصود نائل گردم کاملا راضی خواهم بود . بانهایت محبت امضاء شوقی "

در دستخط مبارك از بالیول کالج اکسفرد بافتخار مسترجان کراوان یکی از قدمای احبای منچستر ۲۲ نوامبر

Letter to John Craven , early Manchester Bahai From Balliol College,Oxford , Junior Common Room, Nov . 22 Mr . Hall

" من اخیراً غرق در کار بودم یعنی اعادهٔ نظر در بسیاری از ترجمه ها ترجمه لوح ملکه ویکتوریا را نیز برای مسترهال Mr. Hall فرستاده ام. این لوح مشحون از نصایح و اوامر بسیار حیاتی و مهم نسبت به بهبود اوضاع عالم است که رعایت آن در این دنیای محنت زده وغافل ضرورت فوری دارد. اگرشما تاحال این لوح رامطالعه نکرده اید حتماً بوسیله مسترهال بدست آورید زیرا بعقیدهٔ من یکی ازممتازترین ومهم ترین بیانات مؤکدهٔ حضرت بهاءالله راجع به شئون عالم است.

... بعداً نیزلائحه ئی راکه راجع بامرنوشته ام وچندی قبل در یکی ازمجامع رئیسی اکسفرد قرائت نمودم برای شما میفرستم.

ودرعین حال ازاعماق قلب برای شماها ترقی روحانی درحیات خویش ودراحتفالاتتان ودرمجهودات جمعی مسئلت مینمایم وموفقیت مرکزامری منچستر راکه حائزاستعداد ومستقبل روشن است آرزومندم.

درعریضهٔ آتیه خود به سرکارآقا فراموش نخواهم کرد عنایات وتائید مبارك راراجع بمطلبی که نگاشته بودید مسئلت نمایم ... "

تشریف فرمائی هیکل مبارك به منچستر

از جمله خاطرات نفیسی که ازایام اقامت مبارك در انگلستان در دست است شرح تشریف فرمائی هیکل مبارك به منچستر میباشد که مستر ای. تی هال E. T. Hall یکی ازاحبای عزیز منچستر در وکتاب کوچك خود که اکنون از جریان طبع خارج ونسخ آن پراکنده و قلیل است درج نموده ترجمهٔ مستخرجاتی ازآن دو کتاب که شبیه یکدیگراست مع ترجمهٔ خاطرات و توضیحات میس لوسی. ای. هال Miss Lucy E. Hall

صبیه آن مؤلف عزیز زیب این اوراق میگردد :

نقل ازکتاب " فجر دیانت بهائی در منچستر "

The Bahai Dawn: Manchester

بقلم مستر ای. تی. هال Mr . E . T . Hall

که درماه مارس ۱۹۲۵ نگاشته شده .

" دراواخر ماه اوت ۱۹۲۱ دکتراسلمونت در منچستر بودند وبما اطلاع دادند که شوقی افندی (که درآنوقت در اکسفورد تحصیل میفرمودند) قصد دارند بزودی جامعه

بهائی منچستر را ملاقات فرمایند ازاین بشارت حقیقةً قلوب همه ما طافح از سرور گردید . درماه اکتبر روز اول ماه به منچستر تشریف فرماشدند و روز ششم مراجعت فرمودند

شـــوقی افنـــدی

در شب ورود شان (شنبه اول اکتبر) احبا باکمال انتظار واشتیاق برای زیارت شوقی افندی درحجرهٔ ژوزف جمع بودند شوقی افندی بمعیت ژوزف باروی خندان و بشاش تشریف فرما شدند و با لطف و ملاحت بجمیع تهنیت گفتند فی الحین شور و انجذاب و روح بدیعی در عموم ظاهر گردید شوقی افندی باجازه به مخصوص و کمال عنایت آن جلسه را مبدّل به محفل انس فرمودند بطوریکه هرکس خود رادرنهایت مسرت و روح و ریحان ملاحظه مینمود . چشمان شوقی افندی پرلمعان صوتشان جذاب و اطمینان بخش حرکات و سکناتشان جالب و متین و چهره و سیماشان دلربا و ملیح بود وبا احاطه وهیمنه ئی که در وجود شان مکنون است من دون تکلف حاضرین را تحت تاءثیرقراردادند وحس حرمت و احترام عموم را برانگیختند . جمیع ما درنهایت فرح و سرور بودیم وایشان را به کرسی مخصوص در صدر محفل راهنمائی نمودیم و چون اراده فرمودند رضا و سرور خاطر

سرکارآقا را نسبت به عمل مسس کروسلی [1] Mrs. Crossley

برای ما بیان فرمایند آن خانم را روی صندلی پهلوی کرسی شوقی افندی نشاندیم. شوقی افندی لوح معروف نجف آباد را برای ما تلاوت فرمودند.

تعداد حاضرین جمعاً ۱۹ نفر و شوقی افندی نفر نوزدهم بودند.

روز دیگر مجدداً بعدازظهر درهمان حجره بحضورشان شرفیاب شدیم این بار ضیاء الله اصغرزاده هم حضور داشت. سر شب باز در اطاق منزل مسترو مسس هیلد Mr. and Mrs. Heald در شهر مایلز پلاتین Miles Platine مجتمع گردیدیم. شوقی افندی از نوای سرودی که تلاوت نمودیم محظوظ شدند وبرای ما حکایت فرمودند چگونه سرکارآقا از

۱- مسس کروسلی بروفق یادداشت میرلوسی هال خانمی است که گیسوان بسیار قشنگ طلائی ظریف خود را برید وبمعرض فروش رساند و وجه آنرا برای ساختمان معبد ویلمت در امریکا ارسال داشت. سرکارآقا در لوحی که برای احبای نجف آباد ایران مرقوم فرمودند اشاره باین خانم بهائی منچستر و اعانه ئی که با این احساسات رقیقه بمشرق الاذکار نموده میفرمایند.

لواگتسینگر Lua Getsinger درخواست میفرمودند در شبهای خنك که هوا صاف و آسمان شفاف ومهتاب بود و عبیر آمیز میآمد شمالشر روی ایوان بیت مبارك برود وسرودی که همیشه سبب سرور قلب مبارك بود تلاوت نماید وآن سرود سرود معروف " آلهی مرابخود نزدیکتر فرما " بود صوت لوآ و زیل و بم لحن ملیحش مانند چهچهه بلبل سرکار آقارا باهتزاز میآورد آه که کرمل چه شکوه‌و عظمتی دارد .

روز دوشنبه سوم اکتبر شوقی افندی بمعیت ضیاء الله بمنزل مستر و مسز هال Hall تشریف آوردند و یك شمایل دلربای سرکارآقارا نیز باخود همراه داشتند درذیل شمایل شوقی افندی چند کلمه احترامات فائقه مرقوم نمودند سپس مسترهال ایشان رابخانهٔ عالیجناب جانشین Rev. Johnson درچیت هام هیل

---

۱ — ایچ . ایچ جانسن H.H. Johnson درسنه ۱۹۱۱ موقعیکه حضرت عبد البهاء لندن تشریف داشتند ازامرمبارك مطلع گردید وبامطالعهٔ کتب بهائی نورتازه ئی در قلبش اشراق کرد وکشیش یونیتارین Unitarian (یکی از فرق مسیحی) گردید مقالهٔ مفصلی راجع بدیانت بهائی نگاشت وبحضورسرکارآقا تقدیم نمود . آن مقاله درقسمت فرهنگی جریده تایمز Times منتشرگردید واین مطلب را حضوراً بشوقی افندی عرض نمود (نقل ازیادداشت میسر هال)

Cheetham Hill

که قبلا ترتیب ملاقات باوی داده شده بود راهنمائی نمود پس از ملاقات این کشیش مجدداً همه ما سر شب درحجره فوق الذکر واقعه درخیابان مونسلی Monsley St. جمع شدیم شوقی افندی در سر راه مقداری انگور قرمز از یکی ازمیوه فروش ها ابتیاع فرمودند ساعت هشت بعد از ظهر تعداد ما ۲۳ نفر بود شوقی افندی مناجات تلاوت فرمودند و بعد اظهارفرمودند سعی خواهند نمود نمونهٔ جلساتی که درحیفا و شرق منعقد میشود بما ارائه فرمایند سپس انگورهارا به خوشه های کوچك تقسیم نموده بهر یك ازحاضرین مقداری عنایت فرمودند وفرمودند دراثنای اینکه این "میوهٔ تاك" را تناول مینمائیم بیاد احبای الهی درجمیع بلاد باشیم این حادثهٔ کوچك سبب انتعاش قلوب گردید و تبسم ممتد در لبها نقش بست .

ازاین کیفیت استنباط نمودیم که این نشئهٔ مادی رمزی معنوی در بر دارد که اشاره به "صهبای محبت الله" است یعنی ثمرهٔ حقیقی حیات و رمز عشای ربانی بدیع . بعضی هم درحال تبسم بنحوی شگفت انگیز خود را درسکر

روحانی ملاحظه نمودیم. شوقی افندی کمی پس از توزیع انگورها جالس شدند و بعد از روی صندلیشان برخاستند ویك شیشه کوچك عطر گل سرخ بما نشان دادند وفرمودند که آن شیشهٔ عطر از طرف شقیقهٔ عبدالبهاء ورقهٔ علیا بایشان داده شده است و فرموده اند مایلند جمیع احبا را باآن عطر مشك بیز فرمایند بشرط آنکه فقط وقتی قلب شوقی افندی گواهی دهد که محفل سراسر روحانی است عطر را توزیع فرمایند و حال احساس مینمایند آن حالت موجود است اینست که مارا معطر میفرمایند. بعد فرمودند هریك دست خود را پیش آورده تا در اثنای آنکه از جلوی ما در اطاق مرور میفرمایند مقدارکمی ازآن عطر خالص بر روی کف دست هریك قرار دهند ما به تبعیت ژوزف وضیاءالله پس از آنکه عطر عنایت فرمودند دستهای خود را بهم مالیده کف دست را بر روی مو و پیشانی خود کشیدیم تا تمام فضای اطاق و خود ما از نفحات عبیرآمیز آن عطر معطر گردید. بعد مطالب شیرین دیگری از احتفالات بزرگ که در اعتاب مقدسه برپا میشود بیان فرمودند بطوریکه ما دیگر در منچستر نبودیم بلکه روحاً خود را در ارض اقدس مشاهده می نمودیم آنگاه دانستیم که نفثات روح القدس بر ما

دمیده است وطبعاً در احتفالی که بی نهایت روحانی وحقیقةً جالب تائیدات آلهیه است شرکت نموده ایم .
قلوب ما از خاطره ٔ آن حال وکیفیت طافح ازمسرت بود وهرگز اثر آن از صفحه ٔ دل محو نخواهد شد .
همان روز بود که عریضه ئی بامضای بیست وچهار نفـــــر بحضور سرکارآقا عرض شد و استدعا گردید دعا فرمایند دائماً برلیاقت و استعداد مابیفزاید و روحانیت بیشتر عطا گردد

جواب سرکارآقادر مقابل این عریضه بیان اطمیـــنان بشمول الطاف ومحبت آلهی بود که در لوحی که اکنـــون نزد جمیع معروف است بافتخار "احبای عزیز آلهی درمدینه منچستر عنایت شده .

روز بعد یعنی سه شنبه ٤ اکتبر مستر کراوان Mr. Craven شوقی افندی رابتماشای موٴسسات لینوتایپ و ورکز Lynotype Works در برود هیـــث Broad Heath کمرئیس آن خیلی بتعالیم امر و منظور دیانت بهائی متمایل بود بردند سرشب بابعضی از احباونفوسیکه مجذوب امـرشده بودند دراطاق جلوی منزل مستر کراوان در آلتـــرین چـــــام Altrincham ملاقات فرمودند .

روز چهارشنبه ۵ اکتبر تمام احبا مجدداً در ساعت هفت بر وفق قرار قبلی در حجرهٔ خیابان موسلی جمع شدند تا عکس دسته جمعی گرفته شود و در اثنای اینکه همه در آن حجره حضور داشتند ضیاء الله دستمالهای ابریشمی ونگین های عقیق باحباء توزیع نمود و هم چنین جمیع را با ر دیگر باعطری که از حیفا از جبل کرمل آورده شده بود معطر نمودند. ساعت ۸ همگی قدم زنان بسمت ون رالتی Van Ralty بسوی عکاسخانه واقعه درخیابان الدهام Oldham St. رهسپار شدیم. عکاس عکس بسیار عالی خوبی ازحاضرین که ۲۶ نفر بودند برداشت.

روز بعد قبل ازظهر شوقی افندی باتفاق ضیاءالله ازمنچستر مراجعت نمودند واین سفرمبارک مهم پایان یافت. دربارهٔ این سفر ما مرهون آقای ژوزف [1] هستیم واشواق قلبیه خود را همواره نثار شوقی افندی مینمائیم و تحیات خود رابه ضیاء الله تقدیم میکنیم.

۱- میس لوسی ای هال Miss Lucy E. Hall

نسبت به شرح فوق که بقلم والد شان تحریرشده اضافه مینمایند:

" متعاقب این سفر در لوحی که ازطرف حضرت عبدالبهاء بافتخار آقای ج. ژوزف وبرادرش ابراهیم (البرت) نازل شده چنین میفرمایند " بنده صادق جمال مبارک شوقی افندی مکتوبی مرقوم نموده وازشما بینهایت تمجید کرده است . . . "

نقل از کتاب " الواح مبارکه " : نظری بگذشته امر بهائی در منچستر" بقلم ای. تی. هال E. T . Hall که در ماه دسامبر ۱۹۲۱ نگاشته شده :

سپس شوقی افندی حفید ممتاز عبدالبهاء که بینهایت روحانی هستند احبارا ملاقات فرمودند . در این مسافرت برادر نورانی باسخاوت ما ضیاءالله در معیت شوقی افندی بود شش روز منچستر تشریف داشتند و هر روز ما با مواهب وفیوضات موفور قرین بودیم.

در روز اول و دوم جلسات پر شور و شعف در حجره آقای ژوزف در خیابان مونسلی. Monsley sT ودر منزل مستر و مسس هیلد Mr . and Mrs . Heald در برادفورد منچستر Bradford منعقد گردید .

شب سوم یعنی ۳ اکتبر شوقی افندی ضیافتی بر پا فرمودند وبا نثار عطر گل سرخ که ازحیفا (کرمل) با خود

بقیه از صفحه ۱۳۲

شوقی افندی در اثنای سفر خویش در منزل برادران ژوزف اقامت فرمودند ویك روز بعد از ظهر هم اخوان ژوزف شوقی افندی را برای گردش به جنگل دلمرفارست در چه شایر Delmare Forest in Cheshire برد ند .

آورده بودند و انگور شاداب ولذیذ که رمزی معنوی از فیوضات روح القدس و مظهر الهی بود قلوب را طافح از سرور و روحانیت فرمودند . درآن شب تعداد احبا در حجرهٔ برادران ژوزف / ۲۱ نفر بود که هریك بنحوی از حضورخود درآن جلسه مستفید گشته برمراتب ایمان و ایقان افزودند .

روز چهارم شوقی افندی ومیرزاضیاءالله بر حسب دعوت مخصوصی که ازطرف مستر کراون Mr . Craven شده بود وپذیرائی گرم و محبت آمیزی که ازطرف رئیس مؤسسات لینوتایپ وورکز Lynotype Works بعمل آمد دوائر وسیعه آن مؤسسات را در برود هیث Broadheath تماشا فرمودند .

شب پنجم ۲٤ نفر مجدداً در حجرهٔ آقای ژوزف دور شوقی افندی وضیاءالله جمع شدیم و ضیاءالله عطر گل سرخ وبعضی تحفه های بهائی که نزد احبا بسیار عزیز و نفیس است بین دوستان توزیع نمودند . درتمام آن احوال آثار عشق ومحبت بهائی نمایان بود و جمیع مستغرق عواطف و احساسات معنوی بودیم .

روز سوم اکتبر احبا عریضهٔ ذیل رابه عبدالبهای محبوب

تقدیم نمودند :

" یا مولانا المحبوب و سیدنا العزیز.

در این لحظه که ما بفیض لقای پرانوار حفید نازنین و ممتاز آن مولای محبوب شوقی افندی فائز گشته و روح و روان طافح از فرح و سرور است و از آتش محبتی که آن حفید عزیز در قلوب ما مشتعل فرموده و پیام عنایتی که ابلاغ نموده اند حیا ونشاطی تازه یافته ایم و جناب ضیاءالله هم (که ذکر و فکرشان حصر خدمت بآن مولای کریم است) با قلب پاك خویش بر رونق جمع ما افزودند با تقدیم امضاهای ناقابل خود باکمال تضرع استدعا مینمائیم درباره ٔ ما دعا فرمایند چه که ما در این شهر بزرگ خود را ناچیز دانسته و از حیث تعداد نفوس قلیلیم و این مدینه احتیاج شدید به محبت الٰهی دارد .

ما در دبستان کلمة الله اطفال سبق خوانیم و بوسیله تعالیم عبدالبهاء بوده که رو بجمال ابهی نمودیم و بعرفان جمال مبارك فائز شدیم. بیقین میدانیم که مساعی آن مولای عزیز جمیعاً برای خیر ما و سعادت عالم است و در پرتو چنین ادراکی آرزومندیم بآن مولای محبوب پیوندیم و در ظل عنایتش در ملکوت الهی بیاسائیم و از پرتو انوارش در محضر

جمال اقدس ابهی روشن وتابناك باشیم و حصول این آمال جز در اثر ادعیهٔ آن مولای عزیز میسر نیست .

باکمال اشتیاق و از اعماق قلب مسئلت مینمائیم همچنانکه آن مولای عزیز نسبت به جمال مبارك صادق و وفادارند ماهم بآن مولای محبوب صادق ووفادار باشیم وهمانطورکه آن بزرگوار مرآت صافی برکات الهیه اند ماهم مرایای صافیه آن مولای محبوب باشیم و فیوضات آن مولای عزیز را منعکس نمائیم.

مولای محبوب ادعیهٔ شما مارا برای وصول باین هدف اعلی کمك خواهد کرد .

ما برای موفقیت سرمدی آن بزرگوار در ایفای رسالت مقدستان دعا میکنیم وهمیشه مستبشر خواهیم بود از اینکه صحت مبارك درکمال اعتدال وشمول الطاف بینهایتتان نسبت بما دائم وبرقرار باشد .

بندگان مخلصتان

بامضای ۲۳ نفر حاضرین و شوقی افندی [۱]

۱- ۲۳ نفر عریضه حضور مبارك را امضاء نمودند که سه نفر ممکن است پس از خاتمه جلسه رسیده اند .

این عبد از شوقی افندی استدعا نمود این عریضه را بهمین وضع که تنظیم شده بدون آنکه کلمه ئی حذف شود بحضور مبارك تقدیم دارند وشوقی افندی هم برحسب اصرار والحاح این عبد عریضه راعیناً حضور سرکار آقای عزیز ارسال داشتند .

در تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۲۱ سرکار آقا این لوح منیع مبارك راکه حاوی اوامری برای ما است نازل فرمودند : (ترجمه)

" احبای عزیز الهی در مدینه منچستر علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای احبای عزیز الهی مکتوب شما واصل مضامین سبب نهایت سرور و حبور شد الحمد لله دارای چشم بینا هستید وگوش شنوا در زمرهٔ نفوسی هستید که مسیح ایشان را مختارون فرمود نه مدعوون .

در این ایام جهان در نتیجهٔ ستیزه وجدال دچار ناراحتی ووبال است و نوع انسان در نهایت تشویش واضطراب مسیح به پطرس فرمود شمشیر خود راغلاف کن وبا وجود آنکه فرمود هرکه شمشیر گیرد بشمشیر هلاك گردد معذلك شمشیرها ازنیام بیرون آمد واهل عالم درجنگ و جدال اند .

الحمد لله اهل بها شمشیر راغلاف نمودند وسعی مینمایند

آئین محبت و وفاق واتحاد ترویج کنند تا آنکه ابناء بشر ونوع انسان باهم متحد گردند چه که درضمن تعالیم حضرت بهاءالله روحی له الفدا چنین مرقوم گردیده که ابناء بشر همگی یك گله اند وخداوند شبان مهربان خداوند نسبت بهمه نوع انسان مهربان است زیرا اگر بشر را دوست نمیداشت آنها را نمی آفرید وبآنها موءونه نمیداد وازآنها حفاظت نمینمود حتی رزق عطا نمیکرد و چون جمیع این مواهب رابنوع انسان عنایت فرموده حتماً جمیع راجمعاً و فرادی دوست دارد .

این عین حقیقت است که مانند آفتاب میدرخشد واحدی انکار نتواند این است صراط مستقیم الهی که از آن راهی وسیع ترموجود نه لذا شایسته وسزاوارآنکه هریك ما جمیعاً دراین منهج الهی سلوك نمائیم نه در طریق بشری خود پس شکر کنید خدارا که درمصباح قلوب شما شعله هدایت الهی افروخته ودرملکوت خداوند وارد شده اید وعلیکم البهاء الابهی . عبدالبهاءعباس

(امضای مبارك)

این پیام عنایت ومرحمت در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۲۱ درمنچستر زیارت شد .

میس لوسی هال Miss Lucy Hall خاطرات ذیل را به مندرجات دو کتاب والد خویش اضافه نموده :

"ما اگرچه در آنوقت جوان بودیم ولی من بخوبی خاطرات آن ایام را بخاطر دارم وباوجود آنکه به یادداشتهای پدر خود نمیتوانم مطلب مهمی اضافه کنم ولی چند خاطره کوچك که در ذهنم باقی است اینجا نقل مینمایم :

۱- عیال برادر من بخاطر دارد که شوقی افندی بهمه ما اسامی ایرانی عنایت فرمودند ولی متاسفانه اکنون آن اسامی از یادشان رفته و فقط اسم خواهر کوچك خود را بیاد دارند که زرین بود (ضمنا فقط اطفال بودند که اسم ایرانی بایشان عنایت میشد)

۲- شوقی افندی سرودی را بفارسی بمن تعلیم فرمودند که تصور میکنم خودشان آنرا ساخته بودند ودستور فرمودند آهنگی موافق آن تنظیم نمایم. من آن سرود را در دستگاه موسیقی آهنگ معروف " صده " قدیمی - سرودهای قدیم وجدید " نواختم. اکنون فقط دو فرد اول آن سرود در خاطرم باقیمانده است که باآنکه فارسی نمیدانم تلفظ آنرا در اینجا نقل مینمایم شاید شما بتوانید از روی آن باصل سرود پی برید وآن دو فرد این است :(مضمون کلمات این دو فرد استنباط گردید)

سینای حق پر نور شد ارض مقدس طـــور شد [1]

درمقابل این دوفرد یادداشت کرده اند معلوم میشـود حافظهٔ من بعداز ٤٨ سال چندان هم بد نیســت .

۳ــ من مطمئنم ازاینکه شوقی افندی بمن فرمودند حضرت ورقهٔ علیا خودشان عطر گل سرخ راتهیه فرموده بودند و خوب بخاطردارم درحالیکه وسط اطاق پهلـوی ایشان ایستاده بودم توضیح میدادند که آن عطر خالـص چگونه تهیه شده است . بوی خوش عطر پس ازمتجاوز از بیست سال هنوز در روی دستمالها و جعبه‌ئی که دستمالها درون آن حفظ شده بود باقی بود .

۱ــ وهم چنین ازجمله اشعارمبارکه حضرت عبدالبهاء این ابیات استکه اگرحافظه نگارنده اشتباه نکرده باشد باینقرار است :

سینای حق پرنورشد ارض مقدس طـور شد
صبح جمال حق دمید آفاق وانفس شد پدید
ازحبس تن بایدرهید تا درهوا طیـارشد
شمس بهاطالـع شده نورهـدی لامـع شده
آفاق جان ساطع شده عالم همه انوار شـد

٤- پدرم دو مصاف شاهانه باشوقی افندی دادکه بسیاراسباب فرح و سرور احیا گردید .

الف- وقتیکه شوقی افندی باخضوع تمام تقاضا فرمودند اسمشان درعریضه ئی که حضورحضرت عبدالبهاءعرض میشد ذکر نشود (دراینجا پدرم فائق آمد وعریضه بهمانطور که تنظیم شده بود تقدیم گردید)

ب- درموقعیکه عکس دسته جمعی گرفته میشد پدرم خواست که شوقی افندی دروسط جمعیت جلوس فرمایند وشمایل عبدالبهارا دردست بگیرند ولی شوقی افندی اصرار فرمودند که پدرم که رئیس جمعیت بهائی بود دروسط به نشیند (دراینجا شوقی افندی فائق آمدند) "

واینست مضمون آنچه در آلبوم ما مرقوم فرموده اند :

(ترجمه) " ای پروردگار توانا

ماذلیلیم قدرت عنایت کن بی سروسامانیم در پناه خود ملجاء وماءوی بخش پریشانیم متحد فرما سرگشته ایچه گله خویش پیوسته کن ناتوانیم زاد وتوشه ای ده تشنه ایم بچشمهٔ حیات دلالت کن ضعیفیم قوی فرما ، تابه اعلای امرت پردازیم ودرسبیل هدایتت جان و تن بازیم "

چه یادگاری پرحلاوت ترازبیانات مبارکه مولای شفوق است؟

امید وارم این مناجات را حفظ نمائید ودر موقع تلاوت مرا بیاد آرید .

برای میس لوسی هال ازطرف شوقی برادر روحانی ایشان درسبیل خدمت بحضرت بهاءالله تحریر شد ۲۱/۱۰/۱ (اول اکتبـــــــر ۱۹۲۱)

خاطرات میس فلورانس پین چون

میس فلورانس پین چون Miss Florence Pinchon

درخاطرات خویش نسبت بایام اقامت مبارك درانگلستان چنین یاد کرده :

ماژورتیود وریول Major Tudor Pole

درسنوات جنگ عائله خود رابه ســوث بـــــورن South Bourne منتقل نمود وبما اجازه داد کلاسهای کوچك امری درروزهای یکشنبه درمنزل ایشان منعقد نمائیم. دراین جلسات غالباً ازملاقات بعضی از محصلین ایرانی که درایام تعطیل بآنجا میآمدند محظوظ میشدیم ولی دکتراسلمونت ازمهمان عالیقدر بزرگوار خویش حضرت شوقی افندی که درآنوقت دردانشگاه بالیول اکسفورد تحصیل میفرمودند باکمال احترام استقبال مینمود . چقدر فهم ما درآن موقع قاصر بود ازاینکه درك کنیم ازبرای آن جـوان

بزرگوار نورانی که در آن ایام تابستان ساعت یك بعد از ظهر در روی رود خانه در کرایست چورچ Christchurch گردش میفرمودند بزودی چه مسئولیت عظیم و مقام بسزرگ روحانی در پیش بوده .

حال بهمین اندازه راجع باقامت هیکل اطهر در دانشگاه بالیول و کشور انگلستان اکتفا میکنیم و بشرح سایر مطالب که عبارت از وقایع قبل از صعود وکیفیت وصول خبر فاجعه عظمی صعود حضرت عبد البهاء جل ثنائه بملکوت ابهی وعزیمت مولای محبوب بارض اقدس است میپردازیم :

تسجیل املاك امری بنام مبارك

حضرت مولی الوری در اواخر ایام مبارك لوحی بمحفل روحانی طهران مرقوم فرمودند قریب باین مضمون : " املاك امری را بنام شوقی افندی پسر میرزا هادی شیرازی در دائر حکومت تسجیل نمائید " که برحسب دستور حضرت عبد البهاء ثبت املاك بنام نامی مبارك از همانوقت شروع گردید . در حین تشرف این عبد ذلیل بخاکپای مبارك مولای جلیل فدیت لجماله الجمیل روزی اشاره باین لوح مبارك فرموده در حالی که تبسم ملیح برفرق دری احلای مبارکشان نقش بسته بود و جای همه دوستان از برای تقبیل خالی بود فرمودند این عنایت حضرت

عبدالبهاء نسبت بمن بود "

لوح مبارك بافتخارجناب امين

حضرت عبدالبهاء ٤٧ روز قبل ازصعود مبارك يعنى در تاريخ ١٠ صفر ١٣٤٠ - ١٣ اكتبر (١٩٢١) برای توجه دوستان بمقام مبارك شامخ مولای عالميان حضرت غصن ممتاز بنده نواز درحاشيه لوحی بافتخارجناب حاجی امين چنين مرقوم فرموده اند كه تلويحاً اشاره بقرب صعود مبارك است

" جناب امين مكتوب جوف ازبنده خاضع خاشع صادق جمال مبارك شوقی افنديست كه بكمال تعجيل مرقوم نموده است چون خواندنش سبب سرور ثابتين است ارسال ميگردد . ع ع "

كه اين لوح مبارك معمكتوب حضرت شوقی افندی كه حاوی بشارات شورواشتعال احبای منچستر و تقديم گيسوان آن خانم معززه بمشرق الاذكار امريكا وبشارات سائره بودند كی قبل ازصعود مبارك حضرت مولی الوری دربين ياران منتشرگرديد ونام نامی آن مولای محبوب روزبروزدرالسن وافواه مشتهرونائره عشق ومحبت آن طلعت ربانيه درقلوب مشتعل گرديد .

لوح مبارك شرق و غرب

وچون حضرت مولی الوری آهنگ جهان پنهان فرمود الواح مقدسهٔ در نصیحت یاران بر ثبوت برعهد و پیمان ومحافظهٔ دین الله وصیانت شریعت الله ازکلك اطهرشان اندکی قبل ازصعودعز نزول می یافت ازجمله در لـــوح معروف شرق و غرب که میفرمایـد :

" بیدار باشید هوشیارباشید المؤمن فطین وزکـی والموقن قوی ومتین دقت نمائید اتّقوا من فراسة المؤمـن انّه ینظر بنورالله مبادا کسی سرّاً رخنه کند و فتنه ئـی اندازد حصن حصین را سپاه رشید باشید وقصرمشید را لشکر شجیع بسیارمواظب باشید و شب و روز مراقب گردیـد تا معتسفی صدمه ئی نزند لوح ملّاح القدس رابخوانیـد تا بحقیقت پی برید وملاحظه نمائید که جمال مبارك وقائع آتیه راازپیش بتمامه خبرداد ند . انّ فی ذلك لعبرة للمتبصّرین وموهبة للمخلصین " و در مقام دیگر" لوح ملاح القدس را هرروز تلاوت نمائید "شکی نبوده ونیست برحسب بیان و شهـادت حضرت عبدالبهاء جمال اقدس ابهی جل کبریائه در لوح مبارك ملّاح القدس وقایع واخبارآتیه رااخبارفرموده اند .

وقایع بعد از صعود مبارک

تا آنکه صعود مبارک حضرت مولی الوری بوقوع پیوست و خبر صعود در لندن به نور بصر حضرت عبد البهاء حضرت شوقی افندی رسید.

مرقومه جناب دکتر اسلمونت

ایادی امرالله ونجم ساطع سماء معرفة الله دکتر اسلمونت معروف علیه رضوان الله که اولین ایادی عصر تکوین بشمارند در مرقومهٔ خویش مورخه ٨ دسامبر ١٩٢١ بعنوان جناب دکتر لطف الله حکیم آلام واحزان وتأثرات خاطر مبارک را در آن ایام چنین مرقوم داشته اند:

اللـــه ابهـــی

لطف الله عزیز.

حقیقةً خبر صعود مولای محبوب سرکار آقا بزرگترین ضربه ای بود که برما وارد شد. شب شنبه قبل از صعود مبارک ما جلسه عهد ومیثاقی بنام مبارک در منزل مستر کینگ Mr. King در بورن موث Bournmouth برپا نمودیم وشب یکشنبه در جلسه هفتگی معمولی این عبد یکساعت راجع بحضرت عبد البهاء صحبت کردم معذلك در همان حال اثر معنوی قرب صعود مبارک سایه محزنی برقلوب ما افکنده بود مستر کینگ در نگرانی شدید

بودند وآن دوشب را نیزنتوانستند بخوبی بیارمند مسس دنسبی Mrs . Dunsby متاءثروپریشان بودند و وقتیکه ازایشان تقاضا کردم ازمناجاتهای حضرت عبدالبهاء که شما برای من سواد کرده بودید تلاوت نمایید دروسط مناجات حالشان منقلب شد وورقه را بمن دادند تا بقیه مناجات را تلاوت نمایم. این کیفیت راجع به جلسه یکشنبه شب بود شب شنبه خانم پرستار چالیس Nurse Chollis رؤیای واضحی ازحضرت عبدالبهاء دیدکه درزحمت شدید بودند و آن خانم واین عبد سعی میکردیم بوجود مبارک کمک کنیم. این خانم درجلسه یکشنبه قرارنداشتند بنهایت متاءثر ومضطرب بودند که صحت مبارک درچه حال است رؤیای خود وتشویش ونگرانی خویش راراجع بحضرت عبدالبهاء بامن درمیان گذاردند وهم چنین به خانم دنس بی قبل ازآنکه خبرصعود مبارک بما برسد کیفیت رانقل نمودند .

شب دوشنبه خانم دنس بی خواب خوشی ازسرکارآقا دیدند که باوالتفات فرموده آرامش واطمینان قلب عطا فرموده اند شب سه شنبه خانم چالیس خواب دیگری ازحضرت عبدالبهاء دیدکه درحالیکه بسیارمسروربودند فرمودند " مضطرب نشوید وخائف وهراسان مباشید " این خوابها پس ازصعود مبارک

بینهایت این دوخانم راآرام نمود وتشفی داد .

صبح سه شنبه بوسیلهٔ ماژورتیود ورپول ازخبرصعـــود مبارك مطلع شدیم وروزچهارشنبه تیود ورپول تلفرافیاً بمن اطلاع دادکه شوقی افندی درلندن درمنزل میسرگرانـــد Miss Grand تشریف دارند وتقاضا نمود درصورت امکان بلندن بروم لذا صبح پنجشنبه لندن رفتم وملاحظه نمودم شوقی افندی دررختخواب ناخوش ونحیف و ازشدت آلام و غلبهٔ احزان صحتشان بکلی مختل گشته ونقاهت شدید بر وجودشان عارض شده است درنظراول معلوم بود که از خبر صعود مبارك بنحوی مستغرق دریحراحزان اند که ابداً قادر براکل ونوم وتأمل نبودند معذلك دراثنای روز حالشـــان بهتر شدو بعدازآنکه چای میل فرمودند برخاستند وباطاق پذیرائی تشریف آوردند ودرجلسهٔ کوچکی که باحضور میس گراند ولیدی بلامفیلد ومیرزا داود وضیاءالله واین عبد برپـــا بود شرکت فرمودند وآخرین لوح مبارکی راکه ازحضرت مولی الوری دریافت نموده بودند برای ما ترجمه فرمودند سپس تـــلاوت آیات نمودند . این چهارنفراحبای عزیزمع مسترتیود ورپـــول بینهایت نسبت به شوقی افندی ابرازمحبت و مهربانی نمودند ودرآن احیان وساعات دقیق که شوقی افندی احتیاج بکمـــك

ومساعدت داشتند بهترین مساعد و مؤانس بودند . شب رادر منزل میرزا داود بسربردم و روز بعد مجدداً دوریکدیگر جمع شدیم و قرارشد لیدی بلامفیلد درخدمت شوقی افندی بمعیت روح انگیزخانم بااولین وسیلهٔ ممکنه بحیفاعزیمت نماید ضیاء الله نیز داوطلب شد بحیفاحرکت نماید ومصارف لازمه سفرراتقدیم کند . بعد ازظهر آنروز شوقی افندی باتفاق این عبد به بورن موث Bournmouth تشریف آوردند چه که بنظر رسید تاموقعیکه وسائل سفر فراهم شود بهترین وسیله جهت استراحت وتخفیف آلام واحزانشان عزیمت به بورن موث وصرف اوقات درآنجا باشد .

درظرف یکی دو روزجا درکشتی موسوم به قیصر هند که ازلندن در تاریخ ۱۶ دسامبرحرکت مینمایدگرفته شد وشوقی افندی تادیروز دربورن موث تشریف داشتند .بعضی اوقات بینهایت مغموم ومحزون بودند واحزان شدید بروجودشان مستولی میگشت ولی رویهمرفته بکمال شهامت این مصیبت عظمی راتحمل فرمودند وآنچه تدریجاً سبب تخفیف احزان وتقویت و صحت شوقی افندی گردید اعتقاد راسخشان براین بود که هر چند هیکل بشری حضرت مولی الوری ازدیده عنصری مامتواری گشته ولی روح مبارك همیشه با ما است وبا همان قدرت وتائید ماراحمایت وامداد خواهد فرمود .

جلسهٔ کوچکی از احباء در شب شنبه و همچنین جلسهٔ دیگری که معمولاً در لیالی یکشنبه منعقد میشود در شب یکشنبه تشکیل گردید و شوقی افندی در هر دو جلسه با کمال تاءثر و قوت بیان صحبت فرمودند.

دیروز تلفرافی از حضرت ورقه مبارکه علیا دریافت داشتند مبنی براینکه نظر بمسئولیت عظیم و وظیفه خطیری که در حیفا در انتظار ورود شان هست هرچه زودتر بساحت اقدس عزیمت فرمایند لذا قرار شد شوقی افندی فوراً به لندن حرکت نمایند و ملاحظه فرمایند آیا ممکن است ترتیبی داده شود که با وسیلهٔ زودتری عزیمت فرمایند و ضیاءالله در خدمتشان باشد سپس لیدی بلامفیلد و روح انگیز با کشتی ۱۶ دسامبر عازم شوند. از آن ببعد دیگر این عبد اطلاعی از تمشیت امور سفرشان ندارم.

با کمال بی صبری و اشتیاق مترصد وصول اخبار ایام اخیر حضرت عبدالبهاء و تشییع عرش مبارک هستم و مخصوصاً مشتاق و منتظریم بدانیم حضرت مولی الوری چه تعلیمات عمومی و یا دستورات خاصی راجع باداره امرالله در مستقبل ایام بعد از خود باقی گذارده اند. همه احساس میکنیم که باید حال با تعلق و فداکاری و عشق بیشتر نوایای مبارکه را تنفیذ

ودستورات مقدسه را اطاعت نمائیم. نمیدانم آیا حضرت مولی الوری او امرتازه ئی راجع به کتاب (کتاب خود دکتر اسلمونت) بشما عنایت فرموده اند . . . خواهشمندم به حضرت ورقهٔ علیا و عائلهٔ مبارکه وتمام احبای حیفا مراتب تسلیت عمیق احبای اینجارا تقدیم نمائید واطمینان دهید که محبت وادعیهٔ ما در بارهٔ ایشان مداوم است . ماسعی خواهیم کرد تسلیت خویش را نه فقط به حرف بلکه باعمل ثابت نمائیم ودرسبیل خدمت بامر مبارك درطریقی که حضرت عبدالبهاء ازما انتظارداشتند سلوك کنیم وهمواره مستعدّ از روح مبارك باشیم. باتحیات بهیه وانتظار دیدارتان . برادر صمیمی شما (امضاء) جی . ای . اسلمنت

خاطرات بعضی ازاحبای انگلستان

وهم چنین بعضی ازاحبای انگلستان وقایع آن ایام را راجع به عزیمت هیکل مبارك ازانگلستان چنین ثبت کرده اند ازجمله :

۱ــ درخاطرهٔ که متصاعدالی الله ماژورتیود ورپول در ۲۱ دسامبر ۱۹۲۱ راجع بوقایع پس ازصعود مبارك حضرت عبدالبهاء نگاشته :

شوقی افندی نوهٔ سرکار آقا درنیمهٔ روز ۲۹ نوامبر ۱۹۲۱ از

اکسفرد به لندن وارد شدند ودرمنزل میس گراند از طرف لیدی بلامفیلد ومیس گراند ودکتر اسلمنت با نهایت مهرومحبت تحت مواظبت وپرستاری قرارگرفتند وباهمشیره شان باتفاق لیدی بلامفیلد در ۱۶ دسامبر ۱۹۲۱ باکشتی بصوب حیفا عزیمت فرمودند .

۲- ازخاطرات میس فلورانس پین چـــــون

Miss Florence Pinchon 'S Memories

صعود حضرت عبدالبهاء که در ۲۸ نوامبر ۱۹۲۱ واقع گردید حقیقةً ضربه عظیمی بود که برقلوب وارد شد . وقتی دکتر اسلمنت بدیدن من آمد تا خبراین فاجعه عظمی رابدهد ملاحظه گردید ازشدت تاءثر قادر برتکلم نبود حتی اثر این مصیبت تا چندی صحت مزاجشان را مختل نموده بود وهمچنین مورث تاءسف شدید بود که سرکار آقا قبل ازصعود مبارکشـــان فرصت نیافتند بیش از فصول اولیه کتاب ایشان راملاحظـــه فرمایند .

شوقی افندی که فوراً بحیفا طلبیده شده بودند تودیع مختصری با احبا فرمودند ودرجلسه ئی که باکمال عجله ترتیـــب داده شده بود ازبیانات خویش حاضرین را مستفیض نمودند شوقی افندی مانند سرکار آقا حتی درچنین موقعیت جانگدازی

سعی فرمودند احبارا آرام وتشویق برخدمت فرمایند . بیان مبارك درآن محفل دائر براین بود که مانباید نظر به قلّت نفوس خویش نمائیم وبرای تجسّم مطلب قصه ئی نقل فرمودند که درمحضر حضرت عبدالبهاء خانمی بسیارمسن وقصیرالقامه با صورت پرچین وچروك خورده حاضر شد واستدعانمود اذن فرمایند سه پسر خویش را بحضورمبارك معرفی نماید . پسرها سه جوان بلند قد قوی الجثه آمدند ودرا وایستادند حضرت مولی الوری باتبسم ملیح باحبا فرمودند " به بینید چگونه ازیك دانه کوچك بلوط چنین درختهای قوی وتنومند روئیده است"

۳- خانم ایزوبل اسرلید خاطرات خویش را نسبت به جلسه تودیع مبارك چنین نگاشته Mrs . Isobel Slade

اولین دفعه که من بزیارت شوقی افندی که باین نام معروف بودند نائل شدم ۸ دسامبر ۱۹۲۱ بود درآنوقت من لندن بودم میس گراند Miss Grand مراآن شب بمنزل خود دعوت نمود درآنجا محفل مهم وباعظمتی منعقد بود بعبارة اخری جلسهٔ تودیعی ازبرای شوقی افندی که تقاضا شده بود بحیفاعزیمت فرمایند تاالواح وصایای جدشان تلاوت گردد . شوقی افندی بنابود بمعیت لیدی بلامفیلد عزیمت فرمایند درآن شب ضیاءالله اصفرزاده درمحضر

شوقی افندی بود وخانم کلود یا کولز Mrs. Claudia Coles هم حضور داشت من خیلی مفتخر بودم از اینکه بان جلسه دعوت شدم بینهایت درتحت تاءثیر این جوان که درریعان شباب بودند وبرای اولین دفعه ایشان را زیارت مینمودم قرار گرفتم قیافه شان بسیار متاءلم ومحزون بنظر میرسید شب دیر وقت بود واطاق را خیلی گرم کرده بودند معذلك شوقی افندی پالتوئی دربرداشتند ازحضورشان تقاضا شد آیا میل ندارند پالتو را بیرون بیاورند جواب فرمودند وقتیکه من عازم انگلستان بودم جدم (حضرت عبدالبهاء) فرمودند همیشه درزمستان پالتو را دربر داشته باشم .

عجب خاطره‌ئی از اشتیاق ونگرانی حضرت مولی الوری نسبت به نوهٔ خویش وابراز روح اطاعت و وفاداری از قبل این حفید در قبال اوامر آن بزرگوار . . .

الان بخاطرم گذشت که سالها قبل کشیشی را ملاقات نمودم که درایامی که شوقی افندی در اکسفورد تحصیل میفرمودند اوهم اکسفرد بود ذکر مینمود که شوقی افندی بسیار در بازی تنیس مهارت داشتند و رویه شان آن بود که آن کشیش ودیگران را برای صرف چای دعوت میفرمودند وجلساتی که ترتیب میدادند دارای شکوه وجلال جلسات مذهبی بود . . .

آن کشیش ازمن سئوال کرد آیا صحیح است که شوقی افندی اکنون رئیس تشکیلات دینی هستند .

وقایع بعد از صعود در ارض اقدس

حال خوب است نظری بارض اقدس انداز یم وملاحظه نمائیم که خبر رجفهٔ کبری صعود حضرت مولی الوری چگونه باهل بها رسید ووقایع آن ایام تا ورود مبارک حضرت ولی امرالله بنحو اجمال برچه منوال بوده .

حضرت بقیة البهاء وودیعته ورقه مقدسه مبارکه علیا ارواحنا لاء حزان قلبها الا نور فداکه محرم اسرار حضرت عبدالبهاء وحافظ الواح مبارکه وصایا بودند خبراین مصیبت دهمارا در ضمن تلغرافی باین مضمون باطراف و اکناف عالم مخابره فرمودند :

« قد صعد الی ملکوت الابهی حضرة عبدالبهاء ورقه علیا [1] »

صبح روز بعد از صعود مبارک (صعود مبارک در ساعت یک و نیم بعد از نصف شب دوشنبه ٦ برج قوس سنه ۱۰۰ ۳ شمسی مطابق با ۲۸ تشرین ثانی ۱۹۲۱ و ۲۷ ربیع الاول ۱۳٤۰ قمری واقع گردید) یعنی دوشنبه ۲۸ نوامبر ۱۹۲۱ . عائله ومنتسبین اعلان ذیل را منتشر نمودند .

۱ــ بروفق مرقومهٔ جناب میرزا یوسف خان وجدانی علیه رضوان اله از ارض اقدس مورخه ۹ قوس ۱۳۰ (۱۱ دسامبر ۱۹۲۱) به ایران

" اعـــلان

خاندان عبدالبهاء عباس خصوصاً و بهائیان عموماً خبر رحلت اورا بشما میدهند اودرشب گذشته رحلت فرمود وفردا ساعت نه جنازه اوتشییع میشود ازمنزلشان بسوی مقام ازراه کوه کرمل . "

سپس تشییع عرش مطهر بتفصیلی که در شرح صعود[1] بقلم مبارك مولای محبوب و مساعدهٔ امة الله لیدی بلامفیلد ستاره خانم Lady Blomfield مندرج است وچشم ابداع وحیفا تا حال نظیرش را مشاهده ننموده با حضور ده هزار نفر ابناء ماتم زده ویتیم که اب حنون وبزرگوار خود را ازدست داده بودند ازجمیع طبقات ازوضیع و شریف بوقوع پیوست .

خانم لوئیز بوش Louise Bosch که با قرین عزیزشان مستر جان بوش Mr . John Bosch (بهائی نازنینی که بینهایت مورد لطف وعنایت حضرت عبدالبهابوده ومدرسه تابستانه گایزرویل Geyserville راتقدیم نموده است) در موقع صعود مبارك حضرت مولی الوری و ورود حضرت ولی امرالله درارض اقدس حضور داشته اند (ورودشان درحوالی ۱۲ نوامبر

۱ــ مولای محبوب درتوقیع مبارك مورخه ۵ شباط ۱۹۳۲ چنین مرقوم فرموده اند :

(۱۹۲۱) از خاطرهٔ آن ایام چنین نقل نموده اند :[۲]

روز چهارشنبه یکروز پس از تشییع عرش مبارک والدهٔ شوقی افندی به لوئیز اظهار داشتند که ورقه علیا و حرم مبارک حضرت عبدالبهاء پاکت معهوری را که حضرت مولی الوری باقی گذارده اند باز نمودند این پاکت بعنوان شوقی افندی بود که ناچار شدند در غیاب ایشان باز نمایند زیرا معلوم نبود عرش مبارک کجا باید استقرار یابد و دستورات مبارکه از برای عالم محنت زده بهائی که در حال ترقب و انتظار بودند چیست والدهٔ شوقی افندی این مطلب را به لوئیز بیان نمودند نه بعنوان اینکه مطلب سرّی و محرمانه بود بلکه بعنوان مطلبی که راجع بمندرجات الواح وصایا یکنفر فرد بهائی با فرد دیگر در میان مینهد.

اینک جملاتی از مرقومه جناب میرزا یوسف خان وجدانی که تاریخ آن ۱۳ روز مؤخر به صعود مبارک است و برای اولین بار اشاره بمقام شامخ همایون غصن ممتاز الهی گردیده نقل میشود :

بقیه از صفحه ۱۵۶

" نسخه‌ئی از مکتوب عمومی بلسان انگلیزی که بعموم دوستان حضرت عبدالبهاء در تفصیل ایام اخیرهٔ مبارک و وقوعات ارض مقصود بعد از صعود و مخابرات و مراسلات و مقالات جرائد راجع باین مصیبت عظمی و نصایح الهیه و بشارات رحمانیه که در مستقبل ایام تحقق خواهد یافت بمشورت و مساعدهٔ امة الله لیدی بلامفیلد ستاره خانم که حال در ارض اقدس مقیم است نگاشته شده . . . "

۲- نقل از مجله نظم بهائی پاییز ۱۹۷۱

" شب یکشنبه گذشته‌که هفتم صعود مبارك بود جمیع احباء الله به هیئت اجتماع‌حسب المعمول بزیارت تربت آستانه مقدسه موفق شدند . . . کتاب وصیتی باثرقلم اعز اعلی درنهایت استحکام نازل ودرنزد حضرت ورقه علیا کینونیتی‌لتراب اقدامهاالفدا موجود ودروقت خودش زیارت ومنتشر شده عالم پیر دگرباره جوان خواهد شد . حضرت شوقی افندی‌روحی‌لتراب اقدامه الفداازلندن در شرف حرکت هستند وتاپنج شش روزدیگرحرکت خواهند فرمود وانشاءالله چشم احباءالله‌بهمین زودیها بلقای مبارکشان روشن خواهدگردید . "

ازآن پس حضرت ولی‌عزیزامرالله درهمان ماه دسامبر ۱۹۲۱ بدواً به اسکندریه وسپس باترن بارض اقدس ورود فرمودند . احبای عزیزی‌که دراسکندریه بشرف زیارت مولای محبوب فائزشدند ازجمله جناب روحانی نقل نمودند که ازطرفی احبانه چنان ازاحاطه احزان مبارك مستغرق دردریای همّ وغم شدند که وصف توان نمود وازطرف دیگربدون آنکه ازمضمون الواح وصایای‌مبارك مسبوق باشند بمجرد زیارت لقای مبارك قوهٔ خارق العاده عجیبی درآن طلعت قدسی مشاهده نمودند که سبب اطمینان قلوب گردید وبغراست دریافتند

وبا یکدیگر زمزمه نمودند که اگر بارادهٔ الهیه حضرت عبدالبهاء آهنگ ملکوت را زفرمود واین مصیبت مانند صاعقه ارکان عالم را بزلزله آورد جمال اقدس ابهی جل جلاله اکنون بفضل عمیم خویش بااعطای صبرجمیل به‌بندگان آستانش چنین‌مولای‌محبوبی رابه عالم وعالمیان عنایت فرموده تازمام امرالهی رابدست گیرند وپس ازحضرت عبدالبهاء برمسند ولایت الهیه جلوس فرمایند دیده ئی خواهم که باشد شه شناس»

جناب دکترحکیم ثبت نموده‌اند که حضرت شوقی افندی وقتی باترن وارد حیفا شدند " جمعی ازاحباد راستاسیون بودند هنگامیکه ازترن پیاده شدند طوری به احبا الله ابهی گفتند که همه دلشان ریش ریش شد هیکل اطهربمنزل نزد حضرت ورقه علیا تشریف بردند سایرمسافرین هم بعداً حضور یافتند . "[1]

خانم لوئیزبوش راجع بورود هیکل مبارك بارض اقدس چنین نقل نموده :

" لوئیزبوش دراطاق چای بیت مبارك تنهابود که مشاهده‌نمود خانمها متفرق شدند ومقدمات ورود شوقی افندی به بیت تکمیل‌گردید . جمیع درآنروزمنتظرمراجعت هیکل مبارك

۱ــ آهنگ بدیع شماره ۱۶۵ــ۱۶۶ــ۱۶۷

ازدانشگاه اکسفورد بودند " آنچه بگوش شنید صدای پاهای مبارك بود که بجانب درب ورودی بیت بالا میآمدند . صدای ناله وفغانی که ازنهاد هیکل مبارك بصوت بلند بلند بود ازعهده بیان خارج است ناله‌ئی بسیارحزین ودردناك این کمینه دراطاق ماندم ولی بلقای مبارك فائزنشدم یقین داشتم که آن صدا صدای پاهای مبارك بود درنهایت سکوت دراطاق چای‌خوری توقف نمودم بازصدای قدمهای دیگر هیکل مبارك راشنیدم ومتعاقب آن صدای بسته شدن دربی را . . . دربد و ورود شوقی افندی الواح وصایا راندیدند حالشان خوب بود برای نهاربه مسافرخانه تشریف آوردند اما ازروزسوم ببعد من دیگرایشان راندیدم. روزپنجم آنچه‌را مشاهده‌نمودم هرگزفراموش نخواهم کرد . شوقی افندی از اطاقی خارج شدند وداخل حجرهٔ ورقه علیا گشتند بنظر مانند شخص سالخورده‌ئی میآمدند باقامتی خمیده که بزحمت قادربتکلم بودند معذلك بامن دست دادند ولحظه ئی بمن نگاه فرمودند . وضع بیانشان چنان‌بود که گویادرآن‌حال حوصله نداشتند هیچ چیزی‌بشنوند ویابااحدی‌ملاقات نمایند بکلّی حال‌مبارك تغییرکرده بود وسالخورده شده بودند باقامت خمیده مشی میفرمودند وچراغ کوچك یاشمعی

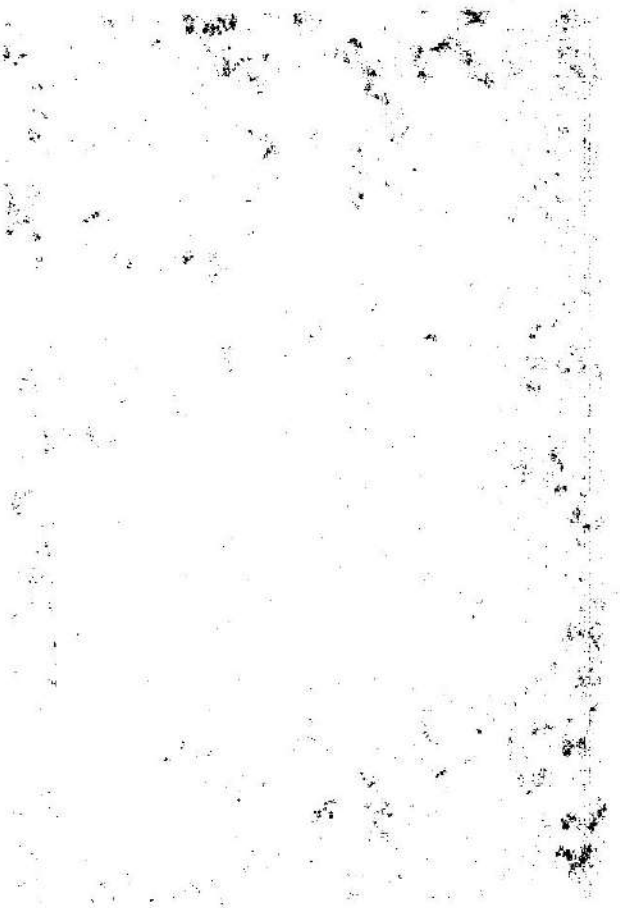

دردستشان بود درآن حال بمن گویا فرمودند خیلی خوب من ملاحظه نمودم امرمهم وبسیارمؤثری واقع شده و شوقی افندی همانطورکه عائله حدس میزدند درقبال مسئولیت عظیم خود چنین انقلاب حالی درروحیه شان ظاهرگشته این بود که بمسافرخانه تشریف نیاوردند دیگرمریض شدند وقادربه اکل وشرب و نوم نبودند."

خادم برازنده امرالله جناب کرتس کلسی Curtis Kelsey ازاحبای عزیز امریکا که درموقع صعود مبارک حضرت عبدالبهاء ورود حضرت ولی امرالله ارض اقدس بوده اند مرقوم داشته اند که آقای بویس نورس Boyce Nourse یکی از زائرین امریکائی چند روزپس ازورود مبارک یعنی آغازولایت الهیه عکسی ازحضرت ولی امرالله درمقابل بیت مبارک برداشتند درحالیکه دستمالی مملو ازشکوفه یاس دردست مبارک بود میس الیزابت نورس Miss Elizabeth Nourse همشیرهٔ جناب نورسرکه درآن اوقات درارض اقدس حضور داشته اند اضافه نمودند که وقتی برادرشان ازحضورمبارک استدعانمود اجازه فرمایند شمایلی ازهیکل مبارک گرفته شود و این رجا بعزّقبول واجابت فائزشد هیکل مبارک بطیب خاطر

تأمل فرمودند تا مسترنورس برود ودوربین عکاسی خود رابیاورد این شمایل مبارك مع شمایلهائی که درپایان حیات مولای محبوب دکترحکیم [1] گرفته اند بعنوان ابهی تحفه ازآغازو انجام دوران ولایت مطلقه الهیه زیب این اوراق میشود .

" فورب العماء نظرة " الیه"خیرعن ملك الاخرة والاولی "

باز جناب دکتر حکیم ادامه میدهند :

" پس ازچندی یك روز هیکل مبارك ۹ نفررااحضار فرمودند هفت نفرازآنها ازعائله مبارکه بودند دونفر دیگرهم یکی میرزا یوسف خان ثابت وجدانی ودیگری هم بنده بودم آنوقت الواح وصایا راعنایت فرمودند که تلاوت شود میرزایوسف خان ازاول تاآخر تلاوت نمود ... سپس امرفرمودند ازروی الواح چند نسخه نوشته شود میرزایوسف خان مرقوم فرمود وبااصل مقابله شد خود هیکل مبارك هم بانگلیسی ترجمه وتهیه نمودند "

آغاز ولایت مطلقه الهیه انظار جمیع رامتوجه عظمت مقام مبارك مینمود درهرمحفل ومجلسی صحبت ازشغل فادح این مسئولیت کبری بود بطوریکه برخی ازدوستان بروفق تقریرجناب بشروئی درآن اوان که مصادف بااواخرسامبر ۱۹۲۱ بود " برآن بودند که حضرت شوقی افندی دراین عنفوان جوانی باید چند نفرازقدمای احبارا انتخاب فرمایند تااینکه ایشان را

۱ــ جناب دکترحکیم نسبت باین شمایلهای مبارکه نقل نمودند که " اولین عکسی که بعد ازصعود حضرت عبد البهاء گرفتم روز شنبه ۱۶ آوریل ۱۹۵۷ بود که فرمودند لطف الله برویم گلستان جاوید عرض کردم اذن بفرمائید عکسی بگیرم ایستادند وبعد فرمودند اینها را نگاه دار و انتشار نده "

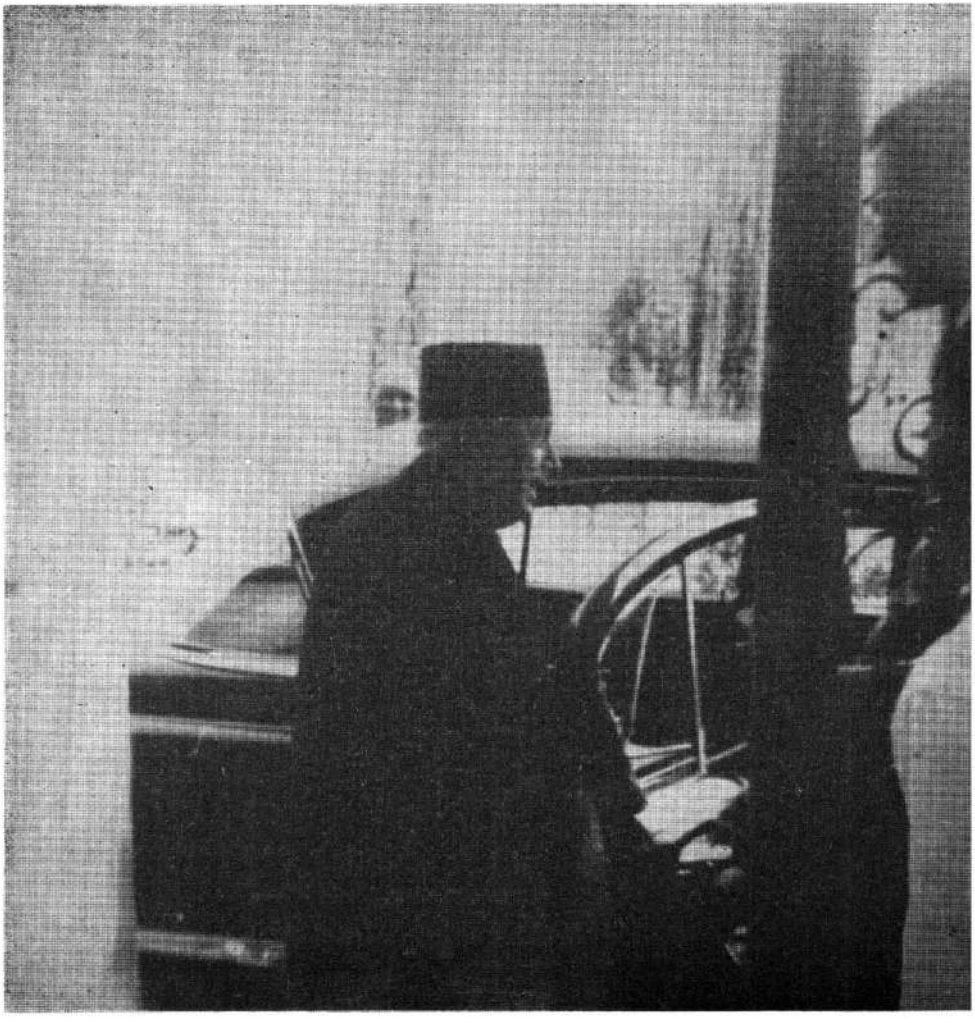

درمهام امورمساعدت کنند بعضی ازاغیارگمان نمودند که برحسب ظاهرممکن نیست جوانی بیست وچند ساله بتواند جانشین حضرت عباس افندی باشد حتی مفتی حیفا روزی بحضورمبارك مشرف شده وعرض نمود که "شما باید برطبق منهج وسلوك حضرت عباس افندی سالك شوید و بارتداء عمامه وقبا وعبا مطرز گردید وبا جمیع طبقات واصناف محشور گردید" غافل ازانکه آن طلعت قدسی مستمد بتائیدات غیبیه الٰهیه وفیوضات لاریبیه جمال اقدس ابهی بوده وامرمبارك حضرت عبدالبهاء بوده است که کلاه ایرانی بر سر گذارند. تاآنکه موعد اعلان رسمی الواح مبارکه وصایا رسید.

جناب بدیع بشروئی درخاطرات خویش چنین نگاشته اند "هیکل اطهر درماه دیسمبر ۱۹۲۱ وارد حیفا گشتند ولی بینهایت منهمك القوی وپژمرده وحتی حوصلهٔ ملاقات بـــا هیچکس راندا شتند تا اینکه درروزسوم ینایر (۱۹۲۳ (ژانویه) میلادی مطابق ششم جمادی الاول سنه ۱۳٤۰ هجری صبح زود بزیارت مقام حضرت عبدالبهاء درکوه کرمل مشرف شدند وچون به بیت مبارك مراجعت فرمودند قرب ظهر پیام مبارك حضرورقه علیا بوسیله یکی ازافراد عائله مبارك رسید که ۱۹ نفـــر احباء ربیت مبارك مجتمع شوند تا وصیت حضرت من اراده الله

را زیارت نمایند جمیع دامادها ونوه ها وجمعی از احبا من جمله مرحوم حسین اقبال وحاجی آقا محمد یزدی وجناب یوسف خان از احبای زائرین از ایران حاضر بودند. در این جمع ستمدیده ازجهتی سرشك خونین از دیده ها از حرقت وفرقت مولای عزیز جاری واز جهتی سپیده دم فرح واستبشار واطمینان در قلوب نمودار که الحمدلله والمنة آن پدر مهربان جامعهٔ بهائی را تسلی دهنده ای یادگار گذارده تا اینکه وحدت جامعهٔ بهائیه در اقطار عالم محفوظ ومصون ماند."

العظمة للّه پنجم جمادی یعنی همان روزی که غرّه ایام الله ومطلع عصر اعزاکرم بعثت حضرت رب اعلی ارواحنا لرشحات دمه الاطهر فدا بود وحضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فدا نیز در آن یوم مبارك قدم بعرصهٔ شهود گذارند بار دیگر بلافاصله پس از صعود حضرت مولی الوری در نهایت عصر رسولی وبدایت عصر تکوین فاتحة الالطاف گردید وشمس دری ولایت مطلقه الهیه برآفاق اشراق کرد بدین معنی که غصن صبیح ممتاز الهی در آن صباح نورانی که روز بلافصل آن یوم مبارك بود جام صبوحی بدور آورد و پس از زیارت مقام حضرت عبدالبهاء وتقبیل آستان وراز ونیاز راز

الواح مقدسه وصایا را برملا فاش فرمود و با اعلان عمومی وصایای حضرت عبدالبهاء نفحات نسمات سبحان که در آن الواح مقدسه بود یعه گذارده شده بود براهل امکان مرور نمود " تعالی ذهاب وایاب وان هذا الحکم عجاب . "

بی مناسبت نیست در اینجا ذکر شود که پنجم جمادی چه اثرات عظیمه در آفاق وانفس داشته[1] و ورود انسان به کره ماه وپائین آمدن از نه پله نیز از یمن آن یوم مبارك و غرّه ایام الله در پنجم جمادی (یوم بعثت حضرت رب اعلی بحساب قمری) وبا احتمال کلی مقارن با ساعت اظهار امر مبارك بافق شیراز بوده تا سا کنین کره ارض در هر نقطه ومکان بخا طر آورند که در ورود انسان بکره ماه همان مقدار از هلال ماه را که نسلهای سابق در پنجم جمادی سنه ظهور (۱۲۶۰) رؤیت نموده بودند رؤیت نمودند .

جناب دکتر لطف الله حکیم که در جمیع این وقایع حضور داشته اند باز چنین مرقوم نموده اند :

در روز سی ونهم صعود مهمانی مفصلی بناهار در سالن بیت مبارك از اعضاء دولت ونماینده های سیاسی ونمایندگان مذاهب وبزرگان حیفا ترتیب داده شد وقریب یکصد نفر هم در همان روز در قسمت پائین عمارت اطعام شدند . چند نفر

۱ــ پنجم جمادی آن سنه ۱۳۸۹ مطابق با ۲ ژوئیه ۱۹۶۹ بوده

از مدعوین پس از صرف ناهار صحبتی فرمودند و آنوقت تقاضا کردند که هیکل مبارک هم در بین جمع حاضر شده صحبتی بفرمایند . من خدمتشان رفتم ومطلب را عرض کردم فرمودند حالم مساعد نیست نمیتوانم بیایم بعد از چیزیشان کاغذی در آورده و با انگلیسی مطالبی مرقوم فرمودند پیام هیکل مبارک در جمع فوق العاده مؤثر واقع شد روز بعد که روز چهلم صعود مبارک بود همه زائرین ومسافرین که از اطراف آمده بودند در سالن بزرگ جمع شدند برحسب فرموده مبارک الواح وصایا را میرزا یوسف خان ثابت وجدانی علناً بلند برای همه احبا تلاوت فرمودند وپس از آن سواد آن بشرق وغرب عالم فرستاده شد .

در خاطرات جناب بدیع بشروئی چنین منعکس است :

روز هفتم ینایر ۱۹۲۳ میلادی (ژانویه) (چهل روز بعد از صعود مبارک) جمعی غفیر از صنادید قوم وبزرگان شهر واطراف به سرکردگی حکمران شهر در بیت مبارک با وجود ریزش باران شدید جمع وبعد از القاء خطابات وبیانات در وصف محامد ونعوت حضرت مولی الوری رسماً اعلان شد که بعد از حضرت عباس افندی حضرت شوقی ربانی زمام امر حضرت بهاءالله را در دست خواهند گرفت .

با انتشار این اعلان عمومی دشمنان امر خصوصاً ناقضین بجنبش وحرکت آمدند وبروفق تفصیلی که ذکر خواهد شد بزعم خود میدان را برای فتنه وفساد ونقشه های شیطانی خود مهیّا یافتند .

حضرت ورقه مبارکه علیا در روز چهلم صعود مبارک که مقارن با احتفال عظیم ارض اقدس در بیت مبارک و اعلان وتلاوت الواح مقدسه مبارکه وصایا بود تلغرافیاً بشارت ارسال آن صحیفهٔ مقدسه نورا را مخابره وباین بیان که در آن ایام ترجمه ونشر شده ولایت مطلقه ربانیه را اعلام فرمودند (۷ ژانویه ۱۹۲۲ مطابق ۱٦ جدی ۱۳۰۰)

" طهران دواچی کتاب وصیت مبارک ارسال شد شوقی افندی مرکز امر ورقه علیا "

زیارت تلغراف آن خانم و محبوبهٔ اهل بهاء و تلاوت الواح مقدسه مبارکه وصایا مرهمی برقلوب کئیبه و مجروح یاران نهاد وآتش شوق واشتیاق وامید واطمینان را در قلوب مشتعل نمود " ازهر سمتی صوت تهلیل وتکبیر بلند " شد و " ازهر کرانه آهنگ تسبیح وتقدیس مرتفع " گشت " حمداً لمن صان هیکل امره بدرع المیثاق " که میثاق قویم ممتاز الهی بار دیگر تاءسیس شد وکوکب بخشایش یزدانی بر

جهان آفرینش درخشید " قد تنوّرالقلوب من انوار وجه المحبوب " چشم مشتاقان منورگشت و مشام عاشقان معنبر "تعالی تعالی ربنا المقتدر البهی الهاهی الابهی "

اولین لوح مبارک

اولین اثر قلم معجز شیم مقدس مولای محبوب وبیهمتا ارواح العالمین لفنایاته الفدا باعزاز احبای الهی نفحات جان پرور بمرور آورد ونسمات ریاض عنایت بر افئده وقلوب مبذول داشت قوله تعالی وتقدس:

هوالله احبای حقیقی جانفشان حضرت عبدالبهاء را درعبودیت آستانش سهیم وشریکم ودراین مصیبت جانسوز یعنی فرقت و حسرت جمال بیمثالش هرآنی مونس و ندیم هرچند هیکل بشری مولای حنونمان ازدیدهٔ عنصری متواری گشت ولی چون سحاب از وجه شمس مرتفع شد اشراق تائیداتش قویتر وعون وصون وحمایتش اکمل و شدیدتر ازقبل خواهد بود باید همگی بقوه خلاقیت کلماتش نظرنمائیم ومنتظرتائیدات غیبیه اش شویم ... امید وطید این بنده شرمنده آن است که بعون و تائید حضرت عبدالبهاء روحی لرمسه الاطهر فدا وباثر ادعیه احبایش که ازقلوب محترقه صافیه منیره شان صادراست

موفق بخدمتی گردد . . . ومتعاون وتعاضد یاران ومشورت دوستان وصلاحدید بیت العدل عمومی که بنص قاطع مرجع کل اموراست موفق باجرای نصایح ووصایای مبارکه شود . . . آرزوئی جز خدمت امرش نداشته و نخواهم داشت انشاءالله بعونه وهدایته امور . . . دراعراض مقصود بأحسن وجوه مرتب ومنظم خواهد گشت و تمهیدات لازمه کامله ازبرای انتخاب و تاءسیس بیت العدل عمومی پس ازمشورت ودقت تام ابلاغ بیاران خواهد شد . آنوقت کل طالبین هدایته ومطمئنّین بتائیداته قیام خواهیم نمود و بقوه ملکوتیش متحداً متفقاً امرالله راازهجوم اعداء حفظ خواهیم کرد وحدت بهائی رامحافظه خواهیم نمود روابط دربین مراکزامریه رامستحکم خواهیم داشت و بسر ترویج تبلیغ درشرق وغرب عالم الی حین الممات خواهیم کوشید تاعاقبت درملکوت ابهی باجر و ثواب عظیم نائل گردیم وبنعمت فوزبلقایش فائز شویم حقّق یا الهی آمال ارقائك المتحسرین لفراقك برحمتك و فضلك . بندهآستانش شوقی ربانی ۱۶ ك۲ ۱۹۲۲ (۱۶ ژانویه ۱۹۲۲) .

دیگرکاءس عنایت بدورآمد وکلك اطهر همایون غصن ممتازالهی دمبدمنفحه حیات برعاشقان وستایندگان ذات اقدسش مبذول داشت.

در هریك از الواح مقدسه نازله از قلم اطهر آن مولای عالمیان در آن ایام با بیانی رشیق اشاره بتاءسیس بیت عدل اعظم الهی میفرمایند از جمله در پیام ثانی مبارك مورخه ۱۵ شباط ۱۹۲۲ که در تلو آن صورت یکی از الواح مقدسه منیعه حضرت عبدالبهاء را برای استحضار یاران ارسال فرموده اند قوله الاحلی " تکلیف شدید م آن است که افکار را حصر نموده بتمام قوی و بمشورت احبا متوجهاً الیه ومعتمداً علیه تمهیدات مهمه لازمه از برای تشکیل آن مرجعی که در مستقبل حلّال مشکلات وواضع احکام وشرائع غیر منصوصه ومبیّن امور مبهمه است حتی المقدور فراهم آرم " وکذلك در توقیع مقدس متعاقب آن بافتخار اعضای محترمه محفل روحانی بمبئی اشاره بتاءسیس مرجع کل امور بیت العدل عمومی الهی میفرمایند .

چنانچه برخاطر منیر جمیع یاران عزیز معلوم ومبرهن است حقیقةً تمام حیات مقدس مبارك آن مولای عزیز ومظلوم ارواحنا لمظلومیته الفدا من البدو الی الختم صرف تهیه تمهیدات لازمه برای تاءسیس بیت العدل اعظم الهی وتنفیذ وصایای الهیه گشت ودر این سبیل صحت مبارك و حیات مقدس را فدا فرمودند وآنچه از قلم معجزشیم آن محبوب بیهمتا در تشجیع یاران بقیام بهجرت وترك اوطان در دوره حیات

مبارك وتنفیذ اهداف مقدسهٔ نقشه ملکوتی جهادروحانی کبیراکبردرسنین اخیره صادرگردیده همانا ازبرای تحقق این آمال ووصول باین مقصد جلیل بوده چنانچه درلوح منیع مبارك مورخه ۱۱۰ بدیع میفرماید قوله الاحلی :

" واین جهاد جهانی روحانی نیز بنفسه مقدمهٔ تاٴسیس واستحکام نظم بدیع الهی واقامهٔ ارکان دیوان عدل الهی درجمیع ممالك و بلدان عالم است که انشاء الله تعالی عموم من فی البهاء در عهود آتیه عصرتکوین ودرطی قرون ثانی بهائی بآن کاملاً موفق ومفتخرخواهند گشت "

عین لوح مبارك حضرت مولی الوری راکه مولای محبوب در تلود ومین توقیع عمومی منیع مبارك (مورخه ۱۵ شباط ۱۹۳۲) ارسال فرموده اند ودرصدر آن بخط شیوای متعارج برفیق اعلی جناب علی اکبرروحانی میلانی این جمله درج گردیده واستنساخ وفوتوغراف شده است زیب این اوراق مینماید :

" این لوح امنع اقدس اعلی درضمن توقیع مقدسی که ازقلم انورولی امرالله غصن ممتازحضرت شوقی ربانی اروا حنافداه صادرگشته ازارض مقصود رسیده وبرای استحضار خاطر محترم عموم احبای الهی روحیفداهم تحریرومنتشر میگردد "

هوالله

ای منادی پیمان جمال مبارك یاران رابجهت چنین ایامی تربیت فرمود تا حفظ امرالله نمایند وکلمةالله انتشار دهند ورایت هدی برافرازند وآیت تقی ترتیل کنند گلشن حقیقت را شبنم عنایت گردند وگلبن معرفت را سحاب موهبت شوند متحد ومتفق گردند ازیك چشمه بنوشند ودریك هوا پرواز کنند ازیك نسیم باهتزاز آیند وازیك نفحه مشام معطرنمایند مانند طیورقدس دریك حدیقه پرواز کنند و بیك لسان بیان رازفرمایند. این مسئله بسیارمهم است لیته درفکرآن باشید زیراعبدالبهاء درطوفان خطراست و از اختلاف آراء درنهایت حذر اگرمعاذالله اختلاف جزئی حاصل گردد جمیع نفوس ذلیل وهالك وامرالله بنهایت ذلت درجمیع ممالك گرفتار شود دیگرمعلوم است که چقدر ازاین فکر در اضطرابم الحمدلله اسباب اختلافی نه حضرت اعلی صبح حقیقت روشن وتابنده برجمیع ارجاء ومبشرنیراعظم ابهی وجمال مبارك موعود جمیع کتب وصحف وزبر والواح وظهورمجلی طوردرسدرهٔ سینا وماعداکل بندهٔ آن آستانیم واحقرپاسبان ظهور منتهی بمکلم طورشد وتاهزارسال بل صد هزارسال این کورامتداد خواهد یافت مقصوداین است که

قبل ازالف کسی سزاوارتکلم حر فی نیست ولومقام ولا یست
باشد کتاب اقدس مرجع جمیع امم واحکام الهی درآن مصرح
احکام غیرمذکوره راجع بقراربیت العدل دیگر اسباب اختلافی
نه و من یتعدّ بعد ذلك فاءولئك هم الناعقون واولئك هم
الظالمون واولئك هم الاعداء المبغضون زنهارزنهارمگذارید
نفسی رخنه کند والقاء فتنه نماید اگراختلاف آرائی حاصل
گردد بیت عدل اعظم فوراً حل مشکلات فرماید واکثریت آراء آنچه
بیان کند صرف حقیقت است زیرابیت عدل اعظم درتحت
حمایت وعصمت وعفت سلطان احدیت است واوراصیانت
ازخطا فرماید ودرظل جناح عفت وعصمت خویش محافظه نماید
هرکس مخالفت کند مرد ودگردد وعاقبت مقهورشود و بیت عدل
اعظم بترتیب ونظامی که درانتخاب مجالس دراروپا انتخاب
میشود انتخاب گردد وچون ممالك مهتدی شود بیوت عدل
ممالك بیت عدل اعظم راانتخاب نماید ودرهرزمان که جمیع
احباد رهردیار وکلائی تعیین نمایند وآنان نفوسی راانتخاب
کنند وآن نفوس هیئتی راانتخاب نمایندآن بیت العدل اعظم
است والّا تاءسیسش مشروط بایمان جمیع ممالك عالم نه مثلاً
اگروقت مقتضی بود و فساد نداشت احبای ایران وکلائی
انتخاب مینمودند واحبای امریك وهند وسایرجهات نیزوکلائی

انتخاب مینمودند وآنان بیت العدل انتخاب مینمودند آن بیت العدل اعظم بود والسلام ع ع

عظمت هیکل مبارك یوماً فیوم اعناق را خاضع مینمود

ناقضین پرکین که درکمین بودند وبرای اولین بار پس از صعود مبارك حضرت عبدالبهاء ازطرف عائله مبارکه در تشییع عرش مبارك همینکه به بیت نزدیك شده بودند طرد شدند مکرجدید اندیشیدند وبر وفق خاطرات جناب بشروئی * ناقضین عهد ومیثاق الهی نیز نشاطی دیگر گرفته عریضه‌ئی بحکومت محلّی تقدیم کردند مضمون اینکه بعدازصعود حضرت عباس افندی آنان بزعم خود وارث شرعی هستند ولهذا مسئول روضه حضرت بهاءالله ودرخواست استلام مفاتیح آن مقام مقدس رابواسطه حکومت نمودند حکومت درجواب پاسخ دادکه ازقرارمعلوم این موضوع ازنظرعالمی راجع به هیئتی است لهذا حکومت بی مشاورت باجامعهٔ بهائیان عالم نمیتواند اقدامی نماید. چون ازاین راه مأیوس گشتند طریق دیگرگرفتند وبمفتی عکا پیوستند وازاودرخواست نمودند که اواز جانب ایشان تولیت روضهٔ مبارکه را متکفل گردد ولی جناب مفتی این پیشنهاد را رد نمود واظهارداشت که چون تعالیم ومبادی بهائیان باشریعت اسلام بعقیدهٔ اوتفاوت

دارد قبول چنین وظیفه ئی راد شوارمی پندارد وچون ازاین نقشه نیزمنکوب و مأیوس گشتند بوسائل دیگرمتشبث شدند وبااعداء امرالله همدست شدند ومجالس واجتماعات در قصر بهجی ترتیب دادند بعدازمشاورات عدیده موفق شدند که بزور پنجهٔ خویش کلیدهای روضهٔ مبارکه رابدست آورند لهذا روزی قبل ازغروب جمعاً بمقام مقدس مشرف شدند وپس از زیارت مفاتیح راجبراً ازجناب آقاسید ابوالقاسم خادم روضهٔ مبارکه اغتصاب نمودند. این قضیه دوساعت بعدازغروب همانروزبسمع مبارک حضرت شوقی افندی رسید فوراً بحاکم شهر مخابره گردید وبرحسب تعلیمات اداره امن عام فوراً قوّه پلیس فرستاد وکلید راارجاع نمودند تاوضعیت حقیقی واضح و مبرهن گردد. این تیراخیرناقضین ناکثین نیزبسنگ خورد."

درآن ایام الواح مقدسه منیعه ازقلم معجز شیم مولای محبوب عز نزول می یافت وهدایت الهی چون غیث هاطل برجمیع نازل بود چنانچه ملاحظه شد طیورلیل پس ازصعود مبارک حضرت مولی الوری بحرکت آمدند طوفان امتحان وافتتان برخاست واحزان بیمنتها برقلب مبارک مقدس آن مولای عالمیان طاری گشت لذا همچنانکه دأب جمیع انبیاء و مرسلین بود[1] سنّة الله الّتي قد خلت من قبل ولن تجد لسنّة الله تبديلاً"

۱ــ آیه مبارکه قرآن

همانطورکه حضرت ابراهیم خلیل وموسی بن عمران و رسول اکرم علیهم الاف التحیة والثناء دراد وارسالفه البهیه وجمال اقدس ابهی جل کبریائه دراین کوراعظم هجرت اختیار فرمودند ومرکزمیثاق بهاحضرت عبدالبهاء پس ازصعود نیّرآفاق فرداً وحیداً به طبریا مهاجرت فرمودند وهم چنین بمقام خضر[1] درجبل کرمل نزول اجلال فرمودند وآثار عظیمهٔ خارق العاده برهجرت آن طلعات قدسیه در جمیع اعصار وقرون مترتب بوده ولیّ امر محبوب جمال قدم جل شأنه نیز بمقتضای سنن و حکمت الٰهیه وتقدیر بروشیت مطلقه ربانیه چندی هجرت اختیارفرموده در ۵ آپریل ۱۹۲۲ امورامریه رابحضرت ورقه مقدسه مبارکه علیا تفویض فرمودند واین لوح منیع مبارک عز نزول یافت:

" هوالله این عبد پس ازواقعهٔ مؤلمه مصیبت عظمی صعود حضرت عبدالبهاء بملکوت ابهی بحدی مبتلاود چارصدمات اعدای امرالله و حزن و الم گشته ام که وجودم رادرهمچووقتی ودرچنین محیطی منافی ایفای وظایف مهمه مقدسه خویش میشمرم لذا چندی ناچارامورامریه چه داخل وچه خارج رابعهدهٔ عائله مقدسه مبارکه بریاست

۱- حضرت ولی عزیزامرالله درضمن بیانات مبارکه در ۹ مه ۱۹۳۸ ازززائرینی که صبح آنروزبزیارت مقام خضررفته بودند

حضرت ورقهٔ علیا روحی لها الفدا میگذارم تا بمنه تعالی کسب صحت وقوت واطمینان ونشاط روحانی نموده بنحو دلخواه و مرامم رشته خدماتم راکاملاً مرتباً بدست گرفته بمنتهی آرزو وآمال روحانیه ام فائزونائل گردم . بندهآستانش شوقی "

ازین رو حضرت ورقهٔ مقدسه مبارکه علیا درغیاب مبارک زمام امورراد ردست گرفتند .

دراین مقام بیمناسبت نیست رشحی ازمحامد ونعوت آن ورقهٔ مقدسهٔ علیا ومحبوبهٔ اهل بهارا زیب این اوراق نمائیم و دمی بیادآن ابهی ثمرهٔ سدرهٔ تقدیس مألوف گردیم واز محضر انسش درملکوت ابهی استدعاورجای شفاعت وغفران دربارگاه عظمت وجلال اب حنون واخ بزرگوارش نمائیم " عسی ان یفوز بفوزالاجابة والقبول "

بقیه اززیرنویس صفحه ۱۷۶ —

(این کهف که حال موسوم است به مقام ایلیا زیارتگاه یهود واسلام میباشد ودردامنه جبل کرمل واقع است) سئوال فرمود مقام خضر رادیدید این جامکان مقدسی است جایگاه انبیای الٰهی بوده مدتی این مکان بقدوم مبارک حضرت عبدالبهاء مزین بوده وقریب دوماه دربالاخانه که مجاورمقام خضراست تشریف داشتند . دراین هجرت مرحوم والد نقل نمود درموقعی ازآن مقام بخط جلی این بیان ازقدیم الایام منقوش بوده است .

" یا ابا العباس انت امام النـــاس "

مولای محبوب در تبیین مقام مقدس آن خانم اهل بهاء غالباً این لوح امنع جمال اقدس ابهی راکه باعزاز آن "محبوبهٔ اهل بهاء" نازل گشته و با طلای ناب در تاج مرقد مطهرشان نقرنموده اند تلاوت میفرمودند. قوله تبارك و تعالی:

"هوالباقی کتاب من لدّنا اللتی سمعت و فازت و انّها تورقت من هذا الاصل القدیم ظهرت باسمی وذاقت رضائی المقدس البدیع سقیناها مرةً من فمی الاحلی و اخری کوثری العزیز اللمیع علیها بهائی و عرف قمیصی المنیر"

وباین لطیفهٔ مبارکه اشاره مینمودند که درباره حضرت عبدالبهاء لسان عظمت جمال قدم به بیان "الذی انشعب من هذا الاصل القدیم" ناطق گشته ودر رتق حضرت ورقه علیا "انها تورقت من هذا الاصل القدیم" فرموده اند اینست که حضرت عبدالبهاء غصن اعظم وحضرت ورقه علیا در مقامی ورقه عظمی هستند.

این خانم اهل بهاهمچنانکه در غیاب حضرت عبدالبهاء بشهادت مبارك قوله الاحلی "اخ بزرگوارش را در حین غیاب در آفاق غربیه نعم الوکیل بود ونائب ونماینده ئی بی مثیل و عدیل" کرةً اخری درغیاب همایون غصن ممتاز بهاآن مولای

هو الله

بندگان جمال ابهی و یاران عزیز حضرت عبدالبهاء هرچند قلوب اهل بها از این
مصیبت عظمی در اشد احتراق و حنین و انین یاران کوشزد ملأ اعلی و طلعات
قدس در جنت ابهی ولکن چون یوم یوم خدمت و هنگام هنگام نشر نفحات
باید احبای الهی چون شعلهٔ نورانی بکمال همت قیام بر خدمت امرالله نمایند
و گوی سبقت از یکدیگر بربایند و چون شهاب ثاقب طارد هر ناقض ناشی
گردند تا در لوح محفوظ الهی در زمرهٔ الذین وفوا بعهدالله و میثاقه ثبت گردند
حضرت ولی امرالله و غصن ممتاز و سرور اهل بها شوقی افندی را این مصیبت
کبری و فاجعهٔ عظمی و احزان بی پایان و شدت تأثر سبب شد که چند
روزی هجرت و سفری اختیار نمایند و کسب صحت و راحتی فرموده
مراجعت بساحت قدس نمایند و بخدمت امرالله و وظائف خویش
قیام فرمایند و در غیاب ایشان بموجب دستخطشان که لفاً ارسال میشود
این مسجونه را معین فرمودند که بمشورت عائلهٔ مقدسه امورات امریه
قرار و انجام پذیرد لذا اینفانیه موقتاً مجلسی ترتیب داده که بصوابدید
نفوس معینه که حضرت شوقی افندی تسمیه نموده اند مجری گردد و امیدوارم
در مدت غیاب ایشان دوستان الهی و اماء رحمانی کمال جهد در ترقیات
امرالله بنمایند و امرالله انتشار سریعی بنماید انه بعباده رؤف رحیم

(بهائیه) ماه شعبان ۱۳۴۰

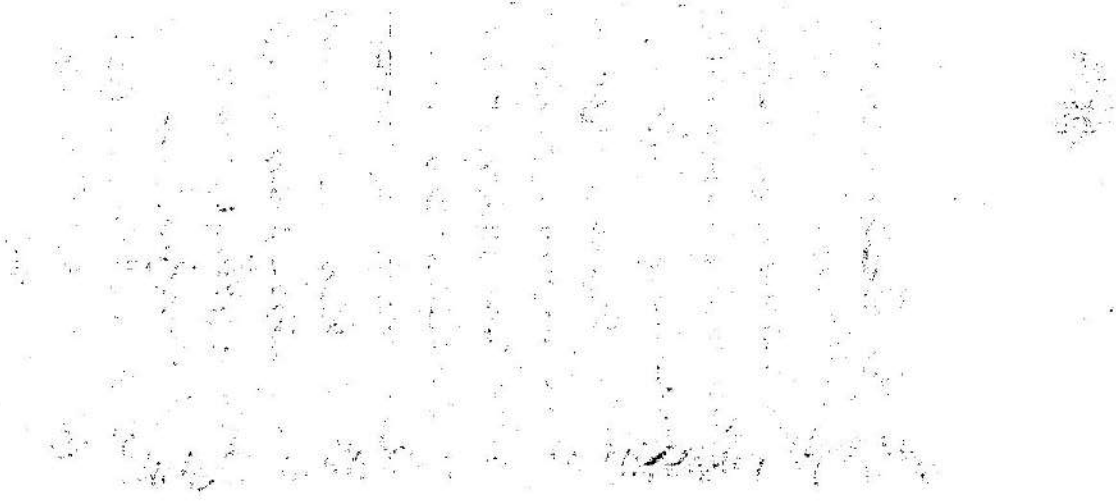

بیهمتا رامعین وظهیرگشت وباشرکلك درر بار احبای عزیز الهی رابماء معین هدایت و رأفت کبری مستمراً ومتمادیاً سقایه فرموده مستعد بندگی وعبودیت و وفای برعهد وپیمان آن دلبرآفاق میفرمود .

اولین توقیع آن ورقهٔ مبارکه عظمی باعزازمحفل مقدس روحانی طهران حاوی این بیانات دریات است . قولها الاحلی :

" حضرت ولی امرالله وغصن ممتاز و سرور اهل بهاء شوقی افندی را این مصیبت کبری وفاجعهٔ عظمی واحزان بی پایان وشدت تاءثر سبب شد که چند روزی هجرت و سفری اختیار نمایند وکسب صحت وراحتی فرموده مراجعت بساحت قدس نمایند وبخدمت امرالله ووظائف خویش قیام فرمایند ودرغیاب ایشان بموجب دستخطشان که لفاً ارسال میشود این مسجونه رامعین فرمودند که بمشورت عائله مقدسه امورات امریه قرار وانجام پذیرد لذا این فانیه موقتاً مجلسی ترتیب داده که بصوابدید نفوس معینه که حضرت شوقی افندی تسمیه نموده اند مجری گردد وامیدوارم درمدت غیاب ایشان دوستان الهی و اماء رحمانی کمال جهد درترقیات امرالله بنمایند وامرالله انتشارسریعی بنماید انّه بعباده رؤف رحیم بهائیه "

ازآن پس توقیعات مبارکه قدسیه چون امطارفیض ورحمت

مرتباً از خامهٔ ابهی ثمرهٔ سدرهٔ منتهی حضرت ورقه مقدسه مبارکه علیا براراضی قلوب وافئده نازل میگشت و روح حیات به کالبد مشتاقان میدمید وبفرموده مبارک مولای محبوب آن ورقهٔ مقدسه "بمیاه شفقت بی‌منتهایش خارستان قلوب را پر از گل وشقائق محبت محبوب ابهی کرد" و یاران عزیز را بمظمت مقام مبارک وثبات بر عهد وپیمان ممتاز الهی واقف و متوجه میساخت .

دوستان عزیز حال‌که بتقدیر حی قدیر از فیض حضور مبیّن منصوص الهی محروم وظاهراً از چنین فضل وعنایتی که لیس فوقه فضل ممنوع "لیس لنا الّا التسلیم والرضاء انّه سمیع الدعا والحاکم علی ما یشاء" بهتر آنست درمقام شناسائی آن طلعت احدیه هردم که باچشم اشکبار خاطرهٔ زیارت لقای مبارک وتلطفات وتعطفات وعنایات و نفحات جان پرور آن محبوب عالمیان وحرکات وسکنات ومشی وخرام مبارک بیاد آید و نار فراق آن طلعت احدیه شعله برجان زند وتوجه وحضور قلبی بساحت قدس منیع آن محبوب بی انباز دست دهد بالواح مقدسه وصایا وبیانات گهربارکه ازکلک اطهر میثاق دربارهٔ عظمت شأن ومقام غصن ممتاز بها نازل گشته متوسل شویم و بلسان حضرت عبد البهاء جل ثنائه که شوقی عزیزشان را

بینهایت عزیز وگرامی میداشتند به تحیت وثنا وصلوة وبهاکه درخورشاءن ومقام آن مولی الانام است برخیزیم وقسمتی از خطبهٔ اولیه الواح وصایاراکه زینت وطراز صدراین اوراق است درمقام زیارت نامهٔ مبارك ودراحیان تشرف بروضهٔ مطهرهٔ منوره آن مولای بیهمتا تلاوت نمائیم وخاطرحزین را تشفی وتسکین دهیم .

" حمداً لمن صان هیکل امره بدرع المیثاق الی قوله عز ذکره طوبی لمن استظل فی ظله الممدود علی العالمین "

" ربنا وملاذنا ازل کروبنا بهزوغ شمس وعدك الکریم و خفف همومنا بنزول ملائکة نصرك المبین وانر ابصارنا بمشاهدة آیات امرك العظیم ربنا افرغ علینا صبراً من لدنك ربنا افتح علی وجوهنا ابواب السعادة والرخاء واذقنا حلاوة الهناء وارفعنا مقاماً انت اوعدتنا به فی صحفك وکتبك " [1]

وهمچنین درمقام عرفان آن دلبراحدیه ومدح وثنای ذات اقدسش به بیانات وآثار مقدسه " بقیةالانوار وثمرة امر ربناالمختار " حضرت ورقه مقدسه مبارکه علیاکه از بدو طفولیت مولای بیهمتارادردامان محبت خود نشو ونما دادند وبشهادت مبارك " نفسی دراین دنیای دنیه کینونت مقدسه طیبه طاهره " اش رانشناخته ودراین ظهوربدیع منیع مقام

۱ــ ازمناجاتهای هیکل مبارك

مبارکشان بعد ازمقام مقدس شارع ومبشر و د و مبیّن آئین الهی اعلی المقام است مراجعه نمائیم وازدریچهٔ چشم "بقیة البهاء" ویادگار شجرهٔ طوبی" حضرت ولی امرالله مبیّن آیات جمال اقدس ابهی وحضرت اعلی رابنگریم وبستائیم

د ریکی ازالواح نازله ازقلم آن محبوبه اهل بهاکه بشهادت مبارك آثارقلمیه شان شبیه بیانات حضرت عبد البهاءاست در مقام مناجات درمدح وثنای ولی امرمحبوب الهی چنین میفرماید

"فهیهات هیهات انّ مرکز عهدك الاءوفی والقائم مقام عبودیتك فی امرك الاعلی الابهی قدکتب بارادتك و قوتّك کتاباً لا یضل ولا ینسی و قدّر فیه بتقدیرك العزیزالعلیم کلّ مایجب و یفرض لاعلاء امرك فی هذا الحیّزالادنی کتاباً فیه تفصیل کلشیئ بحیث لا یغادر صغیرة ولا کبیرة الّا احصیها واقام مقام نفسه بمشیتك غصناً فی دوحة تقدیسك خضلاً نضراً طریّاً ثابتاً نابتاً قائماً دائماً فی غیضة فردانیتك و حدیقة صمدانیتك و هو بوجهك الکریم و عونك القدیم یدعوالناس الیك والی عهدك و میثاقك القویم ویبث اوامرك وتعالیمك فی مملکتك و یهدی عبادك الی سواء طریقتك المستقیم" بسیار دقت لازم تابرشحی ازمقامات متعالیه مذکوره دراین بیانات مقدسه پی بریم که چگونه آن" یادگارشجره طوبی" حضرت عبد البهاء را

مرکز عهد اوفی وقائم بمقام عبودیت الهیه ستوده و غصن
دوحهٔ تقدیس الهی حضرت شوقی افندی ربانی جـــل
اسمه الاعلی راقائم بمقام حضرت من طاف حوله الاسماء
شناخته و وصف و بیان فرموده است .

ودرمقام دیگردربارهٔ اهمیت مقام مرکزامراین بیانات
دریات ازکلك دررباراآن " ثمرهٔ ازلیهٔ سدره منتهـی "
صادر " مرکزامر درهیکل دین الله بمنزلهٔ قلب است
درهیکل انسانی ارتباطات اعضاء وتاءسیس وحـدت
شخصیه وتغذیه و تنمیهٔ اعضاءکل باومنوط و معلّق است
مرکزامردرهیئت جامعه بمنزلهٔ شمس است درهیئـت
جامعه کواکب که بقوهٔ جاذبهٔ اوحرکات کل منظم وروابط
مرتب گردد "

ودروصف مقام غصن ممتازبهاواهمیت نزول الواح مبارکه
وصایا چنین مرقوم فرموده اند " باری آن روح قدسـی
نعمت رابراهل بهاتام وکامل فرمود وفضل واحسان را
شامل خاص وعام نمود ومبدء را درمآب باحسن طـراز
جلوه داد وخاتمهٔ مواهب والطاف راباالواح وصایا مزیّـن
داشت وتکلیف جمیع طبقات اهل بهارابانم واکمل واقوم
بیان واضح ومبرهن فرمود ومرکزامررابنص صریح قاطع مبیّن

داشت و ولی امر ومبین کتاب الله حضرت شوقی افندی راتعیین فرمود ومرجع توجه رابه غصن ممتاز منصوص نمود باب اختلاف را الی الابد مسدود فرمود وسبیل مستقیم ومنهج قویم راباُحسن واُجمل وابدع وجوه واضح ومشهود نمود . شجرهٔ شقاق راازریشه درآورد وبنیان نقض ونفاق راازاساس برانداخت مجال شبهه نگذاشت و محل شك وتردید نماند وفاتحة الالطاف رابخاتمة الاعطاف انجامداد نشکرالله ونحمده علی هذاالفضل العظیم والفوزالجلیل "

چه قدر شبیه است لحن بیان مبارك حضرت ورقهٔ مبارکه علیادرجملهٔ اخیربابیانات حضرت عبدالبهاء بافتخار یکی ازاحباجناب حسین روحی قوله الاعلی " وهذه فاتحة الالطاف واسأل الله ان یجعلك خالصاً مخلصاً مستقیماً الی خاتمة الالطاف ثابتاً علی المیثاق فانیاً فی نفسك خاضعاً خاشعاً لکل عبد آمن بالله " [1]

سپس درهمان توقیع مبارك تاءثرات قلبیه خویش را ازفراق وهجرت ولی امرالهی باین وجه مرقوم داشته اند .

١- این لوح مبارك درسنه ١٩٠١-١٩٠٠ موقعیکه جناب حسین روحی بامرمبارك حضرت عبدالبهاء بامریکاعزیمت نموده بودند بافتخار ایشان عز نزول یافته .

" حضرت ولی امرالله شوقی افندی بعد از وقوع این فاجعهٔ عظمی ونزول این رزیّه کبری از شدّت تاءثر واحزان وهموم وغموم بی پایان که برآن قلب لطیف روحانی وارد وتحمل بار گران ومسئولیت عظمی ترتیبات لازمه را مرتب فرمودند وباطراف مرقوم داشتند که آرزووآمالم چنین است که چندی تنها و فرید درمحلی خالی وخلوت ازهرقبیل وقال بنماز و نیاز و دعا وتضرع وابتهال مشغول گردم وطلب تائید وتوفیق از ملکوت ابهی نمایم وبهمین نیت وقصد حال چندیست که مسافرت فرموده اند وما را بحرمان وهجران مبتلا نمودند امید چنانست که عنقریب نتائج این مسافرت مشهود وعیان گردد و سبب سرور وحبور یاران شود وفوائد عظیمه ازسفرمبارك ایشان حاصل شود وبزودی مراجعت خواهند فرمود وایواب مراسله بأتم و اکمل وجوه مفتوح شود ومخابره مستمر گردد ."

ودرمقام دیگربافتخاریکی ازاحبای عزیزالهی : " از مضمون تحریرچنین معلوم بود که قبل ازوصول وزیارت الواح وصایای مبارکه مرکزمیثاق نوشته بودید یقین است که حال بزیارت وتلاوت آنها فائزشده اید آن کتاب فصل الخطاب است و حیات اولی الالباب تکلیف جمیع طبقات من فی البهاء بنحواکمل اتم قوم مشروحاً مبسوطاً ازبراعه فضل واحسان مرقوم

وریشهٔ شجرهٔ نقض مقطوع ومرکزنکث مخذ ول ومنکوب ومرجع مخصوص منصوص وبنیان عهد مرصوص ومرجع توجه عموم اهل بها غصن ممتاز و ولی امرالله معین ومثبوت این فضل و موهبت ازخصائص این ظهوراعظم ودورافخم است هنیئاً للثابتین بشری للرّاسخین وطوبی للفائزین " وهمچنین " خبر مسرت پرور اتحاد واتفاق وثبوت ورسوخ وتوجه احباء الله بمرکزمنصوص ومرجع مخصوص ولی امرالله ومبیّن کتاب الله وحافظ دین الله و حارس شریعة الله حضرت شوقی افندی ازاین اخبار نهایت سرور حاصل گشت "

ودرمقام دیگر" ازبشارت اتحاد واتفاق وثبوت ورسوخ و توجه آن دوستان رحمان بولی امرحضرت یزدان وغصن ممتاز رب عزیزمنان نهایت سرور و روحانیت حاصل گردید . فرع دوحتین ربانیتین وثمرهٔ شجرتین رحمانیتین حضرت شوقی افندی نظربکثرت احزان وشدت تاءثروتحسر ازصعود مرکز عهد وپیمان ملیك اکوان حضرت عبدالبهاء اروا حنالرمسه الاطهرفدا اراده فرمودند که چندی وحیداً فریداً در مرکز خلوتی بتضرع وابتهال ومناجات بساحت قدس رب الآیات البیّنات اوقات مبارك رابگذرانند " و نیز " حضرت شوقی افندی ترویجاً لکلمات الله وانتشاراً لامرالله واعلاءً لدین الله

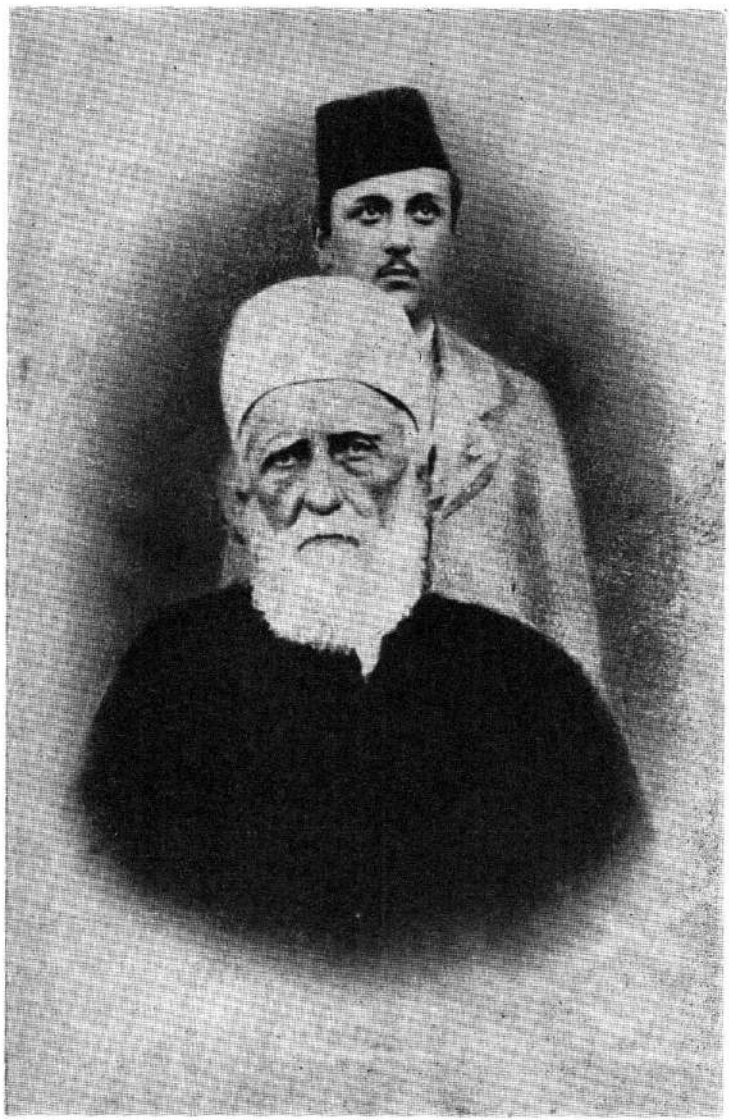

مسافرتی موقت ببعضی جهات فرموده اند وعنقریب نتایج این سفرآشکارگردد وسبب سروروحبورقلوب یاران شود وبزودی مراجعت خواهند فرمود ومخابره‌و مکاتبه مستمر و بر قرار گردد " وکذلك " کتاب مستطاب وصایای حضرت عبدالبهاء فصل الخطاب آمد واسرارمبدء درمآب آشکار شد . تجلّی فضل بی پایان هویدا وعیان گردید وعهد اقوم ومیثاق اتم بنام غصن ممتاز وولی امرالله حضرت شوقی افندی ازیراعهٔ اعظم افخم رقم شد وسّرمکنون ورمزمصون بعون وعنایت حضرت بیچون ظاهروواضح گردید . این فیض عظیم ونورمبین برابرارواخیاربارقه انواربود وبرناقضین اشرار صاعقه منتقم قهار "

وبسیاری دیگرازآثارگهربارحضرت ورقه مقدسه علیاکه چون غیث هاطل بر پیروان اسم اعظم مرتباً نازل بود ودر این مقام بهمین مقدار اکتفا رفت .

حضرت ورقه مقدسه مبارکه علیادرآن اوان یعنی قریب یکسال پس ازصعود مبارك " یك طغری عکس مبارك حضرت عبدالبهاء اروا حنالرمسه الاطهرفدا با حضرت غصن ممتاز " رادرضمن لوح مبارك بافتخار " جناب آقامیرزاعبدالحسین خان عکاس رحمانی علیه بهاءالله وثنائه " ارسال فرمودند

وبا ارسال این دو شمایل مبارک از طرفی انظار احبا را به تلطفات و تعطفات حضرت عبد البهاء امیدوار و متوجه داشتند و از طرف دیگر دیده اهل بها را بزیارت شمایل بیمثال ولی امر محبوب الهی روشن فرمودند و در حقیقت مرهمی بر زخم قلوب کئیبه احبای جمال اقدس ابهی نهاده این معنی را تفهیم و مجسم فرمودند که اگر بحکمت الهی بدر میثاق در پس پرده غیب مختفی گشت ولی یا بشری که حضرت غصن ممتاز در مقام حضرت عبد البهاء بر سریر سلطنت ربانی جلوس فرموده و رزق جمال بلا میزان و حساب بر جهانیان و جهانیان مبذول داشته " وان هذا الرزق عجاب " " تعالی ذهاب و ایاب وان هذا الحکم عجاب "

خوانندگان عزیز بیائید بار دیگر با حالت خضوع و توجه و حضور قلبی عکس مبارک حضرت عبد البهاء با حضرت غصن ممتاز را که حضرت ورقه مقدسه مبارکه علیا ارسال فرموده اند زیارت نمائیم و در عوالم قلب و روان بیاد آن دو طلعت رحمان همدم و ماءنوس گردیم و خود را در محضر انسشان مشاهده نمائیم و در رووش و رفتار و شئون و آثار قدرت و حیات آن دو مبین آیات الله تاءمل نمائیم و ملاحظه کنیم که آن دو طلعت ربانی از یکدیگر انفکاک نداشته اند .

اینك نبذه ئی ازمستخرجات فاضل ارجمند جناب دکتر فروغ بصاری علیه رضوان الله که بخط شیوای خویش برسم یادگاربرای این عبد ارسال فرموده ونسخه ئی هم با رض اقدس ومحفل مقدس روحانی ملی ایران سپرده اند نقل میگردد .

جناب دکترفروغ بروفق بیان خویش از "اوان جلوس حضرت ولی امرالله باریکهٔ ولایت عظمی" مشغول تالیف رسائلی در دفع شبهات معرضین گردید ازجمله استدلالیهٔ مختصری که صورت آنرا تقدیم ساحت قدس نمود ودرجواب باین بیان اعلی مفتخرومتباهی گشت قوله عزبیانه "یارمعنوی ازهمت وسعی وحسن اقدام آن یار پر وفا سرور و فرح بی منتهی حاصل طوبی لك بما وفقكم المحبوب علی خدمة امره وبث تعالیمه وترویج کلماته وارتفاع شانه بین العالمین الی آخربیانه الاحلی" ودرمتن توقیع منیع بخط کاتب تصریح گردیده که "آنچه نوشته اند بتائید الهی بوده وانشاءالله درتمام آن مؤید خواهند شد."

آن یار پروفا دراین جزوه (ارسالی برای این عبد) بتفصیل اشاره به نبوّات حضرت امیرعلیه السلام وحضرت زکریای نبی راجع به دوغصن برومند الهی فرموده وجزوه را با تحسّرات و

تاءثرات قلبیه خویش نسبت به صعود مبارك مولای محبوب و بیهمتای اهل بهاباجمل بسیارمؤثرکه حاکی ازصفای قلب و تعلق شدید آن مقرب درگاه کبریااست پایان داده واثر جاودان ازقبل خویش وعموم من فی البهابیادگارباقی گذارده که حاشاصعود مبارك ولی امرمحبوب الهی ناگهان نبوده

" ربنا ازل کروبنا ببزوغ شمس وعدك الکریم و خفّف هومنا بنزول ملائکة نصرك المبین "

ازجمله مستخرجات جناب دکترفروغ صفحات ذیل است :

" از جمله بشارات روح بخش مؤید برآیات مذکوره (که در ۲ ۱صفحه مرقوم داشته‌اند ونظربرعایت اختصار ازدرج آن صرفنظر شد) بیان‌مبارك حضرت امیر علی ابن ابیطالب در جفرجامعکه بشارت بولایت حضرت عبدالبهاء بنام ونشان ومدت خلافت مبارك رادر دورهٔ اولیه مدت سی‌سال [۱] تعیین وتصریح فرموده (حضرت ورقه مبارکه‌علیا درلوح مهیمن‌ومنیع جناب ملایوسف خوسفی ولایت حضرت عبدالبهاء راسی‌سال‌ذکرفرموده اند) و مدت خلافت ثانویه را چهل سال‌که مجموع اعداد آن‌که بحساب جمل (ابجد) هفتاد سال ومطابق‌باعدد عین است (ع) حرف اول نام مبارك حضرت عبدالبهاءعباس ومقام عظمت و وحدت مرکز عهد ومیثاق رادرکلمات مقدسه بسمو مرتبت یاد فرموده‌میفرمایند

" من فهم سرّالعین اطلع علی سرّاسرارالعلوم‌الجفریة والمعارف الالٰهیة " ودرمورد دیگر " الخلافة الأُولی ثلاثون سنة والخلافة الثانیة اربعون [۲] کلّها عدد حرف العین "

۱ــ دوره‌میثاق بحساب قمری ۳۰سال است

۲ــ وهمچنین اربعون مذکوربحساب قمری‌د وسه‌سال‌کمترازچهل سال‌است .

ونیز میفرماید " یصیر العباس امام الناس الخ " وعلت کسری چند سال تا بوقت صعود حضرت غصن ممتاز برای آنست که هرگاه از یك عشره دو سه سال بآخر آن مانده باشد و بیشتر از آن گذشته باشد جزء تمام عشره محسوب میشود . و در خطبهٔ رشیقهٔ دیگر حضرت علی ابن ابیطالب راجع بولایت حضرت ولی امرالله ومعانی آن حاکی از جمال صورت و جلال مبارك در این بشارت پرحلاوت تصریح شده ومیفرماید "یحکم الصبی صاحب وجه البهی ویجلس الیوسف علی سریر الیوسف ویجلس علی السریر حرف الشین" که اشاره بحرف اول اسم مبارك (شوقی) حضرت غصن ممتاز است ومقصود از یوسف اول حضرت عبد البهاء ویوسف ثانی که بر سریر یوسف اول جالس شده وحرف شین حضرت شوقی ربانی ولی امرالله وفی الحقیقه بشارتی باین صراحت دیده نشده و نبوات سایر مظاهر الهیه دربارهٔ یکدیگر غالبا مرموز و بنحو تلویح است نه تصریح . وباز حضرت امیر در یکی از خطابات بلیغه تحقق حوادث خطیره را مقارن با تاءسیس سلطنت خواجه . . . بیان فرموده (که باز برای رعایت اختصار از نقل آن صرفنظر شد .) . . .

بنده با اختلال احوال وناتوانی وحزن شدید قلبی که

تسکین نمی یابد این جزوه را با اضافه برخی از آثار مقدسه تحریر و ارسال حضور گردید تا چه قبول افتد و که در نظر آید .

مصیبت کبری بدرجه ئی عظیم که هنوز نمیتوان وقوع آنرا باور نمود چرا باید زنده بمانم و این فاجعهٔ دردناک را تحمل نمایم شبهای هجر را گذرانده یم و زنده ایم

مارا بسخت جانی خود این گمان نبود

صعود مبارک امری بود محتوم وغیرقابل تغییر و نفس مقدس حضرتش بآن قضیه موحشه آگاه بود ولی سنّت مظاهر الٰهیه آن است که رحلت خود را مستور مینمایند و ظاهر نمیفرمایند مگر به رمز و بنفوسی که طاقت حفظ آن اسرار را داشته باشند چنانکه حضرت مسیح در قرب ایام صعود بجمعی فرمود این هیکل را خراب کنید و در سه روز آنرا برپا خواهم نمود و در موردی بحواریون فرمودند میتوانم این هیکل خدا را خراب کنم و در سه روز بنا نمایم. جهال با حیرت بیکدیگر میگفتند این هیکل مدت ٤٩ سال ساخته شد تو چگونه آنرا خراب میکنی و بعد از سه روز آنرا برپا میکنی وبطوریکه در انجیل جلیل مکتوب است مقصود حضرت مسیح اشاره بخرابی هیکل عنصری و تسلیم شدن بعد از سه روز وصلب حضرت وبعد صعود بافلاک الٰهی بوده ولی این بیان پرمعنی را کهنه وعلماء رسوم که غافل از فهم و درک

معانی لطیفه آن بود ند حمل برصورت ظاهر نموده واهانت عظیم برهیکل سلیمان دانستند واین بیان مبارك را یکی از مدارك قتل آن مظلوم قرارداد ند . چه قدرشبیه ومطابق است بیان حضرت مسیح قبل ازمصلوب شدن باخواب بدیع حضرت عبدالبهاء که . . . قبل ازصعود هیکل مبارك خواب خود راباهل بیت و حرم مبارك . . . اظهاروافشا فرمود ند که جمال مبارك راخواب دیدم بمن فرمود نداین اطاق راخراب کن اهل بیت عرض کرد ند محل سکونت مبارك راتغییربد هید ولی حضرتمولی الوری تعمیربرصعود فرمود ند ومعلوم شد خراب نمود ن اطاق هیکل عنصری آن حضرت است. . . و نیزدرلوح ملاح القدس بسیاری ازحقائق وانذارات مستوراست زیارت و تاءمل وتعمق درجملات آیات عالیات لازم است. . . فانی دکترفروغ بصاری – ۳٦/۱۲/۷ (۲٦فوریه ۱۹۵۸) بابل مازندران "

کجا است ورقای ایکهٔ وفاکه باردیگرنغمهٔ دلکشی راکه در وصف یوسف اول (حضرت عبدالبهاء) سروده بود درمدح یوسف ثانی (حضرت شوقی ربانی)تکرارنماید وشکرانه اهل بهارابساحت امیرمؤمنان علیه آلاف التحیة والثناء درقبال نبوات حضرتش تقدیم دارد .

آن یوسف مصراحدیت شده پیدا ای عاشق شیدا
افسوسکه شایسته آن شاه سپاهی درعالم جان نیست
اگرچه گویاآن بلبل خوش الحان بوستان بهاء این رسالت
راپس ازشهادت خود وفرزند بیهمالش بهجوهرخلوص و وفا
امین الهی تفویض نمود تاآن محبوب القلوب احبادردوران
ولایت مطلقه مولای محبوب هرجاقد میگذارد وباهرکس
ملاقات مینمود بالبهجهٔ ملیح این ترانه راآغاز و تکرارمینمود :
" ای احبای الهی یوسف مصرالهی ببازارآمده فرصت
راازدست مدهید وبکلافی خریدار شوید " یوسفی که بنحو
اعم اطلاق بجمیع طلعات مقدسه دراین کوراعظم گردیده
وحضرت عبدالبهاء درالواح کثیره ازجمله دراین لوح مبارك
دربارهٔ خویش تائید وتصدیق فرموده اند قوله الاحلی :

هوالابهی

یامن استسقی من معین الحیات انّ قافلة الملکوت
قد ظفنت فی بیداء الجبروت فارسلت رائدها یبتغی ماء
فی فیاهب الآبار فادنی دلوه وقال یابشری هذا غلام
المیثاق قد القوه الأخوة فی جبّ البهتان وشروه بثمن بخس
دراهم معدودة فویل لهم بما یکسبون والبهاء علیك وعلی من
اشتری هذا الغلام من هؤلاء الاخوان ع ع

برسر اصل مطلب رویم

درغیاب مبارك آثارقدرت و نفوذ ولی عزیزامرالهی وعبودیت وتعلق دوستان رحمانی بآن مرکزمنصوص و مرجع توجه اهل بهاد رنزد جمیع و اولیای امورثابت گشت و ناقضان اهریمنان که بعد ازصعود مبارك به فتنه و فساد عظیم برخاسته کلید روضهٔ مطهره مقدسه جمال اقدس ابهی را ازپاسبان آن عتبهٔ مقدسه آیت انقطاع استاد ابوالقاسم خراسانی علیه بهاءالله و رحمته والطافه غصب نمودند و بفرمودهٔ مبارك بکمال تشدّد آن خادم امین راازباغچه روضهٔ مبارکه طرد کردند ازفساد وفتن خود طرفی نبستند وجز خسران ووبال ثمری عاید ننمودند وهمانطورکه هیکل اطهر بآن خادم صادق باوفا بیان امید واطمینان فرمودند که عنقریب کلید روضهٔ مقدسه مبارکه رابدست خود تسلیم خواهند نمود مصداق بیان و وعد مبارك نمایان گشت و حضرت ورقه مقدسه مبارکه علیاد رقرب ایام مراجعت مبارك این مژده راباهل بهابشارت دادند قولهاالاحلی" راجع به کلید روضهٔ مبارکه مطهره . . . امید است که عنقریب نتایج اهتمام مخلصین ومقربین دراین خصوص باهروآشکارگردد ازقرارمعلوم ومفهوم حکومت محلیه حاضرومستعد آنست

که چون انشاءالله درهمین مدت قلیل حضرت غصن ممتاز و ولی امرالله مراجعت ببقعه مبارکه فرمایند کلید را حضورشان تسلیم نماید والبته بشارت این مسئله مهمه رابیاران اخبار خواهیم داد" و چنانچه مسبوقیم ولاة امور در نتیجهٔ وصول تلغرافات پی درپی ازمراکزمتعدده درشرق وغرب عالم بهائی که باکمال تعجب بساحت قدس معروض داشته بودند ماا سماء این مراکزراهم نشنیده بودیم برحقانیت بهائیان معترف گشته کلید را تسلیم باغبان روضهٔ مبارکه نمودند و مولای قدیروتوانا بشدید القوی قدرت وهیمنه ونفوذوعظمت خود راظاهرفرمودند .

جناب بشروئی دراین باب چنین نگاشته اند :

" و درازاء این دسائس وتعدیات احبای ثابتین درجمیع اقطاروا قالیم جانانه قیام نموده تلگرافات و عرائض ازجمیع جهات چون غیث هاطل برد وائرمند وب سامی درقدس شریف ارسال داشته وتبری واشمئزازخود رااز این عمل منکر اعلان نمودند وبرملاءعام صلازدند که برحسب نصوص قاطعه حضرت عبدالبهاء حضرت شوقی افندی مرکز توجه اهل بهاء میباشند ومجموع این عرائض وتلگرافات در دارالحکومه قدس دوائرحاکم درحیفاملفات جسیم تشکیل نمود درآخرالامر

حکومت بسه زبان رسمی یعنی انگلیسی و عربی و عبرانی اعلان نمود " بنابرآراء مجتمعه جامعه عالم بهائی حضرت شوقی افندی ربانی برحسب وصیت حضرت عباس افندی ولی امرالله هستند ." وبراین اساس کلیدهای مقام حضرت بهاءالله دربهجی بنماینده ایشان تسلیم گردید وتنفیذ این قرار بواسطه حاکم عکا در محضر وکیل قونسول ایران مجری شد واین اعلان درماه جون ۱۹۲۳ اعلام شد." وخاطرات خود را باین نحو ادامه میدهند :

" خلاصه حضرت شوقی افندی درپنجم ماه آوریل ۱۹۲۲ ازحیفا مسافرت فرمودند ودرمدت غیاب نه نفررا نامزد فرموده تا درتحت اشراف حضرت ورقه علیا درغیاب ایشان تمشیت امور نمایند ورسماً بحکومت محلیه این هیئت را معرفی فرمودند و در ماه دیسمبر ۱۹۲۲ مراجعت فرمودند وباقوتی ملکوتی ونشاطی لاهوتی قیادت سفینهٔ امرالله را متکفل شدند وروح جدیدی درجامعهٔ عالم بهائی دمیدند "

دیگرعجب نیست ملاحظه نمائیم آیت انقطاع استاد ابوالقاسم خادم صادق آستان مبارك که تاآن درجه مورد عنایت بود عکس نازنینش دربالای پله‌های قصرجمال قدم جل جلاله قرب ضریح مطهر بدست مبارك مولای محبوب نصب

گردیده وگوئی باهمان تبسم ملکوتی که درحین تسلیم گرفتن کلید های روضه مبارکه بروفق وعد مبارك برلب داشت زائرین را ازجمیع طوائف واقوام وملل وادیان الی ممرالدهور والاعصار در ورود بقصر رب الجنود که رمزی ازسلطنت الهیه جمال قدم است ترحیب وخوش آمد میگوید " رب زدنی فیك تحیراً " .

دیگرلیل فراق بسرآمد و محبوب بیهمتای اهل بهاء از سفراول هجرت مبارك بارض اقدس ورود فرمودند چشم مشتاقان بزیارت این تلگراف منیع مبارك روشن شد :

۱۵ دسامبر۱۹۲۲ " طهران توسط دواچی احبای ایران رجای قلبی چنانست که رجوعم بمیدان خدمتگزاری باعث نزول تائید جدید رب الجنود برای یاران دلیر آن اقلیم گردد . شوقی "

حضرت ورقه مقدسه مبارکه علیا بشارت ورود مبارك رادر توقیعی بافتخار جناب امین علیه بهاء الله وثنائه چنین مرقوم فرمودند :

" مکتوب مفصل ... یك یوم قبل ازورود قدوم مسعود ولی امرالله غصن ممتاز ازسفر مهاجرت ببقعهٔ مبارکه واصل برمطالب مسطورهٔ درآن اطلاع حاصل گشت ومزید سرور حبورقلب این فانیه گردید . الحمدلله بعد ازانتظاریهابسلامتی

مراجعت بدین مقرنورا ، نمودند ساحت منزل ومحفل رامنور ساختند ولدی الورود تلغرافات متعدده باکثرمحافل بلدان شرق وغرب فرمودند . سرورقلوب یاران رحمن خواستند جواب نیز روزگذشته ازطهران رسید کذلك ازسائرجهات ودلیل برانشراح صدورد وستان بود نه ماه این سفر مهاجرتشان امتداد یافت ازیوم ورود بتحریرمکتوب مفصل و خطاب بدیع مبسوطی عمومی مشغولند وبتلافی مافات بیاد یاران واماءالرحمن مانوس وماءلوف ویك نسخه ازآن باثر قلم انورشان صادرگشته باپست هوائی امروزارسال طهران میفرمایند زیارت خواهید فرمود . آنجناب و همهٔ احباب ازصدور فصل الخطاب انشاءالله مسروروومحظوظ گشته بوله وانجذاب جدید آیند کمرخدمت رابسته سمند همت رادرمیدان تبلیغ بحرکت آرند . بنشرنفحات قدس رحمانی مشغول شوند . . . تحیت مشتاقانه مهجوره رابجمیع احباواماءالرحمن آنسامان ابلاغ نمائید وبکل ذکرنمائید کمترحتی الامکان عرائض بحضور ولی امرالله معروض دارند وملاحظه داشته باشند . این مطلب رااهمیت دهند سروروانشاط وراحت فکرمبارکشان را همه طالب وآمل باید باشیم تامصداق بیانات نازله درالواح وصایای مبارکه بظهورسد واثمارجنیه لطیفه ازاین سدره مقدسه ظاهرو آشکارگردد وعلیك البهاء (فانیه بهائیه)

دیگرکاءس سرشارعنایت بدوآمد والواح منیعهٔ بدیعه چون امطاررحمت پروردگاربا عزازعموم یاران درجمیع اقالیم وبلدان ومدن وقری اراضی قلوب راسقایه نمود قلوب طافح ازشکرانه ومسرت شد "ابرارجام باقی ازکف ساقی خلد" نوشیدند و "قلب مردگان" چون صبح صادق زنده ومنیر و روشن گردید.

اینك خوفاً للتطویل برسبیل مثال مخاطبین یکی ازآن الواح مقدسه رامینگارد وبراین وتیره وحال الواح لاتعد و لاتحصی باعزازجمیع مراکز امریه داخل وخارج ایران ازقلم عزآن مولی الانام صادرگشت قوله الاحلی" بواسطه اعضای محترمه محفل روحانی شیراز احبای الهی واماءالرحمن در مدینه مبارکه شیراز وآباده وزرقان وسروستان ونیریزوجهرم وداراب وفسا وارسنجان واسفندآباد وبوشهروبندرعباس وسایرنقاط مجاوره روحی لهم الفدا ملاحظه نمایند "وکذلك باعزازجمیع نقاط امریه باذکراسامی هریك درقسمتهای مربوطه اصفهان وقزوین وآذربایجان وهمدان وصفحات منوره مازندران ویزد وکرمان وسنگسروکاشان وقم وسلطان آبادعراق و خراسان وکرمانشاه وگیلان وهم براین منوال بافتخاراحبای عزیزالهی واماءالرحمن درشرق وغرب عالم بهائی. مختصر

آنکه هریك ازاین بینوایان بنحوی ملحوظ لحظات عنایت آن مولای رئوف مهربان گشته ومخاطب آن توقیعات مقدسه منیعه بوده وهستیم.

باری این الطاف وعنایات همچنان مستمربود وساقی احدیه ساغرمعانی برایگان مبذول میفرمود تاآنکه بار دیگر بمصداق کریمه شریفه " أحسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون [1] " طوفان امتحان وافتتان احاطه نمود و هیکل اطهرچند ماه مرةً اخری هجرت اختیارفرمودند کیفیت این حال ونصائح مشفقانه حضرت ورقه مقدسه مبارکه علیا مع پیام مبارك درخطاب عمومی مبارکشان که درعداد آخرین توقیعات آن خانم اهل بهااست واثری تاریخی وابدی باین وجه منعکس میباشد : قولها الاحلی

" معلوم است که هنگام افول شمس میثاق ونیّرعهد محبوب آفاق ارواحنالرمسه الاطهرفداحضرت غصن ممتازدرخارج بقعهٔ نوراء تشریف داشتند وچون خبروحشت اثرمصیبت کبری بسمع انورشان رسید بقسمی متاءثرومتاءلم ومحزون گشتند که از وصف خارج است باتکسّرمزاج وقلبی پرحسرت وارد بقعهٔ مبارکه شدند درآنوقت اهل فتورنیزدرنهایت طغیان وشرور بنشرمفتریات سرًّا وجهارًا مشغول بودند . این حرکات نیز

۱ــ سوره عنکبوت قرآن

مزید تاءثّرات وجود مبارکشان شد لهذا مهاجرت فرمودند
واوقاتی چند بالاءنفراد درتمشیت امورامریه وترتیب مصالح و
موٴسسات روحانیه وتضرع ودعاومناجات بدرگاه عز صمدانیه
گذراندند وبحمدالله ازالطاف الٰهیه درمدت مهاجـــرت
مبارکشان بقسمی آثارثبوت ورسوخ واستقامت ویگانگی واتحاد
ومحبت وشوروانجذاب والفت ازیاران واماءالرحمن درشرق
وغرب وارض اقدس نوراءعموماً ظاهروباهرشدکه ازیك طرف
مرکزنقض وفتوروبد خواهان مغروررا ازرخنهٴ درامرالله مأیوس
ومخذول ومقهورنمود وازطرف دیگرمراتب مذکوره وصفات ممدوحهٴ
احبا سبب تسلی خاطرنورانی ایشان گردید پس باصحت تام
وسرورکامل مراجعت ببقعهٴ نوراءفرمودند وبانجام وظائـف
مقدسه خویش پرداختند . . . درآن اثناکه ورودعرایض مستمر
دریکی دوعریضه مضامین مدلّ براین بودکه دربین بعضی از
یاران اغبراری حاصل وکدورتی موجود وهمچنین برخی چنانکه
باید وشاید احترام وتمکین تام ازمحفل مقدس روحانی خویش
نمی نمایند معلوم است که اینگونه اخبار بالصراحه ویاباشاره
چه تاءثیری درقلب مبارك حضرت ولی امرالله وارد وچـــــه
انعکاس ناموافقی افکند لهذا کرةً اخری انحراف مزاج برای وجود
مبارك رخ داد پس بااصراروالحاح فانیه والتماس وابرام اهل

حرم ورجا وتمنای طائفین حول در تابستان گذشته مسافرتی فرمودند وبسیار مفید واقع شد وصحت وعافیت کامل حاصل گشت واز اثر بشارات روحانیه که از اطراف واکناف از محافل مقدس روحانی وسایر مجامع وانجمنها حتی از افراد احبا پی در پی میرسید چنان خاطر نورانی مسرور وقلب ربانی مشعوف که پس ازمراجعت ازسفر تابستانی ازشدت حب و تعلق بیاران رحمانی حتی با افراد یاران بمخابره پرداختند ودر محافل و اجتماعات دائماً تمجید وستایش واظهار رضایت ازعموم هندگان آستان جمال مبارک ویاران باوفای عزیز عبدالبهاء میفرمودند ولی متاءسفانه باز در بعضی عرایض استشمام عدم روح وریحان در بین بعضی از دوستان فرمودند وعدم احترام برخی نسبت بمحافل روحانی تا اینکه در این اوقات از این قضیه نیز مجدداً قلب مبارک محزون ومتاءثر مصمم برمهاجرت شدند . این فانیه واهل حرم وعموم ورقات مبارکه بقدر امکان محض ازاله ودفع تاءثرات ازفواءد لطیف مبارک درحضور انورشان عنوان بشارات روحانیه امریه که از اطراف متتابعاً بفضل الله وارد وهمچنین ثبوت ورسوخ واستقامت ومحبت وجانفشانی عموم احبا را در شرق وغرب عالم معروض واظهار داشتیم والتماس برتغییر این تصمیم نمودیم مقبول نیفتاد فرمودند

" قلب من حساس است همان نحوی که کدورت بعضی را از یکدیگر احساس میکنم وصدمه میخورم همانطور صفات وخصائل ممدوحهٔ احبارا نیز تقدیر مینمایم بل بحدی عزیز میشمرم که در صورت الفاظ نگنجد . بعد از مصیبت کبری یگانه تسلی قلب من همانا استقامت و وفا ومحبت احبا بجمال مبارك و حضرت عبدالبهاء بوده قدر ومنزلت این صفات حسنه بجای خود محفوظ ونهایت امتنان وتشکررا ازکافهٔ احباءالله و اماءالرحمن دراین موضوع دارم ولی این شوروعشق ومحبت به تنهائی سفینه امررا بساحل مقصود نرساند ومدعای اهل بهارا براهل عالم ثابت نکند احبا باید برای حفظ وصیانت وازدیاد عزت دین الله بوسائط فعّاله تشبث نمایند وآن این است که ازشدت محبت پرستش یکدیگر کنند وکدورت ازهمدیگررا بقلب خود راه ندهند اگرفی المثل بیگانگان ازیاران سئوال کنند که امتیاز شما از سایرین چیست اگرجواب گویند که درسبیل عشق ومحبت بمرکز امرجان ومال فداوایثارنمائیم عالم متمدن باین جواب اکتفا ننماید وخواهد گفت که محبت وفداکاری شما ازبرای شخص واحد امراض مزمنهٔ عالم اجتماعی راامروزدرمان ننماید وعلاج نکند اگرگویند که دین وآئین مادارای تعالیم ومبادی است که دانایان روزگارانکارآن نتوانند جواب شنوند که مبادی وتعالیم

عالیه وقتی سرایت در خلق امکان نماید و امراض قتاله هیئت اجتماعیه هنگامی شفا یابد که مدعیان وپیروان آن خود اول بآن عامل شوند وقدر وقیمت وفوائد آنرا در حیات و معاملات یومیهٔ خود بکار برند ومجسم نمایند اگرچنین نباشد و چنین نشود ما به الامتیازی نماند وفرمودند که انظار اهل عالم امروزه در نهایت دقت مراقب ومتوجه بیاران است باید نهایت مواظبت را بنمایند ودر رفع ودفع هرکدورتی بکوشند ومتابعت محافل روحانی خویش را واجب شمرند وهمان قسمی که انعکاس کدورت بعضی ازیاران باهمدیگر بر قلبم افتاده صفا و محبت والفت ووفاقشان بایکدیگر وتمکینشان ازمحافل روحانی برفؤادم منعکس خواهد شد وهروقت چنین انعکاس وجلوه ئی احساس نمودم فوراً مراجعت بارض اقدس نموده وبوظائف مقدسه خویش میپردازم . این پیام مرا بعموم احبا ابلاغ دارید " وپس ازاین بیانات مؤثره دوهفته است که ازارض اقدس حرکت فرموده اند . حال ای یاران عزیز عبدالبهاء وصایای مبارک حضرت عبدالبهاء راکه میفرمایند ازحضرت شوقی افندی مواظبت نمائید تاغبارکدورتی برخاطر نورانیش ننشیند وشجر روحانیتش بارورشود باید این بیان مبارک راهمواره بخاطرآریم وآناً فآناً برتذکرومحبت والفت

ومودت وشهامت وکرامت بیفزائیم وخواهش ورجای این فانیه للـه آن است که یاران همتی نمایان فرمایند وچنان با نوار محبت ا بدرخشند که پرتوش جهانرا روشن ومنور سازد وقلب مبـــارك حضرت غصن ممتاز از اثرات آن محبت باهتزاز آید وبزودی انشاءالله مراجعت فرمایند وقبل از آنکه این فانیه چشم از این عالم بربندد فراق خاتمه یابد وباقلبی مسرور با یاران الهی وداع نمایم سرور ایام معدوده این فانیه وحضرت حرم مبارك منوط ومعلق بهمت آن یاران عزیز عبدالبهاست وعلیکم البهاء الابهی فانیه بهائیه ۲۱ شعبان ۱۳٤۲ (۲۸ مارس ۱۹۲٤)

این بود تعلقات قلبیه سلیلة البهاء وشقیقه حضرت عبدالبهاء نسبت بمولای محبوب وبیهمتا که اکنون ازبین ما مفارقـــت فرموده اند وصعود مبارکشان زلزله برارکان وجود انداخته وعلائم سرور را از صفحه روزگار محوکرده واز عیون خون جاری نموده است و متعاقب آن آن ورقه مقدسه نوراء فوتوغراف الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء را از روی اصل که بخط واثر قلم حضرت مولی الوری است برای زیارت یاران ارسال نمودند.

حقیقةً چقدر این بیانات متعالیه ونصائح مشفقانه وعنایات وتوقعات مولای محبوب وبیهمتا وتاءکیدات مبارك در ثبوت ورسوخ برعهد ومیثاق الهی وصراط دقیق مستقیم مرالله واطاعت محافل

روحانیه ومحافظه وحدت اهل بهاکه درآن ایام بوسیله بقیة البهاحضرت ورقه مبارکه علیا باعزاز احبای الهی شرف صدوریافته مناسب این ایام پس ازرجعه کبری صعود آن مولای شفوق وحنون بملکوت ابهی است ودرسراسرکورمقدس بهائی باید همواره نصب العین این بندگان بینوا وعاشقان دلداده آن طلعت نورا باشد تادرپرتو اطاعت و تنفیذ وتمسك باین نصائح ووصایای مبارکه وقیام بفرائض عبودیت و محویت صرفه بحته قابل بندگی آن آستان مقدس دراین حیز ادنی وفوز به لقای مبارکش درعالم بالا گردیم " رب حقق آمالنا بفضلك و جودك " [1]

باری ایام هجران بسرآمد وحضرت ولی عزیز امرالله مجدداً بارض اقدس ورود فرمودند .

این بشارت بنحوذیل درشماره ۱۵ اخبارامری ایران مورخه ۶ شهرالقول سنه ۸۰/ ۸ (۲۸ نوامبر ۱۹۲۳) درج وقلوب افسرده یاران رامستبشر وطافح ازشکرانه وسرور نمود :

۱ــ " جان بخش ترین بشارت ملکوتی که دراین چند روزه قلوب پژمرده بندگان استان مقدس راخرمی وشادی وروشنی عطا فرمود تلگراف ورود مبارك بارض اقدس بود که بصرف فضل و عنایت درتاریخ پنجم ربیع الثانی ۱۳۴۲ (۱۵ نوامبر ۱۹۲۳)

۱ ازمناجاتهای مبارك مولای محبوب

بمضمون ذیل مخابره‌فرموده اند .

" دواچی طهران دارارض مقدس باکمال اشتیاق منتظر بشارات مسرت انگیزایران هستم شوقی "

فی‌الحقیقه حزن وحرقتی‌برای‌عاشقان جمال اقدس ابهی شدیدتر ازفرقت یگانه دلبرملکوتی ویکتا منجی عالم انسانی حضرت ولی امرالله ارواحنالتراب اقدامه الفدا نیست وحال‌الحمدلله بفضل‌واحسان دورهٔ هجران بسر آمد و سلطان وجود برعرش‌عظمت و جلال مستوی وپژمردگی وافسردگی سپری گردید . این محفل‌نیزازطرف عموم احبای ایران مراتب مسرت ومندگی‌تقدیم ورجای‌تائید وتوفیق ازبرای کل‌ازآستان مقدس نمود .

۲ــ دیشب که لیلهٔ ششم قوس وهنگام صعود مولای عظیم ورب کریم حضرت عبدالبهاء ارواحنالرمسه الاطهرفدا بود در طهران محافل عدیده باحضوریاران الهی منعقد وتابصباح بادلهای‌سوزان‌وگدازان‌بکمال عجز وتضرع بملکوت مقدسش متوجه‌ومتحداً متفقاً رجای تائید وتوفیق وعون‌وصون جمال قدم جل‌ذکره الاعظم نمودند بااینکه قلبهاازآتش‌غم واندوه میگداخت معهذا یك رنه ملکوتی وسروش‌غیبی جمیع احبای الهی رادرآن دل شب تسلی وتسکین کامل عطا فرمود

وآن نغمه روحانی تلگراف مبارک دیگربود که عصرپنجم قوس ازارض اقدس بمضمون ذیل بطهران مخابره گردید .

(دواچی طهران امیدآنکه تاریك ترین ساعات این لیله جانسوزمبشرطلوع یوم جدید برای ایران محسوب گردد شوقی) "

ازآن پس نیزاوراق اخبارونشریات درسراسرعالم بهائی مرآت مجلای فتوحات وانتصارات محیرالعقول امرمبارك در ظل لوای همایون غصن ممتاز بها بود .

ازوقایع مسرّه حیات مبارك اقتران مولای محبوب بـــا ایادی عزیزامرالله حرممبارك امة البهاروحیه خانم صبیـــه عزیزایادی امرالله مسترماکسول ومسسزماکسول بود که در ۲۵ مارس ۱۹۳۷ واقع گردید وتلغرافی باین مضمون این بشارت کبری بامضای والدهٔ مبارك ضیائیه خانم بعالم بهائی مخابره گردید .

" بشارت عظمی عقد اقتران حضرت ولی امرالله رابیاران ابلاغ نمائید اکلیل جلیل راامة البهاروحیه خانم صبیـــه دو خادم جانفشان آستان مقدس مستروسسزمکسول حائـــز ضیائیـــه "

ذکرفتوحات وانتصارات محیّرالعقول ایام مبارک حقیقةً خارج ازوصف وبیان است مختصرآنکه اوقات مبارک درسبیل خدمت عتبه مقدسه جمال قدم جل‌جلاله درنهایت مظلومیت وغرق دردریای مشاغل وغوائل گذشت وهردم آن طلعت نوراء محاط به انواع شدائد ومصائب وهجوم اعدای داخل وخارج بودند ودراین حیّزادنی دمی نیاسودند تاآنکه در صبح پنجشنبه ۷ ژوئن ۱۹۵۷ ازبیت مبارک عزیمت فرموده ومتعاقب آن درآن سفرصعود مبارک درانگلستان واقع شد و زلزله بارکان وجود انداخت یکی دوروزقبل ازحرکت مبارک بنابه تقریرجناب دکترلطف الله حکیم هیکل اطهر گلستان جاوید حیفارا بقدوم مبارک مزین فرموده مباشرت بساختمان دومرقد والد ووالده خویش ونصب سنگهای مرمری که ازایطالیا طلبیده بودند وبرروی هریك با حروف مقطعه ضیاء وهادی و سنه صعودشان بانقرآیه مبارکه " یاایتهاالنفس المطمئنة ارجعی الی ربك راضیةً مرضیة " نقش شده بود فرمودند

دوستان عزیز حضرت غصن ممتاز ولی محبوب امرالهی چنانچه ازپیش گذشت درایام صباوت بارگران ولایت مطلقه الهیه بنام نامی مبارکشان رقم شد وثقل فادح شریعة الله در عنفوان جوانی بالفعل بردوش مبارك قرارگرفت . این بارگران راکه آسمان بارامانت نتوانست کشید آنمولای بیهمتا فرداً وحیداً درسراسرحیات بافداکردن ذات مقدس درهردقیقه و آن درنهایت مظلومیت تحمل فرمودند وباشوق تام مصداق مناجات مبارك حضرت عبدالبهارادرتسمیه نام مبارك که " وسمّه شوقی لیشتاق الی ملکوتك ویطوق الی عوالم غیبك " دراین حیّز ادنی وملکوت ابهی وعوالم غیب ظاهروعیان ساختند چقدرشبیه است مناجات حضرت مولی الوری باتمنیات قلبیه ولی امرمحبوب که فرمودند " آرزوئی جزخدمت امرش نداشته و نخواهم داشت. . . وبرترویج وتبلیغ درشرق وغرب عالم الی حین العمات خواهیم کوشید تاعاقبت درملکوت ابهی باجروثواب عظیم نائل گردیم وبنعمت فوزبلقایش فائز شویم [1] " کجاست دیده بصیرت که مشاهده نمائیم آن مولای محبوب دراین حیّز ادنی نام ونشانی نخواستند وهرآن با " شوقی " تمام اشتیاق بملکوت الهی وعوالم غیب ربانی داشتند تارسالت خویش راانجام داده رشد جامعه راظاهروصیت جان افزای امرالله راد ربسیط

۱ــ ازالواح مبارك حضرت ولی امرالله.

غبرا مرتفع ورنّه ملکوتیش را بلند ونظم بدیع جهان آرای
حضرت بهاءالله را بصورت احسن التّقویم در مرحله جنینی
تکوین ومراحل باقیه وتکلیف اهل بها را معین فرموده
حارسانی برای حفظ وصیانت نظم بدیع الهی تعیین وبعوالم
غیب پرواز فرمایند .

اساس عقائد اهل بهاء

اکنون در این مقام نهذه ئی از توقیع مبارک بنام " دور بهائی " که از مهمترین آثار مولای محبوب است در بیان اساس عقائد اهل بهاء درج میشود .

اهمیت این رساله مبارکه بدرجه ایست که مولای بیهمتا به بعضی از زائرین از جمله این عبد فرمودند که این رساله در حقیقت وصیّت مبارک است . وبیان مبارک باین عبد شرمسار آن بود که فرمودند : " من رساله ئی نوشته ام باسم دیس پنسیشن آف بهاءالله Dispensation of Baha'u'llah یک نسخه از آنرا بشما میدهم واین در حقیقت وصیت من است که در آتیه اختلافی حاصل نشود " . در این صحیفهٔ نورا هیکل مبارک اساس عقائد اهل بهاء را از روی الواح مبارکه وصایا وسایر الواح حضرت عبد البهاء که غالباً ازبرای زائرین از بر تلاوت میفرمودند نقل نموده وتفاوت مراتب و مقامات را نسبت بعرفان دو مظهر ظهور ومبیّن آیات الله تبیین و با بیانات مؤکده تصریح فرموده اند قوله الاحلی "

" لازم میدانم برای ایفای وظائف ومسئولیتهائی که بعنوان ولی امر حضرت بهاءالله برعهده دارم حقائقی را تصریح و

تاءکید نمایم که اساس امرپرآن استواراست واول وظیفه و تکلیف ما حفظ و صیانت آن حقائق است " (صفحه ۷)[1]

امیدآنکه باتلاوت آن سفرکریم که بنظرقاصراین بیمقدار زیارت ومطالعهٔ عمیق آن ازبرای فرد فرد مافرض وواجب است بفراخورفهم واستعداد خویش بنکات ودقائقی که مرقوم فرموده اند پی بریموتفاوت رتبهومقامات طلعات قدسیه این امرمبارك رادقیقاً ملحوظ داریم چه که این رسالهٔ مبارکه مبدء واساس معتقدات اهل بهاومتمسکین بعروهٔ وثقی در سراسراین کوراعظم است .

[2]
درصفحه ۳۵ توقیع مبارك این بیانات مقدسه رانقل فرموده اند " و نیزدرلوحی دیگر (حضرت عبدالبهاء باُصرح بیان میفرماید " حضرت اعلی صبح حقیقت روشن وتابنده برجمیع ارجاء ومبشّر نیّراعظم ابهی وجمال مبارك موعود جمیع کتب وصحف وزبر والواح وظهورمجلّی طورد رسدرهٔ سینا وماعداکل بندهٔ آن آستانیم واحقر پاسبان "

۱- صفحه ٦ ترجمه فارسی
۲- صفحه ٤٩ ترجمه فارسی

ایضا درصفحه ٤١ : [1]

" ازمهمترین قسمتهای آخرین وصایای مبارك که دستورات ونوایای آن مولای عالمیان راالی الابد گوشزد جهانیان میکند این بیانات است که میفرماید ، اساس عقائد اهل بها روحی لهم الفدا حضرت رب اعلی مظهر وحدانیت وفردانیت الهیه و مبشر جمال قدم حضرت جمال ابهی روحی لاحبائه الثابتین فدا مظهر کلیه الهیه ومطلع حقیقت مقدسه ربانیه ومادون کل عباد له وکل بامره یعملون ، [1]

ازاین بیانات واضح ومبین که باهرقسم دعوی رسالت مباینت دارد بهیچوجه نباید این نتیجه راگرفت که حضرت عبدالبهاء فقط یکی ازبندگان جمال مبارك ویافقط مبیّن منصوص تعالیم اب بزرگوارش میباشد حاشا وکلّا که این عبد چنین فکری درسرپرواند ویادرصدد القای چنین نظری باشد . "

درصفحه ۳۹ " [2]

" حضرت عبدالبهاء درافقی خاص قائم ومرتبتش کاملاً با مؤسس ومبشر ظهور بهائی متفاوت است ولیکن براثر مقامی که حضرت بهاءالله بوسیله عهد ومیثاق بآنحضرت تفویض فرموده

۱ــ صفحه ٥٦
۲ــ صفحه ٥٣

با آن ذوات مقدس جمعاً هیاکل اصلیه ثلاثه آئینی را تشکیل میدهند که در تاریخ روحانی عالم بی سابقه است "

ودر تبیین مقام مقدس خود چنین میفرماید (صفحه ۵۸-۵۹) [1]

" ولیّ امر هرچه حائز لیاقت ومصدر امور مهمه باشد هرگز نباید بمقام فرید مرکز میثاق ترفیع داده شود ومماثل وشریك حضرت عبدالبهاء ملحوظ گردد تا چه رسد باینکه مقام مظهریت ظهور با ونسبت داده شود . . . هرچند میان حضرت عبدالبهاء ومظهر ظهور الهی فاصله باشد بافاصله میان مرکز میثاق بهاوولایت امر قابل قیاس نیست فی الحقیقه فاصله میان ولی امر ومرکز میثاق بمراتب ازید ازفاصله میان مرکز میثاق وشارع آئین الهی است . . . ومقام تفسیر وتبیین آیات وکلمات حضرت بهاءالله وحضرت عبدالبهاء که منحصراً به ولی امر عنایت شده مستلزم آن نیست که اورا در رتبه ومقام آن هیاکل مقدسه قرار دهد ولیّ امر میتواند با احراز حق تبیین بایفای وظایف ومسئولیات خویش پرداخته در عین حال ازحیث رتبه ومقام مادون آن ودونفس بزرگوار ومتفاوت باآنان باشد "

اینك به درج قسمتی ازبیانات حضرت عبدالبهاء که بفرموده مبارك دلیل دیگری برتائید این حقائق درآن سفرکریم است

۱- صفحه ۸۱-۸۲

پرداخته واین بحث رابانقل یك جمله ازتوقیعات مبارکه مولای محبوب مورخه مارچ ۱۹۳۲ پایان میدهیم .

صفحه ٤٧) [1] " مقصود ازنبوات درخصوص رب الجنود و مسیح موعود مراد جمال قدم وحضرت اعلی است نام من عبدالبهااست صفت من عبدالبهاءست حقیقت من عبدالبهااست نعت من عبدالبهاءاست رقیّت بجمال قدم اکلیل جلیل وتاج وهاج من است و خدمت بنوع انسان آئین قدیم من . . . نه اسمی دارد نه لقبی نه ذکری خواهد نه نعتی جز عبدالبهاء . این است آرزوی من این است اعظم آمال من این است حیات ابدی من این است عزت سرمدی من "

واین است آن جمله ازتوقیع منیع مبارك :

" ورجای شدید وامید وطید م ازاحبای الهی آنست که هرگونه اسم ولقبی ونام ونشانی ونعت وسمتی رابالنسبه باین عبد ذلیل آستانش ازنظرمحوسازند بلکه فراموش نمایند و جز به شوقی افندی چه کتباً وچه شفاهاً مخاطب نسازند چه کهاین نامی استکه ازلسان پرحلاوت مولای حنونم جاری میگشت و فخروفرح ومباهاتم دراین نام است وبس "

۱ــ صفحه ٦٦ فارسی

مقام مقدس ولایت

طلعت علّی اعلی در تفسیر قیوم الاسماء که اول واکبر واعظم کتب حضرت است مقام ولایت را تعبیر به امانت الهی فرموده وبذات مقدس خویش نسبت داده اند قوله الاعلی :

" وانّ اللّه قد عرض ولایتنا علی السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها واشفقن منها فحملها الانسان ذکر الله الکبیر هذا اعلّیا ولذا قد کان فی کتاب الله الحفیظ علی اسم المحیط ظلوما وفی ایدی الناس ممن لا یعرفه من حکم الکتاب علی حکم الکتاب جهولا " [1]

۱ــ در کتاب مُجلی که از کتب قدیمی اسلامی است ودر آخر قرن تاسع هجری تألیف گردیده در تفسیر آیه مبارکه " انّا عرضنا الامانة علی السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها واشفقن منها وحملها الانسان " از امانت به ولایت الهیه تعبیر گشته بقوله " والامانة. . . انّما هی ولایة الله فی ارضه و عباده وخلافة الله فی بلاده لانّ القائم بها قام مقام الله " ودر منزلت این مقام اشرف ارجمند چنین یاد شده است " قال النبی علیه السلام ظهرت الموجودات من بسم الله الرحمن الرحیم فالنبی مظهر الرحمن والولی مظهر الرحیم "

ود رتوقیع ملابا قرحرف حی که شامل آخرین وصایای مبارك است عرفان ذات مقدس خود وشمس طلعت ابهی رابه اخذ عهد ولایت یاد فرموده بقوله تعالی " سبحانك اللهم فاشهد علّی بأنّی بذلك الکتاب قد اخذت عهد ولایة من یظهرنه من کل شیئی قبل عهد ولایتی وکفی بك ولِمن آمن بآیاتك علیّ شهیدا " [1]

ازاینرو حروف حی مبارك ومؤمنین اولیه دررسائل خویش درموارد یکه اشاره به طلعت علی اعلی مینموده اند آن حضرت را بنام ولی امرستوده . اینك که آرزومندیم دروصف مقام ولایت ساعتی بیاد محبوب ساحت دل وارشك باغ جنان نمائیم بااجازه قارئین عزیزبعضی ازجمل وعبارات آن نفوس زکیه راکه دررسائل خویش باین نحود وصف حضرت رب اعلی نگاشته اند مع شمه ئی ازبیانات عرفانیه شان نقل مینمائیم .

ازجمله درمطلع ومتن رساله ئی که دربدو ظهورازرسائل حضرت باب الباب خطاب به شیخ احمد الملقب بالشکورنقل گردیده این عبارات دروصف طلعت علّی اعلی بنام ولی الهی و ولی غفورمسطوراست . :

" هذا مکتوب من ملاحسین الخراسانی البشروئی . . . الذی فتح الله عین بصیرته . . . ونوّره بنورولیّه فی اعلانه واسراره اللّهم بلّغه الی مایتمنّاه (درمطلع)

۱ــ ظهورالحق صفحه ۹ و ۲۲

فآن اوان النقرفی الناقوروحان احیان کشف المستور وقرب زمان الظهوروفی الغفور. فعلیکم بالاعتراف والاذعان لصاحب هذا الوصف العظیم وحامل اسم الله العزیزالرحیم و نور وجه الآله الکریم وباب باب الله العلّی العظیم وحجـــاب حجاب الله الازل القدیم نورمصباح المکلم لموسی الکلیم و ثمرة شجرة الخلیل ابراهیم علوی فی التقویم محمدی فی الخلق العظیم " (درمتن) [1]

ودریکی ازآثارحضرت قدوس که اشاره بمصائب مؤمنین است آن "جوهرتقدیس وسانج تنزیه" درمقام مناجات باسوزوگداز نشر احکام ولی الهی (طلعت علی اعلی) راازساحت قدس ذوالجلال چنین التماس نموده :

" اللهم یاالهی وسیدی انا ادعوك بما قد اذنت لی بـان تبارك لنا فی هذه السنة بانزال نصرك وفتح ظهورامرك و نشـر احکام ولیّك واعلاء حکمك واتقان صنعك واذهاب الخوف من احبّتك " [2]

۱ــ یگانه مجلد قدیمی خطی که درعراق عرب بدست آمده تقدیمی جناب عبدالرزاق عباس که درسنه ۱۹۵۳ ازکنفرانس کمپالا توسط ایادی امرالله جناب لری ای اواس بحضورمبارك ارسال گردیده.

۲ــ صفحه ۴۲۹ اسرارالآثاربخط جناب فاضل مازندرانی ذیل کلمه قدوس.

نقطه جذبیه طاهره مطهره دریکی ازرسائل خویش طلعت علّی اعلی رابتصریح بنام ولی امرالله ستوده وچنین مرقوم نموده است :

"ونصّی نیزازولی امرالله تعالی ذکرمولاه وصلوة الله علیه نرسیده . . . ومعیارمحبت الله وآل اطهاراوتعالی شأنه نهم محبت سرّالاسرارجناب ذکرصلوٰة الله علیه وعلی ابوابه و اولیای ایشان میباشد . . . آیانمیشنوی ندای جناب ولی امر راکه روح العالمین فداء من احبّه . . . وازجمله کلمات یکی این لفظ بودکه درحق سابقین فرموده اند جناب ولیّ امر صلی الله علیه که ولا تغفلوا وراقبوا کلمة البداء درحق ایشان بداء احتمال میرود ومیشود که حکم ایشان تغییریابد . تاآنجا که بذکرشهادات پرداخته اند" واشهدان محمداً صلّی الله علیه وآله عبده ورسوله الذی اصطفاه لولایته قبل کل شیئ . . . واشهدان علیّاً عبد بقیة الله صراط الله فی کل لوح حفیظ صلوة الله علیه وعلی ابوابه . . . واشهدانّ هذا الیوم عظیم عظیم عظیم وقد قام الناس لربّ العالمین . . . بشنوجواب خود رایارجل که . . . کلام ولی الله بابی است ظاهرش عذاب و باطنش رحمت" [1]

۱ــ نسخه خطّی جناب خشنود یان بدست آورده وتسلیم محفل مقدس ملی ایران نموده اند .

شخص شخیص وحید اکبر جناب آقا سید یحیی دارابی بخط شیوای خویش در متن عقد نامه که در موقع اقتران صبیه عزیز خود طوبی خانم مرقوم فرموده اند باذکر این بیانات مناهج ولیّ الهی راستوده وتنفیذ نموده است :

"وقد قدّر الله مهرامته تسعه عشر مثقال من ذهب خالص فعلی العبد وهومن ورق الجنة ان یعطیها وهی ورقة الجنّة وقد اوقعت العقد باذن الله تعالی واولیائه علی مناهج ولیه وحجته صاحب الزمان صلوات الله علیه وعلی آبائه وشیعته .... قل الله حق وانّ مادون الله خلق وکل له عابدون قل الله ربّ وانّ مادون الله عبد وکل له ساجدون فی شهر شعبان المعظم فی سنة السّادس من ظهور الحق " [1]

وکذلك در استدلالیه که بازبخط آن وحید عصر و فرید زمان است جناب وحید مراتب اعجاب خود را نسبت به آثار مبارکه حضرت رب اعلی بدین نحو بیان فرموده است " :

"آثار الولایة التی هی المناجات والخطب والزیارات و الادعیه ینطق ویکتب بلاتفکر ولا سکون قلم فی ستة ساعات عدة الف بیت بحیث لم یسبقه احد من اولی الافکار [2]

۱ــ عین عقد نامه بحضور مبارك تقدیم گردیده وصورت فوتوغرافی آن موجود است (ژوئن ــ ژوییه ۱۸۴۹)

۲ــ صفحه ۴۷۰ ظهور الحق

اسم الله الاصدق جناب ملا صادق خراسانی درحاشیه جواز اجتهاد خویش درسنه ۱۲٦۷ هجری مطابق (۱۸۵۰) طلعت علّی اعلی رابه ولی متعال یاد نموده وتحیات خود را بآن ساحت قدس چنین نثار کرده است :

" سلام الله علی کلمة الاکبر کما هو اهله من عبده انّه عفو شکور فهذه تحیة من المهجور الحزین المشتاق العطشان الی ماء معین الوصال لدی کعبة الامال وقبلة الاقبال حرم القدس وباب المآل بیت ولی المتعال " [1]

وکذلک سایر اصحاب که هریك دراین مقام داد سخن داده واشاره بمقام ولایت حضرت رب اعلی نموده اند که ازبرای خوف ازتطویل بهمین مقدار اکتفاگردید .

درقرآن مجید دراهمیت وعظمت مقام مقدس ولایت الّهیه این بیانات قدسیه بتلویح مسطوراست درسوره لقمان " ولقد آتینالقمان الحکمة ان اشکرلی ولوالدیك والیّ المصیر که شکرخدا اشاره بتوحید وعدل است ووالدین عبارت ازنبی و ولی والیّ المصیر مراد از معاد است.

جمال اقدس ابهی جل کبریائه درسنین اقامت درممالك عثمانیه غالباً ذکرولایت میفرمودند ازجمله دررساله مبارکه هفت

۱- صفحه ۱٤۵ ظهورالحق

وادی قوله تعالی " واین اسفارکه آنرادرعالم زمان انتهائی بدید نیست سالك منقطع رااگراعانت غیبی رسد وولی امرالله مدد فرماید این هفت رتبه رادرهفت قدم طی نماید بلکه درهفت نفس بلکه دریك نفس اذا شاء الله وارد ذلك من فضله علی مایشاء " ودرتفسیرسوره والشمس میفرماید " قل یاقوم قد فصلت النقطة الاولیة وتمت الکلمة الجامعة وظهرت ولایة الله المهیمن القیوم " که حضرت عبدالبهاء جل ثناه نیزمفاد این بیانات مبارکه رادرتفسیر حدیث کنت کنز درج فرموده اند واطلاق شمس ولایت رابجمال اقدس ابهی منسوب داشته قوله الاحلی : چنانچه دراین ایام شمس ولایت ازافق ابهی مشرق ولائح است وباین کلمات لاهوتیه ناطق قد فصلت نقطة الاولیة وقامت الف الالهیة وظهرت ولایة الله المهیمن القیوم ولکن کل ازاوغافل وبهوای خود مشغول " ایضاً درکتاب مستطاب اقدس قلم اعلی باین آیه مبارکه ناطق گشته " ایاکم ان یمنعکم ذکرالنبی عن هذا النباء العظیم او لولایة عن ولایة الله المهیمنة علی العالمین "

وکذلك پس ازصعود باب آسمانی حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی بطوریکه ازمضامین اوراق ونشریات ظاهروعیان است

ازجمله سند فوتوغرافی مصدّقی که بتصدیق امین الهی وکلیه ایادیان امرالله درآن ایام رسیده وآن وثیقه مورخ رجب ۱۳۱۷ (نوامبر ۱۸۹۹) میباشد حضرت عبدالبهاء جل ثنائه دربین بندگان جمال اقدس ابهی به ولی امر عزیز الهی یاد میشدند باینقرار:

ونیزدرکتاب اقدس ایشانرا ولّی امرقرارداده اند وکل رابعد ازغیض بحر وصال که مراد غیبت و صعود جمال قدم است امرتوجه باین مقراطهرفرموده اند . . . حضرت من اراده الله یکی است وایشانند الیوم ولّی امروتمام امربایشان راجع است وکسی رامجال دخل وتصرف نیست وچنانچه ازبرای حق جل بهائه شریك ووزیرنبوده ونیست ازبرای ولّی امرهم درتوجه و انقیاد کل بایشان شریك ووزیری قرارنفرموده اند" که ملاحظه مینمائیم این مقام مقدس مبارك وعنوان ولی امرالهی درباره حضرت من طاف حوله الاسماء درضمن چند سطردر یك صفحه چند بارتکرارشده.

دراستدلالیه دلائل العرفان دروصف حضرت مولی الوری بعنوان فرع اعظم وولّی امرالهی این عبارات مسطورومطبوع است:

صفحه ۴۷ " اللهم یاالهی وآله کل شیئی ایّدنی وعبادك علی التمسك

بعهدك وميثاقك والتوجه بفرعك الاعظم ولّى امرك الذى اختصصته لاعلاء كلمتك العلياء "

ودرصفحه ۱۰۰ و ۱۰۱ " خدايا پروردگارا كريما توئى توانا ورحيم وتوئى دانا وعظيم اين عاصى وبندگانت را تائيد فرما كه بلقايت مؤمن وفائز شويم و بآمدنت موقن گرديم وبديدن مظهرظهورت مذعن وبحبل ولايت وعبوديت ولّى امرت متمسّك وبسرّ قديمت متوجّه "

شاعرشهيرجناب نعيم دراشعاربهاريه باصيغه خويش در وصف حضرت عبدالبهاچنين داد سخن داده :

" حقى وحق جديد ركنى وركن شديد

صرحى وصرح مشيد فردى وفرد وحيد

توئى ولى حميد توئى كتاب مجيد

تويفعل مايشاء تو يحكم ما يريد

عالم نحريروشاعربزرگوارشيخ الرئيس معروف درروصف طلعت ميثاق باين كلمات ناطق گشته وحضرت مولى الورى رابعنوان ولى امرالله ستوده است "

" العهد مخصوص وولّى الامر منصوص وبنيان من اراده الله مرصوص وجناح الوهم مقصوص ويدفع الله شرالقصوص [1] "

۱ــ صفحه ۲۸۳ جلد اول شعراى قرن اول بهائى

ثمرهٔ سدرهٔ منتهی حضرت ورقه مقدسه مبارکه علیا نیز پس از صعود مبارک در توقیع مبارکشان مورخه شوال ۱۳٤۰ ( ) که در ذکر مصائب حضرت عبدالبهاء از دست ناقضین میثاق مرقوم فرموده اند حضرت مولی الوری جل ثنائه را باین مقام مقدس ستوده اند قولها الاحلی "ای کاش بهمین اکتفا میکردند که از معرفت وشناسائی واطاعت وفرمانبرداری آن هیکل انور محروم بودند ولی طبل مخالفت کوفتند . . . . . حتی نفوس خونخواری را به بذل مال ومنال برریختن دم اطهر آن ولّی ذوالجلال مبعوث نمودند .

آیا هیچ شخص منصفی تواند تصور کرد که اینان را اتصال وارتباط معنوی با جمال احدیت باشد ویا از اعضاء اجتماعیه هیئت امر محسوب شوند ."

پیشرفت امر مبارک در دوران ولایت

واما ذکر وقایع محزنه ومسرّه که در دوره ولایت مطلقه الٰهیه اتفاق افتاده وفتوحات وانتصارات باهره عظیمه ئی که نصیب امر مبارک شده است حقیقةً ازعهدهٔ تحریر خارج است زیرا وقایع بقدری متنوع وکثیر است که درج آن محتاج بتألیف مجلدات بسیار ومراجعه به آرشیوهای محافل مقدسه ملیه درسراسر عالم میباشد وآثار صنع وانتصارات مولای محبوب درطی سی وشش سال ولایت الٰهیه که هردم شاهد فتح وظفری بدیع بوده بقدری محیّرالعقول که اقلام ازوصف آن عاجز وقابل تقدیم به بارگاه قدسش نه مگرآنکه بذیل الواح وآثار مبارک متشبث گردیم ودربحر بیانات وتلگرافات واحصائیه ها واوامر وتعلیمات فردی وعمومی مبارک که شماره اش ازهزاران هزار متجاوزاست غوروتعمق نمائیم ودرحال شگفت واعجاب ازاینکه چگونه دراین حیّزادنی اینهمه مثالی وآثارکه سراسرخارق العاده است ازشخص واحدی بظهوررسیده وتکوین یافته است برشحی ازطمطام یم قدرت واحاطهٔ آن مولای بیهمتا پی بریم و بمدد راپرتهای سنوی که در ۲۱ جلد کتاب عالم بهائی منعکس است وبشرف تصویب مولای محبوب فائزشده بصدق بیان مبارک که غالباً میفرمودند امر مبارک بمنزلهٔ قطره بود حالا دریاشده بقیام

محیّرالعقول ولی امرمحبوب الهی درخدمت بعتبهٔ مقدسه جمال اقدس ابهی جل‌سلطانه واقف گردیم.

درصفحات قبل اشاره باعتراف رسمی ولاة امور بمقام مبارك درآغاز ولایت مطلقه الهیه واعادهٔ کلید ضریح مطهر جمال قدم جل کبریائه که قبلهٔ اهل‌بهاء اول واشرف وابهی بقاع مقدسه است به پاسبان روضهٔ مبارکه کماوعدنا مولانا ومحبوبنا گردیده.

ازآن پس بطوریکه دراولین توقیع منیع مبارك وعده فرمودند که "تمهیدات لازمهٔ کامله از برای انتخاب و... تاسیس بیت العدل عمومی پس ازمشورت و دقت تام ابلاغ بیاران خواهد شد" مساعی جمیله آن مولای محبوب صرف تحقق این آمال گردید ودراین سبیل حیات مبارك را فدا فرمودند تاندای جانفزای امرالله راکه درعهد رسولی به ۱۳۵ اقلیم رسیده بود به سراسر جهان رسانده ارکان دیوان عدل اعظم الهی رااستوار و باقلمی فارغ و روحی پرفتوح بملکوت راز پرواز فرمایند. چنانچه هیکل مبارك غالباً اشاره میفرمودند دراوایل دوران ولایت بعضی دارای این فکربودند که بعدازصعود حضرت عبدالبهاء بیت العدل اعظم تاسیس گردد وحتی نظرخود رابخاکپای مبارك معروض

داشتند غافل از آنکه بفرموده مبارك بنا تا ارکانش وضع نشود نمیتوان برروی آن گنبد نصب نمود . ارکان این بنا بروفق الواح مبارکه وصایا محافل ملیه بودند که اعضای آن منتخب منتخبین اند وآن نفوس باید مباشرت بانتخاب اعضای بیت العدل اعظم که منتخب منتخب منتخبین اند بنمایند تا قبه بنای دیوان عدل اعظم الهی است نصب شود .

(در ایام مبارك حضرت عبد البهاء محافل روحانی محلی در ایران و امریك موجود بود ولی طرز عمل هریك با دیگری متفاوت بود " در قارهٔ امریك اگرچه اساس محفلی مرکزی العموم نهاده شده بود که در شئون روحانیه امریه یاران امریك علی مذاکره ومشاوره مینمودند[1] " ولی محفل ملی بمفهوم واقعی خود وجود نداشت حضرت ولی امرالله جامعه بهائی را در سراسر عالم تربیت ومستعد وصول باین هدف اعلی فرمودند فرامین بهیه مبارکه در تاسیس وتقویت محافل محلیه وتشکیل لجنات امریه ولزوم اطاعت از آراء محافل روحانیه و از آن پس انعقاد مؤتمرهای بهائی برای تاسیس محافل ملیه با تعیین عدد وکلای هر اقلیم بحسب تعداد احبا برمبنای اعداد مبارك ۱۹ و ۹۵ و ۱۷۱ (نه واحد) مرتباً ومستمراً صادر میگشت .

۱ــ الواح مبارکه حضرت ولی امرالله

ازجمله برای اولین باربشارت وضع این اصول‌را در تاریخ ۱۷ فوریه۱۹۲۳ بمحفل مقدس روحانی طهران ابلاغ فرمودند :

" درباره‌ٔ تجدید انتخاب محفل روحانی عنقریب نامه ئی مفصل‌که دارای دستورالعملی ازبرای‌تجدید وکیفیت انتخاب وترتیب محافل روحانی درتمام نقاط امریه است بآن شطر ارسال‌گردد تامحفل روحانی‌طهران این‌نامه را در بین احباء الله درایران انتشار دهد "

متعاقب‌آن توقیع مبارك مورخ ۲۷ فوریه۱۹۲۳ عزوصول بخشید ودرآن توقیع منیع کیفیت واصول‌انتخاب رابیان‌فرمودند وتصریح نمودند که :

«این محافل روحانی الیوم اس‌اساس است و محور و مرکز وصایای مقدسه مبارکه تشکیل‌وترتیب این محافل درهربلده وقریه ئی وهمچنین تاءسیس محافل مرکزی دراقالیم عالم از مقدمات دراجرای وصایای حضرت عبدالبهاءاست تامحافل خصوصی ومرکزی‌مکملاً مرتباً قانوناً تشکیل نگردد ودوائر نشود تاءسیس بیت العدل اعظم که مرجع کل‌امورومبنص قاطع الهی موءسس قوانین‌واحکام غیرمنصوصه درکتاب است ممکن نه چه که‌انتخابش بنص صریح وصایای‌مقدسه باید بواسطه "

بیت عدلها ی خصوصی گردد چنانچه میفرماید (یعنی در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود وآن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نماید) "

تاآنکه در نتیجه اطاعت فرامین مبارکه وتاءکید وهدایت مستمره مولای محبوب ارکان بیت العدل اعظم الٰهی مرتباً متوالیاً استوارگردید وباشروع نقشه ملکوتی جهاد کبیرا کبرتعداد محافل روحانیه ملیه به دوازده رسید درظرف نقشه ستایندگان اسم اعظم ازشیخ وشاب درنهایت اشتعال بسرعتی محیّرالعقول درممالك ودیارمنتشر شدند وبساط نظم جهان آرای الٰهی رادربسیط غبرا مبسوط نموده بشاءنی قیام کردند که در اقل یك سنه بشهادت مبارك بفتح ۹۱ اقلیم ازاقالیم دنیا موفق ومفتخر گشتند " وبنصرت وظفری نائل گشته اند که شبه آن نه درعهود ثلاثه عصررسولی ونه درنخستین عهد عصرتکوین مشاهده گشته " [1]

ودرآخرین پیام مبارك مورخ اکتبر ۱۹۵۷ که بفرموده مبارك تنها چند ماهی باوصول جهاد جهانی روحانی ده ساله به نیمه راه خود فاصله داشت وتقریباً یکماه قبل ازصعود مبارك نازل گردیده افزایش عدد مراکزبهائی رادرقبال اجرای نقشه از/۲۵۰۰ به/۴۵۰۰ وعدد ممالك مستقله واقالیم تابعه را

۱ــ الواح مبارکه حضرت ولی امرالله

از ۱۲۸/ به ۲۵۰/ وعدد محافل روحانیه ملی وناحیه ئی را از ۱۲ به ۳٦ بیان وتعداد محافل روحانیه محلیه رابه بیش ازهزار وارتفاع علم امرالله رادرجزایر واقعه دراقیانوسها و بحار وماوراء قطب شمال احصافرموده وبپاس آن فتوحات باهره امربه انعقاد یك سلسله کنفرانسهای بین القارات که عدد شان پنج بود بمنظوراهداف خمسه که مقدمه آن تقدیم شکروسپاس بساحت قدس شارع آئین الهی است فرموده بااین بیانات مبارکه خدمات ومجهودات جامعه راستوده وتاج افتخارو عزت ابدیه برفرق مجریان نقشه ملکوتی نهادند قوله الاحلی (ترجمه) پیشرفتهای نمایانی که ازبدایت این جهاد عالمگیرروحانی درمدت قلیل کمتراز پنج سال بهمت مجریان آن حاصل گردیده است چه ازنظرکیفیت وچه ازلحاظ کمیت کلیه مجهوداتی راکه پیروان امرالهی درهرموقع ودرهریك از نقاط عالم ازحین ختام نخستین و پرآشوب ترین عهد عصر رسولی دوربهائی تاکنون مجتمعاً انجام داده اند تحت الشعاع قرارمیدهد "

وچون آهنگ جهان پنهان فرمودند درآن پیام مبارك بسا تعیین هشت نفرایادی جدید درآن مرحله تکامل تدریجی جهاد روحانی مؤسسه ایادی امررا توسعه بخشیده عدد ایادی رابه سه دفعه نُه بالغ فرمودند .

در اینجا مناسب است اشاره شود که تاسیس مؤسسه ایادی که پس از صعود مبارک حضرت ولی عزیز امرالله حافظ وحدت جامعه بهائی وروابط بین دوران ولایت وتاسیس بیت العدل اعظم الهی بوده ونظیر آن در هیچ یک ازادوار سالفه الهیه وتاریخ عالم مشاهده نشده است از بدو قیام آن طلعت ملکوتی همواره نصب العین مولای محبوب بوده وچنانچه در خاطرات تشرف اول این عبد بخاکپای مبارک مذکوراست و در این اوراق مثبوت در آن سنه (سال ۱۹۲۵) مولای محبوب فرمودند " ولی بزرگترین بشارت آنست که در الواح مبارکه وصایا ذکر ایادی امرمی فرمایند من در فکرهستم عنقریب ایادی امررا تشکیل وبشارت آنرا بجمیع نقاط عالم بدهم. ایادی امر باید باین قبیل امور برسند ومن به نقشه های مهم امری ولی نفوس ایادی امر را جمال مبارک باید مبعوث کنند هنوز مبعوث نشده اند عنقریب مبعوث خواهند شد. "

لذا هیکل اطهر در طی سنین متوالیات تا قبل از قرب صعود مبارک نفوس ایادی را پس از صعود شان بملکوت ابهی تسمیه میفرمودند.

اولین ایادی امر در عصر تکوین که باین وجه تسمیه گردید نجم دری سماء معرفة الله جناب دکتر اسلمونت مؤلف کتاب

"بهاءالله وعصر جدید" اند و مقدّم برجمیع قرون اهل بها سرورمبلغین ومبلغات میس مارثاروت مبلغه شهیره امرالله که ندای الهی رابسمع ملکه نیك اخترملکه رومانیا و بعضی اززمامداران ارض رسانند وتاپایان حیات بنشر نفحات مسکیه الهیه درشرق و غرب مفتخرومتباهی بودند. مولای محبوب پس ازصعود آن جذوه نارمحبت الله فرمودند میس مارثاروت درمراجعت ازشرق به غرب و موطن خویش در هونولولو صعود کرد اراده الهی چنین تعلق یافت که صعود شان درآنجا واقع شود زیرا میس مارثاروت مبلغهٔ بین المللی بهائی بود وهونولولو رسرراه شرق وغرب قرار دارد وباراده مبارك مرقد آن قدوه ابرار ازطرف هیکل اطهر درهونولولو بناگردید تاالی الابد سرمشق قیام وعبودیت بآستان جمال اقدس ابهی باشد.

سپس درواخرسنه ۱۹۵۱ یعنی ۲۴ دسامبراراده متعالیه مولای محبوب بتاسیس مؤسسه ایادی تعلق یافت ودرنوبت اول دوازده نفرتعیین فرمودند وبفاصله چند روز بیش ازدوماه درایام مبارك عطا (۲۹ ژوئیه ۱۹۵۲) به تسمیه هفت نفرد یگرمبادرت فرمودند تاجمع ایادی به ۱۹ بالغ گردید وبعد پس ازصعود هریك ازایادی امرالله که جمعاً پنج

نفر در ایام مبارک صعود بملکوت الهی نمودند نفس دیگری را باین رتبه ارجمند منسوب و مفتخرفرمودند که ازجمله دونفر از آن ایادیان عزیز خلعت و ردای ایادی ازدوش والدشان بایشان منتقل گردید ونصاب عدد مبارک ۱۹ همواره محفوظ بود .

تاآنکه درآخرین پیام مبارک (اکتبر۱۹۵۷) هشت نفر دیگربه جمع ایادی افزودند ونصاب ۱۹ به ۲۷ یعنی سه مرتبه عدد مبارک بهاء (۹) ترفیع یافت .

مولای محبوب وظایف مقدسه مؤسسه ایادی راکه مؤسس آن شارع اعظم بوده ودردوره حضرت مولی الوری و مولای محبوب موظف بوظائف خطیره درسبیل حفظ وصیانت امرالله وترویج تبلیغ وسایرشئون بودند بروفق الواح مقدسهٔ وصایا وسایرالواح تبیین فرمودند وبااعزام افراد ایادی بمراکز امریه درسراسرعالم وحضوردرمؤتمرات امری وکانونشن های بهائی جهت تاسیس محافل روحانیه ناحیه ئی وغیره بنمایندگی ازذات مقدس وتعیین ایادی درارض اقدس وقارات مختلفه وامر به تعیین هیئتهای جداگانه معاونت جهت حفظ وصیانت وتبلیغ امرالله درهرقاره دائره خدمات این مؤسسه راکه حقیقةً بمنزله اقمارطائف حول مبارک بشمارند اتساع

داده ودرپیامهای مبارك وآن پیام منیع تاریخی ایادیان امر رابعنوان علمداران نقشه ملکوتی وحارسان مدنیت الهیه و نظم بدیع جهان آرای الهی که درمرحلهٔ جنینی است معرفی فرمودند .

تفاصیل این تطورات و درج فرامین مبارکه وشرح خدمات وتقاریرمؤسسه ایادی بتصدیق قارئین عزیزارجمند محتاج به تألیف کتاب جداگانه است .

باری بر سر اصل مطلب رویم هنوز احبای عالم سرگرم زیارت و تمعن درآن پیام تاریخی (اکتبر ۱۹۵۷) بودند که مولای حنون ازاین حیّز ادنی صعود فرمود وجامعه بهائی را مستغرق دربحراحزان وآلام نمود . ایادیان امرالله که ازاین رجفه عظمی درحسرت و دهشت ودرنهایت سوز وگدازبودند وخودرادرمقابل مسئولیتی عظیم مشاهده نمودند درقبال وظیفه مقدسه ئی که بایشان تفویض گردیده وحارسان مدنیت الهی نامیده شده بودند بتائید من عنده وعنایة من لدنه فریضهٔ خودرادراتمام نقشه جهاد روحانی وتنفیذ اهداف آن دانسته بانهایت همت کمر بهتحقق نوایای مقدسه بستند تا نظم جهان آرای حضرت بهاءالله که بفرموده مبارك درمرحله جنینی بود درمیقات معلوم بعرصهٔ شهود یعنی ولادت ومقام

احسن التقویم رسید وجهاد روحانی جهانی مکلّل بتاءسیس دیوان عدل اعظم الهی گردید . " تبارك الله احسن الخالقین"

در این سبیل باز در هرقدم عنایات مبارك معین وظهیر گشت حتی فی المثل گوئی اراده مقدسه برآن تعلق گرفته بود که پس از صعود مبارك نیز این مؤسسه مجلله راکه منتسب بذات اقدس بود برحسب ظاهر بحال خود رها نفرمایند . در دفترچه بفلی هیکل اطهر که مسائل مهمه ازقبیل ساختمان مشارق اذکار وتاءمین وجوه لازمه ازبرای آن مشروع جلیل وتقبلی خود هیکل مبارك واسامی فارسان مضمار الهی بخط مبارك ثبت شده بود تاءسیس محافل روحانیه ملیه جدیده وتقسیم محافل ناحیه ئی راازقبیل محافل ملیه ترکیه وپاکستان وامریکای لاتین و غیره درسنه ۱۹۵۸ ومتعاقب آن که پس از صعود مبارك بود باذکر سنه مربوط بهریك پیش بینی وبیاد داشت فرموده وبازیارت آن دفترکه درنهایت تجلیل واحترام به جلسه ایادی آورده شد ایادیان امرالله را در بحبوحه مشاورات رهبری وهدایت فرموده وبتائیدات غیبیه لاریبیه مطمئن ساختند .

باری هیئت مجلله ایادی امر در جلسات سنوی خود در قصر[1]

۱- بانی قصر بهجی یقیناً ملهم بود که در بالای مدخل قصر این دو بیت را بر روی سنگ نقش وسنه بنای قصر را ۱۸۷۰ که مقارن با سجن جمال اقدس ابهی در قشله عسکریه عکا است در ذیل آن ثبت نمود :

مبارك در ظل روضهٔ مقدسه مبارکه قبلهٔ اهل بها و قرب حجرهٔ جمال اقدس ابهی جل سلطانه خاضعاً خاشعاً مبتهلاً متضرعاً مستعینًا من تائیداته والطافه تصمیم قطعی تاریخی بناء سیس بیت العدل اعظم الهی در بایان نقشه که مقارن با رضوان ۱۹۶۳ بود ویك قرن تمام ازظهورمالك انام در رضوان مدینة الله میگذشت اتخاذ واین تصمیم تاریخی راکه درتاریخ امرمبارك وعالم کون حائز اولین درجه اهمیت است باتصمیم انعقاد جشن اعظم درجوار رمس مطهر معشوق ولی محبوب الهی که تمامی فتوحات وانتصارات محیّرالعقول مرهون ذات اقدسش بود اعلام نمودند (امکان نقل محل احتفال جشن اعظم از مدینة الله بغداد بمحل دیگرراهیکل اطهر شفاهاً بیان فرموده بودند .)

« تعالی تعالی قدرته النافذة السارية فی حقائق الکائنات تعالی تعالی امره القاهر الغالب علی من فی الارضین والسموات »

بدینطریق نقشه ملکوتی هیکل اطهربپایان رسید ودرانقضای

نقشه تعداد محافل ملیه به ۵۶/ ومراکز امریه به ۱۱۲۱۰/ وممالکی

بقیه زیرنویس ازصفحه ۲۳۹

قصر علیه تحیة وسلام نثرت علیه جمالها الایام

فیه من العجائب والغرائب نوعت

فتحیرت فی نعتها الاقلام

که در ظل نطاق امرالله وارد گشته به ۲۵۹ ولغاتی کـــه کتب امریه بآن لغات ترجمه وطبع شده بود به ۳۱۸ بالغ گردید .

در خاتمه کتاب مقاله ئی که در مدرسه تابستانه گرین عکا درباره ٔ این نصرت ملکوتی واحتفال وجشن اعظم نگاشتـــه شده ودر اخبار امری ایران درج گردیده است ضمیمه میشود

اکنون فهرست واربعضی ازوقایع مهمه در دوران ولایت مطلقه الهیه را مرقوم وسپس ازروی توقیعات منیعه مبارکه مراحل ابتیاع وتاٴسیس وتشیید مقام مقدس حضرت رب اعلی بواسطه حضرت مولی الوری در اثر فرمان جمال اقدس ابهی جل کبریائه واستقرار عرش مطهر در آن مکان تا موقعیکه ملکـــه کرمل باآن شکوه وجلال در قلب کوه خدا اظاهر ونمایان گشته ومولای محبوب این تحیات را نثار آن مقام مبارك نموده اند که " یا ملکة کرمل علیكِ من التحیات اطیبها وازکیٰها ومن الصلوات اجملها وابهاها " نقل میشود واگر قلم ناتوان بتفصیل وقایع یارائی ننمود این اوراق وآن فصل را به بیـــان تحیات مبارك به ملکه کرمل پایان میدهد . لیکون ختامـــه مسك .

ضمناً مقاله ئی راکه راجع به جبل ماه کو و کرمل د رقرن شهادت حضرت رب اعلی نگاشته شده وهمینکه بشرف لحاظ مبارك مولای محبوب فائزگردید تلغرافیاً امر فرمودند بامریکا برای ترجمه ونشروسپس طبع درکتاب عالم بهائی (جلد ١٢) ارسال گردد ضمیمه این اوراق مینماید .

فهرست وقایع مهمه در دوران ولایت مطلقه الهیه [1]

صدور حکم محکمه بهای شرعیه مصر که امر مبارک را بعنوان شریعت مستقله اعلان نمودند وتفصیل آن در توقیعات منیعه مبارکه مسطور است	۱۰ مه ۱۹۲۵
اولین ملاقات مبلغه شهیره امرالله میس مارثاروت باعلیاحضرت ملکه رومانیا .	۳۰ ژانویه ۱۹۲٦
قرار شورای مجمع اتفاق ملل دائر بحقانیت جامعهٔ بهائی در مورد بیت مبارک اعظم بغداد .	٤ مارس ۱۹۲۹
صعود مبارک حضرت بقیة البهاء ورقه مبارکه علیا	ژوئیه ۱۹۳۲
آغاز اولین نقشه تبلیغی هفت ساله امریکا	آوریل ۱۹۳۷
انتقال رمسین اطهرین از بقعه متروکه مهجوره نبی صالح به آرامگاه ابدی در دامنه جبل کرمل در یوم میلاد حضرت روح	۲۵ دسامبر ۱۹۳۹
اتمام تزئینات خارجی مشرق الاذکار ویلمت (شروع ساختمان در ایام مبارک حضرت عبدالبهاء در دسامبر ۱۹۲۰ بوده)	۱۹٤۳
انعقاد جشنهای مئوی اظهار امر حضرت رب اعلی وتشکیل اولین کانونشن قارات امریکا	۲۳ مه ۱۹٤٤

۱- اقتباس از توقیعات مبارکه واحصائیه هیئت محترمه مجلله ایادی امرالله.

آغاز نقشه دوم تبلیغی هفت ساله امریکا[1]	۱۹٤٦
شروع ساختمان رواق مقام حضرت رب اعلی در جبل کرمل (نوروز ۱۰۵)	۲۱ مارس ۱۹٤۹
اختتام بنای رواق وتاج اول مقام اعلی یوم مئوی شهادت حضرت رب اعلی)	۹-ژویه ۱۹۵۰
انعقاد احتفالات مئوی شهادت طلعت علی اعلی	۹-ژویه ۱۹۵۰
ساختمان هشت ضلعی زیرگنبد مقام اعلی (نوروز ۱۰۸)	۲۱ مارس ۱۹۵۲
اتمام تزئینات داخلی مشرق الاذکار ویلمت	اکتبر ۱۹۵۲
آغاز جشنهای مئوی سنه مقدس تسع اظهار امر خفی جمال اقدس ابهی	اکتبر ۱۹۵۲
وضع مشتی از تراب سقف حجرهٔ سجن مبارک طلعت علی اعلی در جبل ماه کود رخلف قطعه‌ئی از قطعات مذهب تاج مقام اعلی بدست مبارک حضرت ولی امرالله	۲۹ آوریل ۱۹۵۳
افتتاح رسمی مشرق الاذکار ویلمت	— ۲ مه ۱۹۵۳
آغاز نقشه ده ساله جهاد روحانی کبیرا کبر	— ۳ مه ۱۹۵۳
اتمام ساختمان مقام حضرت رب اعلی وقبه ذهبی	— اکتبر ۱۹۵۳

۱- نقشه‌های تبلیغی احبای ایران وهند وسایرجهات نیزباید باین فهرست اضافه شود .

شروع ساختمان دارالآثار بین المللی بهائی در جبل کرمل	ژوئیه ۱۹۵۵
اتمام بنای دارالآثار بین المللی	سپتامبر ۱۹۵۷
شروع ساختمان مشرق الاذکار کمپالا در یوگاندا افریقیا	اکتبر ۱۹۵۷
شروع ساختمان مشرق الاذکار سیدنی استرالیا	نوامبر ۱۹۵۷

صعود مبارک حضرت ولی محبوب امرالله — ٤ نوامبر ۱۹۵۷

نقل نبذه ئی ازتوقیعات مبارکه سه توقیع منیع مبارک نوروز ۱۰۸ و ۱۱۰ و۱۱۱ که هیکل اطهر دروصف مرکز جهانی وتنفیذ اهداف نقشه جهاد روحانی کبیراکبر در ارض اقدس وکیفیت تاءسیس وتشیید مقام رفیع البنیان اعلی و تاریخچه آن مرقوم فرموده اند :

قوله عز بیانه (درلوح مبارک ۱۰۸) :

" جمال قدم واسم اعظم روحی لاد نی عبد من عبیده الفدا در اواخر ایام ازقلعه محصنه عکا قصد مدینه مکرمه حیفا بنمود وبقدوم مبارکش تل الهی را مشرف ساخت جشن اعظم درملاء اعلی برپا گشت کوم الله باهتزاز آمد و بهاء کرمل نمود ارشد ودر دامنه اش خیمه مبارک منصوب گردید وآیات باهرات لوح کرمل درجوار مقام حضرت ایلیا بصوت مرتفع از لسان اطهر جاری شد ولسان عظمت بتعریف وتوصیف بقعهٔ ارفع آن که درقلب آن جبل واقع ناطق گشت وارادة الله درآن حین بانتقال عرش رب اعلی علّی حبیب بیهمتایش ومظهر قبلش ومهبط جمالش بآن بقعه مشرفه تعلق گرفت ومقام محمود ازفم مطهر مخاطباً بغصن اعظمش تعیین گشت وباصبع اقتدار بآن مکان مقدس اشاره فرمود وپس ازصدور امر محکم در انتقال عرش مطهر آن محیی رمم بعقر اولیه اش در سجن اعظم

مراجعت فرمود طولی نکشید که شمس بهاء ازافق زندان غارب
گشت وغصن وحید اعظمش در بحبوحه طوفان نقض مطابقاً لما
امره محبوبه الابهی به تنفیذ دستورصادر ازفم مقدسش قیام
فرمود وارض اعلی اولین قطعه مبارکه مشرفه بقدوم جمال ابهی
درآن جبل مقدس باوجود دسائس ناقضین ناکصین ابتیاع
گردید سپس بتائیدات موعوده جمال ابهی دستور غصن
بقادر انتقال عرش اعلی ازارض طا بمدینه مکرمه عکا صادرگشت
ودرهمان ایام صندوق مرمروتابوت مقدس برحسب اراده مبارکه
حاضروسهیاگردید وازهندوستان آمناً سالماً واردمدینه مبارکه
حیفاشد وسنگ اساس آن مقام مقدس راغصن بهاء بدست
مبارکش بنهاد طولی نکشید که بتفتین وتحریک دشمنان و
ناقضان پرکین ازمدینه کبیره فرمان سلطانی بمسجونیت
یوسف بهاء درقلعهٔ محصنه عکا بغتةً صادرگشت ولی باوجود
موانع لاتحصی ومتاعب وبلایای بی منتهی جاده خصوصی مقام
اعلی وقطعه ئی دیگرازاراضی مجاوره آن ابتیاع گردید وحجرات
بنیان مرصوص رغماً لکل عدو لدود ومکارعنود به نیروی بازوی
مرکزمنصوص عهد رب ودود مرتفع گشت واین انتصارعظیم ونصرت
مبین محرّک عرق عصبیت حکام جهول وبرادران حسود و مورث
رعب و توهم واضطراب خلیفه ظلوم گردید ودرخلال این احوال

عرش مطهر که از دارالخلافه طهران ومدینه اصفهان وکرمانشاهان ودارالسلام وبر شام وارض باء بساحل ارض اقدس پنجاه سال پس از شهادت آن حضرت واصل و در حجره‌ئی از حجرات بیت مسکونهٔ حضرت عبدالبهاء مخفی و پنهان بود بدامنهٔ جبل کرمل با وجود مسجونیت غصن برومند الهی وارد گشت ودر مکان معلوم مستوراً عن الابصار مقرومأوی یافت . متعاقب این قضایا انقلابی جدید رخ بنمود وبامر سلطان جائر هیئت ضاله خاسره مفتشین تعیین گردید ومدینه عکا اعزام واعضای آن هیئت بدلالت وتشویق و تائید محرکین وناقضین وماءمورین ومبغضین پرتدلیس بارسال لوایح وتفتیش آن مقام مقدس پرداختند ولی بفرمودهٔ حضرت عبدالبهاء بغتةً صاعقه غیرت درخشید وعرش توپ خدا مرتفع گشت واعضای آن هیئت خائباً خاسراً بمدینه کبیره بسرعت تمام مراجعت نمودند ودر اثر انقلاب اعظم سلطان غدار گرفتار گردید ودارالبوار راجع شد وزنجیر از عنق عبدالبهاء مرتفع گشت وبگردن عبدالحمید پلید بیفتاد . سپس حمامهٔ وفا از قفس زندان عکا برهید ودر مدینه حیفا در ظل مقام بهی الانوار نقطه اولی مقرومأوی جست ودر همان سنه که خصم خصیم مخلوع ومسجون گردید در یوم عید سعید نوروز مقارن با

یوم افتتاح اولین مؤتمر بهائی یاران امریك راجع بتاء سیس مشروع رفیع الشأن ام المعابد غرب عرش مطهر پس ازآنکه مدت شصت سال ازمحلی بمحلی منتقل بدست حامل امانت الهیه ومجری ارادهٔ ازلیهٔ نافذه وناشرلواء شریعت ربانیه در حضورجمعی ازیاران خاوروباختر رتابوت مرمرد رمقبر اطهر استقراریافت وسنه بعد یوسف بهاء بدیارمصریه رحلت نمود وازآن خطه بممالك غربیه شتافت ودرفیابش مهمانخانه ئی جهت زائرین ومسافرین درجوارآن مقام مقدس تاء سیس و قطعه ئی چند ازاراضی مجاوره ابتیاع گردید ومنضم بموقوفات اولیه آن مقراسنی گشت سپس نائره جنگ وجدال مشتعل گشت وانقلاب ثالث دوره میثاق رخ بنمود وجمال پر وبال بتحریك ناقضین بد خصال برتهدید تخریب مقام حضرت ذوالجلال واعدام غصن بیهمال قیام نمود وعاقبة الامر مغلوب ومخذول ومنکوب و مقتول گردید وبخلیفه مخلوع ومعزول ملحق گشت درآن ایام پرانقلاب که نیران جنگ مشتعل وغصن منشعب ازاصل قدیم درمعرض خطرعظیم واقع بیانی از فم مطهرش صادر درحینی که مقابل آن مقام اطهرجالس ونظر مبارکش بآن بنیان مقدس متوجه قوله عزبیانه " نشد مقام اعلی ساخته شود . . . انشاءالله میشود دیگرما بااینقدر رسانده ایم "

پس از سنین معدوده غصن منشعب از سدرهٔ الٰهیه از عالم ادنی برفیق اعلی صعود نمود وبرحسب وعود کتب مقدسه و الواح منیعهٔ صادره ازمخزن قلم سلطان احدیه وبشارات صریحه مرکزعهد رب البریه هجرت بنی اسرائیل و وراث کلیم وابناء خلیل بارض میعاد بغتةً تزاید وتقدمی سریع یافت ودرابتیاع اراضی واقعه درصفح آن جبل مقدس و مدینه حیفا واطراف آن اولیای امورومهاجرین جدید الورود بجدیت تمام و نشاط کامل قیام نمودند و چون خطر متوجه بآن مقراطهرگشت فدائیان امرالهی وحامیان حصن حصین آئین یزدانی درخاوروباخترکثلةٍ واحده درمحافظه اراضی مجاوره آن مقراعزاعلی ازتسلط وتصرف بیگانگان همت بلیغ بگماشتند وقطعات متسعه متعدده ئی که امتدادش از قله کوه تامدینهٔ حیفا ودرسمت شمالی وجنوبی وشرقی وغربی آن مرکزانوارواقع متتابعاً مالك گشتند سپس قسمتی ازاین اراضی موقوفه باوجود اعتراض ومخالفت ابن ناقض اکبر بنام شعبه جدید التاء سیس محفل روحانی مرکزی بهائیان امریك انتقال یافت واین اراضی واقعه درقلب آن جبل وتابعه آن مقام اطهربتمامها برحسب فرمان صادر ازمرکز حکومت ومندوب سامی دولت بهیهٔ انگلیس ازرسوم دولت

معاف گشت مقارن این قضایا طبقات مقام اعلی کما وعد نـــا
مولا نا ومحبوبنا متدرجاً امتداد یافت وحجرات ثلاثه متصـــل
بآن مضجع منور برحسب دستور مقدسش بناگشت وبنای اصلـی
ضریح مطهر اکمال گردید رفته رفته حدائق مقام اعلی در
حول این مرقد اطهر تاءسیس گشت وبررونق اراضی وسیعـــه
وجلوهٔ طبقات ممتده وابهت ونضارت آن بقعه مشرفه مرتفعه
بیفزود گلزار مقام اعلی نزهتگاه عموم از طبقات مختلفه و
اجناس متنوعه وادیان ومذاهب متعدده گردید وجبهـــه
وطبقات مستظله در ظل آن بانوار متعدده وسرج لامعـــه
روشن ومنور گشت ومصداق طبقات من النور نور علی نـــور
ظاهر ونمایان گردید . رمسین اطهرین غصن شهید بها و
مخدره کبری ام حضرت عبدالبهاء با وجود اعتراض واحتجـاج
بدیع شنیع بیوفا از جوار مدفن اسلامیان در خارج مدینه عکا
بجوار مرقد ورقه مقدسه علیا خانم اهل بها ودر قرب آن مقام
اعزاشرف اعلی منتقل گشت وبرشکوه عظمت تاءسیـــــس
عظیم الشاءن جمال قدم در آن جبل مقدس بیفزود ومحور و
مرکز دوائر وتاءسیسات ومعاهد اداری امریه که در آینده بـر
حسب اشارات ورموز الواح مقدسه در دامنهٔ این مزرعه الهیه
تاءسیس خواهد شد تعیین گشت وتباشیر وعود وبشارات لوح

کرمل آشکارو پدیدارگردید رفته رفته نقشه بدیعه قبه منیعه آن مقام پرمجد واحتشام محیی انامومجسمهٔ مجلله آن مطابقاً لماارادہ المحبوب تعیین وآن رسم بدیع دریوم احتفال عید مئوی بعثت صاحب آن مقام رفیع درمجمع جمعی از مجاورین وعاکفین کعبه مقصود ارائه گردید وتصمیم قطعی در تهیه مقدمات تشییداین بنیان رزین ومتین به پیروان امر حضرت رب العالمین درشرق وغرب عالم بهائی ابلاغ واعلان گشت . سپس مهندس این نقشه وبنابکشورایتالیا باوجود انقلاب متزاید واضطراب شدید دربقعهٔ نوراء متوکلاً علی الله جهت تهیه اعمده مجلله رواق مقام اعلی رهسپارگشت وپس از اشهرمعدوده مقارن عید سعید نوروز چهل سال پس ازاستقرار عرش مطهردرتابوت مقدس باوجود موانع لاتحصی اولین سنگ این بناکه چون صدف حافظ این لؤلؤلالا وگوهرگرانبهاست منصوب گشت ومواد لازمه ازاحجارمنقوشه ومرمرممتازکه مجموعش ازهشتصد تن متجاوز متتابعاً سالماً بساحل ارض اقدس واصل وبسرعت تمام آن اعمده مجلله که ازحیث وزن ولون وارتفاع وجسامت ومتانت وظرافت دراین صفحات کمیاب بل بی نظیر وعدیل حول ضریح مقدس ازطرف شرق وغرب وجنوب وشمال مرتفع ومرتکزگردید ومتعاقباً تاج رواق این مقام که قسمی ازآن

رخام وبلونین حمراء وخضراء که رمزشهادت و علامت سیادت آن مظلوم عالم است ملون وباسم اعظم در صدر روزوایای اربعه آن مطرّز ومذهّب ومزّین منصوب گشت وبراتساع وارتفاع و ابهت وجلال واشتهار مرقد بهی الانوار رفیع البنیان قوی الارکان مبشّر امر حضرت رحمن بیفزود وطبقه اولای این بنیان اتمام و انجام یافت و مرحله اولیه در تشییدآن منتهی گشت وجمهور وارد ین وزائرین این بقعه مشرفه علیا از دور ونزدیك وشرقی وغربی ووضیع وشریف وآشنا وبیگانه ودوست ودشمن ازجلوه این مقام وظهوراین عزت واحتشام وسطوع این انواروکشف این اسرار بعضی واله وحیران وبعضی مستبشروشادمان وبعضی در آتش بغض وحسد سوزان . . .

وحال که تصمیم قطعی در نصب قواعد وتأسیس ارکان قبه ذهبیه این مقام رفیع الشأن اتخاذ گشته ولوازم ضروریه آن فراهم ومهیا گردیده مشروع بنای طبقات تسعه این مقام اشرف اعلی نیزکه اولین طبقه آن متجاوز از بیست وپنج سال قبل افتتاح یافته وبیش ازده سال در اثر تحریکات ناقضان حسود وبیوفایان عنود معوق ومعطل مانده در شرف انجام واتمام است وبنای دو طبقه اخیره آن عنقریب بتائیدات الهیه منتهی گردد وآنچه دلخواه حضرت من اراده الله و وعده صریح مرکز

عهد الله بوده کاملا تحقق پذیرد واین جا ده مجلل زیباکه امتداد ش ازمقام اعلی تا شهرحیفا ومحا ذی اعظم خیابان آن مدینه مکرمه است و باشجا رورياحين مختلفه مزیـــن و بسرج مضیئه لامعه منورومنظور نظراهالی این ساحـــان است ومایه ابتهاج وافتخارولاة امورد راین ارض من بعـــد حسب الاشاره مرکزعهد الهی بشاهراه ملوك و سلاطیـــن ارض مبدل گردد واین تاجداران عظام ومحرمان کعبـــه رحمن پس ازوصول بساحل ارض مقصود و زیارت و طواف قبله اهل بهاء مطاف ملاء اعلی درمرج عکاباین مدینه مکرمـــه مشرفه توجه نمایند وبجبل کرمل [1] صعود نمایند وبکمال شوق وولع وانجذاب بسوی این مقام محمود بشتابند وازراه این طبقات خاضعانه عاشقانه متذللاً منکسراً تقـرب بآن مرقد منورمطهر جویند ودرباب حرم کبریا تاج رابرخاك اندازند وسجده کنان تراب مشکبیزش را تقبیل نماینـد و لبیك لبیك یا علی الاعلی گویان در رواق مقدس طـواف نمایند وبکمال عجز وابتهال آیات باهرات لوح کرمل را تلاوت نمایند ودرحدائق وچمنستانهای وسیعه بدیعه این

١ــ این هدف اعلی درواخرایام مبارك انجام یافت و هیکل اطهردینی فلزی‌وزیباکه درایطالیاساخته شده برای‌مدخل‌سلاطین درابتدای‌طبقات مقام اعلی مقابل شاهراه نصب فرموده اند .

مقراسنی وحظیره غناوجنة علیا مشی و سیرنمایند و روائح معطره اش رااستنشاق کنند وازاثمارطیبه جنیه بدیعه اش مرزوق گردند وآلام ومحن وبلایا ورزایا واسارت و مسجونیت وشهادت آن مظلوم عالم رابا چشمی اشکبار وقلبی سوزان یك یك بیاد آرند وبهاء کرمل وآثارعظمت و قهاریت و غلبه وسیطره محیطه قهاراالعالمین رادراطراف و اکناف این بقعه مرتفعه براءی العین مشاهده نمایند وبه تسبیح وتمجید الله کرمل پردازند وپس ازادای فرائض زیارت وطواف مراقد مطهره درجوارمقام اعلی واشتراك درصلوة وتلاوت آیات بینات درمشرق الاذکارآن جبل مقدس واستفاضه وکسب دستوراز مرکزاداری بین المللی آئین بهائی درآن جوار پر انوار وزیارت اماکن متبرکه تاریخیه وادیان مختلفه درآن ارض باقلیم مجاورعراق توجه نمایند وبسوی مدینة الله بشتابند وفرائض حج بیت الله الاعظم رابتمامها ادانمایند و ازآن کشورمقدس بعهد امرالله موطن اصلی شارع امراعظم رهسپارگردند وبزیارت بیت مکرم درمدینه شیراز واماکن متبرکه درارض طاء وارض خاء و نقاط اخری که بقدوم مبارك جمال قدم ومبشّرآن نیّراعظم مشرف و ازدم عاشقان وشهیدان وفدائیان امرشوریان پردازند وازآن دیاربممالك واوطان

خویش هریك چون کره نارمراجعت نمایند وبا قلب مستبشر وروحی پرفتوح بشکرانه عنایات مبذوله حضرت خفی الالطاف وستایش ونیایش حضرت بدیع الاوصاف زبان گشایند وبرآنچه لازمه عبودیت صرفهٔ محضهٔ حقیقیهٔ آستان جمال بیمثال حضرت ذوالجلال است بعزمی متین قیام نمایند."

ای برادران وخواهران روحانی شایسته وسزاوارآنکه دراین مقام بعضی ازآیات باهره وخطابهای مهیجه لوح عظیم کرمل رابیادآریم ودربشارات عظیمه ورموزمستورهٔ مکنونه واشارات خفیه منیعه اش اندکی تفرس نمائیم. قوله عزاجلاله وجل کبریائه "حبّذا هذا الیوم الذی فیه تضوعت نفحات الرحمن فی الامکان حبّذا هذا الیوم المبارك الذی لا تعادله القرون والاعصار حبّذا هذا الیوم اذ توجه وجه القدم الی مقامه اذ نادت الاشیاء وعن ورائها الملاء الاعلی یاکرمل انزلی بما اقبل الیك وجه الله مالك ملکوت الاسماء وفاطر السماء . . .

طوبی لعبد طاف حولك وذکر ظهورك وبروزك ومافزت به من فضل الله ربك. . . یاکرمل بشّری صهیون قولی اتی المکنون بسلطان غلب العالم ونور ساطع به اشرقت الارض ومن علیها . . . . اسرعی ثم طوفی مدینة الله التی نزلت من السماء وکعبة الله التی کانت مطاف المقربین والمخلصین والملائکة

العالمین . . . هذا یوم فیه بشّرالبحروالبر واخبر بما یظهر من بعد من عنایات الله المکنونة المستورة عن العقول والابصار سوف تجری سفینة الله علیك ویظهراهل البهاء الذی ذکرهم فی کتاب الاسماء تبارك مولی الوری الذی بذکره انجذبت الذرات ونطق لسان العظمة بماکان مکنوناً فی علمه ومخزوناً فی کنزقدرته انه هوالمهیمن علی من فی الارض والسماء باسمه المقتدرالعزیزالمنیع " [1]

ودرتوقیع مبارك نوروز/۱۱۰ میفرماید :

مقام رب اعلی ونقطهٔ اولی روحی لمظلومیته الفداکه جمال قدم ومظلوم عالم دراواخرایام اقامتش درسجن اعظم تاسیس فرموده وقدس الاقداسش راغصن اعظمش دربحبوحه انقلابات ناقضین ومفتشین بید قدرتش تشییدفرموده ووسائل انتقال عرش مطهر راازارض طا بارض میعاد فراهم ساخته ودرنوروز ۱۹۰۹ ازمیلاد حضرت روح بدست مبارکش رمس مطهررادرتابوت مرمر درقلب آن بنیان مقدس استقراردادهٔ وپس ازانقضای چهل (٤٠) سال درنوروز۱۹٤۹ به بنای رواق آن مقام مقدس بروفق میل وارادهٔ غصن اعظم بهاء مباشرت گردیده ودوسال بعدازآن مقارن عید سعید نوروزدرسنه ۱۹۵۱ مقدمات نصب ارکان هشت گانه قبه رفیعه اش درداخل آن مقام فراهم گشته

۱ــ نویسنده ازطرف هیکل اطهر مأموشد لوح مبارك کرمل راازبر نموده سفری به شیرازویزد بنماید ولوح مبارك رابرای افنانها تلاوت کند .

در این دو سنهٔ اخیره بتائیدات ملکوت ابهی بکمال سرعت وضع اساس این قبه در خارج آن مقام انجام و اتمام یافت و طبقه ثانیه اش مرتفع شد ومناره های بدیعه رفیعه هشتگانه آن مقام منیع که تاج ثانی آن بنای افخم است منصوب گشت ومتعاقب آن طبقه ثالث دارای نوافذ متعدده مطابق عدد حروفات بیانیه که ارکان شریعت بدیعه ووسائط فیض نقطه ازلیه بوده بنا گردید و احجار اولیه قبه ذهبیه که تاج ثالث آن مقام است منصوب گشت ودوازده هزار (۱۲۰۰۰) قطعه از قطعه های مذهّب جهت نصب آن قبه رفیعه که مساحتش بدویست وپنجاه مترمربع بالغ درمدینه اورخنا در کشور هلند سفارش گردید وامید وطید چنانست که در ایام رضوان که جشن اعظم این سنه مقدسه است وسائل نصب آن فراهم گردد و بتائیدات متتابعه جمال رحمن در پایان این سنه این مشروع عظیم وخطیر اتمام وانجام پذیرد ونیز در ارض اقدس در این دو سنه اخیره نقشه بدیعه اولین معبد جبل کرمل که در جوار این مقام مقدس من بعد تاسیس خواهد گشت ترسیم وحاضر ومهیا گشت وعنقریب بامریك ارسال خواهد شد تا بنظر نفوس مجتمعه در مؤتمر ثانی تاریخی مجلل این سنه مقدسه برسد وبرسرور وابتهاج محتفلین ومشترکین در آن جشن اکبر بیفزاید "

وهم چنین در توقیع مبارک نوروز ۱۱۱ :

" در ارض اقدس لانه وآشیانه انبیاء ومرکز روحانی جهانی اهل بها ومحور ومرجع اعلای کافه مؤسسات نظم بدیع جهان آرای پیروان امر ابدع اسنی اجلالاً لهذه السنة المقدسة وتکریماً لمقام النقطة الاولیة الازلیة مشروع محیّر العقول تشیید ضریح اقدس اطهر اکرم باب الله الاعظم وذکر الله الاعز الافخم بوجه اکمل واتم انجام واتمام یافت وقبه منیعهٔ بدیعهٔ جسیمهٔ ذهبیه مقدسه اش که تاج ثالث آن مقام اطهر است وارتفاعش از چهل متر (۴۰) ومساحتش از دویست وپنجاه (۲۵۰) مترمربع متجاوز و مقدمات نصب ارکان هشت گانه اش در داخل آن مقام مقارن عید نوروز درسنه ۱۹۵۱ فراهم واحجار اولیه اش مقارن نوروز سنه ۱۹۵۳ منصوب گشته بود در پایان این سنه مقدس سنه مئوی میلاد دعوت سرّی جمال قدم مقارن انعقاد مؤتمر رابع بین القارات جامعه پیروان اسم اعظم مرتفع گشت و مرکز مجلل مقدس روحانی جهانی پیروان محیی رمم در دامنهٔ کرم الهی باُحسنها واکملها پس از شصت سال انتظار تاسیس یافت ودستور صادر از فم مطهر کاملا تنفیذ گردید .

در اواسط آن سنه مقدسه در ایام عید سعید رضوان بنصب

قطعه های مذهب گنبد مقام مهیمن مولی الانام متوکلاً علی الله مباشرت گردید و در یوم تاسع آن عید اعظم که بسا انقضای نود (٩٠) سال تمام از اظهار امر جمال اقدس ابهی در دار السلام مقارن گشته بود اجتماعی از مسافرین ومجاورین کعبهٔ مقصود در جوار آن مقام مقدس انعقاد یافت ومجتمعین کل خاضعاً خاشعاً متذکراً مبتهلاً حامداً شاکراً مولاهم و مقصودهم ومبشر امر ربهم ومعبودهم توجه بآن ضریح منور نمودهٔ وبعضی از محتفلین در آن یوم مقدس بطبقهٔ اعلای آن بنای افخم ارتقاء جسته وپس از وضع مشتی از تراب سقف حجرهٔ سجن مبارك آن مظلوم در جبل ماکو در عقب قطعه ئی از قطعات مذهب تاج آن مقام محمود وطواف آن قبهٔ شامخه جمعاً بزیارت عتبه مقدسه اش فائز وبذکر بلایای وارده بر آن مولای فرید ووحید در دو جبل باسط و شدید و قدرت قاهرهٔ نافذه وعنایات فائقه مبذوله جمال قدم و اسم اعظم یگانه محبوب ومقصود آن سلطان امم در حق مبشر امر مبرمش وانذارات وبشارات صادره از قلم مقدسش که در رقیوم اسماء وتوقیع شاه غافل ذاهل مدون ماءلوف ومتذکر گشتند . . .

واین بنیان رفیع الشاءن قوی الارکان سرمدی الاثار که نتیجه شهادت آن سید اخیار ونفی وتبعید جمال مختار باین

د یارومقدمهٔ سلطنت ابدیه وسلطه ظاهره وسیطره محیطه
شارع اعظم ومظهرقدرت پروردگاراست و بشارت دهنده
استقرارمدنیت الهیه که ولیدامرعزیزکردگاراست وبر مدینه
منوره فسیحهٔ مبارکه حیفامشرف ودرقلب کوه خدانورافشان
حال بمثابه ملکه درانظارآشنا وبیگانه ظاهروباهر وجالب
انظاروجاذب افئده وقلوب جمهوراغیاروابرار درآغوش آن
جبل مقدس دربحبوحهٔ جنت علیا ودروسط اراضی موقوفه
مقام علی اعلی برعرش علیٰ جالس وبردائ بیضاء مرتدی وصدرش
باسم اعظم مزین ورائسش بتاج ذهبی متوج و حزامش بلونین
خضراء وحمراء ملون وبحدائق وسیعه متعدده محاط و در
مقابل اقدامش طبقات ممتده که هریك بمصابیح مضیئه روشن
کأنّها طبقات من النور نور علی نور وجهش بسوی سجن اعظم
ابهی الموصوف بسماء السماء من القلم الاعلی وقبله اهل بهاء
مطاف ملاء اعلی درواد ی ایمن مرج عکا متوجه ودریمینش اتلال
جلیل مهد مسیح صبیح ومحل بعثت حضرت روح که در قرب
شاطی نهرارد ن واقع ودریسارش راس کرمل مقام حضرت ایلیا
وبقعه مرتفعه علیاکه بقدوم جمال اقدس ابهی وصدورلوح کرمل
ازمخزن قلم اعلی مشرف ومفتخرگشته درخلفش جبلین صهیون و
زیتا واورشلیم قدیمه البیت المقدس ومحل شهادت ومدفن

حضرت عيسى ومقر استقرار عرش داود ومعبد عظيم الشان سليمان ومسجد اقصى ثالث الحرمين عالم اسلامى وعن ورائهم جبل السينا مهد شريف موسويه بقعة الطورفاران النور ارض القدس التى فازفيها الكليم باصغاء النداء من الشجرة المباركة وعن ورائهم جزيرة العرب ارض الحجاز مهد شريعت محمديه ومدينه يثرب وبطحاء مكه مكرمه ومدينه منوره قبلة الاسلام ومضجع سيد الانام عليه آلاف التحية والثناء تعالى تعالى هذا المقام الشامخ الاعظم العظيم تعالى تعالى هذا المضجع المبارك المعطر المطهر المتلألأ فيع المنيع تعالى تعالى هذا المقر الاعز الاقدس المبارك الرفيع يا ملكة كرمل عليك من التحيات اطيبها وازكيها ومن الصلوات اجملها وابهاها تبارك الذى شرّف مقرّك بقدومه وعيّن مقامك وذكرك فى لوحه وكتابه نعم الاقتدار هذا الاقتدار الذى تحيرت منه افئدة المقربين والمرسلين كأنّى اراك فى منامى مستوية على عرشك العظيم مرتدية ردائك البيضاء متوجة بتاجك الذهبى متلئلاء الانوار فيك وحولك منادية باعلى النداء ناطقة بين الارض والسماء وكأنّى اشاهد ارواح المقدسين والكروبين يسرعنّ اليك بكل شوق وولهه وانجذاب ويشيّرن باصابعهم اليك ويطوفنّ حولك و

يستنشقن روائح ازهارك واورادك ويستبركن بتراب مقامك ويخرّن بوجوههم على التراب تلقاء وجهك اجلالاً واعزازاً لسكينة الله فيك واللؤلؤ المكنون فى حضنك طوبى الف طوبى لمن يزورك ويطوفك ويخدمك ويسقى ازهارك و يجد روائح القدس من اورادك ويثنى عليك ويمجّد مقامك حبّاً لله موجدك فى هذا العصر المشعشع المقدّس الاعظم الاعزّ البديع .

خاطرات تشرف

صعود مبارك مولای محبوب نه چنان آتش بردل وجان دلدادگان آن طلعت بیمثال زد که بتوان وصف نمود چه شبها که بندگان شیدائی آستانش در فراق آن دلبر آفاق نیارمیدند وچه روزها که دیگر آرزوی ادامهٔ حیات در دل نداشتند .

دراولین احتفالی که پس از صعود مبارك در قصرجمال قدم جل جلاله از ایادیان عزیزمنعقد گردید وهمگی گرد میزی که در صدر آن کرسی مخصوص برای هیکل اطهر خالی گذارده شده بود جمع بودند غالب اوقات سیل اشك بتعبیر طیح یکی ازایادیان عزیزدیده راازبینائی محروم مینمود و همگی درتضرع و ابتهال بودند که عنایات جمال اقدس ابهی جل جلاله شامل حال شود راه خود را بیابند و بشرط وفا قیام نمایند .

این عبد ذلیل یك سال بی تاب و توان بود و دائماً باخود میگفت که :

آن مصریان غلامی دیدند وکف بریدند
شاهی چنین تو دیدی قربان نکردیش جان

تا آنکه درپایان سال نسیم عنایت وزید ودرعالم رؤیا که

بفرموده جمال اقدس ابهی "عالم رؤیا عجب پیکی است میان حبیب و محبوب و طالب و مطلوب[1] درحالیکه این عبد بینوا لباس عزا و پالتوی ضخیمی در بر داشت و عرق ریزان درمحضر مبارك وفود یافته بود امر به جلوس فرمودند وهمینکه این عبد خودرا مهیای نشستن نمود اشاره فرمودند پالتو را از تن بیرون آورید امتثالاً لامرهم المطاع دستهای خود را از آستینهای پالتو بیرون آورده ازبرای رعایت ادب چنانچه مرسوم احبای قدیم بود باز پالتو را برد وش دور خود نگاهداشت این بار بانگاهی عمیق ودرنهایت لطف در حالی که تبسمی ملکوتی بر لبان مبارك ظاهر بود "فرمودند "صدمه میخورید پالتو را کنار بگذارید" روز دیگر وضع این عبد دگرگون شد واندك سکون وقرار حاصل گردید معذلك آتش حرقت و فرقت دائماً در اشتعال بود .

چه خوب سروده است حضرت نعیم :

آتش عشق وجنون شعله زند گاه گاه
گاه کنم وای وای گاه کشم آه آه
ناله کنان سال سال مویه زنان ماه ماه
صبح چوکیك دری خنده زنم قاه قاه

۱ــ نقل ازنسخهٔ خطی تاریخ نبیل که درحجرهٔ مبارك است.

شام چو مرغ سحر گریه کنم زارزار
از غم یاری عزیز زهجر شخصی شریف
چهرهٔ او بس منیر پیکر او بس لطیف
منطق او بس فصیح کلام او بس ظریف
رتبهٔ او بس منیع درگه او بس منیف
بازوی او بس قوی هیکل او بس نزار

از آن پس برآن گردید مقالات ناقابلی بنام "ساعتی بیاد محبوب" نگاشته با یاران عزیز در راز و نیاز با آن محبوب بی انباز سهیم گردد.

این مقالات امتداد یافت و برخلاف نیّت قبلی این ساعت مبدل به "ساعتها بیاد محبوب" شد که طبعاً این عبد بیمقدار را از آن ندامت نیست زیرا حقیقةً نقد حیات همان ساعاتی است که بیاد محبوب صرف شود.

اکنون پس ازفراغت از درج فصول گذشته باز باین "ساعات" ادامه میدهد و با درج بعضی از خاطرات خویش یاد ایام و ساعاتی راکه بشرف لقا مرزوق بوده و در جمیع عوالم مایهٔ حیات و پیرایهٔ نشاط است تجدید مینماید ومن الله التائید والیه التکلان.

واگر توفیق تحریر خاطرات ایام تشرف در سفرهای

متوالی دست نداد بااتمام این فصل ازقارئین عزیز ارجمند ازاعماق قلب آرزومندم این عبد ذلیل شرمسار را از انفاس قدسیه محروم نفرمایند وازساحت قدس جمال قدم جل کبریائه رضای ولی امرمحبوبش رادرباره این بیمقدار ملتمس گردند ولیس ذلك من فضل ربنا البهی الابهی ومولینا المحبوب ببعید

سفـــــر اول

(یکشنبه ۱۰ مه ــ شنبه ۲۹ مه ۱۹۲۵)

این عبد مستمند در اوایل فوریه ۱۹۲۵ که محفل مقدس روحانی مرکزی ایران توصیه نمودند احبای عزیز مراتـــــب بندگی وخضوع خود رابخاکپای مبارك معروض دارند و از تاءثرات قلبیه آن مولای محبوب که هجرت فرموده بودنـــد بکاهند عریضه ئی بآستان مبارك تقدیم نمود در جواب بافتخار لوح مبارکی نائل آمد. زیارت دستخط مبـــارك شوق تشرف رادراعماق قلب شعله ورنمود وعنان صبـــر وقرار ازکف ربود بطوریکه یکی ازدوستان متصاعد الـــی الله جناب آقایدالله مهاجر در آن روز که غروب آفتـــاب بود این عبد را از دواخانه مرحوم آقامیرزاغلامعلـــــی دواچی که واسطهٔ وصول الواح مبارکه بودند تا منـــزل مشایعت نمود و بوالدهٔ عزیزم که حال در بارگاه قـــدس درملکوت ابهی راه یافته سپرد که فرزند شمارا سالم تـــا بمنزل رساندم چه که ممکن بود از فرط اشتیاق دربین راه ازوسائل نقلیه آسیب به بیند

شب و روز این عبد در آرزوی تشرف درمناجات وسوز وگداز بود ودست ازدامان هرکسرکه بنحوی از کوی یـــار

گذشته و یا در شرف احرام بکعبهٔ مقصود بود برنمیداشت ازجمله درگذاربه ادارهٔ گمرك بامسافری اروپائی که برروی جامه دانش علامت گمرك حیفا ملصق بود مصادف شد و از ایشان وقت ملاقات طلبید بامید آنکه از محبوب بی نشان نشانی دارد وچون دراثنای دیدار در هتل ایشان ملاحظه گردید اطلاعی از امر مبارك ندارد بر حال وی تاءسف خورد .

ازجمله زائرین آن ایام متصاعد الی اللهجناب آقاشعبان اقراری علیه رضوان الله بمعیت حرم ویکی از صبایاشان بودند که باکمال لطف شب ماقبل عزیمت را قبول نمودند بعدازحضور درجلسهٔ عمومی مارا سرافراز نمایند تاپاسی بعدازنیمه شب بذکرمحبوب گذشت و بعد ناچار برای بستن اثاثیه شان عزیمت نمودند . درحین تودیع بمرحوم والد اغمسه الله فی بحر الطافه پیشنهاد کردند بگذارید فلانی با ما همسفر شود .

این عبد ذلیل بامیدآنکه روم بخواب که شاید ترا بخواب به بینم سر ببالین نهاد . درعالم رؤیا زیارت اعتاب مقدسه علیا وتشرف بلقای مبارك بنحویکه بعد تحقق یافت نصیب گردید وچندان اشك شوق ازدیده روان گشت

که سراسر بالین را تر و آغشته نمود .

درفاصلهٔ بسیار کمی وسائل سفر مهیّا گردید و بمساعدت یکی ازدوستان که بمعیت این عبد بـــــوزارت خارجه آمدند پاسپورت تهیه وبار سفر بکوی محبوب ازطریق قزوین و همدان وکرمانشاه وبغداد بسته شد ولی از ن تشرف ازبرای این بیمقدار مفقود بود و این حال این عبد بینوارابسیار آزار میداد که چگونه بدون کسب اجازه عـزم رحیل نماید . پیامی به والد عزیز خویش که خارج شهـــــر بودند فرستاد که عزم دیدارمحبوب دارد جان برلب آمده توکل بر عنایات حق نمود .

قضا را صبحگاهان که از منزل بسوی خیابان امیریـه روان گشت در سر خیابان مشاهده نمود " محبوب القلوب احبا جوهر خلوص و وفا و امین و ندیم حضرت عبدالبهاء " ۱ امین الهی عصازنان ازهمان طرف خیابان در زیـر سایه های درختان انبوه وبلند روان اند این تصادف رابفال نیك گرفت مطلب وتصمیم خود راخدمتشان عرضـه داشت . امین الهی حالشان دگرگون گردید درنزدیکی همان محل منزل یکی از معاریف احبا قرار داشت . دست

۱ــ عنوان لوح مبارك بافتخار ایشان .

این بینوا را گرفته دلالت نمودند بیائید باتفاق بآن منزل برویم وبصحبت ادامه دهیم . صاحب منزل ومرحوم میرزا تقیخان بهین آئین که یکی از مبلغین معروف بودند حضور داشتند برما وقع مسبوق شدند بجناب امین پیشنهاد نمودند همچنانکه در اواخر ایام حضرت عبدالبهاء ماءذون بوده اند بهر کس که تصویب مینمودند اذن تشرف بدهند باین عبد هم اجازه دهند عازم کوی محبوب شود آن برگزیدهٔ درگاه حضرت کبریا اظهار داشتند این اجازه مخصوص ایام مبارك حضرت مولی الوری بوده و حال من چنین حقی ندارم حاضرین پیشنهاد کردند عریضه‌ئی بخاکپای مبارك عرض و طلب اجازه ازبرای این عبد نمایند وخود این بیمقدار حامل آن عریضه تا بغداد شود و از بغداد هم با پست تقدیم نماید و بانتظار جواب بنشیند این پیشنهاد مقبول افتاد قلم وکاغذ حاضرنمود عریضه‌ئی تقدیم داشتند .

" عریضه بخاکپای مبارك حضرت ولی امرالله غصن ممتاز بی نیاز بنده نواز روحی لوحدته الفدا مزاحم میشود روحی وروح من فی العالمین لتراب اقدام احبائك الثابتین فداه چون درلوح مبارك امرفرمودید هرمطلبی دارم

بخاکپای مبارك عرض کنم حال جناب محبوبی آقا ذکرالله. . .
(باذکراینکه عازم بغداداست) میل دارد هرگاه اجازه
میفرمائید ازآنجا بیاید مشرف شود . . . رجادارم اگرذکرالله
رااذن تشرف مرحمت میفرمائید دربغداد باو برسد واگر
اذن نمیفرمائید مراجعت طهران کند فانی دانی امین در
هرحال سائلم برحالم آگاهی فانی دانی امین "
این عریضه که حقیقةً سراپامتین وصحیح بوداین عبد
شرمسارراقانع ننمود چه که انتظار داشت جناب امین الحاج
بیشتری برای این عبد بنمایند وهرچه اصرارشد مضمون را
تغییرد هند قبول ننمود ند وتاءکید کرد ند که عریضه شان
بهمان نحو بساحت اقدس تقدیم گردد اگرمقبول افتاد و
اذن عنایت شد فبها والا دیگربهتر زیراجنت رضا فوق
جنت لقا است لذا این عبد مصمم شد باهمان عریضه حرکت
نماید . صاحب منزل وآن ناشرعزیزنفحات الله این عبد را
تسکین دادند . مرحوم تقی بهین آئین که روی نازنینشان
همیشه دربرابرنظر بوده وهست بی اختیار سیل اشك از
دیده شان روان شد گفتند مطمئن باش بزودی بلقای
محبوب فائز خواهی شد ولی این عبد را در بارگاه قرب
فراموش منمـــــا .

بعداً جمعی دیگر از وجوه احبا و ناشرین نفحات الله از جمله مرحوم آقا میرزا حسن نوش‌آبادی ومیرزا حاجی آقای رحمانیان علیهمارضوان الله والطافه که این عبد درسراسر حیات پر برکاتشان مرهون لطف و محبتشان بوده جناب امین راملاقات نموده وسعی کردند که آن امین الهی مضمون عریضه راتغییر دهند وباالحاح بیشتر عرض نمایند ولی مقبول واقع نشد تا آنکه بمصداق " عرفت الله بفسخ العزائم" جناب امین تغییر تصمیم دادند وقاصد خوش خبری گسیل داشتند که این عبد برود ودرمنزل جناب حاج غلامرضا امین امین اسکنه الله فی جنة لقائه ایشانراملاقات نماید. باکمال نومیدی خدمتشان رسیدم. آن بزرگوار اشک ریزان اظهارداشتند بقلب من الهام شده است که قریباً بزیارت لقای مبارك فائز خواهی شد. حال جناب امین امین حاضر قلمدان وکاغذ مهیّا هرطوردلتان میخواهد بگوئید عریضهٔ دیگری بنویسند ومن هم امضاء میکنم. این عبد تشکر کرد و ادباً عرض نمود خودتان دیکته نمائید امین امین کاغذ را برروی دودست گرفتند وباخط خوش درد وصفحه آنچه جناب امین دیکته کردند نوشتنه وعریضه رازمین گذاشتند وجناب امین ممهورنموده بابعضی هدایاکه ازبرای ساحت قدس

تقدیم نمودند باین عبد تسلیم کردند واین است بعضی قسمتهای آن عریضه :

" ۲۶ رمضان ۱۳۴۳ (۲۰ آوریل ۱۹۲۵) عریضه بخاکپای مبارك (بدواً تمنای قبول بعضی ازهدایاکه از طرف خود وبعضی احباتقدیم نموده اند نموده) حال چون فلانی (اسم این عبد)... عازم بغداد بودند و رجا کردند بارض مقصود هم اگر اذن بفرمائید بیاید مشرف شود و زود برگردد بطهران... فانی دانی چون این جوان را... مشتعل بنارمحبت الله دیدم امید وارم اذن عنایت شود... اگرانشاءالله اذن فرمودید میآید مشرف میشود وامانات تقدیم مینماید و زود... برگردد بطهران... لازم دانستم شرح حال او و امانات بخاکپای مبارك عرض کنم. شاعر گفته لایق نبود قطره بعمان بردن

هر خار و خسی رابگلستان بردن

اما چکنم قاعدهٔ موران است ران ملخی نزد سلیمان بردن

چون امر فرمودند... بخاکپای مبارك عرض کنم امرمبارك رامطاع دانسته ومیدانم. فدائی خاکپای دوستان خلف فانی دانی عاصی امین. "

این عبد عریضهٔ اولی جناب امین را بخودشان تسلیم کرد

اظهار داشتند خیر هردو عریضه را باید بساحت قدس بفرستید حق با ایشان بود زیرا آنچه ارادهٔ مبارك بوده است همان خیر محض بوده.

ازقضا والد عزیزم نیز دستخطی برای این عبد مرقوم داشته بودند که در راه بیروت رسید مؤید این مطلب که:

"عزیزا البته عرایض پدرانه که در لیل حرکت با شما مینمودم فراموش نخواهد شد برضای الهی که رضای مبارك ولی امرالله است راضی شو و درجمیع امور تفویض صرف باش که همین خیر است آنچه حضرت ولی امر امرفرمودند بجان ودل مطیع باش آنچه آن خسرو کند شیرین بود ولو امر بمراجعت فرمایند"

در تلو مرقومهٔ والد مکرم رقیمه ئی بود ازمتصاعد الی الله جناب آقا ید الله مهاجر که ازاین عبد دربادی امرتفقد و در اثنای طریق تامنزل مواظبت نموده بودند روحشان در ملکوت ابهی شاد که عواطف قلبیه وادعیهٔ خالصانه خویش را برای تحقق آرزوی قلبی این عبد بدرقهٔ راه نمودند ازجمله:

"بی اندازه دوری شما اثر میکند هرموقع روزها و شبها که بفکر شما میافتم بی اختیار گریه ام میگیرد وکسل میشوم درقلب خود با خدای خود میگویم خدایا بزودی این جوان را

بمقصود خود نائل فرماکه بحضورت مشرف شود و عتبه‌مقدسه رازیارت کند امید چنانست که تابحال موفق گشته و یادی هم ازاین جان نثار شده باشد "

مراحل طریق باسرع وقت طی شد وبزیارت وجوه نورانی دوستان عزیز همه جانائل گردید .

در ورود به سرحد عراق وانجام تشریفات مرزی و گمرکی برای اولین بار ملاحظه شد رنگ آسمان وزمین عراق همان رنگ آسمان وزمین ایران است وابداً تغییری نکرده بیاد حضرت نعیم افتاد ومضمون دلکشی که سروده اند :

اینهمه حدّ و سدّ چرا سازیم ماکه چادرنشین بصحرائیم

درمدینة الله بغداد بطواف وزیارت بیت مکرم فائز شده و بانهایت عجز و انکسار از ربّ بیت استعانت جست .

دو عریضهٔ جناب امین وعریضهٔ متضرعانهٔ خودرا بوسیله جناب افنان باپست بآستان مبارك تقدیم نمود وبانتظار جواب نشست شب و روز دقیقه شماری کرد و از حق جل و علا استدعای نزول فرج گردید " هل من مفرج غیر الله " تاآنکه رسولی ازطرف محفل مقدس روحانی مرکزی عراق آمد بااین پیام که‌محفل در امر این عبد شورنموده اند و چنین تشخیص داده اندکه ازبرای این بینمقدار دیگر طاقت صبر

وقرارنیست واگرد رانتظاربه‌نشیند شاید آرزوی‌تشرف را با خود بجهان دیگر برد لذا راءی داده اندکه این عبد عزیمت نماید و مسئولیت این گناه را محفل در آستان مبارك قبول خواهد نمود بهمین وجه هم بخاکپای مبارك معروض گردد .

طریق بغداد به شام و بیروت طی شد و حال بارض با ء (بیروت) رسیده وفاصلهٔ بین این عبد ذلیل با کوی محبوب بیش از دوساعت واندی نیست بار الها تو معین و ظهیر گرد .

صبحگاهان حرکت نمود و در قسمت خلف اتومبیل در گوشه ئی قرارگرفت درپهلوی چپ مسافری فرانسوی همسفر بود و این عبد همچنان در التهاب و مرتّب استفسار مینماید کی به عکا و حیفا خواهیم رسید .

در رستوران کنار دریاهم که مسافرین نهار صرف میکنند تاءکید میشود زود تر حرکت نمایند . مسافر فرانسوی بستوه آمد و دیگر بآرامی جواب سئوالات این عبد را نمیداد لاجرم دیده بر هم گذارده با خود بمناجات مشغول شدم

اتومبیل درجاده بسرعت روان بود که مسافر مذکور با بازوی خود به پهلوی این عبد نواخت و بفرانسه اظهارنمود :

" C' est le Tombeau de Baha 'u' llah

" این روضه حضرت بهاء الله است "

ای جای همه خالی دیگرتا ورود به حیفا توجه به روضهٔ مقدسه منوره مطاف ملاء اعلی وقبله اهل بهاء جمال اقدس ابهی جل کبریائه بود :

" الٰهـــا معبودا مقصودا کریما رحیما جانهـا ازتو واقتدارها در قبضهٔ قدرت تو. . . پروردگارا بـــا تباه کاری وگناه کاری وعدم پرهیزکاری مقعد صدق میطلبیم ولقای ملیك مقتدر میجوئیم امر امر تو است و حکم آن تو وعالم قدرت زیر فرمان تو هرچه کنی عدل صرف است بل فضل محض " ۱

درحیفا اتومبیل به بیت مبارك رسید اولین منظره زیـارت سردرب بیت مبارك بود که درقسمت اعلای ستون لوحهٔ برنجی ظریفـــی قراردارد وبرروی آن بخط جلی اسم مبارك

۱ــ ادعیه محبوب

حضرت مولی الوری (عبد البهاء عباس) حك گردیده شاخه های پیچان گل بالای در را مستور نموده و گلهـــا وریاحین قرمز رنگ دور پلاك برنجی را بنحو بدیعی زینـت داده است . آن منظره در اولین وهله هر زائری را مسـت ومخمورمینماید و در اعماق قلب تاءثیر عمیق دارد .

این عبد جرئت پیاده شدن و وارد شدن به بیت راندا شت و مدتی درتاءمل و اندیشه بسر برد . راننده و مسافریـن متفکر که با چنین مسافری چه معامله کنند لاجرم راننـده اثاثیه این عبد راکه زبده و بصورت کیف متوسطی بود کـه از قبل بیادگار از حضرت اخوان صفا باقی مانده پائین گذاشت و براه افتاد و بلسان حال فهماند که حالا هر فکری داری بکن سر بگریبان تفکر فرو بردم.

مسافر خانهٔ غربی که جناب دکتر اسلمونت شهیر علیـه رضوان الله و بهائه و یك زائر هلندی درآن منزل داشتنـد کمی پائین‌تر روبروی دیوار بیت مبارك بود از پشت پنجـره حضرات التهاب این عبد را مشاهده نموده بفریاد رسیدند ملاحظه شد شخص عزیزی هلندی باقیافهٔ نورانی و متبسـم این عبد را از پشت سر در آغوش گرفت و ترحیب گفـت "الله ابهی" و دلالت بداخل بیت مبارك نمـود .

والد هیکل اطهر جناب افنان در بالای پله های بیت نمایان شدند خوش‌آمد گفتند و اولین بشارتی که دادند این بود که اجازه شما حاضر بود و بنا بود امروز به پست داده شود خودتان زود تر رسیدید واین است قسمتی از آن اذن تشرف که بصرف فضل مولای محبوب امر فرموده بودند جناب افنان ابلاغ نمایند :

" مورخه ۹ ماه می ۱۹۲۵ — ۱۶ شوال ۱۳۴۳ "...

نامهٔ مورخ ۱۱ شوال آن جناب مع عرائض جوف رسید...

وتقدیم حضور مبارك گردید . ازقرارمعلوم از طهران بقصد زیارت اعتاب مقدسه رحمن حرکت نموده وارد بغداد شدید اجازه حضور خواستید حضورمبارك حضرت غصن ممتازینده‌نواز ارواحناله الفدا عرض شد وعین نامه وعریضه را نیز ملاحظه فرمودند عنایةً نیّر اذن ازافق اراده اشراق امرفرمودند ماءذونید محرم کعبهٔ دوست شوید روی و موی را بغبار آستان مقدس معطر ومعنبر سازید لهذا حسب الامر تحریر شد وعلیکم التحیة والثناء عبد فانی میرزاهادی شیرازی "

باری این عبد از راه نسبةً هموار بسوی جبل کرمل ومسافرخانه اعزام گردید . خادمین‌مقامات دلالت نمودند پس ازورود به مسافر خانه اثاثیه را زمین

بگذارید و قدری استراحت نمائید زیرا معمولاً روزهای یکشنبه که عصر در مسافرخانه محفل عمومی است و هیکل مبارك بنفسه المقدس تشریف فرما میشوند زائرین را به بیت احضار نمیفرمایند وزائرین در این ایام موقع تشریف فرمائی هیکل مبارك بمسافرخانه بشرف لقا فائز و مورد لطف و مرحمت مولای محبوب واقع میشوند . این عبد پس از تعظیم وتکریم عتبه مقدسهٔ سامیهٔ طلعت علّی اعلی وحضرت مولی الوری ارواحنا لسلطنتهما الفداء رو بمسافرخانه نهاده جامه دان را زمین گذارد قاصد خوش خبر جناب مهدی افنان از راه پله هاکه از دامنهٔ جبل تا نزدیك مسافرخانه امتداد دارد واقصر راه است و هنوز آن راه باقی وبرقرار وارد شدند و این مژده وبشارت راداد ندکه هیکل اطهر این عبد ذلیل را احضار فرموده اند .

براین مژده گرجان فشانم رواست بوی محبوبکه برخاك احبا گذرد نه عجب باشد اگر زنده شود عظم رمیم.

این عبد شرمسار با شوقی بی نظیر سر از پا نشناخته در معیت جناب مهدی افنان پله هارا دوتایکی نموده افتان وخیزان خود را به بیت مبارك رساند و در اطاق پائین که معروف به محطهٔ زائرین است و محل کار وپذیرائی جناب

معلم آقا میرزا علی اصغر روحی لخلوصه الفدا وفود نمود وضو ساخت وبدعا ومناجات پرداخت . درآن حال احضار نفرمودند تاآنکه آتش التهاب کمی تسکین یافت . امرمبارك رسید این عبد به غرفه فوقانی وارد شود باز قلب به ضربان آمد . اکنون این عبد شرمسار در اطاق پذیرائی حضرت مولی الوری جل ثنائه قرار گرفته . این سالن که شاهد هزاران آثار شگفت وداستانهای مهیج تشرف زائرین وزائرات ازجمیع ممالك وبلاد بوده بوضع ایام مبارك حضرت عبدالبهاء نگاهداشته شده است . مبلهای کوچك و بزرگ و سایر اثاثیه درنهایت لطافت ودرعین حال درکمال بساطت درسالن قراردارد تنها یك فرق باآن ایام مبارك دارد وآن اینکه بر روی مبل دویاسه نفری مخده ئی دیده میشودکه درنهایت ظرافت اسم مبارك حضرت مولی الوری (عبدالبهاء عباس) بر روی آن گلدوزی شده وبرمحل جلوس حضرت عبدالبهاء قراردارد ومولای محبوب و بیهمتاآن محل راخالی گذاشته خود درذیل آن جلوس میفرمایند .

این مناظر وکیفیات جسارت نشستن درچنان حجره مبارکی راازاین عبد شرمسار سلب نمود باحال خضوع وقیام والتهابی بی نظیربتلاوت مناجات پرداخته بانتظارتشریف

فرمائی قدوم مبارك دقیقه شماری نمود .

طلعت محبوب باروی خندان قدم به سالن بیت مبارك گذارد ند .

دربقعهٔ بیضااست عجب بزم وصالی ای جای همه خالی
ماراست دراین بقعه چه خوش وجدی وحالی
جلوه نما دلبر یاری وه وه چه نگاری
ای دوست چه گویم که بدیدم چه جمالی ای جای همه خالی

عزیزان نازنینم عاجزم من این زمان از سرگذشت هنوزهم که چهل وشش سال ازآن تاریخ میگذرد هر وقت قلم بردست میگیرم که احساسات قلبی ناقابل خودرا بیان کنم عبرات و زفرات مجال نمیدهد .

" التحیة والثناء والصلاة والبهاء علی اول غصن مبارك خضل نضر ریان من السدرة المقدسة الرحمانیة منشعب من کلتی الشجرتین الربانیتین وابدع جوهرة فریدة عصماء تتلألاء من خلال البحرین المتلاطمین . . . وعلی الّذین آمنوا و اطمئنوا وثبتوا علی میثاق الله واتبعوا النورالذی یلوح ویضئی من فجرالهدی من بعدی اَلا وهو فرع مقدس مبارك منشعب من الشجرتین المبارکتین طوبی لمن استظلّ فی ظلّه الممدود علی العالمین "[1]

[1] الواح وصایا

این است حال زار این عبد ذلیل شرمسار که در چنین موقف دقیقی جز تلاوت خطبهٔ مبارکه الواح وصایا در نعت وثنای مولای محبوب و بیهمتا و توجه قلبی بساحت قدس منیعش ملجاء و پناهی ندارد .

در اینجا اجازه دهید قدری مکث نمائیم .

هنوزهم بسمع فواد لحن مبارك استماع میشود که بصوت ملیح میفرمایند :

" خوش آمدید خوش آمدید "

اکنون دامن غصن ممتاز بها دست افشان این عبد ذلیل بینواگشته آیا رواست دست از دامان مبارك بردارد حاشا . جز مولای محبوب احدی بر حال زار این عبد مستمند واقف نه . این بیمقدار خود هم از خود بیخود است تا چه رسد بآنکه بحکمت آنچه بی اختیار بر زبان میآید شاعر گردد . بوسه‌ها بردست واقدام مبارك نثار میشود و در مقابل اینکه میفرمایند " جایز نیست " از بن قلب این ندا بر میآید که بخدا ممکن نیست وآن مولای حنون وعطوف که فضل وعنایتش درجمیع احوال شامل حال است دست مبارك را نگاه میدارند و این عبد خاکسار ایادی مبارك را از قبل خود واحبای عزیز تقبیل مینماید .

حال هم شما قارئین عزیز هروقت بلقای مبارك در عالم بالا مرزوق گشتید شمارا بذات مقدسش قسم که این عبد ذلیل مهجور را از خاطر عاطر فراموش منمائید .

دامنش چون گشت دست افشان تو
آن زمان دست من و دامان تو

مولای محبوب باآن حشمت سلیمانی ازاین مور ذلیل تفقد حال میفرمایند هرکلمه از فم دری مبارك کاشف کروب ومُنعش روح روان است . این عبد ذلیل خود را درمقابل محبوبی مشاهده مینماید که برماضی وحال ومستقبلش واقف وآگاه است واگربانفاس مسیحائی روح حیات درکالبد ناتوانش دمد زهی زهی افتخار . نگاه مبارك نافذ ودر اعماق قلب مؤثراست عظمت وجلال مبارك تاجداران را بخضوع میآورد . درآن سنین جوانی آثار تأثرعمیق درچهرهٔ مبارك ظاهر است وعلائم صبر وشکیبائی وتحمل مشقات لاتحصی درناصیه مبارك نمودار .

الطاف وعنایات مبارك چون غیث هاطل بر این مستمند وجمیع نازل ازاحبای عزیزدلدادهٔ ایران درطهران وسایر ولایات وهمچنین در اثنای طریق درعراق وغیره استغسار مینمایند وجمیع رامورد لطف وعنایت قرارمیدهند . این عبد

ذلیل شرمسار از شمول الطاف مبارك جان گرفته وزبانش چون کودکان بازشده است پروردگارا آیا در این حیز ادنی هیچ اب رئوفی ممکن است به عشری از عشراعشار این مولای حنون نسبت به فرزند ناقابل خود رئوف ومهربان باشد وبدینسان اورا مورد لطف و عنایت قرار دهد .

این عبد شرمسار با بارگناه و روی سیاه به بارگاه قدس مولای محبوب باریافته باکلمات مقطع ونارسا عرض نمود مولای بیهمتا شوق زیارت اقدام مبارك عنان صبر را ازکف ربود این بود که بی اختیار سر در کوی محبوب نهاد هیکل اطهر با عنایات ملکوتی بیان اطمینان فرمودند که مقدّر بود شما بزیارت بیائید واجازه شما حاصل بود بنا بود ابی (والد هیکل اطهر) امروزبفرستد که خودتان آمدید روحی لعنایتك الفدا یا سیدی وسندی و مولائی ومحبوبی وغایة آمالی و منتهی مطلبی که اگر در هر آن هزار جان نثار اقدام مبارکت نمایم ازشکرانه الطاف بیکرانت برنیایم .

این احوال مقارن بایوم یکشنبه ۱٦ شوال ۱۳٤۳ هجری ۱۰ مه ۱۹۲۵ و ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰٤ بود .

سپس پس ازمقداری جلوس درسالن بیت مبارك اراده فرمودند

محفل احباراکه روزهای یکشنبه درمسافرخانه مقام اعلی بر پا میشد بقدوم مبارك مزین فرمایند وبراین عبد ذلیل بینوا منت نهادند در رکاب مبارك پیاده بسوی جبل کرمل روان گردیم.

حبّذا آن ایام مبارك وملاحظهٔ مشی وخرام هیکل اطهر در اثنای طریق واندك مکث وتوقفی که در سر پیچهای جبل میفرمودند وانتعاشی که درهیکل اطهرازاستنشاق هوای لطیف مشهود بود و پرههای بینی هیکل اطهر را نوازش میداد درآن حال گوئی تمامی جبل ازنزول اقدام مبارك در وجد و اهتزاز بود. دریغاکه دیگرجهان وجهانیان چنین احوال رامشاهده نخواهند نمود.

دراثنای طریق استفسار ازتضییقات احبای عزیز ایران درآن ایام فرمودند بعرض رسید درنتیجه سعایت مفسدین وآواره بیحیا برای اولین بار پس ازصعود مبارك حضرت مولی الوری نام نامی حضرت شوقی ربانی در بالای منابر برزبان علمای سوء جاری گشت و زبان به سب و لعن گشودند. هیکل اطهر عرائض این عبد ذلیل رااستماع فرمودند و در مواردی نظیرآن این آیه مبارکه را از لوح برهان خطاب به علمای رسوم تلاوت میفرمودند که جمال مبارك فرمودند

" مثلك كمثل بقية اثرالشمس على رئوس الجبال " و همچنين باين صراحت لسان مبارك درموردی ناطق گشت كه

" ايران وايرانيان هر نفسی كه ميكشند برای عزت امر است خودشان نميدانند "

سبحان الله مولای محبوب از بدو ولايت مطلقه الهيه تاحين صعود مباركآنی ازسعايت مفسدين وهجوم اعدای داخل وخارج فارغ نبودند گوئی دقيقه ئی سكون وآرامش ازبرای آن طلعت الهی خلق و مقدر نشده بود . نام مبارك بررئوس منابرازآغازتاانجام بامعاندت دشمنان پركين قرين بود وهرقدر صيت عظمت امر بلند ترميشد عربده وهای وهوی جهال وعلمای رسوم افزون ميگشت .

وهم چنين هيكل اطهرازاخبارامری ايران وكيفيت انتشار آن و مطالب مندرجه سئوال فرمودند و باين عبد شرمسار امر فرمودند راپورتی بتفصيل ازاجرائات لجنه نشرنفحات وطرحهائی كه برای پيشرفت اخبار امری درنظرداشته اند تهيه وبخاكپای مبارك تقديم دارد .

باری پس ازپيمودن راههای پيچاپيچ جبل كه در آن اوقات ندرةً ساختمان وايابو ذهابی درآن حوالی مشاهده ميشد قدوم مبارك به مسافرخانه نزول اجلال فرمود

حاضرین مشغول استماع آیات بودند قیام نمودند و سر تعظیم بسوی مولای محبوب فرود آوردند . هیکل اطهر با حرکت دست مبارك امر بجلوس وادامه تلاوت آیات فرمودند

این عبد ذلیل مست بادهٔ وصال ومشی و خرام آن دلبر آفاق بود ودر دل با خود میگفت کجا است دیدهٔ بصیرت اهل عالم که مشی وخرام مبارك را مشاهده نماید و شهادت دهد که همین مشی و خرام مبارك برحسب ظاهر همه را کافی است درکنار راهروئی که ازقسمت پائین مسافرخانه به سالن متصل میشد قرارگرفت .

هیکل اطهر درحجرهٔ صدر مسافرخانه یکی دو کرسی پائین تر ازردیف کرسیهای خیزرانی که محاذی جهت غربی مسافرخانه یعنی مقابل مقام اعلی است و همیشه درآن محل جلوس میفرمودند جالس شدند . لسان عظمت به نطق وبیان مشغول وازبشارات امریه که درآن ایام بساحت قدس رسیده بود حاضرین رانشئه وحیات جدید بخشیدند .

وهم چنین ازتضییقات اخیرا حبای ایران و " شقاوت اشرار وبلیات وآلام وارده برابرارواخیار " که دربعضی نقاط رخ داده بود ذکرفرمودند وابلاغ لطف وعنایت و تحیات نمودند

پس ازاتمام محفل (بارالها چه محفلی محفلی که درآن ولیّ

امر محبوب جلوس فرموده وعشاق روی نازنینش پروانه وار گرد معشوق حقیقی خود مجتمع گشته و سر وجان به نثار آورده اند)
برای زیارت مقام مقدس حضرت رب اعلی وعتبهٔ حضرت عبد البهاء قیام فرمودند وهمگی در رکاب مبارك بزیارت فائز شدند

قارئین عزیز سئوال مفرمائید درحین زیارت چه نشئه وکیفیتی به زائرین دست میداد درحینی که هیکل اطهر اول سر بعتبهٔ مقدسهٔ طلعت علی اعلی مینهادند و بعد آستان حضرت عبد البهارا تقبیل مینمودند وهم چنین استماع لحن ملیح مبارك در اثنای تلاوت زیارتنامه در این دو روضهٔ مقدسه مبارکه وملاحظهٔ اینکه قبل از رسیدن بدو جمله :

" فیا الهی ومحبوبی " " علیك یا جمال الله "

در زیارتنامه مقام اعلی قدری مکث و تأمل میفرمودند .

بنظر این عبد ذلیل در احیان زیارت در رکاب مبارك بحر مت راز و نیازی که بین ولی امرالهی باآن طلعات قدسی میگذشت و هم چنین بپاس شفاعت آن مولای محبوب هرمسئولی مستجاب میگشت وهمینکه هیکل اطهر پس از تلاوت زیارتنامه مجدداً آن دو عتبهٔ مقدسه رابوسیده باکمال طمأنینه و وقار بدون آنکه روی مبارك را از دو عتبه برگیرند آهسته ازپشت سر خارج میشدند گوئی ندای اجابت در مقابل تمنیات

وتضرعات قلبیه بسمع فواءد ازهرسو استماع میشد .
دیگرمعلوم است پس ازاتمام چنین زیارتی درمحضر مبارك خواب و قرار ازبرای این بینوایان میسر نبود .

هیکل اطهر در مورد مقام حضرت رب اعلی و عتبهٔ سامیه حضرت عبدالبهاء تاءکید میفرمودند که زیارت مقام اعلی اولی است ولذا باید زائرین اول بزیارت مقام اعلی فائز شوند

باری آن سفر که آغاز آن دهم وانجام بیست و سوم ماه مه ۱۹۲۵ بود دراحیان تشرف گاهی تنها وگاهی درمعیت زائرین هیکل اطهر درحال مشی وخرام دراطراف باغچه‌های مقام اعلی که طراوت ولطافت بدیع داشت با بیانات مقدسه متعالیهٔ خویش هر دم روح جدید درکالبد این پژمردگان میدمیدند که اینك ازآنجاکه شکر واجب واجب است شمه ئی ازآن بشارات و بیانات مبارکه بدون رعایت تقدّم وتاءخر زینت بخش این اوراق میشود تا قارئین عزیز ملاحظه فرمایند چگونه آن بیانات قدسیه وبشارات هنوزهم پس ازمضی سنین متوالیات بحلاوت وملاحت اصلی خویش باقی ومناسب حال و ماضی واستقبال است و هردم تکراروتذکارآن چون شهد مکرر مذاق جان راشیرین‌ترمینماید (اگرچه باوجود مراجعه بدفتر خاطرات ممکن است بعضی ازجمل وعبارات عین بیانات

مبارکه نبوده ومفهوم این عبد شرمسار باشد) از جمله در اکثر ایام میفرمودند : بفرد فرد احبا بشارت بدهید که ترقیات آتیه ایران نزدیك شده عنقریب وعود مبارکه ظاهرخواهد شد احبای ایران باید مطمئن به تحقق وعود مبارکه باشند بهمین زودی واقع میشود منتظرباشند عنقریب ایران بهشت میشود طهران محترمترین حکومات خواهد شد حضرت موسی سه هزارسال قبل بشارت ترقی اسرائیلیان رافرمود و ظاهر شد امروزبنی اسرائیل طوری ترقی نموده اند که درعلوم وترقیات مادی براسلاف خود سبقت گرفته اند . این وعده هائی بود که حضرت موسی فرمود ظاهر شد اما بشارت ترقی ایران و ایرانیان راجمال مبارك و سرکار آقا فرمودند چه قدرتفاوت دارد حضرت موسی فرمود ظاهر شد جمال مبارك فرمود ظاهرنمیشود . عنقریب ظاهرخواهد شد احبا مطمئن باشند مخصوصاً سرکار آقا فرمودند :

" عنقریب برادرانتان ازاروپ وامریك بایران خواهند آمد وتاءسیس صنایع بدیعه وبناء آثارمدنیت وانواع کارخانه ها وترویج تجارت و تکثیرفلاحت وتعمیم معارف خواهند نمود . "

ازمحضرمبارك استفسارشد ممکن است بفرمایند این عنقریب کی خواهد بود باوجه بسیم فرمودند بهمین زودی یکی از

زائرین که قدری مسن بود بزائرین جوان خطاب کرد خوشابحال شماکه جوانید وبشاراتی راکه میفرمایند خواهید دید هیکل اطهر با تبسمی ملیح فرمودند انشاءالله شماهم می بینید احبا مطمئن باشند بهمین زودی واقع میشود همه خواهند دید .

انشاء الله درجبل کرمل مشرق الاذکاربنا میشود و هم چنین طهران . درطهران مشرق الاذکاری بنا میشود که مرتفع ترین مشرق الاذکارهای عالم خواهد بود . بیرق مشرق الاذکارطهران ازهمه جاموجش بیشتراست احباء مطمئن باشند تمام دول و ملل عالم مروج امراند افراد ایران وایرانیان هرنفسی کهمیکشند ازبرایعزّت امر است برای آنست که بیرق امر را مرتفع کنند . آنچه میکنند از برای عزّت امراست خودشان نمیدانند دیگر علماچه میکنند وقتی ارادهٔ جمال مبارك بعزّت ایران وایرانیان تعلق گرفته دیگر اینهاکی هستند عنقریب ایران ترقی میکند طهران مرکزایران است خیر مرکز تمام عالم است موطن جمال مبارك است . احبای ایران باید باشورواشتعال وهمتی جدید بر امرمبارك قیام نمایند . این ایام غیرازایام سابق است سابق هرچه بودگذشت ازین ببعد باید بکوشند درالواح مبارك

سرکار آقا لفظ بکوشید خیلی است احبا باید بکوشند . اگر بدانند احبای ایران که تا چه اندازه من چشم و گوش را متوجه داشته ام به بینم از ایران چه بشاراتی میرسد ابداً دقیقه ئی غفلت نمیکنند . اگر بدانند که اهل اروپ و امریك چشم و گوششان متوجه بشارات ایران است آنی نمی‌آسایند . منتظرم که من بعد بشارات همت و شور واستقامت احبای ایران برسد ایرانیها عقب افتادند بموجب وعد مبارك امر از امریکا شعله بایران میزند درصورتیکه سزاوار این بود که چون احبای ایران یاران دیرین جمال مبارك اند آنها پیشقدم باشند ولی امریکا سبقت گرفتند . امر در امریکا شعله میزند و اشراقش بشرق میتابد این وعدهٔ مبارك است فرمودند در گوشهٔ کتابچه این نکته را یادداشت کنید .

در لوح مبارك اخیر ذکر ارتفاع امر در استرالیا و اسوج و نروج شده بود فرمودند باید علم جغرافیا تحصیل کرد دید که عظمت امر چقدر جلوه گر شده تازه از استرالیا که اقصی بلاد عالم است برای سیل زدگان نیریز وجه فرستاده اند . الحمدلله اقالیم متعدد است یکی دو تا نیست ده تا صد تا نیست متعدد است احبا مخصوصا جوانها را تشویق کنید تحصیل علم جغرافیا نمایند تا بعظمت امر پی برند خریطهٔ

جغرافیائی نقشهٔ کره را در برابر بگذارند به بینند بیرق امر جمال مبارك در جمیع بلاد وقصبات و ممالك عالم موج میزند در امریکا فقط ۱۴۷ محفل هست که من بشخصه باید مکاتبه نمایم دیگر محافل ایران و اروپا واسترالیا وافریقا بجای خود احباء عالم امر را سر سری نگیرند امر جمال مبارك را خیلی قدر بدانند خیلی اهمیت بدهند بعد از آنکه نقشه جغرافیا را مطالعه کردند به بینند چطور ممکن است فردی در برابر اهل کره میخواهد باتمام مکاتبه نماید باتمام روابط داشته باشد چقدر مشکل است لذا احبا از ارسال مکاتیب خود داری نمایند من میل دارم که با فرد فرد احبا مکاتبه نمایم بتمام با خط خود چیز بنویسم ولی ممکن نیست نقشه های خیلی مهمی در پیش هست که مکاتیب احبا مانع از پیشرفت است لذا احبا از ارسال مکاتیب خود داری نمایند . اصل توجه بآستان مبارك است در هر نقطه ئی از دنیا باشند توجه تام قلبی بنمایند هر حاجتی که داشته باشند برآورده میشود .

ولی بزرگترین بشارت آنست که در الواح مبارکه وصایا ذکر ایادی امر میفرمایند من در فکر هستم عنقریب ایادی امر را تشکیل وبشارت آنرا بجمیع نقاط بدهم ایادی امر باین قبیل امور میرسند ومن به نقشه های مهم امری ولی نفوس ایادی امر را جمال مبارك باید مبعوث کند هنوز مبعوث نشده اند عنقریب

مبعوث خواهند شد .

امروز روز خدمت جوانهااست جوانهای بهائی بایددر همت واستقامت و شور واشتعال مابه الامتیاز از اغیارباشند جوان بهائی باید درکوچه وبازار که گذرمیکند معلوم شود که این جوان بهائی است نصیحت من بجوانهااینست که در تحصیل لسان انگلیسی مهارت پیداکنند چه که عنقریب امریکائیهابایران میآیند آنوقت پشیمان میشوند که چرا تحصیل نکرده اند امریکائیهاخیلی پر استعدادند بایران میآیند هم برای سیاحت و هم برای تحقیق احبامعاشرت ومهربانی کنند انگلیس ترقیات خود راکرده امریکامستقبل روشنی دارد شب و روز جوانهادرتحصیل انگلیسی بکوشند ادبیات انگلیسی راتحصیل‌کنند منتظرم که بشارات خدمات جوانهارابشنوم جوانهای احباباید براثراقدام قدماحرکت کنند آثارقدمابایدبتمامه ازجوانهاظاهر شود قدماجوانها را تشویق‌کنند .

روزی‌هیکل اطهر دریکی‌ازخیابانهاکه بامرمبارك باگوشماهی تسطیح شده بود مشی میفرمودند وآقاعباسقلی خادم مقام اعلی درکاب مبارك بود عرض نمود چون این‌خیابان سربالا است خسته کننده است فرمودند چراخسته کننده است عرض نمود

برای ما پیرها خسته کننده است هیکل مبارک با تبسمی ملیح فرمودند ما برای جوانها ساخته ایم از این ببعد جوانها باید خدمت کنند .

روزی در اثنای مشی مبارک در بعضی از جاده های جبل اشاره بعرائض بعضی از احبا و مراتب خضوعشان فرمودند از جمله چند سطر که جناب اسحق حقیقی یکی از مخلصین احبا در دفتر یاد داشت بخاکپای مبارک معروض داشته بود وخود را ادنی عبد عبید آستان مبارک حضرت ولی عزیز امرالله خوانده بود فرمودند استغفرالله ما کل بندهٔ این آستانیم و احقر پاسبان احبا باید مرا شفیع خود در آستان مبارک قرار دهند .

راجع به زیارت صورمتحرکه حضرت عبدالبهاء در کتابچه ئی با خط مبارک آدرس امریکا را برای طلبیدن صورمتحرکه مرقوم و اظهار فرمودند میل مبارک آنست صورمتحرکه باصوت مبارک نزد محافل باشد و در مواقع مخصوصه احبا زیارت نمایند .

احبا را بشارت بدهید اسباب تشرف فرد فرد فراهم خواهد شد صبر بکنند من در فکر هستم من بعد مثل حالا نخواهد بود که مسافرین ده دوازده نفر بارض اقدس بیایند اجتماعات عظیمی حرکت خواهند کرد عنقریب قصر مبارک در بهجی بتصرف میآید یك ثلث آن دست اغیار است عنقریب خریداری میشود

وبشارت بهمه جامید هیم انشاء الله بهجی جنت خواهد شد مسافرین رأساً ازتمام نقاط عالم خواهند آمد گل وریحان میروید احبای ایران خیلی مایلند که قصرمبارك را زیـــارت نمایند همینکه قصربتصرف آمد حضرات ناقضین بالطبع بیرون میروند ودیگراثری ازآثارشان نخواهد ماند مخصوصاً بشارت بدهید فرد فرد احبابدون استثنا مشرف میشوند دیگرمثل ایام سابق نیست که اگرکسی مخارج مسافرت نداشت نتواند مشرف شود .آلاتی درآلمان اختراع کرده اندکه ازاین طرف کره طرف مقابل را میبینند وصدارا میشنوند [1] مثلاً ماکه درمقام اعلی حال گردش میکنیم باآن آلات درایران هم هیکل ما را می بینند هم تکلم مارا میشنوند هم قدم زدن مارامی بینند هم مقام اعلی رازیارت میکنند هم بقعه مبارکه هم قصر مبارك هم باغ رضوان وهم تمام گلها وریاحین را . عرض شد معلوم میشود تشرفی که وعده میفرمایند بااین آلات است باتبسمی جان افزا فرمودند هم اینطوروهم آن طورولی دراینکه مشرف خواهنـــد شد حرفی نیست همه مشرف میشوند صبربکنند وسیله تشرف فرد فرد فراهم میشود .

درمقام اعلی دفتری برای تسجیل اسامی زائرین قرارشد مزین باین لوح منیع مبارك بخط مبارك حضرت عبد البهاء در صدر دفتر :

۱ـ کتاب بشارة الاسلام الحیدری دروصف اصحاب قائـم " ان اصحاب قائم یری من فی الشرق من فی الغرب وهوفی محله "

هوالابهی

بعضی بر آنند که علیّین دفتریست که اسماء ابرار و اخیار یعنی نفوس مبارك در آن ثبت است . جناب آقا عباسقلی را مقصد آنست که دفتر علیین ترتیب دهد که اسماء زائرین مقام اعلی در آن ثبت گردد و لوح محفوظ و رقّ منشور سماء علیین شود اللّهم حقّقه و ایّده علی ذلك و اجعل هذه الا مذکورة فی ملکوتك الابهی ومن الاسماء التی وعلّم آدم الاسماء کلها انك انت الکریم الوهاب .

عبدالبهاء عباس

اینك برای نمونه مختصراً شرح تشرف یکی از آن ایام تاریخی نقل میشود :

عصرروز دوشنبه ۱۸ مه ۱۹۲۵ زائرین عبارت بودند از محمود افندی و مسافری هلندی وشخص دیگری ابراهیم افندی ازاحبای مصر وهمچنین یکی ازاحبای ایران که درآنوقت مقیم مصر بود واین عبد مستمند ازجمیع احوال پرسی فرمودند و فرمودند بشماکه بد نمیگذرد منزل شما درسا فرخانه است درجوارمقام اعلی اینجا صبح خیلی زود واین موقع باصفا است این دووقت موقع زیارت است دووقت موقع استجابت

دعا است یکی صبح قبل ازطلوع آفتاب و یکی غروب من وقت نمیکنم صبحها بالا بیایم مشاغل من زیاد است شما باید قدر این نعمت رابدانید .

پس از زیارت مقام حضرت رب اعلی وهتبه مقدسه حضرت عبدالبهاء به باغبانهای مقام اعلی دستورگل کاری فرمودند و در برابر فواره‌ئی که درحال فوران بود ایستاده ازمسافر هلندی سئوال فرمودند میگویند درشهرهای اروپا هم نظیر ندارد حقیقةً معنی الجنّة فی الظاهروالباطن فی الحقیقه جنّت است جنّتی که میگویند اینجاست جنّت ظاهر و باطن شما خوب موقعی ازسال مشرف شده اید باصفاترین موقع سال است احبا میدانند امرجمال مبارك در عالم چطور ترقی میکند این باغچه هارابه‌بینید دوماه پیش چه بود وحال چه شده چطورنشو و نما نموده الظاهر عنوان الباطن ظاهر عنوان باطن است امرجمال مبارك را با این باغچه ها مقایسه نمائید امرمبارك‌هم همینطورپیشرفت میکند مثل این‌باغچه ها چطورد وماهه اینطورترقی‌نموده وبعد فرمودند این مسافرین فردا عازم اند .

روز بعد ۱۹ مه تمام مسافرین وجمعی ازاحبای ارض اقدس محمود افندی وصبیه شان‌ومسافرهلندی‌وابراهیم‌افندی

را تا پای ترن مشایعت کردند . عصر آنروز فرمودند محمود[1] افندی و مسافر هلندی رفیقش با نهایت بشاشت رفتند تبلیغ یعنی اینکه با فعال محمود افندی میکنند از هر حیث ممتاز است بهائی حقیقی یعنی محمود افندی احبا اگر وصایای مبارک سرکار آقا را رفتار کرده بودند عالم بهشت شده بود مثلاً این یک فقره از الواح مبارک را که میفرمایند هر نفسی در سال یکنفر را تبلیغ کند اگر این نصیحت را عمل نموده بودند امروز عده احبا چند برابر بود ولی هیچکس را هم استثنا نفرمودند . میفرمایند اگر کسی ابجد هم نداند قیام نماید تائید میرسد ولی میدانند چطور تبلیغ کنند . به نیت خالص نیت خالص نفوس مبارکی را مبعوث میکند مثل جناب محمود افندی .

۱ــ جناب محمود افندی از احبای معروف پرتسعید بودند که سبب تصدیق اغلب احبای آنسامان گشته وشخص هلندی را که در طلب حضرت مسیح در اطراف و اکناف عالم سیروسیاحت مینمود نیز تبلیغ کرده بود که در معیت هم بفوز تشرف مفتخر گشتند . محمود افندی در عالم رؤیا دیده بود حضرت عبدالبهاء از او پنیر قرمز هلندی که دوست میداشتند طلبیده اند . برای دوستان نقل کرد . روزی هم در محفل بخاکپای مبارک معروض داشت

جناب محمود افندی این مسافرهلندی را یکماه ونیم در منزل پذیرائی نمود وابداً ذکر امر نکرد از شدت محبت ومهربانی این مسافرهلندی شیفته وتشنهٔ امر شد سئوال کرد که دیانت شما چیست من همه دنیا راگشته ام ولی تا بحال کسی باین اندازه مهربانی درحق من ننموده بود معلوم میشود شما متابعت امرکسی رامیکنید که او بشما دستورداده است بگوئید دیانتشما چیست آنوقت محمود افندی بالسان قلب باآنکه زبان یکدیگررادرست نمیدانند تکلم کردکه دیانت مادیانت بهائی است واظهارخجلت کرد که نتوانسته آنطورکه شایسته محبت بود مجری دارد .

این مسافرهلندی دوهفته است تصدیق امرمبارك کرده وشب وروز آرام ندارد الواح رابلسان هلندی ترجمه میکند جمال مبارك اورامبعوث فرمودند احبا اشتعال اوراسرمشق قراردهند ونیت خالص محمود افندی را .

هیکل اطهر مسافر هلندی را شبی بزیارت روضهٔ مبارکه اعزام فرمودند واین عبدراهم اذن فرمودند بمعیت او ودر مصاحبت آیت انقطاع جناب استادابوالقاسم

بقیه ازصفحه قبل : باکمال بشاشت بعربی فرمودند

" سمعت " . تعبیریروٴیای ایشان ظاهراً تصدیق همین مسافر هلندی بود که واقعاً هموجهی صبیح وگلگون داشت .

پاسبان امین روضهٔ مبارکه و مقام اعلی عازم شود .

درآن شب مسافرهلندی نیمهٔ شب تنها بزیارت روضهٔ مقدسه شتافت وبمناجات وابتهال پرداخت آرزو نمود بآنچه ارادهٔ الهی درباره اوتعلق گرفته موفق شود . روز بعد که بمحضرمبارك احضارگردید باو فرمودند جمال مبارك دیشب بمن امرفرمودند که مسافرهلندی به هلند حرکت نماید وچون رفیق عزیزما ازاستماع این بیان مبارك و خاطرهٔ شب قبل درروضهٔ مبارکه حالش دگرگون گردید امر فرمودند این مطلب نزد اومحفوظ بماند استدعانمود با این عبد شرمسار مطلب رادرمیان نهد عنایةً قبول فرمودند .

العظمة للّه که چگونه هرآن شواهد بیانات الهیه مشهود میشود . جمال اقدس ابهی جل کبریائه دریکی ازالواح مبارکه میفرماید :

" ای مشتاق عشق ناله از سر جان بکن تا در دل جانان مؤثر آید وگریه ازچشم روح نما تابلقای محبوب روشن شود از سوزش قلب بزار تاجمال یار بینی وازآتش عشق بسوز تا چون شمع از حسن نگار بر افروزی "

و هم چنین مسافر عزیزما همه روزه سحرگاهان قبل ازاین که احدی اززائرین بزیارت مقام اعلی فائزشود پیاده از

از مسافرخانه غربیها تقریباً مقابل بیت مبارك بسوی جبل ومقام اعلی میشتافت تاجبین برعتبهٔ مقدسه سامیه طلعت علی اعلی وروضهٔ مبارکه حضرت عبدالبهاء نهاد .

یکروز عصر در رکاب هیکل اطهر جمیع مسافرین وبعضی ازمجاورین ازجمله جناب دکتر اسلمونت و همین مسافر هلندی ومحمود افندی بزیارت مقام اعلی فائز گشتند . در مراجعت بسوی بیت مبارك که هفته ئی سه شب محفل یاران بر پا میشد وجمعیت احبا بطوری موج میزد که راه عبور مسدود بود درمدخل بیت همهٔ همراهان را اذن دخول عنایت فرمودند مگر این مسافر هلندی راکه باوی خداحافظی نمودند این عبد ذلیل حکمت ارادهٔ مبارك را درك ننمود ودرفکرواندیشه بود که چگونه این مسافر هلندی بااین درجه اشتعال ازحضوردرمحفل معذورگشت . این فکروخیال در سر باقی بود تاآنکه محفل بقدوم ولیّ امر محبوب الهی مزین گشت و بامر مبارك بعضی ازدوستان با الحان خوش از الواح وآیات الهیه تلاوت نمودند وهم چنین اشعار حضرت عبدالبهاراکه مطلع و منتهای آن این دو بیت مبارك است وبیت آخرکه حاوی اسم مبارك است درمحضر ولی امر الهی باین نحو تلاوت گردید .

این حلق بهـا در حلقه فتاد
این طوق بلا موی تو بود
برمدعیان گردیده عیـــان
عباس ثناگوی تو بـــود

آنگاه تاءکید فرمودند در احتفالات احیا ازمثنوی جمـال مبارك هم باید تلاوت گردد . دیگرمعلوم است چه نشئه وکیفیتی بود وبیت مبارك چگونه غبطهٔ ملاء اعلی گشته ایـن عبد شرمسار درگوشه ئی نشسته وهمچنان مست و مخمورلقای مبارك وروحانیت بی نظیرمحفل بود که هیکل اطهرخطـاب باین عبد ذلیل فرمودند . این مسافرهلندی شبو روز گریه وزاری مینماید که چرا جمال مبارك مرا ایرانی و عرب نیافریدند تابیانات مبارکه رادرك نمایم اگر امشب اینجابود چه میشد .

یکی ازاحبای مصر روزی دراثنای مشی مبارك دراطـراف باغچه های مقام اعلی وارد شد هیکل مبارك ازاحبا و اوضاع مری مصراستفسارفرمودند عرض کرد که فایق عرض عبودیت بمحضـــر مبارك تقدیم داشت و عرض نمود آنچه راجع باو بحضورمبـارك معروض گردیده اشتباه بوده است وجه مبارك برآشفت و با هیمنه وعظمتی بی نظیرفرمودند فایق شخص مخلصی نیست من باودستورادم متابعت محفل مرکزی مصر را بنماید اطاعـت

ننمود آنگاه بالحنی شدید ترفرمودند امر برخلق مشتبه میشود ولی برحق مشتبه نخواهد شد .

احبا باید ثابت و مستقیم باشند اساس ثبات بر امر است این ازتبلیغ مهم تراست اتحاد کامل بین احبا هرچیزی قابل عفو است هرگناهی توبه اش بآستان مبارك قبول میشود ... اگرخدای نکرده کسی بامفسدین معاشرت کند

... عرض بهیکل امر وارد است سرکارآقا احبا راوصیت فرموده اند که هیکل امر را مواظبت کنند احبا باید شب و روز بکوشند هیکل امر را مواظبت کنند ابداً بامفسدین معاشرت و مکالمه ننمایند باکسانیکه بامفسدین معاشرند معاشرت جایزنیست احبا باید بیدارباشند اصل وفا و ثبات در امر مبارك است و جانفشانی وهمت لیاقت در خلوص ومحبت و خضوع و خشوع کامل است این ایام خیلی مهم است ایام امتحان است احبا باید باعمال خود رابیارایند باید اخلاق حسنه داراباشند . کسی تصورنکند جمال مبارك خودش امر خودش را مرتفع میکند .

فایق هرچند باجرئت و همت است و زبان انگلیسی وفرانسه میداند و با اولیای دولت خوب ملاقات میکند ولی هیچیك از اینها بدرد نمیخورد نه استعداد بدرد میخورد نه نطق و

۱ــ صورت اشعار حضرت مولی الوری :

این حلق بها در حلقه‌فتاد
این طوق بلا موی تو بود
هر نفحهٔ مشك کایـد بمشام
از خلق وخوش وخوی توبود
گر آب حیات بخشیده حیات
سرچشمهٔ آن جوی تو بود
جان تشنه لب است دلهابه تب است
کل در طلب روی تو بود
بنگر صنما روی دل ما
چون قبله نما سوی تو بود
اسباب جنون آماده کنون
دل منتظر هوی تو بود
این کشته تو لب تشنه تو
آشفته دل موی تو بود
دل مرده همه افسرده همه
جانبخش همه بوی تو بود
بر مدعیان گردیده عیان
عباس ثنا گوی تو بود

بیان نه فرانسه وانگلیسی چیزیکه مقبول درگاه الٰهی است نیت خالص است و بس احباباید بانیت خالص قیام بهخدمت امر نمایند .

کوه دماوند ۱۹ هزارقدم است وکرمل هزار قدم ولی چون در ظل عنایات مبارك است مرتفع ترین کوههای عالم است .

تراموای الکتریك بکوه کشیده میشود یکی از زائرین استفسارکرد آیا بدست احباب خواهد شد فرمودند خیر اول بدست اغیار بعد بدست احبا میافتد .

ازمحضر مبارك استفسار شد آیا هندسهٔ مقام اعلی تغییر میکند فرمودند چرا مثلاً پلههای مقام همه مرمرخواهد شد دیوار سراشیب میشود که ازمقام گلها نمایان باشد جادهمقام بشارع آلمانیها وصل خواهد شد . اینجاکوه بود و هیچ آب و سبزه یافت نمیشد بنظر عنایت الهی چنین جنّتی درمیانش قرارگرفت اول زمینهاهیچ قیمت نداشت حالا خیلی ترقیکرده وباغچههای مقام اعلی خیلی مصفا است رونق رضوان راشکست بعدها بهجی هم خیلی مصفا خواهد شد انشاءالله من بعد مسافرین به بهجی راءساً میآیند . از دیدن گل حنا وگلهای دیگر هیکل مبارك بینهایت محظوظ

میشد ند .

دیگر آنکه ازحضورمبارك سئوال شد آیا مدرسه بنا میشود (مقصود مدرسه درجبل کرمل در جوار مقام اعلی است) فرمودند طول میکشد درامریکا بنای مشرق الاذکار یك میلیون دلار دیگر خرج دارد هنوز بنای‌گنبد وغیره مانده اول اتمام او مهم است اگر اقدام بمدرسه شود هر دو ناقص میماند .

باین عبد شرمسار فرمودند سفر ها انشاءالله بزیارت خواهیدآمد اسباب فراهم میشود خداوند برکت عطا میکند مسافرین میآیند عرض شد تا تائیدات مبارك شامل‌حال نشود احدی از مکان خود نمیتواند حرکت کند فرمودند بلی این امور از مقدرات است .

روزی هیکل اطهر به باغچه های‌مقام اعلی تشریف آوردند حجره های‌مقام منحصر به شش اطاق اعلی بود که حضرت عبدالبهابنافرموده بودند خلف مقام اعلی با فاصلهٔ تقریبا یك پیاده روی وسیع متصل بکوه بود آقا رحمت الله باغبان‌مقام اعلی رااحضار فرمودند وریسمان وگچ طلبیدند وباین عبد ذلیل امر فرمودند سر ریسمان راگرفته آنگاه باگچ موقع سه اطاق خلف راکه اکنون بهمان

سبك حجره های دیگر ضمیمه مقام اعلی شده بر روی زمین معین فرمودند و فرمودند مرحوم باقراف از حضور حضرت عبدالبهااستدعانمود اجازه فرمایند این سه اطاق را بنا نماید تصویب فرمودند امیدوارم انجالشان موفق باین خدمت گردند . بعدها چنانچه مسبوقیم روح مجسم جناب حاج محمود قصابچی ازاحبای مخلص عزیز بغداد مفتخر بکسب این سعادت شدند وهیکل اطهر در سنه ۱۹۰۲ حجره شرقی این سه اطاق رابه باب قصابچی تسمیه فرموده تاج افتخار ابدی بر فرق آن برگزیدهٔ درگاه کبریا نهادند .

احبا خیلی باید بکوشند که آثار کدورت و اغبرار درقلب هیچیك نباشد این از تهلیغ مهمتر است .

راجع به کمك بسیل زدگان نیریز که احبا قرارداده بودند باغیارهم کمك شود فرمودند خیلی فکر اساسی است .

درباره وظائف لجنه تقدیس که متصدی پذیرائی و ضیافت از واردین وغیره بود فرمودند بسیارخوبست ولی بیشترباید بصندوق خیریه اهمیت بدهند ضیافت مختصر باشد درارض اقدس هرکه میخواهد ضیافت نماید حتی المقدور بچای وشربت کفایت میشود وبقیه برای مصارف

مهم امری خرج میشود .

احبا باید بانهایت ذوق و شوق تقدیم تبرعات نمایند نه اینکه تحصیلدار مطالبه نماید . راجع به پیشنهاد تقدیم تبرعات بمیزان صدی چند عایدات افراد که ازطرف لجنه خیریه درطهران طرح شده بود فرمودند پیشنهاد ضرر ندارد ولی باید بروحانیات صرفه باشد تمام شهرها باید صندوق اختصاصی برای تبرعات به صندوق طهران داشته باشند و بطهران برسانند .

لجنه خادمین اطفال باید شب و روز بکوشند که یك طفل بهائی ولو مبادی راتحصیل نماید که بی‌سواد نماند .

پیشنهاد محفل روحانی همدان را درامر جمع‌آوری الواح مبارکه حضرت ولی امرالله تصویب فرمودند و فرمودند در مجموعهٔ دیگری جمع شود (که منظورمبارك آن بود در یك مجموعه باالواح جمال اقدس ابهی وحضرت عبدالبهانباشد) اعیاد وجشنهاباسم مبارك جائز نیست .

راجع به تقدم کلیمیان فرمودند این مطابق وعود حضرت عبدالبهااست درلوح مبارکی که بهمدان در ۲۸ سال قبل نازل شده میفرمایند در فنون ظاهره برپیشینیان سبقت میگیرند الیوم ظاهر شده .

اعضای لجنات را محفل روحانی برحسب بصیرت ومهارت هرشخص معین کنند مثلاکسی که در امورمالی مهارت دارد بلجنه مالی وغیره عضویت لجنه ریاستی نیست وظیفه بکسی نمیدهند اعضای لجنات و محافل باید همینکه در لجنه و محفل حاضر شدند بدانند ازبرای خدمت حاضر شده اند به نیت خالص قیام کنند .

حجاب عنقریب مرتفع میشود بشارت بدهید ولی عجالةً اجتماع رجال و نساء دریك مجلس ابداً سزاوارنیست در این خصوص امر مبارك سرکارآقا این است که زنهای احبا متابعت ارض مقصود نمایند حجاب مرتفع میشود ولی بدو شرط شرط اول استعداد داخلی و شرط دوم استعداد خارجی است . استعداد داخلی یعنی آنکه زنها شب و روز بکوشند که خود را تزکیه نمایند بطوریکه مجسمهٔ عفت وعصمت وتقدیس گردند به سادگی قیام کنند آرایش و آلایش را بکلی کناربگذارند ابداً سزاوارنیست آرایش وآلایشی همراه داشته باشند . میل ما اینست که زنهای احبا خیلی ساده وموقر و متین باشند شب و روز دور هم جمع شوند به بینند اسباب ترقی شان چیست این استعداد داخلی بود . اما استعداد خارجی عبارت از این است که

عنقریب نفوذ آخوند ها ازبین میرود احبا مطمئن باشند آنوقت مقتضیات مملکت هم مساعد میشود این امر مبارك را اغیار پیشرفت خواهند داد احبا پیشقدم نشوند زنهای اغیار پیشقدم میشوند آنوقت زنهای احبا هم با کمال سادگی درعقب آنها بیرون بیایند ولی میل ما اینست که بعد ازآنکه زنهای اغیار بیرون آمدند زنهای احبا ساده بیرون بیایند برای عزت امر بهتر است .

شرط اول مهم است عجالةً زنها در استعداد داخلی بکوشند که مجسمه تقدیس و عفت و عصمت وعاری از آرایش و آلایش شوند .

ضمناً مطالب ذیل نیز اضافه میشود :

درطبقهٔ زیر مسافرخانه اطاقی محل سکنای میرزا احمد فرزند ارشد و وصیّ اول یحیی ازل بود که در ایام مبارك حضرت عبدالبهاء بهیکل اطهر روی آورده وبفرمودهٔ مبارك مولای محبوب در لوح قرن " تائب و راجع گشت" وحضرت مولی الوری توبهٔ اورا قبول فرمودند . 1

۱ــ در دستخط مبارکی که اخیرا زیارت شد وهیکل اطهر در ایام اقامت درانگلستان از یونیون سوسایتی اکسفورد Union Society Oxford مرقوم فرموده اند این بیانات مبارکه مسطوراست قوله الاحلی

حضرت ولی عزیز امرالله نیز پس از صعود مبارك میرزا احمد را در ظل عنایات خود مأوی دادند و او تا آخر عمر در ارض اقدس زیست نمود و از خوان نعمت مبارك مرزوق بود در ضمن برای والد هیکل مبارك نیز تحریر میکرد ومقالاتی راهم که در جرائد بترکی درباره اعلای امرمبارك منتشر میشد حسب الامر مبارك ترجمه مینمود ودر جلسات احبّا در حضور مبارك قرائت میشد .

در آن ایام در باغچه های کنونی مقام اعلی بین مسافرخانه و مقام عمارتی دوطبقه وجود داشت که آقا عباسقلی خادم مقام اعلی ساخته بود ودر آن سکونت داشت وحضرت مولی الوری غالباً در آن محل نزول اجلال میفرمودند .

زیرنویس (بقیه ازصفحه ۲۹)

" دیگر آنکه الیوم مکتوبی ازجناب میرزا محمدعلی افنان از ارض اقدس واصل حکایت ازتشرف احباء ایرانی وفرنگی مینماید ازجمله نجل ازل که خاضعاً درنهایت یاءس وپشیمانی وافتادگی حول عرش در این ایام طائف قوهٔ میثاق صخرهٔ صمّا را چون آب نماید وزمرهٔ اعدا واشرار را پراکنده وپریشان وخائب وخاسر کند مهندس امریکائی بعضی ازاحباوآقا میرزالطف الله مشغول نصب چراغهای الکتریك درجوار وروضه مبارکه هستند نعیماً لهم وللناظرین . "

و همچنین درطبقات زیرمقام اعلی دوعمارت متعلق به مسیحیان بود که بالای آن صلیب نصب نموده بودند و سالهای متمادی به نیت اهانت بمقام اعلی صلیب را شبها روشن مینمودند هیکل اطهربفرمودهٔ مبارکشان احتراماً لمقام المبارك وجود هیچ بنائی رامشرف و درجوار مقام اعلی جائزندانستند لذا عمارت آقاعباسقلی را بعدها برداشتند و دو عمارت واقعه در زیر طبقات را پس ازمفاوضات طولانی که صاحبان آن در بدو امر حاضر بفروش نمیشدند وبالاخره مستاءصل گشته ازحضورمبارك استدعانمودند ابتیاع فرمایند ابتیاع فرموده باسنگهای آن عمارت یك طبقه غیر متصل بمسافرخانه اصلی راانشاء وباخرابه های آن باغچهٔ غربی مقام اعلی راایجاد وخاك وسنگ و خاشاك آن دو عمارت رابه تعبیرملیح مبارك درآن باغچه هاکه بشکل تابوت است دفن نمودند وبحضرات تصریح فرمودندکه مابه صلیب که رمزی از رزایای حضرت روح است احترام میگذاریم ولی درهر حال صلیب درظل مقام اعلی است وابتیاع آن دو عمارت مشروط برآن است که خود شان بدست خود صلیب را پائین بیاورند و چنان کردند .

———

دریـــــوم یـکشنبـــــه درمقام اعلی محفل احبـا بر پا بود . وهیکل اطهر به محفل تشریف فرما نشدنـــد این عبد شرمسار آرزوی خدمت داشت وسینی چای بردست بمحضر احبای الهی چای تقدیم مینمود ناگاه درحالی کـه چشم متوجه بیت مبارك وماورای آن روضهٔ مبارکه آنطرف دریا گردید هیجانی درقلب احساس کرد وآرزونمود درموقـــــع اقتران مبارك ولی امرمحبوب الهی درارض اقدس حضورداشته باشد وبخدمت پردازد بی اختیار اشك ازدیده روان گردید بعضی ازمتقدمین متوجه شدند وبدون آنکه از سبب استفسار نمایند بنوازش این عبد شرمسار پرداختند . این عبد دیده های خود راپاك نمود ولی خاطره اش دردل وجان کالنقش فی الحجر باقیماند سالهای مدید دراین آرزو و انتظار گذشت تـــا میعاد محتوم رسید وبنحوی که شرح آن ازبعد میآید ایـــن آرزو وآمال تحقق یافت . حمداً الف حمد لعنایاته والطافه

دراینجا ازلحاظ آنکه مبادا ازبرای رعایت تقدّم وتاٴخر مطالب خاطرهٔ تشرف بمقامات مقدسه علیا دررکاب مبارك و ذکر الطاف وعنایات لانهایه هیکل اطهر نسبت بعمـــوم احباویاران عزیزایران بتعویق افتد وفرصت درج آن مطالـب بتفصیل ازدست رود بنقل شمه ئی ازآن خاطرات خارج ازنوبت

مبادرت میگردد :

(نقل ازخاطرات تشرف ثالث بلقای مبارك ۳۱ مارس ۱۸ آوریل ۱۹۳۷)

اکنون ازآنجاکه شکر واجب واجب است مناسب میداند درخاتمه این فصل رشحی ازخاطرات خصوصی ایام تشرف و سرامدآن زیارت مقام مقدس اعلی وروضهٔ مبارکه حضرت عبدالبهارا درمحضرمبارك بنگارد وهمچنین تلطفات وتعطفات مولای محبوب رانسبت باحبای عزیزالهی وزائرین درایام اخیر تشرف و یوم وداع یادنماید شاید این تذکار جرح قلوب کئیبه را تا اندازه ئی التیام دهد واین بینوایان را بشرف تقرب بآستان منیعش درعالم بالا فائز نماید ولیس ذلك من فضله ببعید .

ازجمله تشرف احبای عزیز به دوعتبهٔ سامیه پسراز احتفال عمومی هفتگی مسافرخانه در یوم یکشنبه ٤ آوریل بود که عموماً بحال اجتماع درر کاب مبارك برای زیارت روان شدند مولای محبوب درنزدیکی مقام حضرت عبدالبهاء کفشهای مبارك رابیرون آورده بانهایت خضوع بدرب مقام اعلی نزدیك شدند قالیچهٔ کوچکی زیر پای هیکل اطهر درخارج مقام گسترده بود دم درب ایستادند گلاب پاش دردست هیکل اطهر

بود بفرد فرد احبا گلاب عنایت فرمودند آنگاه بمقام[1] حضرت رب اعلی ورود نموده سر بعتبهٔ سامیه نهادند و بعد مقابل زیارتنامه که درقابی بدیوارنصب شده است قرارگرفتند لحن دلربای رنّان مبارك درآن فضای قدس جانان طنین انداز گشت .

" الثناء الذی ظهرمن نفسك الاعلی "

پروردگارا تو شاهدی که بر حاضرین چه گذشت و چه مبارك ساعتی بود (نسوان احبا نیز پس ازاحتفال هفتگی که در مسافرخانه زنانه برپا بود در حجرهٔ مقابل یعنی حجرهٔ شرقی جمع بودند و از استماع لحن مبارك محظوظ) تلاوت زیارتنامه ادامه داشت تا آنکه به جمله " فیا الهی ومحبوبی فارسل علیّ من یمین رحمتك وعنایتك " رسیدند مکث و تاءملی طولانی فرموده باز بتلاوت ادامه دادند تا نوبت بتلاوت تحیات " علیك یاجمال الله ثناء الله وذکره رسید مجدد تاءمل فرمودند گوئی حال مبارك منقلب بود آنگاه پس ازاتمام زیارتنامه وچند دقیقه تاءمل بسوی عتبهٔ

۱ــ نظیر این تشرف در روضهٔ مبارکه جمال اقدس ابهی جل کبریائه دراسفار بعد نصیب شد که درآن مقام مقدس هیکل اطهر در داخل روضه مبارکه جمیع را باعطرگل سرخ معطر فرمودند .

مقدسه پیش‌آمده زانوان مبارك خم و جبین اطهر بر روی آستان قرار گرفت لحظات و دقایقی چند بر این منـــوال گذشت احبا ایستاده ناظر آن منظرهٔ دلنواز بودند .

در اینجا عالمی ازاسرار نهفته است راز و نیازی که آن طلعت احدیه در اعتاب مقدسه باصاحب مقامات میفرمایند عاجزم من این زمان از سرگذشت (یاد باد وقتی را کـه در زیارت فردی درحالیکه سر از سجده بر میداشتند دو دست مبارك را از برگهای گل عتبهٔ مقدسه که همه روزه نثار آستان مبارك میشد پر فرموده به زائر بینوا عنایت فرمودنـد آیا دیگر چنین حالی در این حیّـز ادنی وگردش گردون تاظهور آتیهٔ اب سماوی تکرار میشود سبحان ربّنا البهـی الابهی سبحان ربنا العلـی الاعلی که چنین فرع مقدسی در این ظهورمبارك از آن شجرتین ربانیتین منشعب گردید

ای مولای بیهمتا دیده برداشتن از روی توام ممکن نیست
بیجمالت چکنم نور ندارد بصـــرم

آنگاه آهسته بدون آنکه روی مبارك را از عتبه برگیرند از پشت سر خارج شدند دیگرنوبت احبای الهی بود که تاءسّی بمولای محبوب نموده عتبه مقدسه راتقبیل وبعـضی غبارقدمگاه هیکل اطهر را کحل بصر نمایند همین کیفیت بار دیگر در

مورد زیارت عتبهٔ مقدسه حضرت مولی الوری تکرار شد .

باز یاد باد احیانی راکه زائرین بمحضر مبارك وارد میشدند وبیاناتی عنایت آمیز از لسان اطهر استماع میشد قارئین عزیز امید وارم براین عبد مستمند خرده نگیرید کلماتی که هیکل مبارك استعمال میفرمودند همان کلماتی است که مردم عادی درمحاورات خود تکرار مینمایند بااین فرق که آن از بن قلب برمیخاست یعنی قلبی که حضرت عبدالبهاء درالواح وصایا نورانی وصف فرمودند و بفرمودهٔ مبارك " حساس است " واین از سر زبان آن تا اعماق قلب و اجیال آتیه نافذ است واین بفرمودهٔ مبارك همهمهٔ حروف و کلمات آن جان‌بخشد واین هیچ دردی دوا ننماید .

باری قریب باین مضامین کلمات قصار و بیانات روح‌بخش که درحسرت استماع حرفی ازآن دیگرباید خون گریست و بمقصود فائز نشد از فم اطهر درّی آن مولای عالمیان بمناسبت هرموقع و مکان جاری میشد واز استماع آن نغمات رحمانی جان در اهتزاز بود . از جمله :

بفرمائید کلاه را سر بگذارید گریه نکنید مسرورباشید باید لبتان خندان باشد انشاءالله‌خستگی سفر رفع شده

منزل شما در مسافرخانه است درجوار مقام اعلی بسیاری از نفوس آرزوی تشرف دارند الحمدلله شما فائز شدید الحمدلله وسائل فراهم شد .

بفرمائید بزیارت برویم بشما خوش میگذرد امروز شما نیابةً از طرف عموم احبای ایران زیارت کنید من‌هم نیابت میکنم دعا میکنم باید این بشارات را در هرمرکزی وارد میشوید باحبا تفهیم کنید تبیین کنید از قِبَل من بشارات مرکز و بشارات شرق و غرب و شمال و جنوب . من این مطالب را برای شما میگویم که مسرور باشید واحبای ایران را مستبشر کنید هفتهٔ آتیه هم شمارا بروضه مبارکه میفرستم زیارتتان مکمل شود ازطرف تمام احبای ایران باید زیارت کنید .

خوش آمدید بفرمائید قدری راه برویم حال شما چطوراست پیشتربیائید عقب نروید پیش بیائید امروز چه میکردید من مشغول مطالعهٔ مکاتیبی بودم که باخود همراه آوردید مکاتیب پی در پی میرسد ولی مطالعهٔ مکاتیبی که شما آوردید مقدّم بود مکاتیب محفل روحانی ملی و محلی بود .

خوش‌گذشت (زیارت روضهٔ مبارکه) زیارت مکمل گردید روضهٔ مبارکه را زیارت گردید به عکا هم رفتید بیت مبارك را زیارت کردید باغ رضوان هم رفتید (که جواب همه تعظیم بود) قصر مبارك راهم که زیارت کردید بغرفهٔ مبارك‌هم داخل شدید قصر مبارك چهل سال دردست ناقضین بود . . . این‌اول دفعه زیارت شما بود . یکدفعه دیگرهم شمارا به روضهٔ مبارکه میفرستم .

بسم الله بفرمائید امروز بزیارت مقام میرویم پیش‌تر بیائید حال شما چطوراست بشماکه بد نمیگذرد در مسافرخانه تنهاهستید مسافردیگری‌نیست چه میکنید روزها (عرض‌شد بعضی یادداشتها) مطالعه هم میکردید درمسافرخانه کتب امری بلغت های‌مختلفه برای مطالعهٔ مسافرین هست مخصوصاً دستور دادم آنجابگذارند فراغت داشته باشند مطالعه کنند بعضی ازکتب هست که نسخ آن بایران نیامده چون ورود کتب مشگل است کتب امری زیاداست بایران میفرستم بعضی‌ها پیش را شمابااحبای‌طهران مکاتبه کردید درفکرهستم شما را یکمرتبه دیگردراین هفته بزیارت روضه مبارکه بفرستم و این

زیارت اخیر شما خواهد بود قبل ازمراجعت بطهران این دفعه که‌قصر میروید مکتبه ئی من در قصر ترتیب داده ام مکاتبه کنید و توکل کنید عکا تسلیم پوسطه کنید انشاء الله میرسد .

درمراجعت اززیارت روضهٔ مبارکه وقصر بهجی و قشله وخان وجنینی وسایر مواقع متبرکه " :

زیارت خوش‌گذشت زیارت مکمل گردید این زیارت اخیر شمابود به روضهٔ مبارکه قبل از سفر بایران خاتمةالطواف فاتحة الالطاف قشله هم رفتید (زیارت قشله منحصر به روزهای جمعه بود) قشله سجن جمال مبارك بود مدت دوسال آنجاتشریف داشتند بعد به بیتی‌که زیارت کردید تشریف بردند وهفت سال آنجاتشریف داشتند وازآنجا به مزرعه و جنینی وغالباً هم بباغ رضوان تشریف میبردند و دراواخر حیات مبارك در قصر بهجی کتاب اقدس هم در بیت مبارك نازل شد .

بقعة الحمرا رفتید بااحبامکاتبه کردید فردا صبح هم جائی نروید محفظه آثار را زیارت میکنید .

پس از زیارت محفظه آثار :

محفظهٔ آثار را زیارت کردید هرسه غرفه را دفعهٔ پیش زیارت نکرده بودید زیارت شما مکمل شد ازهرجهت کامل شد هیچ نقصی نداشت انشاء الله سفر دیگر هم بزیارت بقاع مبارکه نائل میشوید چند روزاست دراین جوار هستید بخاطر دارید حسابش را من نوزده شب تعیین کردم مسافرین درجوار این مقامات بمانند شما ماءذون هستید هروقت وسائل زیارت فراهم شد و بخواهید عازم شوید این اجازه خصوصی است که بشما داده شد از چه راه عازم میشوید از شام یا بیروت ازهر راهی که اسهل است خودتان رادرراه خسته نکنید بااتومبیل میروید اتومبیل مثل کشتی و ترن نیست که راحت باشد .

اگرفرصت داشتید عواشق هم بروید درعواشق خلیل الرحمن بود که شمع انجمن احباب بود خیلی مشتعل ومخلص بود و خدوم احبای عواشق بسیار منجذب اند آنجا بروید وملاقات کنید مؤثر است .

مقصود ازذکراین مراتب آن بود که قارئین عزیز ملاحظه نمایند تاچه اندازه هیکل اطهرنسبت بزائرین رئوف و مهربان بودند راءفتی که نظیرآن ازهیچ اب مهربانی در عالم وجود مشاهده نشده وباآن مشاغل وفیره که تصورآن هم

از استعداد ما خارج است توجه مبارك معطوف رفـــاه وآسایش وزیارت و خط سیر سفر وجمیع شئون زائرین بود حتی غالباً ازروی کمال لطف امرمیفرمودند باغبانها ازنارنگی هـای مقام و مراقد برای مسافرین بچینند وبیاورند که این عنایـت مخصوص زائرین بود .

اما لحن مبارك و نفس مسیحائی هیکل اطهر بقدری جذّاب و مهیمن وبالطف و عنایت بود که اقلام از وصفـش عاجز. یکی از جریده نگاران که در اثنای مسافرت خویـش بدرك حضورمبارك فائز شده بود درمراجعت بطهران در محفلی از وزرا و درباریان که ازتفصیل سفر اواستفسـار نمودند شاه بیت سفر خویش را زیارت لقای حضرت شوقـی افندی بیان نمود وچون مستفسر حال شدند گفت چه عرض کنم سعدی علیه الرحمه را دیدم بر سریر جالس وگلستان نطق میفرماید و هم چنین ازطراوت و تنظیم حدائق ذکر نمود که ذره ئی خاشاك و برگ خشك درآن حدائق دیده نمیشود . باغبانها بالسان شیرین پارسی صحبت میکننـد لبشان ازشادی چون گل شگفته است . دیگری گفت حقیقةً انسان خود را در بهشت ملاحظه میکند من همه جا سیر و سیاحت نموده ام خود و خاندانم در گل نشو و نما کرده ایم

جایزهٔ پرورش گل همه ساله نصیب ما میشود معذلك در دنیا جائی رابه طراوت باغهای بهائیان کرمل ندیده ام حقیقةً باید افتخار نمود باغچه‌های کرمل از عجائب سبعه دنیا است . باز از باغبانها یادکردکه اسمائشان ایرانی است باکمال خلوص ومحبت ازوارد ین استقبال میکنند روزیکه مخصوصاً از بیروت برای دیدن حدائق رفتم بارانی بود و باغبانهابرای من چترها ضرنمودند وبرخلاف اماکن سایر ادیان نه فقط دیناری از وارد ین قبول نمیکنند بلکه استغنایشان ازبرای جمیع سرمشق است .

نه اینکه تصورشود هیکل اطهربهمه کس اذن عنایت میفرمودند رفیق عزیز ما سعادتمند بودکه چنین عنایتی شامل حالش گردید .

دیگرآنکه بیانات مبارك چه کتبی وچه شفاهی درمنتهای فصاحت و بلاغت بود گوئی فصاحت و بلاغت در آن ساحت قدس راه نداشت وکلامی بآن بلاغت و شیرینی در زبان فارسی نیامده وهمچنین آنچه بعربی تکلم میفرمودند و یاازقلم عزّ نزول مییافت .

مطلبی که خاطرهٔ آن آتش برجان میزند وتاحال مرتب تحریر آنرا تااین موقع که این فصل در شرف اتمام است

بتاء خیر انداخته وهرآن‌که بخاطر میگذرد سیل اشك از دیده روان‌میگردد آنکه‌این عبد شرمسار از محضر مولای محبوب استدعای‌نسخه ئی ازشمایل مبارك نمودند فرمودند " یکی ازشمایلهای مبارك را بشما میدهم یادگارمن‌خواهد بود نزد شما بهمین اکتفا کنید " همینکه این جمله بر لسان مبارك جاری شد که " یادگارمن خواهد بود نزد شما " دنیادربرابردیدهٔ ناقابل این عبد سیاه گشت دریافتم‌که خاکم بسر این عبد ذلیل شرمسار را قسمت آنست دراین جهان ناپایدار زنده بماند و صعود مبارك واقع شود آه آه عماقضی وامضی بسیار اشك ازدیده روان شد " لیس لنا الاّ التّسلیم والرّضاء "

در یوم تودیع از محضر مبارك (۱۸ آوریل ۱۹۳۷)

درضمن عطایای مبارك شمایل مبارك حضرت مولی‌الوری را که داخل دوسیه‌ئی قرارداشت بازفرموده باین‌عبد شرمسار عنایت فرمودند و فرمودند عکس‌من راخواستید شمایل مبارك رابشما یادگار میدهم روحی‌لعنایاتك الفدا .

این عبد شرمسار قلم تقدیم نمود که درروی شمایل مبارك مرقوم نمایند فرمودند " عکس مبارك است جایزنیست من بنویسم " اکتفا کنید " این شمایل مبارك شمایلی است که

حضرت مولی‌الوری درحالیکه ایستاده اندگلی دردست مبارك است .

این عبد در روز تودیع درحالیکه بارادهٔ مبارك رو بروی هیکل اطهر در سالن بیت نشسته وبحر بیانات مواج بود در خاطر افکار و آرزوهائی میپروراند درعین حال خجل و منفعل بودکه چرا باید اسیر آن افکارباشد وازطرفی خود راتسکین میدادکه بالاخره مابشریم ومعدن عجز ونقائص آرزو بجوانان عیب نیست هیکل اطهرروحی لعتبة السامیة فدا باآن احاطهٔ غیبی‌که‌مافی‌الضمیرنفوس رامیخواندند نظری‌عمیق باین عبد ذلیل افکنده رشتهٔ کلام راقطع و باین بیان احلی ناطق گشتندکه من در باره شمادعامیکنم بآنچه ارادهٔ الهی‌است موفق بشوید

دل میبرد زدستم صاحبدلان خدا را

که هزاران هزار معانی واسرار و درس تسلیم ورضادرآن نگاه وبیان مبارك مستور و نهفته بود .

حال بذکربعضی‌ازبیانات عنایت‌آمیز هیکل اطهر در ایام‌تشرف و وداع نسبت باحبای عزیزکه هنوز هم بی‌شبهه ازعالم غیب و ملکوت جلال متواصل است‌این فصل راپایان میدهد امیدآنکه سبب قربیت‌این مهجوران‌بآستان مبارك

گردد وذکر آن بنحوی دراین جهان بی بقا پایدار بماند

من ازاحبای ایران راضی هستم ممنون هستم قلب من از آنها مشعوف است درسنوات اخیره ثبات واستقامت بخرج دادند به ثبات و استقامت فائز شدند هنوزامتحانات تمام نشده وانقلابات ادامه دارد . انشاءالله استقامت میکنند واستقلال امر درایران اعلان میشود بوقتش حالا زود است .

احبای ایران احبای ممتحن جمال مبارك اند امتحانات شدیده دیده اند واستقامت کرده اند من بوجودآنها فخر میکنم تمام بهائیان هم فخرمیکنند هم در شرق وهم در غرب ایران وطن بهائیان تمام دنیا است الحمدلله دشمنان قدیم از بین رفتند درایران انتخابات ملی واقع شد وکانونشن و مجمع شور روحانی تاسیس گشت ارکان امر درایران نصب شده من بعد گنبد آن هم زده خواهد شد .

پیامهای مرا باحبا ابلاغ کنید احبارا درهمه جا ازقبل من تحیت برسانید بهمه محبت مرا ابلاغ کنید من هیچوقت احبارا فراموش نمیکنم باحبا بگوئید در ارتفاع امر قیام کنند باکمال نشاط واستقامت و ثبات در خدمت و

ترویج امرالله وارتفاع امر بکوشند تائیدات آلهی میرسد حضرت عبدالبهاء مکررفرموده اند جنود تائید وتوفیق در آسمان معلق است و منتظر به بینند کی قیام کرده او را نصرت بدهد نصرت الهی منتظر قیام احبا است تائیدات شامل حال میشود بشرط اینکه احباهم قیام کنند برخدمت هم بقول هم بفعل.

درهر مرکزی‌که وارد میشوید واحبا را ملاقات میکنید در بغداد عواشق کرمانشاه قزوین و طهران احبا را از قبل من تحیت برسانید بگوئید هیچیك فراموش نمیشوید

آنگاه آغوش مبارك را باز نموده مصافحه فرمودند دیگر ازحال این بینوا مپرسید چگونه از محضر مولای محبوب وداع نمودم وبراین عبد ذلیل چه گذشت و چه بوسه ها نثاراقدام مبارك شد. امیداست بفضل قدیم و کرم عمیم این‌عاصی نادان رامشمول عفو و غفران فرماید.

وآخرین بیان مبارك‌که از درب سالن خارج شدند این بود که: "درامان الهی"

مولای محبوب، مجلس تمام گشت و بآخر رسید عمر
ما همچنان در اول وصل تو مانده‌ایم

بازگردیم به بقیه شرح تشرف سفر اول :

باری کم کم ایام وصل بسر آمد و خاتمه دوران لقا نزدیك شد روزی اشاره فرمودند که قریباً باید با سائر زائرین از جمله جناب آقاشعبان اقراری وعائله شان (که شرح عزیمت ایشان از طهران از پیش گذشت) عازم حرکت گردیم. جناب اقراری در معیت یکعده رفقای کلیمی ازطهران حرکت نموده وبارفقای خود قرارگذارده بودند که آنها بزیارت قدس واماکن مقدسه اسرائیل بروند و ایشان بزیارت اعتاب مقدسه بهائی فائز گردند . درحین تشرف در مقام مقدس حضرت رب اعلی درالتزام رکاب مبارك حضرت ولی امرالله‌چون رفقای ایشان عازم زیارت مرقد یکی ازانبیای اسرائیل شده بودند جناب اقراری در دل خود آرزونمود کاش ایشان‌هم بزیارت آن مکان موفق گردد و بر وفق اقرار خود شان جرئت عرض مطلب را بخاکپای مبارك نمینمود

همانروز پس ازاتمام زیارت مقام اعلی هیکل اطهر بایشان اشاره فرمودند خوبست بزیارت آن نبی بروید وهمچنین سایراماکن متبرکه یهود راهم در قدس و سایر جهات زیارت کنید تاقدر مقام اعلی معلوم شود . این‌بود که در ورود این عبد شرمسار بارض اقدس جناب اقراری در سفربیت المقدس

بودند تاآنکه در مراجعتشان درجوار بقاع مقدسه دیدار حاصل گردید . جناب اقراری از سفر خود مسرور و از برای شکرانه بساحت قدس که فرموده بودند احبا مواقع متبرکه سایر ادیان راهم زیارت نمایند تاقدر بقاع مقدسه را بدانند اذن طلبیدند درمحفل عمومی لوح مبارك حضرت عبدالبهاء راکه باخط عبری درکتابچه خود نوشته بودند درمحضر مبارك تلاوت نمایند . مضمون آنکه مواقع اثرات روحانی خود راازدست داده . و بقعهٔ مبارکه منبع فیوضات است .

همینکه هیکل اطهر اشاره به قرب حرکت زائرین فرمودند طبعاً آثار حزن در وجههٔ عموم پدیدارگردید درمقابل این حزن وتاءثرهیکل مبارك باین عبد فرمودند جناب امین سفارش نموده اند که شمابزودی بایران مراجعت کنید و از خط جناب امین هم که برحسب ظاهرمطابق رسم الخط نبود ولی چون با مداد خلوص عرض نموده درباطن ازبهترین خطوط تمجید واستفسا رازدید بصرایشان درآن سنین کهولت فرمودند آن ایام نزدیك لیله مبارکه صعود حضرت بهاءالله جل ثنائه بود حضرت ورقه مقدسه مبارکه علیادرمحضر مبارك شفاعت نمودند که زائرین برای شب صعود جمال مبارك بمانند و هیکل مبارك اطهر قبول فرمودند متاءسفانه یکی از رفقا که

مایل بود هرچه زودتر عازم شود عجلهٔ خویش را بـــرای مراجعت بسمع مبارك رساند واجازه خواست که بزائریـــن که عبارت از جناب اقاری وعائله شان و این عبد بودنـــد امرشود باوسائل کرایه که ایشان در اختیار داشت حرکت کنند یك عدهٔ دیگر از زائرین عشق آبادی ازجمله جنـاب میرزاکوچك قدیمی و میرزاجلال و رفقاشان قبل از مامرخص شده بودند .

این بود که هیکل اطهر حوالی غروب جمعه ۲۲ مـــه ۱۹۲۵ زائرین را احضار و امر بمرخص شدن روز بعـــد فرمودند و امر نمودنـد بزیارت احبا در اثنای طریـــق مخصوصاً احبای عزیز عواشق در عراق فائز گردیـــــم و پیامهای مقدسه ئی برای محفل ولجنه ها و بعضـــی از احبا ابلاغ فرمودند ازجمله فرمودند در طهران بـــــه دو نفس مبارك تحیت مرا برسانیـد یکی جناب حقیقـی و یکی جناب قائم مقامـی .

و همچنین پیامهائی برای لجنه نشر نفحات در بـارهٔ طبع اوراق و اخبار امری والحاق دولجنهٔ نشر نفحـــات و ارتباط شرق وغرب با یکدیگر فرمودند .

در مورد مطالعهٔ کتب بعضی از ناقضین که قبل از

نقض نوشته اند هیکل اطهر فرمودند :

" ما بنده جمال مبارکیم جمال مبارك ظاهر شدند که تعصبات را از بین ببرند ... من یك وقت منع میکنم یکوقت تشویق میکنم یکوقت مجبور میکنم یکوقت باختیار خود احبا میگذارم".

مجدداً فرمودند :

" من در فکرهستم که ایادی امر را که در کتاب وصایا مصرح است تشکیل دهم ولی باید نفوس را خداوند مبعوث کند مشاغل من زیاد است دیروز پست رسیده و یك روز مشغول مطالعه پست بودم ".

و همچنین در مورد اعزام مبلغین باقالیم مجاوره و مطالب اخری بیانات شتّی فرمودند .

در خصوص ترقی امر فرمودند : حضرت موسی و حضرت عیسی خبر ترقی اسرائیلیان را دادند و ظاهر شد بشارات ترقی امر را در ایران جمال مبارك و حضرت عبدالبهاء داده اند و با ابلاغ عنایات مبارکه نسبت باحبای عزیز که روزی نمیگذشت از

خاطرمبارك محو شود باین‌وجه به بیانات متعالیه مبارکه خاتمه دادند :

بفرد فرد احبابدون استثناتحیت مشتاقانه قلبی مرا برسانید وبگوئید که هیچیك ازشما دقیقه ئی نیست که از نظر فراموش گردید فرد فرد شماهمیشه اوقات در مد نظر بوده وهستید احبای ایران یاران دیرین جمال مبارك اند .

مجلس تمام گشت و بآخر رسید عمر
ماهمچنان در اول وصل تو مانده ایم

دیگر معلوم است تودیع مبارك چه آتشی بر قلب زد و چگونه سیل اشك از عیون زائرین وزائرات جاری شد . در آخرین وهله صبیهٔ کوچك جناب اقراری را طلبیدند ومقداری نقل وهمچنین سکه ئی طلا باو عنایت فرموده دست راءفت ومرحمت و شفقت بر سر آن طفل نهادند وفرمودند امیدوارم بسلامتی بایران برسید . قضارامسافتی‌که بنابود در راه‌شام کمترازیکروز صرف شود به سه روز انجامید و شب صعود مبارك بجای روضهٔ مبارکه درارض اقدس و محضر مبارك مانند شام غریبان در راه شام گذشت وبراثرعنایات وادعیه مبارك صبیه جناب اقراری ازخطر حتمی‌که پیشرآمد نجات یافت .

حال چون ذکر شفاعت حضرت ورقه مقدسه مبارکه علیا

بمیان آمد بپاس خاطرهٔ آن ایام و آرزوی تقرب به عتبهٔ مقدسهٔ سامیهٔ آن ثمرهٔ ازلیهٔ سدرهٔ منتهی سطور ذیل باکمال خضوع و تضرع وابتهال عرض میشود :

عسی ان یفوز بفوزالاجابة والقبول .

دریکی ازلیالی که دربیت مبارك محفل منعقد بود این مناجات حضرت مولی الوری جل ثنائه تلاوت شد که :

" ای خداوند بخشنده کوکب بخشایشت برجهان آفرینش درخشیده ودریای احسانت مواج بر کائنات گشته ابررحمتت در فیضان است ونارمحبتت در فوران باغبان احدیتت درخیابانهای دلها بطراحی گلهای معارف پرداخته وطراوت ولطافت بینهایت یافته الی آخر بیانه الاحلی [1]

دراثنای تلاوت مناجات ولی امرمحبوب الهی بقدوم مبارك محفل روحانیان رامنور فرمودند حاضرین قیام کردند و مولای بیهمتا امر بجلوس وادامهٔ تلاوت مناجات فرمودند .

حضرت بقیة البهاء وودیعته ورقه مقدسه مبارکه علیا نیز باوجود نقاهت مزاج بغرفه مجاورتشریف فرماگشته از پشت در باستماع مناجات پرداختند . درآن اوقات کسالتی

۱— مجموعهٔ مناجات صفحه ۳۱—۳۲

بروجود مبارکشان عارض شده بود و روز بروز شدت میبافت بطوریکه‌هیکل اطهر دریکی ازلیالی احتفال فرمودند حضرت خانم دردی عارض وجود مبارکشان شده وقدری نحیف شده اند لوح مبارك احمد تلاوت شود متعاقب لوح احمد به‌استاد محمد علی‌که لحنی ملیح داشت امر فرمودند مناجات تلاوت نماید وبعد فرمودند ازدعای‌همگی ما فرداانشاءالله وجود مبارك صحت خواهد یافت (ای دعا ازتو اجابت هم زتو) بعد فرمودند مستروپلهلم ازکسالت حضرت خانم مستحضر شده ودرخواست کرده اندکه تغییرمحل بدهند حضرت خانم درقلوب امریکائیهاتاءثیرعجیبی فرموده اند بینهایت علاقه‌مندند درایران که مشهورو معروف بودند واحبای‌ایران‌باآثارقلمیه شان آشناهستند .

دراحتفال بعد که یکی ازاطبای حاذق احبا مقیم بیروت برای عیادت واردشده بود فرمودند بمجرد ورود ایشان به بیت مبارك حال حضرت خانم روبه بهبودی گذارده زائرین به روضهٔ مبارکه بروند وازآستان جمال مبارك برای حضرت خانم رجای‌شفا بکنند .

چنانچه ازقبل گذشت حضرت خانم نه چنان شیفته و دلدادهٔ ولی امرمحبوب الهی‌بودندکه بوصف وبیان آید

اطاق مبارکشان مشرف برباغچه ها و درب ورودی بیت مبارك بود روزها اوایل غروب درکنار پنجره جلوس میفرمودند و چشمان مبارکشان به درب بیت و خیابانی‌که از جبل کرمل بسوی بیت میآمد دوخته بودکه ولی امرالهی واردشوند و شوقی عزیزشان از مقام اعلی مراجعت فرمایند تاهمینکه قامت بیمثال نمایان گردد چراغهای کهربائی مدخل‌سرسرا و بیت را بدست مبارك روشن فرمایند و با ورود هیکل‌اطهر بیت مبارك غرق در نور شود .

واسفاکه دیگر نه حضرت خانم و نه ولی امر محبوب الهی دراین حیّز ادنی‌وجود ندارندکه چنین تعلقات وتعشقات بین ثمره سدرهٔ منتهی‌و غصن ممتاز بها مبادله گردد و یا ولی امر محبوب الهی در فرقت پر حرقتشان مرقوم فرمایندکه :

" ای خانم اهل بها رفتی و شکست محفل ما
هم محفل ما و هم دل ما "

"ربنا افرغ علینا صبرًا من لدنك "

دیگر دیدهٔ ناقابل ما و نسلهای آتیه چنین لحظات شفقت و جاذبه عشق و تعلق رامشاهده نخواهد نمود .

اگرچه شمعی‌که حضرت خانم در درون خانهٔ دلها در سبیل

عشق و بندگی ولیّ امر محبوب الهی افروخته اند همچنان در قلوب اهل بها پر فروغ است و الی ابدالاباد خاموش نخواهد شد .

در خاتمه این فصل را با درج یکی از مناجاتهای حضرت ورقهٔ مقدسه مبارکه علیا پایان میدهد لیکون ختامه مسك

هوالله

ای پروردگار مهربان و ای غمگسار دل سوختگان ترحمی وتفضلی فرما صبر و اصطباری عنایت کن تحمل و قراری ده بادست فضل و کرمت مرهمی بر این زخم نه وعلاج این درد بیدرمان فرما احبّایت را تسلیت بخش و یاران وکنیزانت را تعزیت ده این قلوب مجروح را التیام بخش واین فؤادهای مقروح را بدریاق جود و مرحمتت شفا عطاکن اشجار پژمردهٔ ازاریاح خزان را بهبوب نسائم رحمن طراوتی بخش و ازهار افسردهٔ از سموم هجران را لطافت ونظارتی عطا کن ارواح را ببشارات ملکوت ابهی قرین افراح نما واشباح را به هواتف افق اعلی انشراح وانبساط ده توئی فضال و توئی رحمن و توئی معطی ومهربان .

فانیه بهائیه

دوستان عزیز.

چندی است رشتهٔ سخن از دست رفته و سلسله مقالات " ساعتی بیاد محبوب " در بوته اجمال مانده است اگرچه ساعتی بل آنی هم ما و شما از یاد محبوب فارغ نبوده ایم و در این مدت هرقدر در ممالك و بلاد سیر نموده و در اقطار و اکناف ارض به تجسس پرداختیم نشانی از محبوب بی نشان نیافتیم

چونکه گل رفت وگلستان در گذشت
نشنوی دیگر ز بلبل سر گذشت

اگرچه تلئلؤ وجه مبارکش همه جا مشهود و عیان است چنانچه حضرت عبدالبهاء فرمودند

" یتلئلاء وجهه تلئلئا یتنوّر به الآفاق "

چه شبها که در هر مدینه و دیار با احبای دلداده اش ماءنوس شدیم و چه بسیار اوقات که در محافل انس و بر فراز آسمانها بلسان حال این ابیات ترنم وترانه نموده که

تاکی بتمنای وصال تو یگانه
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
خواهد بسر آمد شب هجران تو یانه
ای تیرغمت رادل عشاق نشانه

جمعی بتومشغول و تو غایب ز میانه

تاآنکه طالع مدد نمود و رائحهٔ قمیص که از مصر لندن در جمیع عالم متضوّع بود هراز سالی یکبار این بینوا وبسیاری از آن عزیزان را بمقام مقدس منور مولای محبوب رهنمائی نمود "انه لهادی کل شیئی الی صراط قدس مستقیم" سر بر آن تربت پاك گذارده مژگان را جاروب کش آستان مقدسش نمودیم ولحظات الطاف وعنایات لانهایه اش را سائل شدیم. بار دیگر باز سغر از سر گرفتیم و بامید تقرب بهبارگاه جلالش صحبت دوستان رامغتنم دانسته قلب حزین راتشفی وتسکین دادیم.

بدینمنوال سالهای چند گذشت و هر سنه امتدادش با قرون و اعصار در نظر برابری نمود.

بجرم آنکه بخفتیم صبح روزوصال

شب فراق نحسبیم لا جرم ز خیال

تا آنکه ساعت موعود فرا رسید و قرب انتهای "سنین تسعه باقیه" که از قلم معجز شیم مولای بیهمتا در لوح مبارك نوروز/۱۱۱ یعنی اندکی بیش از دو سال قبل از صعود مبارك عزّ نزول یافته بود پدید آمد. سبحان الله ولیّ امر محبوب الهی در این توقیع منیع در "مسك الختام سنهٔ

اولای جهاد کبیراکبر " مخاطباً لِ "احباء البهاء "
اخبارفرمودند که درنتیجهٔ " قیام جم غفیری ازمؤمنین
ومؤمنات از شیخ و شاب و غنی وفقیر و امّی و ادیب
و سیاه و سفید "
و قیام عاشقانه ودلیرانه اهل بهاد رهجرت باقالیم غیر
مفتوحه ومراکزجدید التاءسیس یاران الهی

" بتاءسیس مراکزمنفرده که بمنزلهٔ نقاطند متوکلاً
علی الله مبادرت نمایند و این مراکز منفرده را
. . . بجماعات که بمنزلهٔ حروفاتند مبدّل نمایند
وجماعات رامتعاقباً بمحافل محلیه که بمثابه
کلمات تاماتند تبدیل دهند و درازدیاد این
محافل روحانیه محلیه در ممالك مختلفه متمادیاً
همت بگمارند تا وسائل انعقاد انجمن های شور
روحانی متدرجاً بکمال متانت فراهم گردد و
محافل ملی روحانی که بمنزلهٔ آیات بیّناتند
تشکیل گردد و ارکان دیوان عدل الهی مرتباً
منصوب شود و بر این ارکان قبهٔ بنیان الهی که
بیت عدل اعظم وبمثابه کتاب مبین است مرتفع
گردد ومؤسسات نظم بدیع الهی باین تاج

مفخرت عظمی متوّج گردد ودر دامنه کرم
الهی جبل الرب درمقر معین استقرار
یابـــــــــــــــــد . "

سبحان ربّنا البهیّ الابهی سبحان ربّنا العلـــیّ الأعلی که نقشه ملکوتی مولای محبوب در سراسر جهان با فتوحات محیّرالعقول ومافوق انتظارات آن محبوب بیمثال تنفیذ گردیده و نوایا و وعود مبارك تحقق یافتـه در ملك و ملکوت جشن اعظم برپا است و بفرمودهٔ مبارك حضرت مولی الوری ملك آئینه ملکوت گردیده .

" ازهرسمتی صوت تهلیل و تکبیر بلند است و ازهر کرانه ئی آهنگ تسبیح و تقدیس مرتفع "

واکنون درخاتمة الطواف و پایان نقشه یعنی نهایت " سنین تسعهٔ باقیه " پیروان اسم اعظم و بندگـــان دلدادهٔ جمال قدم و جهان و جهانیان شاهد ارتفاع قبهٔ بنیان الهی و تاج مفخرت مؤسسات نظم بدیع یعنی بیت عدل عمومی گشته اند . نبوات حضرت دانیال وانبیاء و اولیاء ظاهر گردیده وآنچه را سلطان رسل وقرهٔ عین انبیاء طلعت علی اعلی بشارت دادند کـــه :

" طوبی لمن ینظر الی نظم بهاءالله "

پدید آمده . سفینة الله که از لسان عظمت جمال الله البهی الابهی درلوح مبارك کرمل نازل شده بر جبل الرب جاری گردیده است و بفرموده " مرکز عهد امتن اسمی و ولیّ امر محبوب جمال اقدس ابهی جشن و عیش اعظم بر پا گردیده جمهور اهل بها وجنود حیات از کران تا کران یابهاء الابهی ویاعلی الاعلی گویان بکوی محبوب درلندن روان اند تا درآن جوار پر انوار خیمه برافرازند و صدق بیان حضرت عبدالبهاء راعلی رئوس الاشهاد اثبات و اعلان نمایند که : " منادی صلح وصلاح و محبت و سلام آئین جمال مبارك است که در قطب امکان خیمه زده و اقوام را دعوت مینماید "

این گروه محنت زده وبدرد هجران و فراق مبتلا گشته که ندای محبوب را بدل وجان اجابت نموده اند و عشق و بندگی خود را در سراسر دوران نقشه خصوصاً پس از حرقت وفرقت جمال بیمثالش اثبات کرده و هر فتح و انتصاری را مرهون ۳٦ سال زحمات و فدانمودن ذات اقدس ولیّ امر محبوب جمال قدم درهردقیقه وآن میدانند و حال همه رادر میان وآن هیکل اطهر را غایب مشاهده میکنند بر آنند که بنفسه یا با حضورقلب درآن جوار پر انوار صوت تهلیل وتکبیر

را بعنان آسمان رسا نند وفرائض شکر وثنا و واجبا ت محویت و فنا را با عبرات و زفرات نثار تربت مطهر مقدس نموده هریك بزبانی بامحبوب بیهمتای خود عهد نمایـد که بتاءسی باقدام آن مولای نازنین "الی حین الممات" از پای ننشینـد تا در این حیّز ادنی که همه چیزش فانی و "کلّ شیئی هالك ا لاّ وجهه" است با عبودیت وجانفشانی رضای مبارك راتحصیل نماید ویوماً فیوم بر مراتب عشق و بندگی بیفزاید تا بمحضـر مبارکش راه یابد وبتائیدٍ من عنده وعنایةٍ من لدنه پس ازخلـع ثیاب از این "جسد فانی بفردوس معانی راجع شود" و "بفوز لقا در عالم بالا فائز" گردد .

"ربّ حققّ آمالنا بفضلك و جودك"

اینست که همه آماده اند و هرکس مستعد که در چنین یـوم مبارك و جشن اعظمی که همه جا بر پا میشود بأحسن وجـه شرکت نماید .

بهائیان در سراسر گیتی ایام ولیالی شمرده واخبارامری وثقاویم بهائی راکه متوالیاً بآن روز فیروز نوید میداد بدقت بررسی نموده مترقب رضوان تاریخی وانتهای نقشه بوده انـد تامرآت عالم بالا و جشن و عیش اعظم راکه در ملکوت ابهی در مقابل عرش عظمت جمال اقدس ابهی وحول حرم کبریا بر پـا

گردید در این جهان بدیدهٔ عنصری مشاهده نمایند و نفحات طیبه ونسمات معطره آن جشن مبارك راکه مبشّر فتوحات عظیمه در این کورمکرم است باوطان خود بارمغان ببرند ودر بسیط غبرا منتشر نمایند وبعالم وعالمیان مژده دهند که .

هله عاشقان بشارت که نماند این جدائی
برسد زمان وحدت بکند خدا خدائی

قدم اول که راه رابرای وصول بچنین مقصد اعلی حاضر ومهیا مینمود حضورنمایندگان بهائی اعضای محافل مقدسهٔ روحانیه‌ملیه ازجمیع قبائل و شعوب والوان واجناس کره‌ارض در مرکزجهانی روحانی واداری شریعة الله درجواراعتاب مقدسه وجبل الرب بود تا قبه بنیان الهی که‌بیت عدل اعظم است برای اولین باردراین چرخ گردون برارکان محافل ملیه مرتفع گردد ودرنتیجه چنین اجتماع و جمع آیات بیّنات که ولیّ امر محبوب الهی تعبیربمحافل‌ملیه فرمودند کتاب مبین تدوین وتشکیل گردد و "مؤسسات نظم بدیع الهی باین تاج مفخرت عظمی متوج گردد ودردامنهٔ جبل‌الکرمل درمقرمعین استقرار یابد ."

درود فراوان بر روان حضرت اشعیاء که "اعظم و اشرف انبیای بنی اسرائیل است" باد که بچنین روز مبارکی وعده فرمود :

" ودر ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانهٔ خداوند بر قله کوهها ثابت خواهد شد و فوق تلها برافراشته خواهد گردید وجمیع امتها بسوی آن روان خواهند شد و قومهای بسیار عزیمت کرده خواهند گفت بیائید تا بکوه خداوند وبخانهٔ خدای یعقوب برآئیم تا طریقهای خویش رابما تعلیم دهد و براه وی سلوك نمائیم . . . و او امتها را داوری خواهد نمود . "

قریب سیصد نفر اعضای محافل روحانیه ملیه ممثلین شریعة الله در عید سعید اعظم تاریخی رضوان که مقارن با قرن مئوی اظهار امر سلطان قدم در دارالسلام بغداد است و نهایت "سنین تسعهٔ باقیه" ازجمیع امتها بسوی کوه خانه خداوند ازکران تاکران کرهٔ ارض برآمدند تا به جمع ایادی امرالله واعضای شورای بین المللی بهائی ملحق گردند ودر کرمل بشارت به صهیون دهند وندای مکلم

طور را مرةً اخری بلند نمایند که :

" یاکرمل بشّری صهیون قولی اتی المکنون بسلطان غلب العالم وبنورساطع به اشرقت الارض ومن علیها "

وروان پاك حضرت دانیال راکه یقیناً روح پرفتوحش طائف حول آن مقامات مقدسه بوده وشاهد وشائق تحقق نبوات مهمهٔ خویش شاد ومستبشرنمایند که مژده داد خوشابحال آنکه انتظار کشد وبچنین روز مبارك برسد .

شرح حال آن احتفالات تاریخی وطرزانتخاب مقدس بهائی که محافل مقدسه ملیه بترتیب حروف الفباء فراخوانده شدند تااعضای محترمه مجلله حاضره آن محافل آراء خویش رابه هیئت امنای استخراج آراء (کهاسمائشان پس ازحاضر شدن جمیع آراء اعلان گردید) تسلیم نمایند وآراء سایر اعضای این ٥٦ / محافل ملی که ازحضورمعذورنبودند نیز احتساب گردید بخودی خود محتاج بمقاله جداگانه است آن انتخاب بهائی که درنتیجه تضرع وابتهال وتوسل بحبل دعاومناجات بالهامات غیبیه برای اولین بار درکرهٔ خاك تحقق یافت یقیناً بر وفق انتظارمولای محبوب وبیهمتا ابهی نمونه وسرمشق عالم بشریت در ممر قرون واعصارخواهد بود .

اعضای محافل ملیه که از بدو ورود احرام کعبهٔ مقصود بسته

وشب وروز را مستغرق دربحرمناجات وزیارت و طالب هدایت وعنایت الهی ازبرای چنین انتخابی بودند مخصوصاً شب عید مبارك رضوان رااکثرا شب زنده‌داری نموده در اعتاب مقدسه علیابتضرع و مناجات پرداختند .

ضریحهای منوّره جمال اقدس ابهی وحضرت اعلی وحضرت عبدالبهاء ارواحنالسلطنتهم الفدا در آن شب از گل مفروش گشته وتمامی بقاع مبارکه وحدائق غلبا یعنی فردوس ابهی و جنت اعلی و جمیع اماکن مقدسه در مدینتین عکا و حیفا در آن ایام غرق در گل و نور و بهجت و سرور بود .

در بقعه بیضااست عجب بزم وصالی ای جای تو خالی
ماراست دراین بقعه چه خوشوجدی وحالی
ای جای تو خالی

مجمل قول آنکه در آنروز مبارك فیروز در بیت مبارك حضر عبدالبهاء جنین بیت العدل اعظم الهی که ولی امرمحبوب جمال قدم درنتیجهٔ نثارحیات وذات مقدس خویش ایجاد واعلان فرمودند ولادت یافت و بمقام احسن التقویم رسید .

" فتبارك الله احسن الخالقین "

" مژده باد مژده‌باد صهیون در رقص است مژده باد
مژده باد ملکوت الهی پر شور و وله است "

سبحان الله برادر عزیز روحانی ما جناب دکتر مؤید در امریکا نقل نمودند که حضرت عبدالبهاء وعده فرمودند بیت العدل اعظم الهی درهمان بیت مبارك انتخاب خواهد شد وآن بیت شاهد تاءسیس بیت العدل اعظم خواهد گشت .

ازآن پس جشن رضوان گسترده شد ودر حرم ابهی در بحبوحهٔ حدائق درمقابل قبلهٔ اهل بها پیروان اسم اعظم رضوان مئوی آن محیی رمم را با تاءسیس بیت العدل اعظم برپا داشتند درآن روز مبارك که چشم روزگار نظیر آنرا ندیده ونخواهد دید گوئی ارواح انبیاء ورسل وطلعات مقدسه این ظهورا منع قدس اعز صمدانی وهمچنین بتعبیر مبارك " حقائق الروحیون ثم الطوریون ثم النوریون ثم العمائیون وعن ورائهم جمهور اهل البهاء من حروفات کتابه و ورقات شجرته وافنان سدرته وایادی امره وشهداء سبیله وناشرین لوائه وامناء شریعته " حضورداشتند . مرکزجهانی شریعة الله درارض میعاد بالندن ومهد امرالله ودارالسلام بغداد مرتبط گردیده چه مبارك رضوانی است و چه فرخنده جشن وعیش اعظمی . الواح وادعیهٔ مخصوصه عید اعظم وشرح مؤثررضوان صد سال قبل دردارالسلام بغداد مع

خطابات وآثار مبارکهٔ که درمدح وثنای جمال اقدس ابهی نازل گشته به دولغت فصحی و نوراء و سایر لغات تلاوت میشود .

بفرمودهٔ جمال قدم جل کبریائه :

" نقرهٔ ناقوری جذبهٔ لاهوتی

این هردو زیك نغمه ازجوّ سما میریزد

آهنگ عراقی بین دف نوائی بین

کف الهی بین کز مشرق ها میریزد"

درحرم اقدس ابهی هنگامهٔ عجیبی برپااست .

" حشر من فی الوجود بعث من فی القبور

نشر مافی الصحف حصل مافی الصدور"

و یاران الهی ومحتفلین بلسان حال قصائد وابیاتی راکه بلبلان خوش سخن وشیفتگان روی دل آرای جمال قدم سروده اند و مولای محبوب درتوقیعات منیعهٔ خود نقل فرمودند تکرار مینمایند .

" شمس بقا طالع شده صبح لقا طالع شده

یوم خدا طالع شده رب البرایا آمده

وجه لمیع کبریا غیب منیع لا یُـــــری

با نغمهٔ انظرتری بر ارض غبرا آمده "

خاطره الواح مهمهٔ اعیاد قلوب راباهتزاز آورده وجمیع را به شور ونشاط وانجذاب بدیع مبعوث میفرماید . منجمله خطابی که در لوح مبارك " ای بلبلان الهی " از قلم اعلی نازل گشته

" مژده بجان دهید که جانان تاج ظهور بر سر نهاده و ابوابهای گلزار قدم راگشوده . . . دوستان بوستان شوق راخبر دهید که یار بر سر بازار آمد و هدهدان صبا را آگه کنید که نگار از ن بار داده . . . ای عاشقان بی دل و جان بر معشوق بیائید وبی رقیب نزد محبوب دوید گل مستور ببازار آمد بی ستر وحجاب آمد و بکل ارواح مقدسه ندای وصل میزند چه نیکواست اقبال مقبلین فهنیئاً للفائزین بانوار حسن بدیع "

وهمچنین نظیر بیانات مبارکهٔ که در یکی ازالواح مهیمنه دارالسلام از لسان عظمت جمال قدم صادر گشته قوله الاحلی:

" اگر عندلیبان الهی درایام وصل بسروش نیایند دیگر چه زمان خواهند آمد واگربلبلان معنوی در فصل گل خاموش باشند آیا دیگر چه وقت بخروش خواهند آمد . . . شجرهٔ فردوس درحرکت است ای طایران قدسی وقت است وقت ابواب مدینه بقا مفتوح است ای مهجوران بیدای فنا وقت است وقت . . .

ذات قدم بر عرش عظم نشسته تلقاء وجه حاضر شوید

ای روح عشق تابکی اندر شکیب و صبر

آتش بگیر و برهمه آفاق جان بزن "

در پایان پس از تلاوت زیارتنامهٔ مبارکه ونثار ثناء و بهائی که ازنفس اعلی وجمال ابهای آن مظهرکبریاء وسلطان بقا وملیك من فی الارض والسماء ظاهر و طالع است هر یك از محتفلین خاضعاً خاشعاً باکیاً مبتهلاً خضوع و شکرانه‌خویش رابفنای باب آن روضهٔ مقدسه مبارکه تقدیم داشتند .

دیگرحاجت نیست مقایسه شود که عظمت امر در امتداد یك قرن بچه مقام رسیده بغرموده جمال اقدس ابهی

" ازفرقدان تاارض فرق دان بلکه فرق بی منتهی درمیان"

و برعهدهٔ قارئین ارجمند است که دروقایع مهمه وانتصارات محیّر العقولی که ببازوی توانای ولیّ امرمحبوب الهی در نهایت نقشهٔ جهاد کبیراکبردرعالم ابداع ظاهرگشته و پیروان اسم اعظم همه جاشاهد وناظرآن بوده اند تمعن نمایند وبر خود ببالند که صدق بیان حضرت عبدالبهاء درالواح مبارکه وصایادربارهٔ ایشان ظاهرگشته که :

" طوبی لمن استظل فی ظله الممدود علی العالمین "

درست یك قرن قبل مالك یوم دین برسریرسلطنت الهیه

در دارالسلام بغداد جلوس فرمود و وعد الهی در قرآن مجید انجاز گشت که " والله یدعو الی دارالسلام " [1]

تا حال صیت نباء اعظم که تا صعود حضرت مولی الوری به / ۳۵ مملکت رسیده بود آفاق متجاوز از ۲۵۹ کشور و جزیره را روشن نموده و در این جشن اعظم پیروان آن محیی رمم رایت امرالله را در متجاوز از ده هزار مرکز امری در سراسر ربع مسکون برافراشته اند و در نعت وثنای نیّر آفاق متجاوز از سیصد لغت از لفات سکنهٔ ارض آن مظهر کبریاء وسلطان بقا را ستایش مینمایند .

هرکس بزبانی صفت و مدح تو گوید

بلبل به غزل خوانی وقمری به ترانه

حضرت عبد البهاء در تذکرة الوفاء نقل فرمودند که در بغداد در سرجسر د ونفر عریضه ئی از دیار بکر بحضور مبارك تقدیم نمودند روی پاکت نوشته بود .

" حضرت بهاءالله مقتدای بابیان " و چون جمال قدم از " آنان استفسار خاطر فرمودند " گفتند که در دیار بکر تفصیل این امر را شنیده اند " جمال مبارك چون اندرون تشریف آوردند در مقابل جناب کلیم بود فرمودند کلیم کلیم صیت امرالله بدیار بکر رسید بنهایت بشاشت اظهار نمودند "

۱ــ سورهٔ یونس آیه ۲۴

حال دیاربکر کجا و رنه اسم اعظم که درسراسرعالم از قطب به قطب و ازشرق به غرب درجمیع ممالك وبلاد و جزایر پراکنده دراقیانوسها وبحار طنین انداخته وبشهادت مبارك تلفظ اسامی این نقاط صعب ومشکل گشته است کجا . سرگونی جمال قدم ازبغداد وسپس اسلامبول وادرنه و نفی مظلوم عالم به سجن اعظم عکا وآن ابتلاءآت لاتحصی کجا وحال تاءسیس ملکوت الله وانتخاب بیت العدل اعظم الهی درهمان ارض میعاد درجوارسجن بانتخاب ممثلین جمهور مؤمنین ومؤمنات از ٥٦ کشورد نیاکجا وفخری که ارکان دولت و سران همان مملکت بانعقاد چنین احتفالات وجشنهای تاریخی دربلاد خود مینمایند و بمشروعات محیّرالعقول بهائی اند دراوراق ونشریات خویش که سراسر عالم رامطو نموده متباهی کجا .

" تعالی تعالی امره القاهرالغالب علی من فی الارضین والسّموات . تبارك الّذی بدّل النار بالنّور والذّل بالعزّ والاءضطراب بالاءطمینان والشدّة بالرخاء والحزن بالفرح الاءکبر والسّجن بالقصرالرّفیع "

حال دیگرنوبت عزم رحیل به کوی ولی محبوب است که نام ونشانی ازخود نخواست وآن گوشهٔ مهجورد نیارابرای خود

برگزید وبه برکت قدومش آن خطه تابناك شد . گوئی جمال اقدس ابهی اجر جزیل جمیع فتوحات و انتصارات نقشه ملکوتی رابه‌ولی امربیهمال خود عطا فرموده وچنین مقدر داشته است که بهائیان عالم ازشرق و غرب وجنوب وشمال به رمس مبارك غصن ممتازبها روآرند و ازآن عتبه مقدسه فرائض شکر وثنا و عبودیت و محویت صرفه بحته خود رابپارگاه محبوب ابهی تقدیم نمایند .

اینست که پیروان اسم اعظم ازچارسوی دنیاهلهله کنان متجاوز از ششهزارنفرازجمیع ممالك والوان واجناس بااستفاده ازسریع ترین وسائل مدنیت احرام کوی محبوب بسته بسوی لندن روان اند تادرآن جوار پر انوارجشن اعظم رادرخاتمه نقشه برپا نمایند وصوت تهلیل وتکبیررابه فلك اثیر رسانند .

سالن مجلل آلبرت هال شاهد چنین ایام مبارك تاریخی است .

شرح آن جلسات و احتفالات که در ممر دهور و اعصار بمثابه رمز بارزی ازسلطنت الهیه جمال اقدس ابهی در ملك وملکوت یاد خواهد شد درمتون جمیع اخبارامریه دنیابتفصیل منعکس است وتکرارآن سبب تطویل کلام

حال دیگرمعلوم است شوق زیارت عرش مقدس غصن

ممتاز بها حضرت شوقی افندی ربانی ارواحنا و ما اعطانا ربنا لرمسه الاطهر فدا چه آتشی در قلوب افروخته هرکس آرزومند است بنحوی و زبانی واجبات محویت و فنا وفرائض شکر وثنای خود را بعتبهٔ مقدسهٔ آن مولای محبوب تقدیم وگوهر اشکی نثار آن تربت مقدس نماید. این جم غفیر بعضی جمعاً وبعضی فرادی متجاوز از ششهزار نفر بسوی عرش مطهر روان اند درآن مقام مقدس هنگامهٔ عجیبی بر پا است و محشر عظمی ظاهرونمایان شرح سوز وگداز و تضرعات این مستمندان ودردمندان از عهدهٔ بیان خارج وحال که این عاشقان بوطن معشوق رسیده اند مبهوت وحیران اند درآن بارگاه جلال بامحبوب بی انباز خود چه راز و نیاز کنند که خود بر اسرار قلوب و ضمائرشان واقف و آگاه است.

دیگرچاره نیست باتلاوت مناجات وخطبهٔ اولیه الواح مبارکه وصایا در تحیت وثنا وصلوة وبهای ولی امرالهی ازلسان حضرت عبدالبهاء هریك شائق است آتش درونی هجران را تسکین وجرح قلوب کثیره را التیام دهد.

آیا آن محبوب بیمثال که لحظه ئی لحظات عنایات خود را دریغ نمیفرمود وآنی ازعاشقان دلدادهٔ خویش

انفکاك نداشت نظری بحال زاراین بیچارگان و دردمندان که باتن زار بزیارت تربت مقدسش آمده ایم خواهد فرمود و تضرعات قلبیه مارا بعزّ قبول اجابت خواهد کرد .

شرح این هجران و این خون‌جگر
این زمان بگذار تا وقت دگر

چه کنم که درجوار حجرهٔ مبارکه حضرت عبدالبهاء درمدرسه تابستانه گرین عکا دراین نیمه شب عالم دگرگون است و دیگرنه چشم گریان توانائی دیدن دارد ونه قلم یارای تحریر

مدرسه گرین عکای امریکا نیمه شب دوشنبه ۳ شهرالکمال ۱۲۰ بدیع (۱۲۰/۸/۳ مطابق با ۱۲ امرداد ۱۳۴۲ و ۳ اگست ۱۹۶۳

سفری نه روزه بآذربایجان

یکقرن تمام اکنون از شهادت مظلوم آفاق باب الله الاعظم حضرت رب اعلی اروا حنالمظلومیته الفدا میگذرد وهنوز عالم و عالمیان درخواب غفلت گرفتار و از اقبال باین امر اعظم عظیم و کور امنع منیع که انبیاء و رسل در آرزوی وصول بآن گریان ونالان بودند محروم مانده اند "الاّ الّذین نورالله ابصارهم بانواروجهه" و نفوسی که ابصارشان بانواروجه الٰهی منورگشته حال در صداقلیم ازاقالیم عالم درظل ولایت مطلقه الٰهیه از جمیع آفات ومکاره مستریحند وازهرخوف و وحشتی برکنار و از یمن قدرت و عنایت آن سلطان وجود مطمئن و متیقّنند که این اقالیم که اکثراً در دور تکوین در ظل رایت امرنازنین واردگردیده عنقریب جنة النعیم گردد و امر اقدس جمال ابهی جلت عظمته وسلطنته ارض ومن علیهاراا حاطه نماید .

در این ایام بهائیان عالم ازاقصی نقطه شمالی گرفته تاابعد نقطه جنوبی کره ارض ودرشرق و غرب بتاءسّی مولای بیهمتا ومحبوب اهل بهاء فدینالجماله الجمیل روی دل را سوی سرزمین محنت و ابتلا نموده وبامر صاحب امر قرن شهادت " حضرت رب اعلی مظهروحدانیت وفردانیت الهیه

و مبشر جمال قدم " و نظم بدیع را برپا داشته اند .

صبح یوم الاستجلال یوم القدرة من شهرالرحمة سنه جواب از واحد سادس کلشیئ اول تاریخ بدیع است (پنجشنبه ٦ ژوییه ۱۹۵۰) که این قافله مشتاق وبیقرار باکمال خضوع وانابه عازم زیارت دیار بلا و ارض محنت و ابتلای محبوب اعلی هستند . قدم در اتوبوس نهاده تا محلی راکه در هزار و اند سال قبل حتی خاطره وتذکار آن آتش برجان ذرّیه رسول و کبد بتول حضرت باقر ارواحنا و من هو فی علم الله فداه میزد و با کمال تاءثر درغیبة النعمانی ذکرآن باین بیان منیع یاد شده که " لابد لنامن آذربیجان لا یقوم لهاشئی الخ " و مبشر این امراعظم حبس واسارت خویش رادرآن دیار تحمل فرموده و جام شهادت نوشیده اند بدیدهٔ عنصری زیارت نمایند و برمصائب رب اعلی درآن سرزمین پر ابتلا که قدم بقدم خاك وهوا و جبال و دریاچه و انهار واشجار و احجار آن شاهد مظلومیت مظلوم آفاق بوده اشکی بیفشانند و خون دل نثار نمایند .

اتوبوس گاهی بآرامی وزمانی بسرعت میرود وبخودی خود تحقق وعود یوم الرب ویوم الملکوت راکه درتنزیل کریم به

طـــی الارض تعبیرگشته ظاهروعیان میسازد . تمام طریق غالباً صحبت ازمصائب رب اعلی است . عبور از زنجان خاطرهٔ جانبازی اصحاب حضرت حجت راتجدید مینماید هرجا جاده قدیم عوض میشود روی دل چون قبله نماسوی آن راه است چه که طلعت اعلی ازآن راه عبورفرموده انـد میانج اقامت مبارك رادربالا خانه در نظر مجسم نموده . یکی ازرفقا که گویااین حقیقت برقلبش الهام گردیده دراین سفر یاد آور میشود که طلعت اعلی همواره طالب بلندی و علّو بوده اند ولوآنکه وجود مبارك را بسجن و اســـارت میبردند هرجارحل اقامت افکندند ولوآنکه درآن قریه یاشهر یك بالا خانه وجود داشته است در مرتبه بالا نزول فرمودند سجن مبارك هم درتبریز و ماه کو و چهریق درمرتفع تریـن نقاط بوده است اگرچه درتوقیع مبارك که از حبس مـاه کو خطاب به محمد شاه نازل گشته باز محل مبارك را اعلـی و اجل ازآن فرموده اند باین بیان مبارك که " وکأنّ نفسی الفرد و متلذذ بذکرالله الأکبـر " .

بد ینسان منظره کوه وصحرا و دشت ومرتع بسر آمـــد وقریب نیمه شب به تبریز ورود نمودیم وجوه نورانیه عـــدهٔ ازیاران عزیز نمایان است بکمال لطف و عنایت واردین را

استقبال مینمایند وبا نظم وترتیبی که ازطرف محفل مقدس روحانی آن مدینه داده شده میهمانان یك یك ویادود و درمنـــزل بعضی ازبرادران روحانی عزیز که رنج بیخوابی را تا آن موقع شب برخود هموارکرده اند هدایت میشوند . محبت و لطـــف وعنایتی که ازطرف این برادران روحانی وسایراحبای عزیـــز مشهود است ازعهدهٔ وصف وبیان خارج وبنفسه دلیل واضحـی است برقدرت الٰهیه دراین کورابدع بدیع . آیادرعالم وجـــود چنین محبت و صمیمیتی منزه از هر شائبه جز در پرتو این امـر اعظم تصورتوان نمود . حمدآستان مقدس جمال ابهی جـــّل شأنه راکه بفضل و عنایت بیمنتهایش چنین قدرتی در عالم ظاهر فرمود و بقوهٔ اسم اعظم قلوب بندگان دلداده خویش را درصد اقلیم ازملل و اجناس و طوائف و طبقات مختلفه بایکدیگرمألوف نمودکه تااین درجه ازفرط شوق و اشتیاق باوجوهی نورا کـــه بفرموده حضرت مولی الوری درمناجات مبارك " فیها نضرة رحمانیتك " ظاهروعیان است یکدیگررااستقبال نمایند و چنان رأفت و محبتی دراین حیزادنی از رفتار و سلوکشان ظاهـــر شودکه نظیرآن حتی بین هیچ دو برادر و یا برادروخواهری مشاهده نشده. نفوسیکه مادام العمر یکدیگر را ملاقات ننموده اکنون باین درجه ازشعف و سرور یکدیگر را استقبال مینماینـد

ودرحین مفارقت هم باآنکه ایامی چند بیش ازمصاحبتشان نگذشته بمغناطیس محبة الله باچشمان اشکبار یکدیگر را وداع میکنند واین معنی همه جایکسان درسراسر عالم بهائی ظاهر وآشکار است عشقش فکنده ولوله درهر مدینه ئی .

اکنون دو روز به یوم شهادت طلعت اعلی باقیمانده واردین خودرا دراختیار محفل مقدس روحانی تبریز قرار داده اند وازآن محفل مقدس بالطف وعنایت مخصوص پس از مشورت تام چنین قرارمیشود در این فرصت درمحلهای مختلف وجلسات متعدد بفیض دیداریاران الهی متنعم گردند وشب شهادت راباآنمحفل مقدس سر شب جلسه ئی بیارایند آنگاه هریك بهرنحو که اراده نماید لیلة القدر را بتضرع وابتهال بگذراند وخویش راآماده ومهیّای انجام نیّت و مقصود مقدس خویش نماید وصبح یوم شهادت رادرموعد معین درحظیرةالقدس حاضر گردند واحتفال عمومی برگذارشود وپس ازتلاوت آیات و زیارت نامه مبارکه تك تك ویادود و هریك براهنمائی یکی از احبا بطواف مشهد مبارك حضرت نقطه اولی که دروصف آن طلعت الهیه میفرماید " التی تدور حولها ارواح النبیین والمرسلین" مفتخر گردند .

محافل پرشوری درتبریز برپااست واحتفالات مبارکه ئی

آماده ومهیا . ای جای همه خالی . ودراین لیالی مخصوصه که قلوب عموم یاران شرق و غرب متوجه این مدینه است عواطف و احساساتی ظاهروعیان که بهتر آنست توصیف وتصویرآنرا بقلوب صافیه وضمائر منیره خوانندگان عزیزواگذار نماید چه که ازعهده بیان این بنده شرمسار خارج است اگرچه این جلسات با پرگرام معین وبرای مدتی محدود برپا شده ولی این لیالی آخرندارد و مدعوین ومیزبانان بهیچوجه حاضرنیستند انس یکدیگر را که بفرمودهٔ جمال اقدس ابهی " من اراد ان یأنس مع الله فلیأنس مع احبائه " است ترک گویند .

باری لیلهٔ شهادت فرارسیده عموم در منازل خود فرد فرد ویاچند نفر چند نفر براز و نیاز مشغولند شرح این لیلهٔ مبارکه بالّمره ازعهدهٔ وصف و بیان خارج است . منظرهٔ لیلهٔ تاریخی حضورجناب انیس وآقاسید حسین کاتب درمحضر طلعت اعلی ومکالمه ئی که درآن شب بین حبیب و محبوب گذشت دربرابرمجسم وتأسی باطاعت و بندگی جناب انیس منتهاآمال وآرزوی هر فرد بهائی است . طلعت اعلی که بشهادت ذات مقدس مبارکش در تفسیر هاء-باین بیان احلی قسم یاد فرموده که " لولا کنت ناظرا بذلك السّرالواقع

فوالذی نفسی بیده لواجتمع ملوك الارض لن یقدروا ان یاءخذوا منّی حرفاً » ودرتوقیع محمد شاه میفرماید " قد جعل الله کل مفاتیح الرضوان فی یمینی و کل مفاتیح النیران فی شمالی " بارادهٔ مطلقه اراده فرموده اند ذات اقدس انور الطف اعلای خویش رادرسبیل بقیة الله ومحبوب ابهی که آن جمال قدمی نیز طلعت اعلی را به " ظهور قبلم و مبشر جمالم . انا هو وهوانا " انامحبوبه وهو محبوبی" یاد فرموده فدانماید . حال مگرخواب بدیده میرود و یاآن لیلة القدر را احدی ممکن است بآرامی بسر برد . ندای تضرع و ابتهال تاصبح ازغالب منازل احبا بلند است .

برادران عزیز مسلمان هم که برای احیاء و فریضه صیام شب زنده داری مینمایند گویادرباطن امردرحال انابه واستغفارند وعفو و غفران الهی راسائل وآمل . امیدواریم حق جل جلاله بجلال وعظمت این لیلهٔ مبارکه دعای ایشان وعموم رابهدف اجابت مقرون فرماید وبدرك فیوضات نباءعظیم واین کور امنع منیع فائز گردند .

حال سپیده دمیده است و دائماً ساعت معهود نزدیك میشود گوئی درتمام کوچه ها وگذرهای تبریز محشری برپااست آری قیامت است قیام قائم وقیوم . گوئی میدان وبرهوت تبریز

از ازدحام جمعیت سیاه شده " اغثنا یا محبوبنا الاعلی . . .
واغفرلنا ذنوبنا وکفرّ عنّا سیئاتنا " .

بعضی سراسیمه وباکمال توجه بسوی ارك ومحل حبس طلعت اعلی درآن نقطه رفیع که هنوزهم بلند ترین موقع شهرتبریزاست و زیارت آن اثری دائمی درقلوب وارواح دارد شتابانند تاقبل ازفرارسیدن موقع احتفال وشهادت ناظر صحنه ئی دیگرازمظلومیت طلعت اعلی باشند وبرخی این زیارت رامرهون بوقت دیگرنموده درجوارغرفه مبارك درآن مقام رفیع سر بر تراب نهاده ازمنتخبات احسن القصص وآیات حضرت تلاوت مینمایند . جزمحبوب احدی برمافی الضمیرشان واقف نه حالی دگرگون دارند وازآن مکان مقدس بسهولت سر برنتوانند . درپائین این بنای مخوف وجسیم ودر ورود به محوطه آن باز طلعت اعلی قدرت خویش راظاهرفرموده و بر روی بنائی که بیاد مقتولین ساخته اند این آیهٔ مبارکه نقش گردیده قوله تعالی " لا تحسبن الذین قتلوافی سبیل الله اموات بل احیاء عندربهم یرزقون " تا رمزی از شهادت و مظلومیت طلعت اعلی باشد و زائرین این مقام رفیع با تلاوت این آیهٔ مقدسه مبارکه اذن دخول طلبند و باقلبی فارغ ومتوجه بزیارت سجن مبارك نائل گردند .

حال موقع ورود به احتفال عمومی است پروگرام یـــوم شهادت باکمال تاءثرود قت اجرا میشود واگرچه توصیه شده است ازسایرنقاط کمتربه تبریزبیایند معذلك معدودی هـم ازنقاط مختلفه آذربایجان وسایر مدن دراین جلسه تاریخی حضوربهمرسانیده سالن بزرگ حظیرة القدس مملو ازجمعیت است و در داخل تمام پنجره ها ودرب ها هم احبا ایستاده مناجات تلاوت میشود توقیع مبارك حضرت رب اعلی خطـاب به محمد شاه تلاوت میگردد مظلومیت حضرت اعلی واثرات دم اقدس مرشوش مطهرش درآفاق وانفس ظاهر وعیان است ولی دیگرمحمد شاهی وجود ندارد واثری ازاوباقی نیست وزیـر بی تدبیرش بمقرخود راجع شده و "اتابك اعظم تقی سفـاك وبی باك که حکم اعدام سیدعالم راصادرنمود" در اسفـل السافلین مقرگزیده صحبت ازانتصارات امرالله دراقالیـم شاسعه جهان وارتفاع مقام رفیع البنیان حضرت نقطه اولـی است . شرح شهادت مبارك قرائت میگردد روحانیت عجیبی حکمفرماست گوئی پرتوی ازعالم بالا نیزبراین انجمن شعله افکنده زیارت نامه مبارك باکمال خضوع تلاوت میشود .

مقارن ظهراست زائرین که بعزم طواف مشهد مبارك آمده اند بهمان نظم واسلوبی که ازطرف محفل مقدس روحانی

تبریزداده شده درمعیت بعضی ازدوستان خاضعاً خاشعاً مبتهلاً عازم طواف مطاف ملاء اعلی هستند دو دوربطواف میدان ومحوطه نائل‌گشته. محل شهادت مبارك رانشـــان میدهند منظرهٔ سربازخانه‌وبامهای مملو ازجمعیت آن درنظر مجسم است بنظرمیآید طلعت اعلی راباجناب انیس بریسمان آویخته اند مذاکره‌ئی که بین حضرت رب اعلی وفراش باشی وسام خان گذشته مجسم گردیده جناب انیس خودراهدف بلایای مبارك کرده شلیك مرتبه اول‌براثرارادهٔ مبارك برای اتمام حجت به خلق‌مدهوش تاءثیری‌ننموده جناب میرزا محمدعلـــی انیس باقبای سفید نازنینش بدون آنکه غباری ازدخان ۷۵۰ تیربردامن آن نشسته باشد ایستاده وحضرت رب اعلی صحبت خودراباآقاسید حسین تمام میفرمایند مجدداً شلیك شروع شده است حضرت اعلی آخرین بیانات خویش را باین نحـو بیان میفرمایند وگویاصوت مبارك درمیدان طنین اندازاست که"ای مردم اگرمرامیشناختید مثل این جوان که اجلّ ازشمـا است دراین سبیل قربان‌میشدید من آن ظهورموعودی‌هستم که آسمان کمترمثل اورادیده سیصد وسیزده تن ازنقباء خود رافدای‌من کردند" بفرموده حضرت عبدالبهاء ارواحنالرمسه الاطهرفدا "ناله‌ملاء اعلی بلند است . . . واهل‌ملکوت با

چشمی گریان وقلبی سوزان درفریاد وفغانند " در این میان خاطره توجه ذات اقدس انور حضرت ولی امر محبوب شوقی افندی ربانی ارواحنالتراب اقدامه الفداکه دائماً مقام آن حضرت را بلند فرموده وآیات مقدسه اش را نشر داده اند البنیان واوقات عزیز مبارك اکنون شب و روز صرف ارتفاع مقام رفیع محبوب اعلی است قلب رامیگدازد . پس از طواف جلسه ضیافتی برپا است . حال که طواف خاتمه یافته مانند زخم مهلك تازه ئی که رفته رفته رنج و الم آن شدید شود حالت تاءثرعجیبی ظاهرگشته قلوب بایکدیگرتکلم مینماید . یکی از احبای عزیز تبریز دوسال قبل خواب دیده است که یکتا محبوب ومقصود اهل بها حضرت ولی امرالله ارواحنالوحدته الفدا برفراز محل رفیعی درمیدان سربازخانه تشریف فرما گشته وناظر بسربازخانه میباشند وآن برادرروحانی را اذن بارداده اند . خواب خویش نقل مینماید .

ازاین پس ضیافات ومجالس عدیده برپااست و بیان ازاظهار شکرانه وامتنان قاصردرهرضیافتی ازدیدارمیزبانان عزیز و وجوه نورانیه یاران روحانیتی بدیع ظاهر وآشکار است .

فرداصبح عازم زیارت احبای عزیزسیسان هستیم احبای عزیزتامقداری راه استقبال آمده اند وبعضی راه راهموار

نموده این چه حکایتی است و چه‌نشئه وکیفیتی . درسالن بسیاربزرگ جدید حظیرةالقدس در رد ونوبت صبح وعصر احبا واماءالرحمن اجتماع نموده اند وسالن‌که گویا مساحتش مضروب اعداد مبارك ۹ در ۱۹ متراست مملو ازجمعیت گردیده عبورممکن نیست بعلاوه درداخل پنجره ها و دربها وخارج نیز عدهٔ کثیری‌ایستاده اند تلاوت آیات میشود یکی ازاحبای سیسان بابیانی فصیح جلسه راافتتاح نموده ترکان پارسی گو بخشندگان عمرند.

یکی ازبرادران دلداده وشیدائی‌که‌حقیقةً مجسمه‌رحمت است قبول زحمت فرموده عکسهای‌نفیسی ومتعددی ازجمیع این مواقع ومنزلگاههای اثنای طریق حضرت رب اعلی وتمام نقاط تاریخیه آذربایجان دراین اوقات تهیه مینماید عکسهای متنوعی نیز ازاین احتفال برداشته شده. مائده جسمانی وروحانی ازهرحیث آماده ومهیّااست .

روزبعد موعد حرکت بصوب ارومیه (رضائیه) است تاتوفیق زیارت اماکن مقدسه آنصفحات دست دهد . فیض دیدارو زیارت احبای اثنای طریق بمراجعت موکول گشته. دریاچه ارومیه نزدیك میشود وخاطره ورود مبارك رابآن مدینه تجدید مینماید . زیارت وجوه نورانیه دوستان بهجت افزا است .

در اینجا بروفق تقریریکی از رفقا زیارت اماکن مقدسه ارومیه محزن نیست زیرا برحسب ظاهر طلعت اعلی ایام مبارك را بشدت وابتلاء نگذرانده اند تجلیل ملك قاسم میرزا ازوجود مبارك بوده وگرامی داشتن مقدم مبارك حجرهٔ مبارك درطبقه فوقانی بیت چون بیت مکرم شیراز روح افزا است . در ودیوارحمامی که موطئ اقدام مبارك بوده بهمان وضع نگاهداری شده است گوئی درهرآن با زائر خویش چیزی میگوید وراز و نیازی مینماید . خزانهٔ حمام که تاآخرین قطره آبش برای شفای هرعلیل به تیمن وتبرك برده شده و بروایتی هنوز ازآن ماء لطیف دربعضی عائله ها موجود است اکنون خشك مانده واثری ازآن ماء طهوربا قی نیست اگرچه خاطره آن ماء کل شئی راحیّ وزنده مینماید . درعالم حیوان که رعایت محبوب آفاق شده ومرکوب سرکش رکاب به راکب بزرگوارخود داده است اثری عجیب مشهود است که ذکرآن بدوا ملك وملکوت باقی وبرقرارخواهد ماند و در عین حال تنبهی است ازبرای نفوس که چگونه انسان در نتیجه غفلت و بیخبری برتبه حیوان هم نمیرسد وخود را از جمیع مواهب محروم مینماید .

زیارت دوستان عزیز رضائیه دربیتی که بقدوم مبارك رب

اعلی فائزگشته وحقیقةً بهشت جاودان است فراموش شدنی نیست . دراینجا نیز ید غیبی حضرت اعلی در کار بوده مقابل حمام مبارك که دائره برق است آیهٔ مبارکه " الله نورالسموات والارض " بر کاشی ظریف نیلگون فام با خط بسیارشیوائی بحمام ناظراست و زائرین را بسوی " وجه الله الذی لا یموت و نوره الذی لا یفوت " که خطاب حضرت نقطه اولی بخودآن ذات مبارك است راهنمائی مینماید .

درضیافت مجلل رضائیه که ازقبل یکی ازدوستان وعائله مکرمه‌وبستگان عزیزشان برپاشده بود وتادیری از شب ادامه داشت واقعاً جای عموم خالی است مخصوصاً خاطرات خوشی راکه یکی ازرفقاازتشرف خویش دررکاب مبارك حضرت مولی‌الوری بامریکا نقل مینماید .

اکنون صبح است و اتوبوس بصوب تبریز روان گردیده وراننده تعهد نموده است درهرجااندکی توقف نماید تا بزیارت دوستان عزیزکه بعضی قبلاً اطلاع داشته اند نائل گردیم.

دراولین منزل درشاهپور (سلماس) محفلی برپااست مهاجرین عزیزبتمام معنی باستقامت فائزگردیده و مانند

سایر برادران وخواهران روحانی خودکه درسراسر ایران ونقاط مهاجرت به هجرت و ترك اوطان موفق گشته اند مفتخرندکه ازمجریان نقشه مهم مهاجرت بوده واین نقشه جلیل راکه بفرمودهٔ مبارك "ازمشروعات مهمه پیروان جمال رحمن است که درسنین اولیه قرن ثانی کور بهائی ایجاد گشته وتأسیس یافته ودرتاریخ صدساله مشعشع این امر بدیع درآن اقلیم مقدس بی نظیر وسابقه است" در راس میقات معین که مقارن باقرن شهادت طلعت اعلی بوده انجام داده ورضای خاطرمولای رئوف راکه سعادت وافتخار وعزت دارین است تحصیل نموده اند. وجوه نورانیشان حقیقةً لمعه نوراست همگی بخدمات باهره موفق ومفتخرند یکی ازاماء موقنات مناجاتی درنهایت توجه وابتهال تلاوت نمود توجهی مخصوص حاصل شد وازآن مکان (سلماس) که قرب چهریق است و حافظ در اشعارخویش به بیت سلمی آنرا یادکرده وبرآن صد درود وسلام فرستاده است و در حقیقت بین "جبل" باسط و شدید میباشد تضرعات وتوجهات قلبیه دررد وجبل منعکس گردید ودرساحت قدس جانان نیز مؤثر آمد بغتةً بخاطرعموم گذشت راهی راکه جناب باب الباب ازمشهد نذرنمودند تاماه کوپیاده طی کنند ودر

بالای کوه بزیارت مولای خویش فائزگردند در پیش گیرند و محل تجلّی رب را در جبل که در قرآن حکیم وسفر کریم خداوند عالمیان به بیان "اذ تجلی ربك للجبل" وعده فرموده زیارت نمایند تلغراف منیع مبارکی هم که بمناسبت قرن شهادت از قلم معجز شیم مولای مجیب و مهربان باعزاز احبای ستمدیده ایران بواسطه محفل عنایت شده و در صدر آن ساعت و تاریخ ذکر گردیده است و تاحال همگی بزیارت آن دیده روشن نموده اند مقارن با همین وقت میباشد .

باری صدق قول امام علیه السلام که میفرماید "عرفت الله بفسخ العزائم" ظاهر گردید نائره ئی در قلوب جهت زیارت جبل باسط بر افروخت و عزم رحیل بصوب تبریز بدل باقامت درخوی وتهیه وسائل جهت احرام وزیارت ماه کو گردید . یاران مهربان خوی که مادام العمر یاد عزیزشان از یاد نرود ودر تحصیل این موهبت منت فراوان برما داشتند وسائل چنین سفر مبارکی فراهم نمودند بلطف وعنایت مخصوص نهایت محبت و مهربانی مرعی داشتند بعضی را آرزوی قلبی براینست که اگر موفق نشدند تمام مسافتی راکه بین جناب ملاحسین و طلعت اعلی فاصله بوده

پیاده طی نمایند اقلاً ازخوی تاماه کو بر اثر اقدام خادم باوفای جناب باب الباب مشی نموده ودرالتزام رکاب ایشان پیاده عازم شوند ولی افسوس که چنین فوزی نصیب نمیشود اکنون مقارن ساعت سه و نیم بعدازظهراست اتوبوس به صوب ماه کوبحرکت آمده بعضی ازیاران خوی نیز مرافقت نمودند وازمصاحبتشان اهتزازی موفورحاصل گشت . نظر مسافرین همه جا به پیشاپیش وخلف جاده است و جناب باب الباب و قنبرعلی را میجویند و در مراتب خضوع و محویت و روحانیت آن نفوس مقدسه مبهوت و متفکر رفته‌رفته اودیه وجبال طی میشود و مقصد نزدیك میگردد وبمسافت زیادی به‌ماه کوماندہ تمامی دشت و صحرا سیاه پوش و عزادار است گویا طبیعت جامه عزادربرکرده وعالم خلقت این محل رادربین نقاط کره ارض فرد پدید آورده است چه که فرسنگها به ماه کو مانده تمام صحرابوضع محزن ونامرتبی ازصخره‌های سیاه مهیب که از سیاهی مانند شفق برق میزند مستورگشته واین صخره ها گُرده ماهی وار سراززمین برآورده است و موجی ازاین سیاهی ولباس عزا قامت ناموزون صحرارا پوشانده وهم چنین صخره های مهیب عظیمی غول آسا ومستحفظ وار بطور غیرمرتب در خارج

وداخل تنگه بوضعی عجیب ایستاده است گویا عالم خلقت نیزدربند و حبس ومراقبت مسجون عالم و محبوب امم که بفرمودهٔ جمال قدم جل شأنه " مقصود ازدنیا وتعمیر آن ظهور اوبوده" کوتاهی ننموده است . اکنون منظرهٔ خروشان رودخانه ئی که دل سنگ راشکافته وازشدت جوش وخروش بسترخود رادردرون سنگهای خاراتاپنج شش متر عمق فروبرده است نمایان میشود چشمها باطراف نهر دوخته ومسافرین تاریخ نبیل رابیاد میآورند که علی خان ماکوئی شب قبل ازورود جناب باب الباب و خادم باوفایش که مقارن بالیل عید نوروزبود خواب دیده است حضرت رسول اکرم بایکی ازاصحاب باوفایشان نزدیك پل بطرف او میآیند وآن سید لولاك قصد دارند بماه کوتشریف بیاورند واز طلعت اعلی دیدنی کنند وعید نوروز رابآنحضرت تبریك و تهنیت گویند وهمینکه ازخواب بیدارگشته ازشدت فرح و سرور وضوساخته ونماز کرده است فاخرترین لباس خویش دربرنموده عطروگلاب زده وپیاده باستقبال شتافته است و بیکی ازنوکران خویش دستورداده سه رأس ازبهترین اسبها رازین ویراق نماید ودرنزدیك پل مهیاسازد و جناب باب الباب فرموده اند من نذر کرده ام تمام راه را پیاده به پیمایم وبقصد زیارت شخص جلیلی که دربالای کوه محبوس

است روان گردم وازاین جهت سوارنخواهم شد . اکنون هر چه سعی وتلاش میشود علی خان ووارد ین‌گرام مشاهـــــده نمیگردند ولی خاطره این حال‌تا حال قلوب صدهاهزار نفر نفوس رادرسراسرعالم بهائی منتعش نموده و خداوند عالـم است توجه چند بلیون‌بلیون‌نفوس رادرطول کور بهائی کـه بفرموده شارع مکرم این آئین مقدس اقلا پانصد هزارسال‌است بسوی‌این شطرمعطوف خواهد نمود .

هنوزدرتنگه هستیم ومنظره ماه کوظاهرنیست دفعةً در سر پیچ مختصری‌جبل باسط و شهر ماه‌کو در دامنه آن نمایـان میشود .

خواننده عزیز و مهربان باور فرما قسم بصاحب جبل که چنین‌منظره مخوف و موحشی درعالم وجود وجود ندارد و نفوسیکه درزوایای ارض گشته ودراقطارجهان سیر و حرکـت نموده اند تصدیق خواهند کرد که‌این جبل درعالم یکتا و فرید است همانطورکه مظلومیت طلعت اعلی‌هم بی‌مثل ونظیـــر بوده ومحبوب ابهی درمظلومیت ذات مقدسش درزیارتنامـه مبارکه شهادت داده اندکه " اشهد بأنّ‌ماراءت عیـــن الابداع مظلوماً شبیهك " بزعم علماودانشمندان ارض اگـــر کره خاك بفرض وتعبیری‌ازعالم شمس مجزا گردیده و طـی

د هور بیحد و شما رباین هیئت د رآمده باشد یقیناً ابر و باد
ومه وخورشید وفلك ازاول لااول همگی د ر کار بوده و جبل
ماه‌کو را بد ینسان برای حبس و بند واسارت طلعت اعلی
فراهم نموده اند . قلم وبیان ازعهده تجسم آن عاجز وهیچ
رسام ونقاشی‌هم قادرنخواهد بود منظره آنراکه گوئی از بد و
امربامظلومیت رب اعلی مربوط بوده رسم نماید مگر آنکه
خوانندگان عزیزد رایام حیات آرزو نمایند وموفق گردند بنفسه
بزیارت جبل ومحل سجن وتجلی رب فائزگردند واثرات عمیق
واحساساتی‌راکه ازاین زیارت برصفحه قلب منقوش خواهند
نمود ودرشبان تیر وتاروسحرگاهان مادام الحیوة بیاد
خواهندآورد برشته تحریر آرند ویاازبین‌متفنین واصحاب
ذوق نفوس زبردستی منظره وهیئت جبل و شهر و اطراف آنرا
بصورت مدل ومجسمه ئی‌بانهایت دقت وانگشت مهارت ترتیب
دهند ورنگ آمیزی نمایند تاشاید رشحی ازبحرمظلومیت
مبارك مجسم گردد . باری سخن باینجارسید که بلا فاصله
پس‌از انحرافی مختصرازجاده درداخل تنگه ئی که بین
کوه باچنان‌مناظرمخوف وموحشی قرارگرفته بجانب یمین منظره
جبل باسط و شهرماه کودرد امنه آن ظاهرمیشود . دراینجا
تنگه دربین جبل‌ماه کو و کوه دیگری‌که‌مقابل آن‌قراردارد

وسربرآسمان افراشته قدری وسیع میشود ویارد یگرمواجه با آخرین‌امتداد جبل ماه‌کو مجدداً تنگه بمثابه مخرجی تنگ وتاریك میگردد کأنّه ازاین‌وضع چاه و پل عمیقی بدست طبیعت ساخته شده است . رشته جبل بمنزله قوسی از نیم دایره بین مدخل‌ومخرج تنگه قراردارد ویاهیبتی بی‌نظیر سربعنان آسمان افراشته وبدون آنکه بماه اجازه عرض‌اندام و خود نمائی دهد باآن همسری‌مینماید . درطرفین این قوس عالم خلقت دوبرج وباروی عظیم قرینه یکدیگردرکوه قرار داده وارتفاع هریك رابکهکشان فلك رسانده است چنانچه از دور گوئی‌این دوبرج بهیئت دیده‌بان بر شدت مراقبت و بند واسارت مظلوم آفاق میافزاید ویابمثابه گلدسته ئی است که‌ندای حیّ علی‌الفلاح حیّ علی‌الفلاح " واشهد انّ علیاً قبل نبیل باب بقیة الله بلند نموده . شهرماه کودر داخل این‌قوسکه دهانه آن چند صد متراست از دامنه تا وسط کوه باشیب تندی قراردارد وراه کج ومعوج بسیارسراشیبی ازبین‌خانه‌ها ومنازل صعود ببالای کوه رانفس زنان وعرق ریزان میسرمیسازد اگرچه ازقافله ئی‌که ازخوی بعزم زیارت کوه عزیمت نمود برای‌یکی دونفرازشدت سراشیبی وناهمواری راه امکان‌وصول‌بآخرین‌نقطه‌که‌محل‌سجن طلعت اعلی است

میسر نگردید وزیارت خویش را در وسط طریق انجام دادند که شاید هم اقرب به حرمت و عبادت بوده است . سجن محبوب اعلی چنانچه در توقیع محمد شاه میفرمایند در وسط کوه است و از آن نقطه محلی اعلی و اجل در کوه موجود نیست باین معنی که شیب جبل در وصول بسجن مبارک بالّمره تمام میشود بطوریکه بالاتر از آن نقطه حتی شبری ارض هم که بتوان برروی آن محلی ساخت ویا سکونت نمود وجود ندارد و از آنجا بقله بجای آنکه مانند حصاری رفیع کوه مستقیماً سر بعنان آسمان زند تمامی کوه بعرض تمامی دهانه قوس مانند چتری هلال وار سر بآسمان کشیده وسجن مبارک را بمثابه سقفی در پناه خود قرار داده است بنحویکه برف وباران را در آنجا قدرت نزول نیست وستاره وماه را جرئت جلوه گری وخود نمائی نه و از مواهب طبیعی وطراوت هوا اثری جز صولت برد و شدت گرما در سجن مبارک مشهود نه چه که در ایام صیف قلعه و کوه تمامی حرارت شمس را چون آئینه مقعر جذب واقتباس مینماید وشبانگاه هم که عالمی در بستر راحت غنوده مجدداً حرارت را تا صبحگاهان منعکس میسازد ودر شتاء برودت بدرجه ایست که قطرات آب وضو از شدت سرما در صورت هیکل مبارک منجمد میگردیده . اینجاست که

" سلطان سلاطین عشق در دست رعایای ظلم مظلوم وحمامهٔ قدسی در دست جغدان گرفتار" گشته برج و باروئی که درطرفین دامنه کوه بدست طبیعت قرارداده شده است اکنون گوئی بادقت بیشتری بدیده بانی مشغول است و تامحاذی قله ازمراقبت مسجون خویش دریغ ندارد شکاف عظیم وهائل وعمیقی ازقله کوه محاذی باسجن مبارك تادامنه بوضعی محیّرالعقول بمثابه خیط سیاه وغیرمنظمی بلا انقطاع باهزاران ذرع امتداد درکوه پدیداراست که گوئی نشانه قهروغضب الٰهی است ویاآنکه حق جل جلاله اراده فرموده است جبل رابرسرعالم طبیعت و جهان و جهانیان فرودآرد ولی ازجهت دیگرماه کو و سجن مبارك بایدالی ابدالاباد باقی وپایدارباشد تاساکنین ارض در ممر دهوروا عصاررمزی ازمصائب و بلایای ظلمت اعلی رادرك کنند . اینست که قوهٔ جاذبه زمین هم اثری درفرودآوردن کوه‌که بمنزله سقف مقعری‌است وبی عماداستوارگشته ننموده وسجن و کوه همچنان برجای خود باقی وبرقرارمانده است نظیراین شکاف نیزبه تناسب بنای ارك که سجن حضرت درتبریزبوده مشاهده میشود .

اکنون که ازوصف جبل‌ماه کوپلسان کلیل فراغت یافته

بذکر زیارت آن مقام رفیع وقت عزیزخوانندگان عزیز رادقیقه‌ئی چند مصروف میسازد . زائرین جبل که بادونفرازمهاجرین عزیز ماه کونیزمنضم گردیده مقارن غروب آفتاب به پای کوه رسیده درصددند خود راقبل ازفرارسیدن ظلمت شب به بالای جبل برسانند ومقصود دل وجان فائزگردند بازیادجناب شیخ حسن زنوزی ازیاد نمیرود که برای نبیل حکایت نموده که در حین نزول آیات لحن زیبای مبارك در دامنه کوه بگوش میرسید وصدای آن بزرگوارمنعکس میگردید چه نغمهٔ زیبائی بود و چه لحن مؤثر روح افزائی . گوشها مشتاق ومنتظراست که آن لحن دل آرارا استماع نماید ورنّه ملکوتی راکه درجبل منعکس است بشنود پس ازمدتی از پیچ وتاب کوه بقرب منزلگه دوست رسیدیم اینجا یگرمصلی است و پای قلعه قراردارد از دل کوه و زیرقلعه اشك حسرت واندوه جاری است و بشکل ماء لطیف گوارائی برگونه صخره ئی عظیم سرازیرمیشود عبرات و زفرات رادرخود حل مینماید وماء طاهری ازبرای وضومناسب باچنان مقام مقدسی بدست میدهد رفقا بسیارسعی ومراقبت مینمایند مبادا آن ماء عذب لطیف غبارآلود شود .

حال پله های قلعه ظاهراست ودرهرپله حنین قلب وفوآد متصاعد اینجا یگرسجن صاحب الامر والزمان است

محلی است که ملیك آفاق راکه میفرماید " مالکم کل موجود و و مفقود را بتملیك حی معبود " باسارت آورده اند وآثار غرفه ها وحجره های مبارك ومستحفظین ظاهر و پدیدار گوئی صوت محزن و رنّان حضرت رب اعلی که در اعماق قلب مؤثربوده درکوه طنین انداز است وآیات مبارکه منزله خطاب به محمد شاه که ازهمین محل نازل گشته بگوش جان استماع میشود که میفرماید " قسم بسید اکبرکه اگربدانی درچه محل ساکن هستم اول کسیکه برمن رحم خواهد کرد حضرتست میبود دروسط کوهی قلعه ایست درآن قلعه ازمرحمت آن حضرت ساکن واهل آن منحصراست به دونفرمستحفظ وچهار سگ حال تصورفرما چه میگذرد . جمیع خاضعاً مبتهلاً متضرعاً غرف قلعه رازیارت مینمائیم واز تراب آن مقام مقدس تیمن وتبرك میجوئیم باتلاوت بعضی ازآیات ازجمله خطاب حضرت بذات مبارك " یا قرة العین انك انت النباءالعظیم " و " یا بقیة الله قد فدیت بکلی لك ورضیت السب فی سبیلك وماتمنیت الّا القتل فی محبتك " اظهارامرمبارك وآرزوی شهادت آن حضرت رادرنظرمیآوریم زیارت نامه مبارك تلاوت میشود ودرآن تاریکی وظلمت شب بیاد میآید که حضرت رب اعلی برحسب ظاهر

لیالی مبارك را در آن جبل بظلمت گذرانده وحتی یك شمع هم نداشتند .

قلوب بی نهایت متاءثر است و محزون و پرخون ناگاه تسلی خاطری بهم میرسد وبیان اکید مبارك حضرت نقطه اولی خطاب به ذات مبارکشان درنظرمجسم میگردد که " اصبر یا قرة العین فانّ الله قد ضمن عزّك فی البلاد و من علیها " قلب روشن میشود گویا ازهرکرانه افق تابش نورخیره کننده ئی ظاهروهویدا است . طلعت اعلی که دراین محل آیات لا تعد ولا تحصی نازل فرمودند دربحبوحه سجن وابتلاء بدون آنکه توجهی به حبس واسارت خویش فرمایند اراده مطلقه محیطه خود راکه " قوای من علی الارض مقاومت نتوانند " جاری ونافذ فرموده درکتاب مستطاب بیان که ازهمین جبل وازدرون همین تنگنای تاریك نازل شد اشاره بعزّت وجلال خویش فرمودند وبه بشارت نظم بدیع عالم وجود رابخلعت هستی مفتخرومخلّع فرمودند وعلو مقام و عظمت وجلال سرمدی خویش را با طلوع نظم بدیع مقرون ساختند .

درو سط این کوه اکنون مظلومیت مظلوم آفاق مجسّم است ودرقلب کوه دیگرکه گویا اکنون هردو برابریکدیگرقرار دارند و نقطه مقابل یکدیگرند مجد و عظمت و سلطنت و قدرت رب

ظاهر و آشکار است و سرور و مولی و محبوب اهل بها حضرت غصن ممتاز المنشعب " من کلتی الشجرتین المبارکتین " برما وهرد وکوه ناظر این دو کوه یکی جبل ماه کو است و دیگری محل استقرار عرش اعلی که ازهزاران سال قبل بلسان انبیای الهی به کرم ئیل نامیده شده وحضرت رب العزة آنرا بخود منسوب فرموده است و با مروارادہ واشاره اب آسمانی ازبرای استقرار عرش اعلی وتاٴسیس نظم بدیع تخصیص یافته است . و چون این سخن بمیان آمد ودرماه کوو سجن مبارك جبل کرمل درنظر مجسم گردید بی مناسبت نیست توجه خویش را بآن نقطه که آرامگاه ابدی مظهر وحدانیت و فردانیت الٰهیه و مبشّر نظم بدیع است معطوف داریم تا ملاحظه شود که چگونه آن مظلومیت وشهادت وقبول سجن وابتلاکه بفرموده حق سبحانه وتعالی " نظر بخلاصی اعناق است ازسلاسل نفس و هوی " بعزت بیمنتهی تبدیل گشته وچگونه محبوب ابهی که طلعت اعلی در سبیل محبتش تمنای قتل نمود وبکلی جان فدا فرمود تحقق مواعید الهیه راکه بلسان انبیاٴ ورسل ازهزاران سال قبل اخبار گردیده باستقرار عرش طلعت اعلی درجبل کرمل موکول داشت ومربوط فرمود وبا مرواشاره مبارکش هیکل رب بدست غصن اعظم برومند بهابنا گردید وتحقق مواعید نازله در لوح مبارك کرمل را

ببازوی توانا وکف کفایت " ابدع جوهرة فریدة عصماء " ولیّ امر بدیعش بسپرد .

خوانندگان عزیز حال که اجازه میدهید رشته سخن را قطع ننمایم وحوصله نموده ایداین سطور را مطالعه نمائید بهتر آنست مرا رهنمائی نمائید کدام طریق را در زیارت مدینة الله نازله ازسما که در لوح کرمل اشاره بمقام طلعت اعلی شده وجمال اقدس ابهی صهیون را بطواف آن خواندند ما برگزینیم آیا راهی را در پیش گیریم که ازسما فرخانه یعنی منزلگه محرمین کعبه وصال بمقام اعلی منتهی میشود وبنام بانی آن به جعفرآباد تسمیه شده وبفرموده حضرت مولی الوری حا فظ در اشعار خویش بآن اشاره نموده است که میان جعفرآباد و مصلی عبیرآمیز میآید شمالش یا چنانچه در جبل ماه کومقدمة بتماشای کوه پرداختیم اینجا هم منظرهٔ مقام اعلی را از دور زیارت نمائیم وهردو کوه را با هم مقایسه کنیم تصور مینمایم قارئین ارجمند هم با نگارنده در این باب هم آهنگ باشند وترجیح دهند که زیارت خود را بهمان طریق شروع نمائیم وبهمان سبك هم مغرب آفتاب را که بهترین موقع استجابت دعا است اختیار کنیم .

حال اگر طالع مدد نماید وفضل بیمنتها یش معین وظهیر

گردد و ذیل طاهر والتزام رکاب مبارک غصن ممتاز بهانصیب شود آن زمان دست من و دامان دوست درآن مرج مصفای حیفاکه دشت وصحرا چون نوعروس زیبا بانواع درر ولئالی آراسته وبابهی طرزی خود رامهیّای نزول اقدام محبوب نموده است آمد ازهرگلبنی زانشاخسار بر قدوم شـــه هزاران گل نثار مانیز دیده ناقابل رامو طئ اقدام محبوب نمائیم وازباده وصال سرمست گردیم وبملاحظه مشی وخرام مبارکه براستی "اگر دیده بصیرت عباد باز بود همه راکافی بود "برجهان وجهانیان فخرومباهات کنیم درمراجعت ازدشت و چمن وفراغت ازتماشای بر و بحـــر درحین غروب آفتاب که اولین منظره کرمل "قلب عالم" و درآن میان قلب کرمل مقام اعلی ظاهرمیشود مشاهده مینمائیم طبقات مقام اعلی چون مشاعل نور از دور ظاهـــر وهردم باچشمان دلفریب دربرابر بانی محبوب خود جلوه‌گری مینماید ذات اقدس مبارک همایون غصن دوسدره مقدســه ربانیه دراولین نظاره این دلبری راباوجه بسیم و شعـــف بی نظیرترحیب گفته صوت ملیح رنان مبارک درآن دامنـــه بلند میشود که "طبقات من النور نورٌعلی نور" واین نغمـــــه جانفزای ملکوتی دردشت وصحرا و بر و بحر منعکس میگردد

سبحان ربنا العلی الاعلی که درمقابل آن ظلمت و تاریکی که طلعت اعلی درجبل ماه کو حتی یك شمع هم نداشتند اکنون طبقات مقام نور علی نورو جبهه مقام قطعه نوراست و تمامی کوه چون جبهه مقام یك پارچه نورخواهد شد گویا این دو جمله ازصوت دلربای حضرت عبدالبهادراینجا موافق حال ومناسب مقال باشد " مژده باد مژده باد صهیون در رقص است مژده باد مژده باد ملکوت الهی پر شور و وله است "

دیگربجای اینکه نفس زنان وعرق ریزان از جادهٔ تنگ ومعوج وخسته کننده جبل ماه کو صعود نمائیم ودراثنای طریق قدرت حرکت از دست دهیم اینجا درهرطبقه درمیان حدائق غلبا وتماشای مناظر زیبای بر وبحر وتأسیسات بدیعه ئی که حضرت ولی امرالله انشاء فرموده ومیفرمایند درحالیکه در جمیع طبقات بفواره‌ها آراسته ومعنی جنت درظاهروباطن مجسم است قرارخواهیم گرفت ودرآن هوای روح افزا درهرطبقه بمیزبانی یکی ازحروف حی هرنوع متاعب وآلام رافراموش خواهیم نمود .

طلعت اعلی اکنون بجای وسط کوه ماه کود رقلب بستان الهی (کرم ئیل) مقابل محبوب ابهای خود من یظهره الله قبله اهل بهاآرمیده حامل امانت الهیه حضرت عبدالبهاء

ارواحنالرمسه الاطهر الفدا نیزکه باحالی پریشان مولوی
مبارك ازسربرداشته ودرحالیکه زارزارمیگریستند و سیل دموع
برمحاسن مبارك جاری بود آن لؤلؤ مکنون رادرقلب کرمل قرار
دادند حال موقةً درکنارشان آرمیده اند انیس حضرت اعلی
نیز از محبوب خود جدانشده درجوارشان مراقد مبارکه حضر
ورقه مبارکه علیا وبرادر و امّ و حرم عبدالبهاء قراردارد .
تذکاری ازحروف حیّ مبارکشان بترتیب ازدامنه کوه تامقام
مبارك نه طبقه وبروفق هندسه بدیعی که مولای محبوب ترتیب
داده اند ازمقام تاقله نه طبقه دیگر حرف تاسع عشر
مجمع الهیاکل راا حاطه نموده وخواهد نمود . شوقی عبدالبهاء
ارواح المشتاقین للقائه الفداکه ازایام طفولیت مفتون طلعت
اعلی بوده وآنحضرت رادرخواب دیده اند وبه حضرت ربانی
سمّی طلعت اعلی موصوف گردیده وازشوق دیدارشان جان بر
لب آمده است قدنازنین بر ارتفاع مقام مبارك علم فرموده
هندسهٔ طبقات راتنظیم نموده حدائق غلبا آراسته سه
حجره بهمان وضع واساسی که حضرت عبدالبهاء بنافرموده
بودند برشش حجره مقام اعلی اضافه فرموده واکنون جملگی
راچون لؤلؤ مکنون درصدف ایوانهای حول وطارمی تزیینی
فوق آن که بوسام ذهبی اسم اعظم مزین است محفوظ داشته

وبر عرض و طول وارتفاع مقام مبارك بوضعی که برادران و خواهران عزیز در تلغرافات منیعه مبارکه زیارت نموده اند افزوده اند . محفظه آثار بین المللی راکه جمال اقدس ابهی قریب باین مضمون وعده فرمودند که "عنقریب نفوسی مبعوث خواهند شد وآثارالله را باحسن طراز حفظ خواهند نمود" بابدع طراز ترتیب داده شمایل طلعت اعلی راکه در رارومیه تصویرشده بود وبشرف لحاظ جمال ابهی فائز گشت باالبسه وثوب وپیراهن خونین مبارك در محفظه قرار داده یك نسخه ازشمایل وحلقه شعرات مبارك راازآن مقام پرانواربمشرق الاذکارامریکاکه بدست حضرت مولی الوری اساس آن نهاده شد ودرایام ولایت الهیه باتمام رسیده است بعنوان ابهی تحفه ارسال داشته و وعده فرموده اند یك نسخه ازآن شمایل مبارك رانیزهمینکه مشرق الاذکارایران بنیان شود بعهد امرالله ارسال فرمایند درحول مقام اعلی موقوفات بین المللی بهائی تاءسیس فرموده آثارمقدسه طلعت اعلی را نشرداده مقام مبارك رادررساله (کور بهاء الله

Dis-pensation of Baha'u' llah

تبیین وبلند نموده وباترجمه تاریخ نبیل وقایع آن ایام را در سراسرعالم منتشرفرموده اند قرن بعثت وشهادت حضرت

نقطه اولی را در جمیع اقطار جهان بر پا داشته الوف الوف بر دلدادگان طلعت اعلی در صدا قلیم افزودند وهمچنان هردم در بند اقالیم دیگر میباشند .

رافع مقام اعلی در این ایام مساعی مبارك را صرف ارتفاع مقام آنحضرت نموده سنگهای مرمر و احجار صلبه ثمینه نفیسه که کره ارض در طی دهور واعصار بیحد وشمار در رحم خویش برای ارتفاع چنین مقام رفیع البنیانی پرورده است بلون طبیعی خضراء وحمراء که رمزی از نسب و شهادت طلعت اعلی است بکار برده هم اکنون ایوانهای حول وتزیینات فوق آنرا بنحوی که مدل وهندسه زیبایش در آئینه جهان نمای بهائی کتاب عالم بهائی " مطبوع است بپایان رسانده وشب و روز ساعی وجاهدند که پس از ارتفاع بنای فوقانی قبه ذهبیه مقام اعلی را نصب فرمایند تا انوار الهی از آن مطلع انوار بر عالم و عالمیان ساطع شود "واهل بهاء" مذکور در لوح مبارك کرمل بظهور آید . " سفینة الله بر کرمل جاری شود و احکام الهی براهل ارض نازل گردد . خیمه رب الجنود برفراز کرمل افراشته شود نظم بدیع الهی آشکار گردد وبیت العدل عمومی در جوار مقام اعلی وقرب مرقد حضرت ورقه مبارکه علیا ومراقد مبارکه تاءسیس شود ومصداق " اذا تری الارض جنة الابهی" بشهود آید

حال وقت آنست که به باغچه های مقام درآئیم و در جنائن کرم الهی به تمشی وتماشا پردازیم و " حقائق اسرار عشق را ازشقایقش " جوئیم " قرّت ابصارالّذین هم دخلوا فیه آمنین " وبرای العین مشاهده نمائیم که " گلزار مقام مبارکش نزهتگاه عموم ازطبقات و طوائف مختلفه گردیده " وباغچه ها وحدائق معلّقه طوری مقام را احاطه نموده است که اسلوب و طراوت و خضارت آن بشهادت اغیار در ربیع مسکون نظیرندارد و از عجائب سبعه جدید بشماراست و هندسه ونظام آن باارسال یك جلد کتاب تاریخ نبیل عنایتی مبارك نیکلای معروف راکه طالب علّو مقام اعلی بوده بنحوی که خود دررسالهٔ شهادت مستشرقین شهادت داده است بوسیدن دست حامل پیام مبارك راجائز شمرده مفتون نموده دل زاغیار جدا برده واز یار جدا ودرمحضر مبارك پس ازخلع نعلین ومشگبیزشدن بگلاب ازید ولی امرچنین ظهور منیع وبدیعی که " باکمل صورة و اعظم موهبة و اتم کمال " قیام فرموده وتلئلاء وجه صبیحش بنحوی است که بر وفق بیان حضرت مولی الوری " یتلئلاء وجهه تلئلاء یتنور به الا فاق " درداخل مقام ملاحظه خواهیم نمود که صوت دلربای رنّان مبارك همایون غصن ممتازالهی بلند است که " الثناء الذی

ظهر من نفسك الاعلی والبهاء الذی طلع من جمالك الابهی"
اینکه می بینم به بیداریست یارب یا بخواب "صلّ اللهم
یاالٰهی علی السدرة و اوراقها و اغصانها . . . بدوام اسمائك
الحسنی وصفاتك العلیا " واگرناظر گل افشانی مبارك بر
آستان حضرت رب اعلی گردیم ملاحظه خواهیم نمود که
چگونه مولای بیهمتا با نثار گل و گستردن بنفشه بر روی عتبه
مظلوم آفاق تعلقات شدیده قلبیهٔ خود را ظاهر مینمایند
دیگربجای اینکه ازجبل ماه کو ناله طلعت اعلی از قلب حزین
بقوله الاقدس الاعلی بلند شود که " دراین جبل فرد مانده ام
وبموقفی آمده ام که احدی ازاولین مبتلا نشده و احدی هم
ازمذنبین متحمل نشده " بااین فتوحات عظیمه وتاءسیسات
بدیعه منیعه گویا حزن خاطرمبارك رفع گردیده و لحن
جانفزای مبارکشان ازخلال آیات کتاب مستطاب بیان بلند
است که " طوبی لمن ینظر الی نظم بهاءالله و یشکر ربه "
زیرا دیگرحضرت نقطه اولی دراین جبل فرد نیستند وعلاوه
برآنکه " جمیع اهل عالمین وهیاکل خلد برین طائف حول
آن" مقام مقدس اند عواطف و احساسات بهائیان درسراسر
کره ارض نیز از انکوراج آلاسکا تا مجیلانس ودرشرق و غرب
درظل عنایات مبارك همایون غصن سدرهٔ طور درهر دم و

وآن نثار بارگاه مجد وعظمت طلعت ربوبیه است وحضرت ولی امرالله شب و روز ساعی وجاهد ند که نبوات حضـــــرت عبدالبهاء راکه قریب باین مضمون شفاهاً از فم اطهر صادر شده که " می بینم کشتیهای سلاطین عالم دراسکله حیفـــا ایستاده پیاده میشوند وسر و پا برهنه باگلدانهای مرصع بر دوش روبمقام اعلی میآیند " ظاهر فرمایند وآنچه راازقلم عـزّ بنفسه الاقدس درالواح مقدسه نازل فرموده اند تحقق دهند که " من بعد چون اجل محتوم در رسد نفس این سلاطیـن ورؤساء جمهور خود اقتدا باین نصرت دهندگان امرالهی نمایند وپابمیدان گذارند وتاج سلطنت فانیه را بر خـــاك اندازند واکلیل مرصع عبودیت صرفه محضه بحته را بر ســـــر نهاده ودرصف اول مبلغین درآمده باموالهم وارواحهم و مـا وهبهم ربهم به تبشیرونصرت پردازند وبعدازاتمام دوره خدمات باین اراضی مقدسه شتابند و خاضعاً خاشعاً متذللاً منکسراً طواف مقامات مقدسه کنند وصوت تهلیل وتسبیـــح وتمجید رابعنان آسمان رسانند وبزرگواری این امرعظیم را بـر جهان وجهانیان مکشوف و مبرهن سازند . " اگرچه آثـــار وعلائم این بشارات و وعود محتومه باشوق واشتیاقی که درعلیـا حضرت ملکه رومانیا بزیارت مقامات مقدسه درنتیجه همـــت و

وخلوص قرّة عیون اهل البها مبلغهٔ شهیره امرالله میس مارثاروت پدید آمد وآن ملکه نیك اختر باین عزم و نیت بمدینه منوره حیفا ورود نمود ظاهر و عیان گردید .

دیگر ای خواننده عزیز اگر در پایان چنین زیارتی لسان قاصر این بنده ذلیل از ادای شکرانه عاجز است یقین دارم شما قارئین ارجمند با آن قلوب صافیه و طینت پاك صوت تهلیل و تکبیر را بفلك اثیر خواهید رسانید وجملگی به عبودیت و بندگی چنین مولای رئوف وبیهمتائی فخر ومباهات خواهیم نمود وصدق بیان مبارك حضرت مولی الوری که میفرماید " طوبی لمن استظل فی ظله الممدود علی العالمین " ظاهر خواهد شد و در هر دقیقه وآن شکر الطاف و عنایات مبارك بجای خواهیم آورد که بمنّه و الطافه در تحت لوا و تمسك بحبل ولایش از زاکبین سفینه حمرا محسوب گشته ودر ظل فضل و رحمت بی منتهایش غنوده ایم. درپناه غصن ممتازم چه غم دارم خوشم .

حال آیا سزاوار نیست بپاس این عنایات ندای مبارك راکه ازخلال تلغراف مقدس منیع در باره ارتفاع مقام اعلی بلند است اجابت نمائیم و چنین موهبتی راکه درگردش عالم تا حال نصیب احدی نشده مغتنم شمریم و بنحوی از انحاء

باکمال شعف و از روی اشتیاق بروفق مقاله شیوای حـــرم مبارك امة البها روحیه خانم درباره تقدیم تبرعات باتقدیـــم درهم ودینارنا قابل دراین مسابقه روحانی درسبیل ارتفاع مقام مبارك بریکدیگرسبقت جوئیم و دراین مشروع مقدس که اعظم واقدس وابهی مشروعات بهائی است شرکت کنیـــــم برگ سبزی از پیش به ریاض ابدیه خویش فرستیم ودرایـــن جهان بی وفا و محنتکده سراسر رنج وابتلا که جز وجـــــه محبوب همه چیزش فانی وهالك است و عنقریب است که ازما اثری باقی نیست دراین دورمبارك وفرخنده ایام بیمثال ولیّ امرالهی ذکرخیری‌بدوام مجد وعزت رب واستوای رحمـــن برعرش ظهورا قلّا برای پانصد هزارسا ل برای خود باقیات صالحا ت باقی‌گذاریم وبندگی وعبودیت خویش رابحضـــرت نقطه اولی و ولیّ امرالله رافع مقام اعلایش ثابت واظهارکنیم "ربنا افتح علی وجوهنا ابواب السعادة والرخاء " والاّ بفرموده حضرت عبدالبهاء " حق وبندگانش مستغنی ازکائنات بوده والله غنی عن العالمین " پس چه خوش است که بر وفق بیان طلعت اعلی مصداق این آیه مبارکه گردیم که " طوبی لمـــن یجری‌الخیر من یدیه "دیگر تاچه کند همت والای ما ."وعلمه بحالی کفی عن مقالی ."

ملاحظـــــه : آنچه ازآیات و الواح مقدسه طلعت اعلی وجمال اقدس ابهی وحضرت مولی الوری وحضـــرت ولی امرالله جل ذکرهم الاعلی دراین شرح مسافرت اقتباس گردیده بین الهلالین قرارداده شده است .

فهرست مطالب

شماره ردیف	موضوع	شماره صفحات
۱	قسمتی از خطبه اولیّه الواح مبارکه وصایا	۳
۲	راجع بمقام حضرت ولیّ امر الله و بشارات کتب مقدسه والواح مبارکه	۴-۱۲
۳	تاریخ تقریبی و شرح نزول الواح مبارکه وصایا	۱۲-۱۴
۴	انتقال عرش مطهّر حضرت اعلی به ارض اقدس و ابتیاع و خرید زمین و ساختمان مقام اعلی	۱۵-۱۸
۵	راجع بعظمت مقام و اهمیّت اقدامات حضرت ولیّ امر الله	۱۹-۲۰
۶	ترجمه حیّا حضرت ولیّ امر الله باختصار از حین ولادت مبارک و خاطرات اشخاص زیادی از احبّا راجع بحضرتشان	۲۱-۵۵
۷	دوران تحصیل حضرت ولیّ امر الله در بیروت و خدماتشان .	۵۵-۶۰
۸	داستان جناب جراح سبزواری راجع به حضرت ولیّ امر الله .	۶۱-۶۲
۹	داستان جناب حاج شاه خلیل الله راجع بحضرت ولیّ امر الله	۶۳
۱۰	داستان جناب محمد تبریزی راجع بحضرت ولیّ امر الله	۶۴
۱۱	داستان جناب دکتر حبیب مؤیّد	۶۵-۶۷
۱۲	عریضه حضرت ولیّ امر الله از بیروت بحضرت عبدالبهاء	۶۷-۶۸

شماره ردیف	موضوع	شماره صفحه
۱۳	مراجعت حضرت ولیّ امرالله (۱۹۱۸) به ارض اقدس	
	وخدمات مبارک در محضر حضرت عبدالبهاء	۶۸-۷۰
۱۴	نقل بعضی مطالب از یادداشتهای حضرت ولیّ امرالله	۷۰-۸۵
۱۵	رستخط های حضرت ولیّ امرالله به ایادی امرالله دکتر اسلمونت	۸۵-۸۸
۱۶	مسافرت حضرت ولیّ امرالله برای معالجه به فرانسه	۸۹-۱۰۰
۱۷	مقدّمات ورود حضرت ولیّ امرالله بدانشگاه در اکسفورد	۱۰۱-۱۰۶
۱۸	ورود حضرت ولیّ امرالله بدانشگاه بالیول اکسفورد	۱۰۶-۱۲۰
	وخاطرات همدوره‌ئیهای مبارک	۱۲۱-۱۲۴
۱۹	بعضی از مشاغل مبارک در دوران تحصیل در دانشگاه	
۲۰	مسافرت حضرت ولیّ امرالله به منچستر وملاقات با احبّا	۱۲۵-۱۳۷
۲۱	لوح مبارک حضرت عبدالبهاء بافتخار احبّای منچستر	۱۳۷-۱۳۸
۲۲	خاطرات احبّای منچستر از مسافرت حضرت ولیّ امرالله	۱۳۹-۱۴۳
۲۳	دستور حضرت عبدالبهاء راجع به تجهیل املاک امری	
	بنام حضرت ولیّ امرالله	۱۴۳-۱۴۴
۲۴	لوح مبارک شرق وغرب حضرت عبدالبهاء	۱۴۵
۲۵	وصول خبر صعود مبارک حضرت عبدالبهاء به	
	حضرت ولیّ امرالله وحرکت مبارکش به ارض اقدس	۱۴۶-۱۵۵

شماره ردیف	موضوع	شماره صفحه
۲۶	وقایع بعد از صعود حضرت عبدالبهاء در ارض اقدس	۱۵۵ - ۱۵۸
۲۷	ورود حضرت ولیّ امرالله به ارض اقدس و نقاهت مبارک از شدّت تأثّر	۱۵۹ - ۱۶۳
۲۸	قرائت الواح وصایا با حضور عدّه‌ای از احبّاء جلسه روز چهلم صعود	۱۶۳ - ۱۶۷
۲۹	اولین توقیع مبارک در دوران ولایت	۱۶۸ - ۱۶۹
۳۰	صدور توقیعات عدیده با فتخار احبای شرق و غرب و اجراءات سائره	۱۷۰ - ۱۷۴
۳۱	فتنه ناقضین و گرفتن کلید روضه مبارکه از خادم آستان مبارک و خسران ناقضین	۱۷۴ - ۱۷۶
۳۲	مهاجرت اولیه حضرت ولیّ امرالله و اداره امور امرالله از طرف حضرت ورقه علیا	۱۷۶ - ۱۷۹
۳۳	اولین دستخط حضرت ورقهٔ مبارکهٔ علیا بعد از مهاجرت حضرت ولیّ امرالله و توقیعات عدیده دیگر با فتخار احبا	۱۷۹ - ۱۹۰
۳۴	شمه‌ای از مستخرجات جناب دکتر فروغ بصّاری	۱۹۱ - ۱۹۵
۳۵	قیام عاشقانه احبا بخدمت امرالله در مدت مهاجرت مبارک	۱۹۶ - ۱۹۹
۳۶	مراجعت حضرت ولیّ امرالله بارض اقدس و صدور توقیعات عدیده با فتخار یاران در شرق و غرب	۱۹۹ - ۲۰۲

شماره ردیف	موضوع	شماره صفحه
۳۷	استقامت احبا و خذلان و یأس ناقضین	۲۰۳
۳۸	مهاجرت ثانوی حضرت ولیّ امرالله	۲۰۴ - ۲۰۷
۳۹	مراجعت حضرت ولیّ امرالله به ارض اقدس	۲۰۸ - ۲۱۰
۴۰	اقتران حضرت ولیّ امرالله با امة البهاء روحیه خانم	۲۱۰
۴۱	اساس عقاید اهل بها طبق توقیع مبارک (دور بهائی)	
	و الواح و توقیعات دیگر	۲۱۴ - ۲۱۸
۴۲	مقام مقدس ولایت امر	۲۱۹ - ۲۲۸
۴۳	پیشرفت امر مبارک در دوران حضرت ولیّ امرالله و تسمیه حضرات ایادی	۲۲۹ - ۲۴۲
۴۴	فهرست وقایع مهمّه دوران ولایت امر	۲۴۳ - ۲۴۵
۴۵	نقل قسمتی از توقیعات مبارکه سنوات ۱۰۸ - ۱۱۰ - ۱۱۱	۲۴۶ - ۲۶۳
۴۶	مقدّمه خاطرات تشرف مؤلّف	۲۶۴ - ۲۶۷
۴۷	شرح وقایع تشرف دفعه اول به تفصیل و شمه‌ئی از تشرفهای بعدی	۲۶۸ - ۳۲۹
۴۸	نبذه‌ئی از خاطرات مؤلف از وقایع امری	
	مانند مهاجرت احبا و تشکیل محافل محلّی و ملّی و ناحیه‌ای	
	و بیت اعظم و ساختمان مقام اعلی و جشن‌ها و	
	کنفرانسها و دستورات مبارکه حضرت ولیّ امرالله	

شماره ردیف	موضوع	شماره صفحه
	بقیه شماره ۴۸	
	واقدامات و مجهودات هیئت مجلله ایادیان امرالله	۲۴۰-۲۵۸
۴۹	زیارت مشهد حضرت ربّ اعلی در تبریز و اماکن متبرکه رضائیه و ماکو و ملاقات احبای تبریز و سیسان و سایر نقاط و مقایسه جبل کرمل و جبل ماکو در سنه قرن شهادت حضرت اعلی.	۳۵۹-۳۹۷

لطفاً اغلاط زیررا تصحیح فرمائید

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۷	۷	یحرّن	یخرّن
۱۷	۱۱	تمجّد	یمجّد
۱۹	۱۸	بـ بر	باثر
۲٤	۱۰	—	حذف شود
۵۲ (ضمیمه)	۱۱	باز	بار
۸۲	۱۹	خودر'	خودرا
۱۰۰	٤	پاَت	پاکت
۱۳۱	٦	عرض	عرض شود
۱۳۱	۱۱	به آخرمنچسترعلامت (") اضافه	
۱۳۲	۷	نمودند	نمود
۱۳۸	۸	عنـ یـ رموده	عنایت فرموده
۱۶۳	۱۷	صهر	ظهر
۱۸۵	۱٦	یقین اسث	یقین است
۲۰۰	۱	بعدازمقرنوراعلامت (،) زایدایست	
۲۲۲	۱۱	بعدازتغییریابدعلامت (") اضافه شود	
۲٤۸	۹	اغضای آن	اعضای آن
۲۵۲	۲	محبـی	محیـی